

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

علمی - ترویجی

سال شانزدهم، شماره ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت (دافوس)

مدیر مسئول: دکتر بهرام حسینی مطلق

سر دبیر: دکتر محمد باقر بابائی طلائی

مدیر اجرایی: حسن احمدی

اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر محمدباقر بابائی دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)^(ع) دکتر عباسعلی سلمانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)^(ع)
دکتر محمد بیگلری استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)^(ع) دکتر سیده محمودرضا شمس دولت آبادی استادیار دانشگاه دفاع ملی
دکتر محمدرضا خراشادی زاده استادیار دانشگاه دفاع ملی دکتر اسماعیل کاووسی دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر محمد جواد سبحانی فر دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)^(ع) دکتر قدیر نظامی استادیار دانشگاه دفاع ملی

همکاران این شماره به ترتیب:

محمدباقر بابایی، بهزاد قاسمی، حسین حسینی، احمد زارعان، سید محمودرضا شمس دولت آبادی، محمد مبینی، احمد غلامپور، محسن نوذریان، محمدجواد سبحانی فر، حسن بیات، عباسعلی سلمانی، محمد بیگلری، مجتبی اسکندری، سیاوش نصرت پناه، احمد باصری، محمدرضا بشارتی، مهدی ناظمی اردکانی، حجت الله مرادی، حمیدرضا قریشی، ابوالفضل پاسبان، اکبر محمدعلیزاده، مهدی زروندی، غلامرضا علاماتی، حسین باقری، حسن رستگاریناه، حسن ابوطالی.

ویراستار: دکتر ابوالفضل سعیدی

مترجم: دکتر قاسم قنبری

نشانی: تهران، بزرگراه شهیدبابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین (ع)^(ع) - ساختمان ولایت - دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت

تلفن: ۷۳۸۲۸۲۷۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

لینوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه

پایگاه اینترنتی: <http://mdrj.ihu.ac.ir>

پست الکترونیک: mdrj@ihu.ac.ir

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، براساس مجوز شماره ۳/۲۳۳۳۹۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - ترویجی، مورد تأیید قرار گرفته است.

کلیه حقوق مادی و معنوی برای معاونت تربیتی و علمی دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت محفوظ است. مطالب مندرج در فصلنامه به منظور اطلاع رسانی به دانشجویان و دانش پژوهان گرامی تهیه می‌شود و لزوماً منعکس کننده دیدگاه‌های دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت نیست.

فهرست

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت (دافوس)
سال شانزدهم، شماره ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۷	محمدباقر بابایی طلائی	* سخن سردبیر
۱۵	کاظم فکری‌راد حسین باقری محمدرضا هدایتی	* بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱
۵۱	محمدجواد سبحانی‌فر محمدرضا عباسی	* بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم (مطالعه موردی: قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه)
۸۳	رضا شاهقلیان قهفرخی	* شناسایی و بررسی عوامل افزایش مهارت تیراندازی دانشجویان در یک دانشگاه نظامی
۱۱۷	مهدی زروندی مریم یاری	* کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی
۱۴۵	فریبرز ارغوانی پیرسلامی سید جواد صالحی مرضیه عابدی	* بنیان‌های جامعه‌شناسی گسست در امنیت ملی عراق نوبین
۱۷۳	مهدی نطّاق‌پور مهدی بزرگ‌زاده علی اکبری سید فردین رضایی	* عوامل مؤثر جنگ عربستان علیه یمن
۱ - ۶	قاسم قنبری	* ترجمه چکیده مقالات به انگلیسی

شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی و پژوهشی برای چاپ در فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

- ۱ - مقاله باید دستاورد پژوهش علمی نگارنده و برخوردار از مختصات روش‌شناختی و سامان‌یافته در ارایه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
- ۲ - پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیأت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و تمامی مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن خواهد بود. در عین حال، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی در ویرایش مندرجات مقاله آزاد است.
- ۳ - مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه و از طریق سامانه فصلنامه ارسال گردد.
- ۴ - مقاله‌ارسانی باید دارای ساختار مقالات علمی - ترویجی و با رعایت شرایط زیر باشد:
 - ۴-۱ - مقاله‌ارسانی باید دارای عنوان، چکیده (حداکثر ده سطر)، کلیدواژه‌ها (سه الی پنج کلیدواژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع طبق راهنمای نحوه‌ارایه مقاله‌های علمی در انتهای توضیحات زیر، باشد.
 - ۴-۲ - مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا و مختصر باشد.
 - ۴-۳ - مقدمه مقاله محل طرح و بیان نظری موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع مسأله مورد پژوهش و بیان منظور پژوهشگر از طرح و انتشار آن است.
 - ۴-۴ - نتیجه‌گیری: در پایان مقاله، نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه، که روش‌نگر بحث و نتیجه‌گیری باشد، ارائه گردد.
 - ۴-۵ - منابع مورد استفاده: تمام منابع مورد استفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا آورده شود. در نگارش ارجاعات مربوط به منابع در داخل متن، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه مورد استفاده بدین شکل (اسمیت، ۲۰۰۱، ۲۲) یا (Smith, 2001, p. 22) نگاشته شود. در مواردی که تعداد نویسنده بیشتر از یک نفر باشد، ذکر منبع بدین صورت خواهد بود (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۱، ۲۲) و یا (Smith, et.al, 2001, p. 22). برای ارجاع به منابع اینترنتی بدین شکل (www.smith,2001) نگاشته می‌شود. در نگارش متن، معادل لاتین اسامی افراد یا اصطلاحات و واژه‌های ضروری با شماره ارجاع در پاورقی هر صفحه آورده می‌شود.

۴-۶ - ترتیب شناسه‌های کتاب‌شناختی در صفحه فهرست در مورد مقاله، کتاب، گزارش و سایر مراجع به شرح زیر است:

- مقاله‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره و صفحات مقاله.
- کتاب‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح. محل انتشار: نام ناشر.
- منابع اینترنتی: نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان متن، نام سایت یا صفحه اینترنتی <نشانی دسترسی>، (تاریخ مشاهده).

۴-۷ - خلاصه انگلیسی (۲۰ - ۱۵ سطر) باید همراه مقاله با مشخصات کامل نویسنده

جدول ۱: مشخصات قلم‌های مورد استفاده در نگارش مقاله

عنوان	نوع قلم	عنوان	نوع قلم
عنوان مقاله با (تیترا ۱)	B Titr 16 Bold	متن چکیده و کلید واژه‌ها	B Lotus 11 Italic
عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و نتیجه‌گیری با (تیترا ۲)	B Zar 12 Bold	متن پانویس فارسی	B Lotus 10
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۲ با (تیترا ۳)	B Zar 11 Bold	متن پانویس انگلیسی	Roman 9
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۳ با (تیترا ۴)	B Lotus 11 Bold	متن مقاله	B Lotus 13
تیترا جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیترا جدول و نمودارها باید بالای آنها در وسط ذکر شود).	B Lotus 11 Bold	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی	B Lotus 10
		ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی	Roman 9

سخن سردبیر

الگوی مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم انقلاب

در بیانیه گام دوم انقلاب امام خامنه‌ای تأکید کرده‌اند که «مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید» و بعد از ذکر بخش‌هایی از دستاوردهای گام اول اشاره می‌کنند که «اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد... و بی‌شک حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است.» و در ادامه بعد از ذکر نقاط قوت و ضعف و توانمندیها و استعدادهایی که در پیش روی مدیران است، تأکید دارند که «دهه‌های آینده دهه‌های شما (جوانان) است و شما باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید» به عبارت دیگر از نگاه امام خامنه‌ای حرکت از وضع فعلی انقلاب "در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار" به جایگاه مطلوبش "الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی" تنها به کمک مدیران جوان و مدیریت برخاسته از آموزه‌های دینی و ارزش‌های الهی میسر است تا در هدف نهایی یعنی تمدن نوین اسلامی مستقر گردند تا مصداق کامل الگوی پیشرفت و مثال عینی و عملی برای کشورهای دنیا باشند تا دنیا بدانند که اسلام الگوی پیشرفت داشته و به راحتی می‌تواند افراد جامعه‌اش را از گرفتاریها نجات داده و به سر منزل مقصود برساند. این زمانی اتفاق می‌افتد که دیگر مردم از همه ایسم‌ها خسته شده و آنها را کارا ندانند و لذا با اشتیاق و به اختیار به دین و آئین الهی رو می‌آورند که امامش آسمانی باشد. این وظیفه مهمی است که به عهده قشر جوان به‌خاطر ویژگی‌های سنی ره‌اشده از تعلقات دنیوی و آکنده از توان و نیروی جوانی است تا این بار را به علت فراوانی جمعیت‌شان به سلامت به مقصد رسانند. به تعبیر امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و

ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند... و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افاده) است، نزدیک کنند».

بنابراین مدیران جوان با کمک مدیریت جهادی برخاسته از ایمان و اندیشه قرآنی و فرهنگ علوی خواهند توانست این وظیفه سترگ را به درستی به پایان رسانند.

مطلوبیت مدیریت جهادی به خاطر این است که ارتباط تنگاتنگی با نظام ارزشی اسلام و فطرت پاک انسان‌ها دارد و سمت‌وسوی به کارگیری مسائل اساسی مدیریت را مشخص می‌کند چراکه مضاف‌الیه (جهادی) مدیریت جهادی باعث تلقی‌ها و برداشت‌های گوناگونی شده است تا جایی که بعضی تصور کرده‌اند و بر این باور شده‌اند که مدیریت، جهادی و غیرجهادی ندارد. به گمان اینان مدیریت همانند سایر علوم انسانی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد است؛ از این رو، پسوند اسلامی یا جهادی نمی‌پذیرد در صورتی که مدیریت یک مقوله رفتاری است که در شکل‌گیری آن نوع و جهت اندیشه و سطوح آن به همراه ارزش‌های مستخرجه از آن و باورهای مدیران نقش اساسی دارد؛ مدیری که با رویکرد و جهان‌بینی لیبرالیستی به انسان، جهان و دیگران نگاه می‌کند و خدا را ساخته و پرداخته ذهن انسان می‌داند و نقشی در آفرینش برای او قائل نیست با مدیری که با رویکرد و جهان‌بینی الهی به جهان، انسان و دیگران نگاه می‌کند و ایجاد و بقای جهان و انسان را وابسته به خدا می‌داند، تفاوت اساسی در چگونگی و ماهیت مسائل اساسی مدیریت ایجاد می‌کند.

تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، کنترل و نظارت مسائل اساسی مدیریت است و همه مدیران با آن سروکار دارند یعنی مدیران الحادی و الهی هر دو برای اداره سازمان و جامعه هدف نیازمند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و سایر مسائل اساسی هستند ولی کیفیت اجرایی آنها برپایه رویکردهای مدیران متفاوت می‌گردد. یکی در تصمیم‌گیری رضایت الهی را مد نظر می‌گیرد و دیگری تسلط و حاکمیت شخصی را؛ و تفاوت مدیریت علوی با اموی در همین است «وَاللَّهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذَىٰ مِنِّي وَلَا لِكِنَّهُ يَغْدِرُ وَيَفْجُرُ - وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنَ أَذَى النَّاسِ - وَ لَكِنْ كُلُّ

عُدْرَةَ فُجْرَةٍ وَ كُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ - وَ لِكُلِّ عَادِرٍ لُؤَاءٌ يُعْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَ اللَّهُ مَا اسْتَغْفَلُ بِالْمَكِيدَةِ وَ لَا اسْتَغْمَرُ بِالشَّدِيدَةِ» (خطبه ۱۹۱)

«سوگند به خدا معاویه از من زیرکتر نیست، اما او غدر و خیانت می کند، و خود را به گناه می آلود، و اگر نیرنگ و خیانت زشت نبود من از زیرکترین مردم بودم، لیکن هر غدری گناهی است، و هر گناهی نافرمانی خداوند است، در روز رستاخیز برای هر غدرکننده و پیمان شکنی پرچمی است که بدان شناخته می شود، به خدا سوگند من با مکر و نیرنگ غافلگیر نمی شوم، و در برابر سختی ناتوان نمی گردم.»

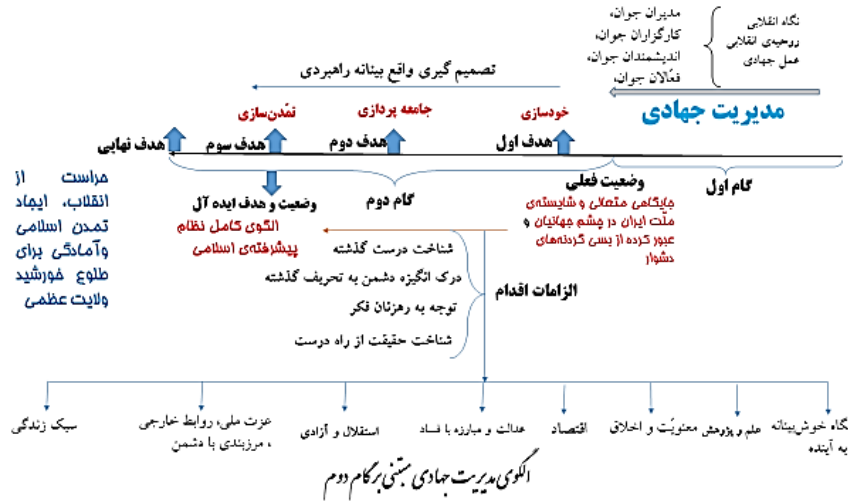
مدیریت جهادی واژه‌ای است که توسط امام خامنه‌ای به کار برده شده است؛ لذا تفسیر مسائل اساسی آن را باید در نگاه و منظومه فکری ایشان جستجو کرد. امام خامنه‌ای یک فقیه و مجتهد جامع شرایط در مکتب تشیع بوده و رهبر فکری و معنوی جهان تشیع می‌باشند. بنابراین تفسیر صحیح از مدیریت جهادی باید برپایه تعالیم و منابع جهان تشیع صورت گیرد که از آن به فرهنگ علوی یاد می‌کنیم یعنی فرهنگی که آبشخور مبادی ارزشی و اندیشه‌ای آن از قرآن و سنت اخذ می‌شود و مبانی آن از طریق کتاب خدا، سنت و سیره پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان(ع) به کمک عقل و اجماع بین اندیشمندان و فقهای اسلام استخراج می‌گردد که قرآن، نهج البلاغه، صحیفه فاطمیه و صحیفه سجادیه از اسناد مهم آن می‌باشند. در این فرهنگ پیروی از مکاتب غیر الهی، انسان را به بن‌بست و رکود و باتلاق می‌کشاند "لا تجعل مع الله الهة آخر فتقعد مذموا مخذولا" (اسراء/۲۲). بنابراین مدیریت جهادی تفاوت ماهوی با مدیریت علمی که بر اساس فرمول‌ها و قوانین دانش مدیریت پایه‌ریزی شده است ندارد. فرق مدیریت جهادی با مطلق مدیریت یا علمی در این است که مبنای آن بر پایه آموزه‌های برخاسته از قرآن و سنت شکل گرفته و جهت می‌یابد.

نگاه دقیق به روند تاریخی توسعه علمی و تجربی مدیریت بیانگر این واقعیت است که آموزه‌های دینی و ارزشی اسلام یا نظام ارزشی اسلام نقش مهمی در نظریه‌های علمی مدیریت و شیوه‌های عملی آن ایفا کرده و می‌کند؛ امروزه کمتر عالم برجسته علمی با فطرت پاک را می‌توان یافت که در مقابل مدیریت و رهبری امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای سر تعظیم فرود نیاورد و از مصادیق بارز

مدیران و رهبران موفق برشماری نکنند. از اینرو این نوع مدیریت و رهبری‌ها در روش‌های عملی مدیران مسلمان اثر می‌گذارد و به حرکت آنها جهت ارزشی می‌بخشد. بنابراین مدیریت جهادی مانند اقتصاد اسلامی در مسائل اساسی با سایرین تفاوت چندانی ندارند چراکه در اقتصاد اسلامی نیز از مسائل اساسی اقتصاد یعنی قانون عرضه و تقاضا، تولید، توزیع و مصرف بحث می‌شود و هیچ وقت نظام ارزشی اسلام به جای قوانین علمی و «دانش اقتصاد» قرار نمی‌گیرد. بلکه نگاه رویکردی در آنها از مادی به الهی تغییر می‌یابد، در مدیریت جهادی نیز نظام ارزشی اسلام مبنای مسائل اساسی مدیریت در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، بسیج منابع، هدایت، ارزیابی و کنترل است نه این‌که به‌جای آن قرار گیرد.

اما مدیرانی جهادی که می‌توانند با چنین مدیریتی، انقلاب را به‌پیش ببرند چه کسانی هستند؟ و دارای چه خصوصیتی هستند؟ و چگونه تصمیم‌گیری و اقدام می‌کنند؟ که از سایر مدیریت‌ها متمایز می‌گردند. اینها سؤالاتی است که جواب آن را باید در محتوای بیانیه گام دوم امام خامنه‌ای یافت. ایشان تصمیم‌گیری مدیران جهادی را از نوع راهبردی واقع‌بینانه الهی و اقدام به‌هنگام می‌دانند؛ یعنی تصمیم‌های مدیران جهادی مبتنی بر واقعیات انقلاب و ارزشهای حاکم بر آن و هدف و چشم‌اندازشان همان هدف و چشم‌اندازی است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی در شکل‌گیری انقلاب بیان داشته‌اند. که امام خامنه‌ای در سالگرد چهارم انقلاب اسلامی دوباره آنها را تبیین و چگونگی پیمایش دهه‌های بعدی انقلاب را ترسیم کرده‌اند که کلیت آن را در شکل زیر می‌توان ملاحظه نمود که از آن به‌الگوی مدیریت جهادی مبتنی بر گام دوم یاد می‌کنم.

سخن سردبیر؛ الگوی مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم انقلاب



از نگاه امام خامنه‌ای وضعیت فعلی انقلاب با داشتن دستاوردهای مختلفی که در بیانیه متذکر آنها شده‌اند، "جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی کرده‌های دشوار" است. وضعیتی که انقلاب و ایران اسلامی باید در حالت ایده‌آل داشته باشد "الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی" برای جهانیان است. برای این که ایران را از وضع موجود به وضع مطلوب رساند سه هدف و گام را باید برداشت در گام اول باید به خودسازی پرداخت در گام دوم باید به جامعه‌پردازی پرداخت و جامعه را اسلامی کرد و در گام سوم به هدف ایده‌آل یعنی تمدن نوین اسلامی می‌توان دست یافت که در آن ایران الگوی تمام کشورها در پیشرفت و سایر ویژگی‌ها می‌گردد. نکته مهم و بارز این است که این تبدیل از وضعیت موجود به مطلوب تنها در سایه‌سار فعالیت جهادی الهام‌گرفته از ایمان الهی امکان‌پذیر است که توسط مدیران، کارگزاران، اندیشمندان و فعالان جوان بکار گرفته می‌شوند. البته تنها مدیران، کارگزاران، اندیشمندان و فعالانی که دارای نگاه و روحیه انقلابی بوده و فعالیت‌شان جهادی برخاسته از ایمان به خدا باشند. ایشان نگاه انقلابی را در سخنرانی چهاردهم خرداد در سالگرد رحلت امام خمینی در حرم امام تبیین کرده‌اند که خلاصه آن را در زیر می‌توان ملاحظه کرد.

پنج شاخص انقلابی‌گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن

مطرح شده در بیانات رهبر انقلاب در حرم امام خمینی (ره) ۹۵/۰۳/۱۴

۱	پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی اسلام و انقلاب	بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت کردم. مبانی اساسی ما آنهاست... اگر این پایبندی وجود داشت، حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود. در تندباد حوادث این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند اگر این پایبندی وجود نداشت نقطه مقابل این پایبندی عمل‌گرایی افراطی است. یعنی هر روزی به یک‌طرف رفتن، هر حادثه‌ای انسان را به یک‌طرف کشاندن.
۲	هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها	بعضی سعی می‌کنند جامعه و جوانهای ما را دچار ناامیدی کنند. بگویند آقا فایده ندارد! نمی‌شود! نمی‌رسیم!... شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمانهای بلند. تسلیم نشویم در مقابل فشارها.
۳	پایبندی به استقلال کشور	استقلال سیاسی معنایش این است که ما در زمینه سیاسی فریب (دشمن را) نخوریم... استقلال فرهنگی که از همه مهم‌تر است در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب نکنیم... استقلال اقتصادی هم‌نشستن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی است.
۴	حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن	باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد، این شاخص چهارم که این عدم تبعیت را عرض کردیم، قرآن «جهاد کبیر» نام نهاده است.
۵	تقوای دینی و سیاسی	اینکه ما عرض کردیم که باید به آرمانها پایبند بود، اسلام اینها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است. این یک خواست دینی است و رعایت آن تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده بکند پرهیز بکند.

و مقصود ایشان از روحیه انقلابی، انسانی است که انقلابی است و شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده روشن حرکت می‌کند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است؛ این روحیه انقلابی را باید حفظ کرد (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲). و عمل جهادی به عملی گفته می‌شود که کار برای خدا با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر صورت گیرد (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱).

مدیران، کارگزاران، اندیشمندان و فعالان با هفت توصیه و راهبرد علمی پژوهشی، معنویت و اخلاق، اقتصادی، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی روابط خارجی مرزبندی با دشمنان، سبک زندگی که سرآمد همه آنها خوش‌بینی به آینده است، می‌توانند انقلاب را به چشم‌اندازش یعنی حراست از انقلاب، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید

سخن سردبیر؛ الگوی مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم انقلاب

ولایت عظمی به کمک مردم ایران برسانند چراکه «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. ... اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به‌نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است» (بیانیه گام دوم)

دکتر محمدباقر بابائی طلائی

۱۳۹۸/۰۲/۱۵

بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

کاظم فکری‌راد^۱

حسین باقری^۲

محمد رضا هدایتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش تیپ ویژه شهدا در ۱۶ مرحله عملیات سرنوشت‌ساز پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱ است؛ به عبارتی، تبیین نقش فرماندهان، ارکان و گردان‌های تیپ ویژه شهدا در عملیات، اهمیت و ویژگی‌های منطقه عملیات و در نهایت تعامل و ارتباط تیپ ویژه شهدا با نیروهای نظامی و انتظامی و مردم بومی منطقه در زمان عملیات به رشته تحریر در آمده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی؛ روش گردآوری داده‌های پژوهش ترکیبی (اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی) و روش تجزیه و تحلیل کیفی آن، برداشت نخبگی از اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل آماری مصاحبه‌های خبرگان است. نتایج عملیات پیرانشهر - سردشت، تأمین امنیت ۹۷ کیلومتر جاده مرزی دو شهر پیرانشهر و سردشت، آزادسازی ۱۵۷ روستا و مردم منطقه بود که به مدت ۴ سال زیر سلطه اشغالگران وابسته به استکبار جهانی قرار داشتند. نتیجه تحقیقات حاکی است، تیپ ویژه شهدای سپاه با ۳ گردان رزمی و یک گردان موتوری به‌عنوان تلاش اصلی در پیروزی عملیات پیرانشهر - سردشت، نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای داشته است.

کلید واژه‌ها: تیپ ویژه شهدا؛ عملیات؛ محور پیرانشهر - سردشت؛ عملیات پیرانشهر - سردشت

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی، دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)
fekri.rad39@gmail.com

۲ - استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)
bagherirmotahar96@gmail.com

۳ - استادیار پژوهشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)
rhd201250@chmail.ir

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و با ایثار و فداکاری مردم مسلمان و انقلابی ایران در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، استکبار جهانی (امریکا) با بسیج امکانات منطقه و داخل کشور مبارزه خود را با حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود. در منطقه کردستان، گروهک‌هایی مانند کومله، دمکرات و...، به‌عنوان مدافع حقوق خلق کُرد با حمله مسلحانه، پادگان مهاباد را اشغال کردند و شهرهای کردنشین مانند مهاباد، سقز، سنندج و...، را تحت سیطره خود قرار دادند. آنها تمام توان و امکانات خود را برای براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کار گرفتند. رژیم بعث عراق، علاوه بر حمایت و پشتیبانی از گروهک‌های معارض با حمایت و پشتیبانی قدرت‌های خارجی در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹، حملات گسترده‌ای علیه کشور ایران آغاز نمود. بحران داخلی کردستان و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، مشکلات و تنگناهای خطرناک برای میهن اسلامی به‌وجود آورد.

یگان‌های نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران بنابر مأموریت ذاتی خود با بخشی از امکانات و تجهیزات موجود اعم از یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی به مقابله با اغتشاش‌گران در کردستان پرداختند. برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی، با فرمان امام راحل (رحمت الله علیه)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ تشکیل شد، سپاه پاسداران قبل از جنگ تحمیلی برای مبارزه جدی با گروهک‌های ملحد و معاند، یگان‌های رزم سبک در حد گروهان و گردان در کردستان و سایر مناطق بحرانی کشور تأسیس کرد. با شروع جنگ تحمیلی، یگان‌های رزمی بزرگ‌تر مانند تیپ و لشکر ازسوی سپاه برای مقابله با ارتش تاب‌ن‌دندان مسلح رژیم بعث عراق در جبهه‌های جنوب و غرب کشور تشکیل شد.

پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ تیپ‌های رزمی مستقل توسط استان‌های کشور تشکیل شد. هم‌زمان با این یگان‌ها، تیپ ویژه شهدا یکی از یگان‌های رزمی مقتدر و منسجم کشور با همت شهیدان والامقام؛ بروجردی، ناصر کاظمی و گنجی‌زاده در خرداد ماه ۱۳۶۱ برای تأمین امنیت استان‌های کردستان و آذربایجان غربی تأسیس شد. تعداد عملیات‌هایی که به‌وسیله این یگان علیه ضدانقلاب و بعثیون کافر انجام شد و دلاوری‌های رزمندگان سلحشور آن به قدری گسترده است که در این خلاصه نمی‌گنجد. این تیپ در سال ۱۳۶۱ با ۳ گردان رزمی و یک گردان موتوریزه و با استعداد اولیه ۱۶۰۰ نفر در عملیات پیرانشهر - سردشت شرکت کرد. براساس آمار موجود تیپ ویژه شهدا تا سال ۱۳۶۹ با

دوازده گردان رزمی و واحدهای تخریب، مهندسی و توپخانه موفق شد در ۵۰ عملیات کوچک و بزرگ در کردستان و در عملیات‌های بزرگ مانند بدر، قدس ۲، کربلای ۴، کربلای ۵ در جبهه‌های جنوب و کربلای ۲ و ۱۰، والفجر ۹ و ۱۰، نصر ۱، ۴ و ۸، کربلای ۱۰ و مرصاد در عملیات‌های غرب کشور شرکت کند.

مطابق رهنامه (دکترین) قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام)، اولویت عملیات‌ها در کردستان؛ آزادسازی شهرهای اشغالی، آزادسازی محورهای مواصلاتی بین شهرها و پاکسازی مناطق آلوده مرزی با کشور عراق و ترکیه بود. محور مواصلاتی پیرانشهر - سردشت مهم‌ترین محور راهبردی استان آذربایجان غربی بود که حدود چهار سال در اشغال گروهک‌های غیرقانونی و معاند قرار داشت. در این سال‌ها شهر مرزی سردشت فقط از طریق هوا توسط بالگرد، تأمین و تدارک می‌شد.

یکی از عملیات‌های موفق قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) در استان آذربایجان غربی، عملیات آزادسازی منطقه راهبردی پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱ بود که این عملیات توسط تیپ ویژه شهدا با همکاری تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه و ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی و گردان‌های جندالله و حضرت رسول (صلوات الله علیه) کردستان و واحدهایی از لشکر ۲۸ کردستان انجام شد. این عملیات نه تنها باعث آزادسازی جاده راهبردی دو شهر پیرانشهر و سردشت پس از ۴ سال شد، بلکه مساحتی بالغ بر ۳۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی و ۶۰ هکتار جنگل و مراتع و ارتفاعات مهم آلوآتان و ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک این دو شهر با کشور عراق از لوٹ وجود ضدانقلاب پاکسازی و همچنین پشتیبانی گروهک‌های غیرقانونی و معاند از طریق عراق متوقف شد.

پژوهشگر در این پژوهش به دنبال «واکاوی عملیات پیرانشهر - سردشت به منظور تبیین نقش تیپ ویژه شهدا در عملیات با رویکردهای پنج‌گانه: «نقش تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت، ویژگی‌های منطقه عملیات، نقش فرماندهان و ارکان تیپ ویژه شهدا در عملیات، تعامل تیپ ویژه شهدا با نیروهای نظامی و انتظامی منطقه و در نهایت تعامل تیپ ویژه شهدا با مردم منطقه» است.

بررسی ادبیات پژوهش

انتخاب عملیات پیرانشهر - سردشت: با توجه به اینکه منطقه عملیاتی پیرانشهر - سردشت در منطقه کردستان واقع می‌شد و می‌توانست پل ارتباطی مهم بین مناطق کردستان باشد، لذا محقق این منطقه را به‌عنوان منطقه عملیات انتخاب کرد. این منطقه دارای اهمیت اساسی بود، زیرا دشمن با اشغال آن،

ارتباط دو استان کردستان و آذربایجان غربی و چند شهر مهم مانند: سردشت، پیرانشهر، مهاباد، نرده و اشنویه را مختل کرده بود، جاده راهبردی پیرانشهر به سردشت تنها جاده‌ی مرزی کشور بود که ۴ سال در اشغال ضدانقلاب بود، لذا دشمن با تمام توان از سنگرهای خود در ۱۶ مرحله عملیات پیرانشهر - سردشت از مناطق اشغالی دفاع می‌کرد.

تعاریف، مفاهیم و اصطلاحات

تیپ ویژه شهدا: تیپ مستقل پیاده کوهستانی بود که در شرایط بحرانی کردستان در سال ۱۳۶۱ توسط سپاه تأسیس شد، استعداد اولیه تیپ ویژه شهدا سه گردان رزمی و یک گردان موتوریزه بود که در عملیات پاکسازی پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱ شرکت کرد. پس از تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) در سال ۱۳۶۱، تیپ ویژه شهدا تا پایان دفاع مقدس تحت امر این قرارگاه عملیاتی قرار گرفت (یافت، ۱۳۷۸: ۶۲).

عملیات: عملیات نظامی آفندی یا پدافندی و پشتیبانی‌های اداری مربوط به مأموریت و آگداری است (پیری و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۵).

عملیات پیرانشهر - سردشت: این عملیات در منطقه عمومی پیرانشهر - سردشت تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) با شرکت تیپ ویژه شهدا و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه در سال ۱۳۶۱ از طرف پیرانشهر اجرا شد (طرح عملیاتی شهید کاظمی سپاه؛ شهریور ماه ۱۳۶۱).

منطقه عملیات پیرانشهر - سردشت: منطقه عملیاتی به طول ۱۰۰ و عرض ۳۵ کیلومتر و مساحت تقریبی ۳۵۰۰ کیلومتر مربع، دارای دو شهرستان پیرانشهر و سردشت و ۱۵۷ روستا، چند بخش و دهستان بود. دو شهرستان با کشور عراق ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک داشتند (چوخاچی زاده و امینی، ۱۳۸۹: ۱۸۶ - ۲۱۰).

مناطق گردنشین غرب و شمال غرب کشور (کردستانات): منظور از مناطق گردنشین غرب و شمال غرب در این پژوهش؛ استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام است که به دلیل دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی، مذهبی و قومی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی مأمن مخالفان نظام و بستر فعالیت گروه‌های ضدانقلاب شد (ایزدی و همکاران، ج ۱، ۱۳۸۶: ۱۳).

ژئوپلتیک: ژئوپلتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می‌باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۴).

روش تحقیق

روش جمع‌آوری اطلاعات: جمع‌آوری اطلاعات به روش ترکیبی به صورت: الف) اسنادی - کتابخانه‌ای از سایت‌های معتبر علمی، ب) میدانی - مصاحبه‌ای و فیش‌برداری. جامعه آماری و جمعیت نمونه پژوهش: جامعه آماری پژوهش، مکتوبات و مصاحبه ۵۰ فرمانده، مسئول و شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت بود که ۱۰ نفر از ایشان به صورت هدف‌مند و تعمدی به عنوان جمعیت نمونه پژوهش انتخاب شدند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه ژئوپلیتیک اقلیت‌ها^۱: اقلیت در برابر اکثریت معنی پیدا می‌کند. اقلیت در قالب یک واحد بزرگ‌تر نظیر کشور، شهر، سرزمین مشترک، ملت، جامعه، روستا و نظایر آن در برابر بخش بزرگ‌تر آن یعنی اکثریت مطرح می‌شود. اقلیت، واجد صفاتی نظیر زبان، قومیت و مذهب است که هویت موصوف را در قالب محیط پیرامون آن توضیح می‌دهد و آن را در شرایط حاشیه‌ای ناشی از فرودستی کمیتی و درعین حال سیاسی، اجتماعی اقتصادی و حتی فرهنگی قرار می‌دهد و وضعیت خاصی از نظر حقوقی و جامعه‌شناختی برای آنها به وجود می‌آورد (ژرژ، ۱۳۷۴: ۱۹).

اقلیت‌ها به طور کلی به دو صورت در قالب یک واحد کلی نظیر کشور، شهر یا جامعه و ملت قرار دارند. صورت اول اقلیت‌های فضائی هستند که هم‌زمان با برخورداری از صفات ویژه، فضای جغرافیایی یا زیستگاهی در بستر تاریخ به آنها تعلق داشته و امروزه در حاشیه یا داخل یک کشور یا دولت قرار گرفته‌اند. این گونه اقلیت‌ها در صورت برخورداری از وزن ژئوپلیتیکی بالا یا نزدیک به اکثریت به نحوی که خودآگاهی درونی را تقویت نماید، منجر به شکل‌گیری احساس خود مختاری یا آرمان سیاسی استقلال و دولت ویژه می‌شوند. صورت دوم اقلیت‌هایی هستند که به صورت جزایر پراکنده درون فضای اکثریت و زیستگاه مشترک زندگی می‌کنند و از تکالیف اجتماعی و جغرافیایی برخوردار نیستند (ژرژ، ۱۳۷۴: ۱۹).

به طور کلی می‌توان گفت که از منظر سرزمین و زیستگاه ویژه، اقلیت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: اقلیت‌های منسجم و دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه که می‌توان از آن به اقلیت‌های

اکولوژیکی^۱ تعبیر کرد و اقلیت‌های بدون سرزمین و غیرمنسجم و پراکنده میان اکثریت که می‌توان از آن به اقلیت‌های اجتماعی یا ادغام‌شده، تعبیر نمود. اقلیت‌ها در اشکال مختلف، قلمروهای مختلف و اندازه‌های گوناگون دارند. ویژگی مشترک اقلیت‌ها در همه انواع آن میل درونی و احساس علاقه نسبت به ارزش‌ها و صفات اختصاصی خود است؛ یعنی همان ارزش‌ها و صفاتی که اقلیت را از اکثریت با مرزهای مشخص فضایی، فرهنگی، مفهومی، ذهنی و یا عینی جدا می‌کند. اگر اقلیت نسبت به اکثریت پیرامونی از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجه برخوردار باشد، دچار نوعی احساس خوداتکایی، جدایی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات خود از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر و درنهایت استقلال سیاسی را مطرح می‌کند. معمولاً چون اکثریت از قائل شدن چنین حقوقی برای اقلیت، به‌عنوان امری داوطلبانه، امتناع می‌ورزد. بنابراین، الگوی مناسبات خصمانه بین اقلیت و اکثریت نسبتاً هم‌وزن شکل می‌گیرد و خودمختاری یا استقلال یا ادامه وضع سلطه اکثریت را تا وقت دیگر به‌دنبال دارد. بروز هر کدام از این موارد، به مناسبات و سطح سازگاری اقلیت و یا سطح بین‌المللی، بستگی دارد.

ژئوپلیتیک اقلیت‌ها به‌عنوان گرایشی در علم ژئوپلیتیک، ضمن مطالعه اقلیت‌ها (به‌ویژه اقلیت‌های اکولوژیکی و فضائی) و کالبدشکافی و ساختارشناسی آنها، الگوی مناسبات در حال تغییر بین گروه‌های اقلیت با گروه اکثریت و نیز الگوی مناسبات اقلیت با سایر اقلیت‌ها و یا به‌طور کلی رفتار سیاسی اقلیت‌ها را مطالعه و تجزیه و تحلیل می‌نماید. همچنین نقش این رفتار را در سیاست دولت‌ها و نیز سیاست بین‌الملل مورد توجه و کنکاش قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۴). ژئوپلیتیک اقوام در جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل تنوع قومی، تصویری شفاف از زیست مسالمت‌آمیز اقوام و گروه‌های قومی را منعکس می‌کند. در این میان، آرمان‌های ایدئولوژیکی و ملی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از کلیشه‌های حاشیه‌ای پیرامون ناسیونالیسم قومی را خنثی می‌سازد.

با شروع ناآرامی‌های قومی کردستان در سال ۱۳۵۷، شرایط جغرافیایی (زمین) بستری برای فعالیت‌های ضدانقلاب فراهم آورد. بنابر شرایط منطقه و تحمیل اراده نظامی و روانی، اکثریت قریب به اتفاق مردم از ضدانقلاب پشتیبانی می‌کردند. قدرت‌های خارجی و منطقه‌ای پشتیبان ضدانقلاب بودند اما پس از پیروزی در عملیات‌های کردستانات به‌ویژه عملیات پیرانشهر - سردشت با تدابیر امام (ره) و فداکاری فرماندهان نظامی به‌ویژه شهیدان بروجردی، ناصر کاظمی، گنجی‌زاده، کاوه و قمی،

بازکنکاشی نو در مورد نقش تپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

ضدانقلاب دو مؤلفه جغرافیا و مردم را ازدست داد، لذا سران گروهک‌ها به دامان اربابان خود (کشور عراق) پناه بردند. این عملیات‌ها موجب شد، اصول نظریه‌های قوم‌گرایی و ژئوپلیتیکی اقلیت‌ها در برابر اراده آهنین رزمندگان اسلام، رنگ ببازد.

موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی: استان آذربایجان غربی بین ۴۴ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی در شمال غرب ایران واقع شده است. بدون احتساب دریاچه ارومیه، ۳۷۴۱۲ کیلومتر مربع وسعت داشته و تقریباً ۲/۳ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان از شمال و شمال شرق با جمهوری خودمختار نخجوان کشور آذربایجان، از شرق با استان‌های آذربایجان شرقی و زنجان، از جنوب با استان کردستان و از غرب با کشورهای عراق و ترکیه همسایه است. ۱۴۹ کیلومتر مرز آبی با جمهوری آذربایجان (نخجوان)، ۲۵۲ کیلومتر مرز خاکی با کشور عراق و ۵۶۶ کیلومتر مرز خاکی با کشور ترکیه و جمعاً ۹۶۷ کیلومتر مرز مشترک با سه کشور، موقعیت جغرافیایی حساسی را برای این استان رقم زده است (مشرقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

ویژگی‌های استان آذربایجان غربی: مجاورت با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق، همچنین قرار گرفتن در مسیر آسیا و اروپا، وجود عوارض طبیعی و شرایط خاص محیطی با امکانات مناسب زیستی، وجود قرارگاه عملیاتی فرماندهی شمال غرب (حمزه سیدالشهدا) (علیه السلام) در شهر ارومیه که عملیات رزمندگان اسلام علیه ضدانقلاب، اشراک و متجاوزین بعثی عراق را در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان هدایت می‌کرد (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴). نام استان آذربایجان غربی در صحنه تاریخی کشور، حضوری طولانی دارد و پسوند غربی در سال ۱۳۳۵ با تقسیم این استان به دو بخش شرقی و غربی به آن اضافه شد (قصری ۱۳۸۶: ۲۱۹).

ناهمواری‌ها: استان آذربایجان غربی از لحاظ ناهمواری‌ها، چهره‌ای متنوع دارد. از کل وسعت استان ۲۱ درصد را سرزمین‌های پست و جلگه‌ها، ۶۳ درصد را ارتفاعات و ۱۶ درصد را دریاچه ارومیه به‌خود اختصاص داده است. مرتفع‌ترین قله استان، آورین به ارتفاع ۳۶۲۲ متر در شهرستان خوی و کم ارتفاع‌ترین نقطه استان در محل خروج رود زاب از ایران به عراق به ارتفاع ۳۴۴ متر واقع شده است (مشرقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

جمعیت استان آذربایجان غربی: براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ از مجموع ۳۰۸۰۵۷۶ نفر جمعیت استان آذربایجان غربی، ۱۹۳۲۵۴۴ نفر در شهرهای استان سکونت

داشته‌اند. باتوجه‌به جمعیت شهری استان در سال ۱۳۸۵، ۱۷۲۴۹۵۴، رشد سالانه جمعیت شهری استان طی سال‌های ۹۰ - ۸۵؛ ۲/۳ درصد بوده است که در مقایسه با میانگین کشوری (۲/۱۴ درصد) اندکی بالاتر بوده است (مشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰).

موقعیت سیاسی استان آذربایجان غربی: از نظر تقسیمات سیاسی، استان آذربایجان غربی دارای ۱۷ شهرستان، ۴۰ شهر، ۴۲ بخش و ۱۱۳ دهستان و ۳۰۳۱ آبادی دارای سکنه بوده و مرکز آن شهر ارومیه است. استان آذربایجان غربی با مساحت ۳۷۴۱۲ کیلومتر مربع (بدون احتساب دریاچه ارومیه)، از نظر وسعت مقام یازدهم را در سطح کشور داراست. شهرستان ارومیه با وسعت ۵۳۱۲ کیلومتر مربع و شهرستان شوط با ۹۳۱ کیلومتر مربع به ترتیب بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهرستان‌های استان می‌باشند (مشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

احزاب و گروه‌های سیاسی داخلی در منطقه کردستان: پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آغاز بحران در مناطق غرب و شمال غرب، گروه‌ها و احزاب سیاسی وابسته به جریان‌های خارجی، متشکل از ساواکی‌های محلی، روحانی‌نماهای خودفروخته (شیخ عزالدین حسینی، شیخ عثمان نقشبندی)، احزاب و گروهک‌های بومی (حزب دموکرات، گروهک کومله، رزگاری، خبات) سازمان‌های غیربومی (حزب توده، چریک‌های فدایی خلق، پیکار، منافقین) به صورت مستقیم و غیرمستقیم با بحران منطقه در ارتباط بودند. دیگر سازمان‌های چپ‌نمای امریکایی، شروع به جذب نیرو، سازماندهی و ایجاد تشکیلات سیاسی - نظامی در منطقه نمودند و برای دستیابی به هدف کلی و اساسی خود؛ یعنی مبارزه با انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی پا به عرصه مبارزه گذاشتند و در این راه از هیچ جنایتی دریغ نکردند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی - کردها و انقلاب اسلامی).

آذربایجان غربی در دفاع مقدس

ارتش عراق قبل از آغاز رسمی جنگ، بارها مناطق مرزی، برخی شهرها و پادگان‌های استان آذربایجان غربی را هدف حملات هوایی و توپخانه قرار داد، فرماندهی ارتش عراق این گونه می‌پنداشت که با فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب در مناطق کردنشین و حملات پی‌درپی آنان به شهرها، جاده‌ها، مراکز نظامی و انتظامی، نیازی به حمله زمینی به مرزهای استان آذربایجان غربی نیست، اما هنگامی که پیشروی واحدهای ارتش عراق در جبهه‌های جنوبی و غربی متوقف شد، اولین واحدهای لشکر ۷ پیاده عراق در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در مناطق مرزی حاج‌عمران، مقابل پیرانشهر مستقر شدند.

یگان‌های تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا در استان آذربایجان غربی با آنکه درگیر جنگ

بازکنکاشی نو در مورد نقش تیب ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

ضد شورش‌گری در مناطق کردنشین استان بودند، ضمن آزادسازی شهرهای مرزی و راه‌های ارتباطی بین‌شهری، تلاش برای مستقرشدن در مرز را آغاز کردند. اولین واحد رزمی در ۲۷ مهر ۱۳۵۹ بعد از آزادسازی پیرانشهر در منطقه مرزی ترمچین مستقر شد، سپس با اجرای عملیات تأمین مرز در مناطق اشنویه و سردشت، یگان‌های تابع قرارگاه حمزه در بیشتر مناطق مرزی استقرار یافتند. پس از آنکه یگان‌های سپاه و ارتش توانستند مناطقی را که ارتش عراق در جنوب و غرب ایران اشغال کرده بود، آزاد کنند. قرارگاه حمزه با توجه به برقراری امنیت نسبی در مناطق شمال غرب کشور برای اجرای راهبرد تنبیه متجاوز، جبهه جدیدی علیه ارتش عراق در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان باز کرد (رستگاریانه و مشایخی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷).

موقعیت جغرافیایی شهرستان پیرانشهر: شهرستان پیرانشهر به مختصات ۴۵ درجه و ۰۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه عرض جغرافیایی با وسعتی بالغ بر ۲۲۹۳ کیلومتر مربع و طول ۱۰۰ کیلومتر مرز با کشور عراق در جنوب استان آذربایجان غربی قرار گرفته است که از شمال به شهرستان اشنویه، از جنوب به شهرستان سردشت، از شرق به شهرستان مهاباد و از غرب به کشور عراق و از شمال شرقی به شهرستان نقده محدود می‌شود (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۲). بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۰ کل جمعیت شهر پیرانشهر برابر با ۱۲۳۶۳۹ نفر، جمعیت شهری ۷۰۷۲۲ و جمعیت روستایی ۵۲۹۱۷ بوده است (مشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

اهمیت این منطقه مرزی موجب شده بود در نظام گذشته دو پادگان ارتش در پیرانشهر و پسوه و یک پادگان ژاندارمری در جلدیان احداث شود، به همین دلیل، گروه‌های تجزیه طلب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این پادگان‌ها حمله کردند. با صدور فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر پاکسازی مناطق آلوده ضدانقلاب در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، شهر پیرانشهر در ۱۱ شهریورماه ۱۳۵۸ از تسلط گروه‌های شورشی خارج شد ولی در پی مذاکرات هیئت حسن نیت و خروج ارتش، سپاه و ژاندارمری از شهر، شورشیان دوباره به شهر پیرانشهر بازگشتند و بر دامنه نا امنی‌ها افزودند، تا اینکه در ۲۷ مهر ۱۳۵۹ با تلاش یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری، بار دیگر امنیت به پیرانشهر بازگشت. پیرانشهر در طول جنگ ۶۵ بار هدف حملات هواپیماهای عراق قرار گرفت و بارها توپخانه‌های ارتش عراق نقاط مسکونی این شهر را گلوله باران کردند. در جریان این حملات ۶۶۳ نفر از اهالی این شهر شهید و ۳۹۶ نفر مجروح شدند (رستگاریانه و مشایخی، ۱۳۹۲: ۱۴).

موقعیت جغرافیایی شهرستان سردشت: شهرستان سردشت با مختصات ۴۵ درجه و ۲۸ دقیقه طول

جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه عرض جغرافیایی با وسعتی بالغ بر ۱۵۱/۲ کیلومتر مربع و طول ۸۶ کیلومتر مرز با کشور عراق در منتهی‌الیه جنوب استان آذربایجان غربی قرار گرفته است. متوسط ارتفاع این شهرستان از سطح دریا ۱۸۵۰ متر و فاصله هوایی سردشت تا ارومیه ۱۵۵ کیلومتر است (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۳). ارتفاع سردشت ۱۵۰۰ متر از سطح دریا جای گرفته است، شهر سردشت از شمال ۹۶ کیلومتر فاصله زمینی به شهرستان پیرانشهر و از جنوب ۶۰ کیلومتر به شهرستان بانه و از جنوب غربی ۱۲۰ کیلومتر فاصله به شهرستان مهاباد منتهی می‌شود. شهرستان سردشت از سمت غرب با کردستان عراق هم‌مرز است. شهر سردشت در فاصله ۳۰ کیلومتری این کشور است. از ویژگی‌های جغرافیایی این شهرستان می‌توان به آب‌وهوای کوهستانی معتدل همراه با بارندگی‌های بهاره، رودخانه‌های پرآب سردشت و بادین‌آباد، آبشار شلماش، کوه‌های بلفت، هوینه مال، زردکه، هومل، سری‌گم و گرده‌سوار، جنگل‌های انبوه و زیبا با وسعتی بالغ بر ۱۶۶۰ کیلومتر مربع، آب فراوان و پراکندگی زیاد جمعیت اشاره کرد. مردم سردشت آنجا را زادگاه زرتشت (پیغمبر ایرانی) می‌دانند و عقیده دارند که سردشت از نام این پیغمبر اخذ شده است. سردشت، طبیعتی زیبا دارد و آبشار آن به نام آبشار شلماش معروف است. در این شهر آثار تاریخی ویژه‌ای کشف شده است. مساحت شهرستان سردشت ۱۳۸۵ کیلومتر مربع، برآورد جمعیت در سال ۱۳۹۳، ۱۱۵۹۵۲ نفر، جمعیت شهری ۶۲۷۹۷ نفر، جمعیت روستایی ۵۳۱۵۵ نفر، ۳/۶ جمعیت استان است (مشرقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

تیپ ویژه شهدا

تاریخچه تیپ ویژه شهدا: این تیپ در نطفه اولیه، گردان ویژه بود. این گردان بعد از موفقیت در عملیات پاک‌سازی بانه - سردشت تشکیل شد. حدود ۶۰۰ نفر از پاسدارانی که دوره آموزش پاسداری خود را در یادگان امام حسین (علیه السلام) در تهران گذرانده بودند به منطقه ۷ کشوری اعزام شدند و در همان‌جا این تیپ شکل گرفت. تیپ ویژه شهدا چند عملیات حساس مثل پاک‌سازی محور بانه - سردشت را که قطب سیاسی - نظامی منطقه به‌شمار می‌رفت، در پرونده عملیاتی خود ثبت کرده بود و با سازماندهی منسجم و تجربه‌های به‌دست آمده از عملیات‌های قبلی، توان آن را یافته بود تا ضربه اساسی دیگری به ضدانقلاب وارد کند (شکری، ۱۳۸۹: ۲۶۴ - ۲۴۳).

نقش فرماندهان، جانشین و ستاد تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: او [شهید بروجردی] ناصر کاظمی را به‌عنوان فرمانده یگان و گنجی‌زاده را هم به‌عنوان جانشین و رئیس ستاد معرفی کرد. محمود کاوه هم فرمانده عملیات یگان ویژه کوهستان شد (منصوری، ۱۳۷۹: ۳۱۴).

در هر یگان نظامی، فرمانده نقش تعیین‌کننده دارد. پیروزی، شکست یا موفقیت یگان‌ها در اکثریت

قریب به اتفاق عملیات‌ها مرهون ایثار و فداکاری فرماندهان نظامی است. اگر به دوران پرافتخار دفاع مقدس بپردازیم، نتایج ارزشمندی از ایثار و فداکاری وصف‌نشدنی فرماندهانی مانند شهیدان محمد بروجردی، حسن افشردی، ابراهیم همت، ناصر کاظمی و محمود کاوه را مشاهده می‌کنیم.

اکثر فرماندهان دفاع مقدس و کردستان با حدود ۲۵ سال سن به فرماندهی تیپ/ لشکر یا قرارگاه منصوب شدند، بعضی از فرماندهان در همین سن به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. شهید حسن باقری جانشین نیروی زمینی سپاه، زمان شهادت حدود ۲۶ سال سن داشت، شهید کاوه جوان‌ترین فرمانده لشکر کردستان و جبهه‌های جنگ، هنگام شهادت ۲۵ سال سن داشت که فرمانده لشکر ویژه شهدا بود. دکتر علامتی می‌گوید: «در ستاد فرماندهی تیپ ویژه شهدا، یک ترکیب عملیاتی بسیار کوچک ایجاد شد که ۶۰۰ نفر در ۳ قسمت تقسیم شدند، گروهان یا گردان نام‌گذاری کردند، آن نیروها در دل اینها قرار گرفتند. یک تدارکات داشتیم، به اضافه یک بهداری سبک و یک تکه پرسنلی و تعاون داشتیم، کلهم اجمعین ستاد تیپ ویژه شهدا. فرماندهی آقای شهید ناصر کاظمی، معاون آقای گنجی‌زاده، سه تا گردان، یکی بنده، یکی شهید ملکیان، یکی شهید قمی، تدارکات آقای ابراهیمی و آقای رضایی، نیروی انسانی شهید صوفی و بعداً آقای عسکری تعاون آمدند» (علامتی، ۱۳۹۷: ۳).

نقش شهید ناصر کاظمی، اولین فرمانده تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: شهید ناصر کاظمی علاوه بر اینکه فرمانده سپاه کردستان بود و رسالت پاک‌سازی مناطق کردستان را برعهده داشت، تجربه‌ای در این مناطق به دست آورده و عملکرد موفقی را به جای گذاشته بود. یک رسالت سنگین‌تر به ایشان واگذار کرده بودند تا بتوانند به عمق مناطق کردستان و آذربایجان غربی نفوذ و ضدانقلاب را در این مناطق تجزیه و قلم‌و‌قلم‌کند. به همین دلیل، ایشان در ابتدای سال ۱۳۶۱ به عنوان فرمانده تیپ ویژه شهدا معرفی شد.

شهید کاظمی در کنار شهید بروجردی در سال ۱۳۶۰ در تأسیس گردان شهدا و آزادسازی سد و شهر بوکان نقش بسزایی داشت. گردان شهدا با تلاش شهیدان بروجردی و کاظمی به سطح تیپ ارتقا یافت، تیپ ویژه شهدا، اولین تیپ رزمی کردستان بود که در اوایل سال ۱۳۶۱ هم‌زمان با یگان‌های سپاه در جبهه‌های جنوب کشور در کردستان تشکیل شد. هسته اولیه تیپ ویژه شهدا فرماندهان و ۸۰۰ نفر کادر گردان شهدا بودند... شهید کاظمی از زمان انتصاب به فرماندهی تیپ با همکاری سایر فرماندهان نظامی و انتظامی منطقه برنامه آزادسازی محور و جاده اشغال‌شده کردستان و آذربایجان غربی را تدارک دیدند (منصوری، ۱۳۷۹: ۲۰۴).

ششم شهریورماه سال ۱۳۶۱، روز اول عملیات پیرانشهر - سردشت، روستای چپانه و نمینجه پاک‌سازی شد، شهید کاظمی برای هماهنگی مرحله دوم عملیات، نزدیک غروب آفتاب عازم ترمچین قرارگاه مرکزی ارتش و سپاه می‌شود، اما خودروی آن شهید در سه‌راهی پیرانشهر - سردشت و نمینجه با کمین ضدانقلاب مواجه می‌شود، متأسفانه با شلیک تک‌تیرانداز دشمن و اصابت تیر به سر ایشان، آقای کاظمی در راه بیمارستان شهید می‌شوند، با شهادت آقای کاظمی عملیات ۱۰ روز متوقف می‌شود (منصوری، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

نقش شهید محمدعلی گنجی‌زاده دومین فرمانده تیپ ویژه شهدا در دو مرحله عملیات پیرانشهر - سردشت: با شهادت آقای ناصر کاظمی، محمدعلی گنجی‌زاده به‌عنوان فرمانده تیپ ویژه شهدا معرفی می‌شوند. هشتم شهریورماه ۱۳۶۱ طرح عملیاتی شهید کاظمی در ۱۵ مرحله توسط قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) در زمان فرماندهی ایشان تهیه شد، در این طرح عملیاتی، تیپ ویژه شهدا به‌عنوان تلاش اصلی و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه تلاش پشتیبانی و ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی به‌عنوان احتیاط عملیات انتخاب شدند (طرح عملیاتی شهید کاظمی؛ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه - هشتم شهریورماه ۱۳۶۱).

مرحله دوم عملیات: [به فرماندهی شهید گنجی‌زاده] ساعت ۵:۳۰ مورخ ۱۳۶۱/۶/۱۷ با بازگشایی چند کیلومتر دیگر از محور پیرانشهر - سردشت، ... ارتفاعات شمالی هنگ‌آباد به تصرف نیروهای خودی درآمد. مرحله سوم عملیات در تاریخ ۲۸ شهریورماه ۱۳۶۱ توسط تیپ ویژه شهدا و یک گردان از تیپ ۲ پیرانشهر برای تصرف تعدادی از روستاها و جنگل‌های پیردان و گلغت آغاز شد. در این عملیات محمدعلی گنجی‌زاده دومین فرمانده تیپ، در ارتفاعات جنگلی مشرف به روستای گزگز شهید شدند، شهید بروجردی پس از شهادت ایشان عملاً اداره تیپ ویژه شهدا را تا پایان عملیات عهده‌دار شدند (منصوری، ۱۳۷۹: ۷۲ و ۷۱).

نقش شهید علی قمی، سومین فرمانده تیپ ویژه شهدا در ۱۳ مرحله عملیات پیرانشهر - سردشت: پس از شهادت محمدعلی گنجی‌زاده، علی قمی با حمایت و هدایت شهید بروجردی تا پایان عملیات، سرپرستی تیپ ویژه شهدا را عهده‌دار شدند. ایشان از سوم مهرماه تا پایان آبان‌ماه، ۱۳ مرحله عملیات را با همکاری شهید کاوه و فرماندهان با اقتدار و پیروزی اداره کردند. دشمن نیروهای خود را از سراسر کردستان و آذربایجان غربی برای مقابله با نیروهای خودی فراخوانی کرد. حضور دکتر قاسملو و شیخ عزالدین، دبیرکل حزب دمکرات و کومه در منطقه از نقاط قوت دشمن و اهمیت نگهداری جاده مهم

پیرانشهر - سردشت برای گروهک‌های جدایی طلب بود. با وجود تلاش‌های مذبحخانه دشمن، جاده راهبردی پیرانشهر - سردشت، پس از ۴ سال در پایان آبان ماه ۱۳۶۱ آزادسازی شد. علاماتی می‌گوید: «فرمانده عملیات آقای شهید کاوه بودند، آنجا شهید کاوه فرمانده عملیات بودند، فرمانده عملیات در کردستان مثل فرمانده یگان بودند. آقای کاوه در اصل چند عملیات را هدایت می‌کند، تا ۲ - ۳ مرحله عملیات مانده به آخر آقای عبدی آمدند. ... [کارهای پشتیبانی با آقای قمی و عملیاتی با کاوه بود.] تا جایی که ما می‌دانیم بین شهید کاوه و شهید قمی فاصله‌ای نبود» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۸).

شهید بروجردی: «فشاری که در رابطه با تشکیلات تیپ شهدا وارد آمد بسیار زیاد است. در رابطه با نارسایی‌ها و... برادران این تیپ در عملیات پاک‌سازی جاده پیرانشهر - سردشت در تاریخ ۶۱/۸/۲۳ بدون فرماندهی جنگیدند، ستاد نداشتند، لکن نیروها تابع احکام شرع بودند» (منصوری، ۱۳۷۹: ۸۶)

نقش فرماندهان گردان‌های تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت

فرمانده گردان در یگان نظامی، یکی از ستون‌های اصلی سازمان و تشکیلات تیپ محسوب می‌شد، پیروزی و شکست عملیات پس از فرمانده تیپ به توانایی و مدیریت فرماندهان صحنه نبرد و میدان مبارزه مستقیم با دشمن، یعنی فرماندهان گردان بستگی داشت، به بیان دیگر، فرمانده گردان از ویژگی شجاعت، جسارت، مدیریت و قدرت اداره ۳۰۰ نفر نیرو در شرایط سخت و بحرانی برخوردار بود. لذا گردان، کلیدی‌ترین و مخاطره‌آمیزترین مسئولیت رزمی در تیپ و لشکرها بود که هر فردی توانایی این مسئولیت خطیر را نداشت. اکثر تیپ و لشکرهای سپاه گردان‌محور بودند، معمولاً گردان‌ها مستقیماً تحت امر فرمانده یگان اداره می‌شد، در پایان جنگ لشکرها برای هدایت عملیات از تیپ‌های محوری استفاده می‌کردند (ایافت، ۱۳۷۷: ۶۲).

دکتر علاماتی: هر سه گروهان هم، تحت امر یک فرمانده گردان قرار گرفتند که فرماندهان این سه گردان، در همان جلسه معرفی شدند. بنده فرمانده گردان «حضرت رسول (صلوات الله علیه)»، رضا ملکیان فرمانده گردان «امام علی (علیه السلام)» و علی قمی فرمانده گردان «امام حسین (علیه السلام)» بودند. این چند نفر، استخوان‌بندی تیپ ویژه شهدا را تشکیل می‌دادند و از آن زمان به بعد شروع به اجرای مأموریت کردند (شکری، ۱۳۸۹: ۲۶۴ - ۲۴۳). فرماندهان گردان‌ها با تدبیر عالی فرماندهان تیپ و مطابق طرح عملیاتی پیرانشهر - سردشت موفق شدند، اهداف عملیاتی را در ۱۶ مرحله آزادسازی نمایند (منصوری، ۱۳۷۹: ۳۱۴).

نقش ارکان تیپ ویژه شهدا در عملیات آزادسازی پیرانشهر - سردشت

عملیات آزادسازی جاده پیرانشهر - سردشت، تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) از دو محور انجام شد. یک محور از سمت سردشت توسط برادر جواد استکی و برادر حسن رستگارپناه هدایت می‌شد و از سمت پیرانشهر شهید محمد بروجردی و شهید آشناسان معاونین (ارکان) قرارگاه حمزه برای هدایت و طرح ریزی عملیات، کار را دنبال می‌کردند.

نقش رکن یکم: نیروی انسانی تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: در رابطه با تشکیل تیپ ویژه شهدا مسئولیت اداره نیروی انسانی تیپ ویژه شهدا در این عملیات با شهید حسن صوفی از همدان بود. نیروی انسانی تیپ ویژه شهدا شامل پاسدار رسمی و مشروط، سرباز، بسیجی و پیشمرگ کرد مسلمان بودند که از نقاط مختلف کشور جذب تیپ ویژه شهدا شده بودند... رزمندگان تیپ ویژه شهدا و سایر نیروها توانستند دشمن را شکست داده و یک امر غیرممکن را با ایثار و فداکاری خود، ممکن سازند. این عملیات ضمن زخمی کردن و هلاکت بیش از ۱۰۰۰ نفر از نیروهای فریب‌خورده دشمن، سران و نیروهای حزب خائن دمکرات و کومله را به عراق متواری کرد (ایافت، ۱۳۷۷: ۸۵ و ۶۰).

دکتر علاماتی: «از اوایل سال ۶۰ این دیدگاه عملیاتی شد. دراصل با گلچین کردن نیروهایی که در پادگان شهید منتظری یا خضر زنده آن موقع در ۲۰ کیلومتری کرمانشاه - کامیاران بودند. با گلچین کردن آنها، مبنای شکل‌گیری یک گردان ویژه شهدا آغاز شد. در آنجا هر دوره‌ای که شکل گرفت، دو دوره وجود داشت، یک دوره پاسداری و یک دوره بسیج، با هر دوره آدم‌هایی که می‌آمدند دوره، می‌نشستند گلچین می‌کردند، با گلچین کردن آنها، منطقه آنها را به این گردان ویژه می‌دادند که محدوده عمل آنها منطقه ثلاث باباجانی و روانسرو این طرف‌ها، آنجاها بود.

در اواخر سال ۱۳۶۰ با تلاش‌هایی که شکل گرفت، نیروهایی از چند استان آمدند. هماهنگی صورت گرفت، نیروها را گزینش کردند، به‌عنوان سپاه غرب. به عبارتی، سپاه غرب که فرمانده آن محمد بروجردی بود. نیروها از کجا بودند، از استان کرمانشاه بودند، از همدان بودند، از تهران بودند و یک مقداری از استان مرکزی. اولین نیروهایی که هسته اولیه، آمده بودند، اینها گزینش شدند، حدود ۶۰۰ نفر شدند. ۶۰۰ نفر را فرستادند در پادگان امام حسین(ع) تهران دوره بینند که در اصل دوره آنها معروف شد به دوره آموزشی غرب کشور. در اصل حدوداً اردیبهشت‌ماه اینها دوره و مراحل آموزش پایانی را گذراندند. قرار شده بود نیروها به ۳ گردان تقسیم شوند. گردان به تیپ تبدیل شد و ۶۰۰

پاسدار آموزشی به تیپ ملحق شدند. بچه‌ها در اصل دسته‌بندی شدند، ما این بچه‌ها را می‌شناختیم، هر کدام را گذاشتیم مسئول یک گروهان و یک دسته. عملیات اینچنین دنبال شد تا بتوانیم تیپ را شکل دهی کنیم» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۲ و ۱).

نقش رکن دوم: اطلاعات تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: ... اقدام بعدی شناسایی منطقه بود. واحد اطلاعات سپاه پیرانشهر مقدار زیادی اطلاعات از رکن ۲ ارتش و کردهای مسلمانی که در منطقه بودند، به دست آورد، البته با رعایت حفاظت اطلاعات» (ایافت، ۱۳۷۷: ۷۶).

نظام پور: ساعت هفت صبح از مقر دخانیات زدیم بیرون. محمود کنار من نشسته بود و مهدی اصغرزاده پشت سرم. نفر چهارم ما هم مجید ایافت بود. ... نیم ساعت طول کشید تا از جاده‌های خاکی و پیچ در پیچ، خودمان را به ارتفاعات تمرچین رساندیم. این نقطه، خط مقدم ما با نیروهای عراقی بود. ... ما وظیفه داشتیم طوری وانمود کنیم که قصد عملیات علیه مواضع عراق را داریم تا عملیاتمان لو نرود و احدی از آن با خبر نشود. ... پشت سرما هم پیرانشهر و تمام آبادی‌های اطراف آن در معرض دید بودند. روستای بادین آباد هم در فاصله ۲۰ کیلومتری شهر و در تصرف دشمن در مقابل دیدگان ما قرار داشت. تمام جاده‌ها و عوارض طبیعی این روستاها از نقطه‌ای که ما ایستاده بودیم، قابل شناسایی بودند. شک نداشتم که ذهن فعال و بی‌نقص کاوه درحال پردازش و حل‌جایی این عوارض است (نظام‌پور، ۱۳۹۶: ۵۶۳ - ۵۶۴).

علاماتی: جلسه [مشترک با ارتش] به این شکل یک قسم روی طراحی‌ها و یک قسم روی شناسایی منطقه بود. ما اول، جاده پیرانشهر - سردشت را نمی‌دانستیم (شناختیم)، روی ارتفاع تمرچین رفتیم. همه بچه‌ها، فرماندهان گردان‌ها و فرماندهان گروهان‌ها اینجا را شناسایی کردند و روستاها را می‌دیدند، دراصل، بیشترین چیزی که ما داشتیم، یک دوربین کوچک بود، چیز دیگری نداشتم، دراصل، ما یک محدوده را می‌دیدیم. این یکی از مراحل [شناسایی] بود، یکی از مسائل دراصل، همراه‌سازی عناصر بلدچی بود که بتوانند با منطقه آشنا شوند و کمک کنند به فرماندهانی که اجرای عملیات می‌کنند (علاماتی، ۱۳۹۷: ۵ - ۴).

علاماتی: نقش رکن سوم: عملیات تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: جاده پیرانشهر - سردشت، هفت، هشت کیلومترش توسط ارتش و سپاه آزاد شده بود، ما رفتیم آنجا ما با منطقه آشنایی نداشتم، اولاً [باید] عملیاتی که باید انجام می‌گرفت، طراحی شود که عنصر اصلی آن شهید ناصر کاظمی بود. در جلسه‌ای که من حضور داشتم آقای ظهوری فرمانده تیپ ۲، آقای سنجابی معاون تیپ،

شهید گنجی‌زاده، شهید کاوه و بنده بودیم. در آن جلسه صحبت شد ما چه‌جوری اینجا را باز کنیم، ارتش صحبت از این می‌کرد اینجا خیلی سخت است، ضدانقلاب زیاد است، خیلی گسترش دارند، به مرز متصلند، عراق پشتیبانی می‌کند، منطقه پوشش‌دار و جنگلی است، خیلی محطاطانه نسبت به این موضوع نگاه می‌کرد، ما با یک طرح خیلی خوب، امکانات و پشتیبانی لازم این کار را بکنیم. یک‌بار شهید کاظمی گفت: «ما آمدیم هماهنگی کنیم، اجرای عملیات آفندی و گرفتن مناطق با ما (تیپ ویژه)، استقرار و مستقرشدن و پشتیبانی توپخانه با شما (ارتش)». آقای ظهوری می‌گفت: «من رفتم انگلستان، ظفار بودم» من یادم است، آقای کاظمی گفت: «خواهش می‌کنم شما به‌موقع مستقر شوید و تحویل بگیرید ما بتوانیم گام جلوتر را برداریم.» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۵-۴).

یافت: مسئولیت دو رکن مهم اطلاعات و عملیات تیپ در عملیات راهبردی پیرانشهر - سردشت با شهید بزرگوار محمود کاوه بود، ...طراحی عملیات در طرح شهید کاظمی به‌قدری دقیق و با شناخت لازم از دشمن بود که توانست در طول ۳ ماه، منطقه وسیعی از میهن اسلامی را در منطقه بحرانی کردستان از اشغال گروهک‌های معاند با تمام حمایت‌هایی که عراق و دشمنان خارجی از آنها داشتند، خارج کند (یافت، ۱۳۷۷: ۹۰-۸۵-۷۷).

نقش رکن چهارم: لجستیک تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: نیروهای پشتیبانی خودرو و تجهیزات لازم مانند پوشاک، سلاح انفرادی مانند کلاشینکف، آرپی‌جی ۷، تیربار و سلاح‌های جمعی مانند، خمپاره ۸۱، تفنگ ۱۰۶م، مینی کاتیوشا، فشنگ و گلوله‌های هریک از سلاح‌ها را در طول ۳ ماه عملیات پیرانشهر - سردشت را در شرایط سخت و بحرانی تأمین می‌کردند (یافت، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۰).

علاماتی: در اواخر اردیبهشت ماه و اول خردادماه سال ۶۱، اول آنها آمدند، گوشه پادگان لشکر ۸۱ زرهی، پادگانی که می‌گفتند کربلا، اول مستقر بودند، بعد این نیروها که آمدند پادگان اسلام‌آباد غرب در آنجا قرار گرفتند. ...دراصل، توی همین پادگان اسلام‌آباد غرب تجهیز شدند، سازماندهی شدند... این یگان تجهیز شد، عراق یک تکه‌هایی را مجبور شد، خودش عقب‌نشینی بکند، یگان ما رفت سرپل‌ذهاب. ...این یگان همین ۳۰ تیرماه بود که دراصل تصمیم‌گیری شد که بیاد توی کردستان اجرای عملیات کند که تمام این یگان بلند شد آمد در سقز. سقز جایی دارد به نام دخانیات [توی اداره دخانیات بود]، آنجا فضای استقراری یگان بود که خیلی موقت بود... یادم است چون حداقل از اسلام‌آباد تا رفتیم به پادگان ابوزر و از پادگان ابوزر برگشتیم ۱۰ - ۲۰ روز طول کشید، از اینجا به بعد

تپ ویژه شهدا شکل گرفت. ... دراصل، عملیات ساده انجام شد در سقر، عملیات ساده، بیشتر حکم مانور و آشنایی داشت، توجه کردن و سازماندهی کردن بچه‌ها بود. بچه‌ها همدیگر را بشناسند، سازماندهی شوند، وسائل، ابزار و تجهیزات بگیرند.

علاماتی: ... تقریباً ما از اول‌های برج پنج مستقر شدیم جلدیان، چرا اول رفتیم جلدیان؟ عملیات پیرانشهر - سردشت از اوایل برج پنج می‌باشد زیرا ما رفتیم اول آنجا با منطقه آشنا شدیم، چه شرایطی دارد. ... در حدود نزدیک به شاید دو هفته مانده به عملیات، تو این محور طول کشید، یک مقداری آماده‌سازی و هماهنگی شد، ما در همین زمان از جلدیان استقرار را انتقال دادیم به پادگان پیرانشهر، آمدیم تپ ۲ لشکر ۶۴ ارومیه. چند آسایشگاه گرفتیم تا نزدیکتر به منطقه عملیات باشیم» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۳-۲).

یافت: نیروهای پشتیبانی، تغذیه نیروهای رزمی تپ را با شرایط دشوار منطقه عملیات، در مدت سه ماه برعهده داشتند، از شروع عملیات، پخت غذا در پادگان جلدیان تپ دوم لشکر ۶۴ پیاده ارومیه در پیرانشهر انجام می‌شد و در سطح جبهه توزیع می‌شد. حمل و نقل نیروهای تپ به منطقه عملیات یکی از مشکلات عمده عملیات پیرانشهر - سردشت بود. تردد در محورها و جاده‌ها باتوجه به موانع طبیعی و مصنوعی مانند رودخانه گلاس، جاده‌ها، ارتفاعات و جنگل آلواتان یکی دیگر از مشکلات مهندسی رزمی عملیات محسوب می‌شد. احداث پل روی رودخانه‌ها، برف‌روبی، مرمت جاده‌ها، برق‌رسانی، آب‌رسانی، احداث حمام صحرایی، به‌روزرنگه‌داشتن تجهیزات و امکانات از مأموریت‌های مهم دیگر مهندسی رزمی و لجستیک، قبل و حین عملیات بود (یافت، ۱۳۷۷: ۹۱).

تعامل و ارتباط تپ ویژه شهدا با مردم در عملیات آزادسازی پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

یکی از راه‌های برون‌رفت مسئولین نظام از بحران کردستان، ایجاد امنیت پایدار توسط مردم بومی منطقه بود، ایجاد سازمان پیشمرگان کرد مسلمان [ایل منگور]، تشکیل سازمان بسیج عشایری و مردمی، تسلیح مردم بومی بود تا این امر محقق شود، با توسعه این سازمان‌ها، حضور نیروهای رزمی مانند تپ ویژه شهدا در کردستان و آذربایجان غربی کاهش یافت و از آنها در جبهه‌های جنوب و غرب کشور استفاده شد. امنیت شهرها به سپاه، بسیج و گردان‌های جندالله شهرها و شهربانی، امنیت مرزها به ارتش جمهوری اسلامی ایران و امنیت روستاها و جاده‌های بین شهری و مرزها به ژاندارمری واگذار شد. «فلان روستایی که حالا چهار، پنج تا از وابستگان این طائفه رفتند و مسلح شدند، الآن در پناه

جمهوری اسلامی خیلی از مشکلاتشان هم حل شده و خدمت هم می‌کنند، آنها می‌رفتند می‌گفتند: این پاسدارها، بچه‌های سپاه، بچه‌های تیپ ویژه شهدا، نیروی [مسلح] جمهوری اسلامی ایران، این طور که ضدانقلاب وانمود کرده به شما نیستند.» «روزهای اول که ما عملیات می‌کردیم ضدانقلاب و مردم هر دو فرار می‌کردند، یعنی ضدانقلاب می‌فهمید که تیپ ویژه شهدا آمده، اول مردم فرار می‌کردند، بعد ضدانقلاب که می‌دید توان مقابله با ما را ندارد، فرار می‌کرد. بعد از عملیات پیرانشهر - سردشت به صورت مستمر در منطقه ادامه داشت. چند مرحله‌اش که گذشت، ضدانقلاب فرار می‌کرد. مردم پرچم‌های سفید دستشان می‌گرفتند و آرام آرام به نیروهای تیپ ویژه شهدا نزدیک می‌شدند. در مراحل بعدی مردم به استقبال ما می‌آمدند، ما هنوز عملیات نکرده بودیم. می‌دیدیم مردم دسته‌دسته می‌آمدند: آقا بیاید این روستاهای ما را هم پاک‌سازی کنید» (یافت، ۱۳۷۷: ۱۰۹-۱۰۸).

تعامل تیپ ویژه شهدا با یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت:

نتایج حاصله از تحقیقات اینجانب حاکی است، تیپ ویژه شهدا با تمامی نیروهای نظامی و انتظامی منطقه ارتباط مستمر داشته، تعامل فرمانده تیپ ویژه شهدا با فرماندهان تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، تیم هوانیروز کرمانشاه از ارتش و ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی در منطقه بسیار صمیمی بود که یکی از عوامل مهم پیروزی تیپ ویژه شهدا در عملیات بوده است.

یگان‌های رزمی شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت: لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، لشکر ۲۸ پیاده سنندج، تیپ نیروی مخصوص نوه‌د، تیم پایگاه دوم شکاری تبریز، تیم هوانیروز کرمانشاه از ارتش؛ تیپ ویژه شهدا، تیپ سپاه سردشت، تیپ گردان‌های جندالله (سردشت، بانه، سنندج و...)، پیشمرگان کرد مسلمان و عشایر منگور از سپاه، ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی، کما ۱۱ (بارزانی)، نیروهای شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت بودند (طرح عملیاتی شهید کاظمی، قرارگاه لشکر ۶۴ پیاده، رکن ۳؛ هشتم شهریور ۶۱).

قرارگاه عملیاتی حر: قرارگاه مشترک حر در روستای بزیه سردشت تشکیل شد (احمدی مقدم، پیام‌ها و اسناد سپاه، ۱۳۶۱). جواد استکی فرمانده و رستگارپناه، جانشین بودند (مصاحبه سردار رستگارپناه، ۱۳۹۴). سرهنگ کروندی از ارتش فرماندهی لشکر ۲۸ کردستان و نیروهای ارتش را برعهده داشت، یک گردان قدس و ۳ گردان عملیاتی از سپاه جمعاً ۴ گردان که هر گروهان ۷۰-۸۰ نفر بودند (مصاحبه سردار رستگارپناه).

یگان‌های شناخته‌شده دشمن: حزب دمکرات با استعداد ۲ هیز (آواره و برگیری) که حدود ۲۵۰ نفر

بازکنکاشی نو در مورد نقش تپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

در شهرستان پیرانشهر بودند. (طرح عملیاتی شهید کاظمی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شهریور ۶۱)؛ چته‌های کوموله به تعداد ۱۰۰ نفر و هیز معینی در منطقه سردشت به همراه نیروهای معارض بارزانی حدود (۵۰۰ نفر) و سه گردان ضدانقلاب به استعداد ۸۰۰ نفر نیروی کمکی از مناطق دیگر جهت مقابله با نیروهای اسلام با انواع تجهیزات سبک و نیمه‌سنگین در سردشت مستقر بودند (طرح عملیاتی شهید کاظمی، ۱۳۶۱).

اهمیت و ویژگی منطقه عملیات پیرانشهر - سردشت

پیرانشهر را دو جاده به سردشت متصل می‌کرد، یکی جاده طولانی و پرپیچ‌وخم قدیمی که در سمت چپ رودخانه گلاس (زاب صغیر) قرار داشت و دیگری جاده جدید که حدود ۹۵ کیلومتر طول داشت و ۴۵ کیلومتر از آن در پیرانشهر و مابقی در سردشت بود. جاده پیرانشهر - سردشت، از مناطق کوهستانی و پوشیده از جنگل می‌گذشت و آذربایجان غربی را به کردستان مرتبط می‌کرد (مصاحبه احمدی‌مقدم، ۱۳۸۱).

جاده، بین سردشت، پیرانشهر و مهاباد قرار داشت، مثلی که از نظر جغرافیایی منطقه‌ای پیچیده بود (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶). در روزهای بحران به مثلث قدرت ضدانقلاب معروف بود، مثلی که دقیقاً یک ضلع آن به موازات مرز، منطبق با مرز عراق بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). نیروهای تجزیه طلب دمکرات، کومله و منافقین اصلی‌ترین مقرهای خود را در روستاهای اطراف جاده مستقر کرده بودند (صادقی، ۱۳۹۴: ۹۰) که جاده اصلی تدارکاتی آنها از همین مسیرها تشکیل می‌شد (انصاری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱).

رودخانه گلاس در شرق، جاده را تا سردشت و جنوب را به سمت بانه زهکشی می‌کرد. دو ارتفاع بزرگ حوالی رودخانه با ارتفاعی بالای ۳۰۰۰ متر وجود داشت که مقر اصلی کومله، دمکرات و سایر عناصر ضدانقلاب بود (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

تقریباً ۶۵ کیلومتر از نواحی که جاده از آن می‌گذرد، کوهستانی و جنگلی و دارای امکانات سوختی و غذایی است. کوه‌های سربه‌فلک کشیده‌ای دو طرف جاده را احاطه کرده‌اند. کوه‌ها در سمت راست جاده کوه‌های هم‌مرز عراقند که به راحتی می‌شود از طریق آنها با دوسه ساعت راهپیمایی به خاک عراق رفت. در دامنه کوه‌های سمت چپ، جاده قدیمی قرار دارد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). حرکات متکی به جاده و دید و تیر ضعیف و اختفا و پوشش در آن مناسب است (طرح عملیاتی شهید کاظمی، خلاصه اطلاعاتی، ۱۳۶۱). به این معنا که امکان می‌دهد، چند نفر بتوانند با موضع‌گیری

در آن، به راحتی راه چندصد نفر را بگیرند، به همین علت بود که ضدانقلاب با چنگ و دندان از آن حراست می‌کرد (انصاری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). سرتاسر جاده، کوه‌ها و دره‌ها را سنگربندی کرده و خمپاره‌اندازها، توپخانه و سلاح‌های مختلف را در آنها مستقر کرده بود (راهیان نور، Ravayat).

جاده از سه راهی سردشت تا پیرانشهر، دشت ندارد و از نلاس به بعد بسیار پیچیده می‌شود (مصاحبه احمدی مقدم، ۱۳۸۱). اما از کیلومتر ۶۵ به بعد منطقه دشت است. حرکت خارج از جاده در مواقع خشکی ممکن است. در طول محور از پسوه تا سردشت ۱۵۲ روستا (طرح عملیاتی ارتش، ۱۳۶۱) و هفت پل مهم و عمده وجود دارد (طرح عملیاتی شهید کاظمی، خلاصه اطلاعاتی، ۱۳۶۱). حساس‌ترین بخش جاده، جنگل آلوآتان و حساس‌ترین قسمت آلوآتان هم قله‌های مرتفع آن است. بارها ضدانقلاب با دعوت از خبرنگاران خارجی در ارتفاعات آلوآتان به مانور روانی علیه نیروهای انقلاب دست زده بود. قاسملو بارها آلوآتان را قلعه افسانه‌ای و نفوذ ناپذیر حزب دمکرات خوانده بود. این محور اهمیت بسیاری برای ضدانقلاب داشت، آنها گفته بودند، اگر جمهوری اسلامی جاده پیرانشهر - سردشت را از ما بگیرد، ما زن‌هایمان را طلاق می‌دهیم (مصاحبه محمدرضا طباطبایی، ۱۳۶۱). مقرهای فرماندهی شماره یک حزب دمکرات، فرماندهی کل کومله، دفاتر سیاسی و کمیته‌های مرکزی تصمیم‌گیری آنها در این محور بود، حتی جلسات و کنگره‌های سالیانه ضدانقلاب همین جا برگزار می‌شد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

مرکزیت رادیو کردستان هم که قسمت عمده‌ای از تغذیه فکری ضدانقلاب را در منطقه تأمین می‌کرد، در این محور بود (مصاحبه انصاری، ۱۳۶۱). در طول محور، بیمارستان‌هایی بود که دکترهایش به صورت شیفتهی از فرانسه می‌آمدند. یکی از مراکز درمانی در شیواشان و دیگری در میرآباد بود. زندان‌های معروف حزب مثل زندان دوله‌تو و آلوآتان نیز در این محور بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). تعداد ۳۶۰ نفر زندانی در آلوآتان و ۴۴۰ نفر زندانی در آبادی‌های داوودآباد، مزرعه و کانی‌زرد از نیروهای سپاهی، ارتشی، جهادی و بسیجی وجود داشت (خلاصه اطلاعاتی شماره ۱، تیپ ۱ پیرانشهر، لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، هشتم شهریورماه ۶۱).

شانزده مرحله عملیات آزادسازی محور راهبردی پیرانشهر - سردشت؛ از ششم شهریورماه سال ۱۳۶۱ تا اول آذرماه ۱۳۶۱

همزمان با پاک‌سازی شهرهای مناطق غرب و شمال غرب کشور، پاک‌سازی و آزادسازی محورهای مواصلاتی از اواخر سال ۱۳۵۸ به تدریج شروع شد و جاده‌های مهمی مانند کامیاران -

سنندج [سردشت - پیرانشهر] که خط اصلی نقل و انتقال زمینی بین شهرهای مهم بود توسط رزمندگان اسلام آزاد شد (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۷).

«عملیات پیرانشهر - سردشت از اوایل برج پنج بود، ما رفتیم اول با منطقه آشنا شدیم، چه شرایطی دارد. در محور مهاباد به پسوه یکی دو تا عملیات انجام شد، یک عملیات از پیرانشهر به پسوه روستای اشوزنگ انجام شد، یک عملیاتی بود که ما هم برای آمادگی خودمان و هم شناخت دشمن و هم اینکه ممکن بود به هر حال ما [به دشمن] بگیم جهت [عملیات] این نیست، ... جاده پیرانشهر - سردشت، [حدود] هفت، هشت کیلومترش توسط ارتش و سپاه آزاد شده بود، ما رفتیم آنجا. ما با منطقه آشنایی نداشتیم» (علاماتی، ۱۳۷۹: ۵).

۲۲ مرحله عملیات در منطقه انجام گرفت که ۱۶ مرحله از سمت سردشت به پیرانشهر توسط تیپ ویژه شهدا و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه و ۶ مرحله از سمت سردشت به پیرانشهر به وسیله تیپ سپاه سردشت و عناصری از لشکر ۲۸ پیاده سنندج به مرحله اجرا درآمد.

مرحله اول عملیات: پاک‌سازی جاده از چپانه تا بادین‌آباد، جمعه پنجم شهریورماه ۱۳۶۱: «مرحله اول عملیات با نام شهیدان رجایی و باهنر با به‌کارگیری سه گردان پیاده و یک گردان موتوریزه در پنجم شهریورماه ۱۳۶۱ از پیرانشهر آغاز شد. گردان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) به فرماندهی علی قمی و گردان امام حسین (علیه السلام) به فرماندهی رضا ملکیان برای تأمین ارتفاعات بسیار بلند و دامنه‌دار چپانه تا روستای بادین‌آباد منگور حرکت کردند، گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) به فرماندهی غلامرضا علاماتی و گردان موتوریزه ذوالفقار با هدایت محمود کاوه در پایگاه روستای قلعه موت‌آباد قبل از روستای چپانه مستقر شده بودند (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

ضدانقلاب به‌خاطر اینکه سازمان رزم ما را به هم بریزند، نیمه‌شب به پایگاه فوق حمله کردند، هوا به روشنی می‌رفت [دشمن] منطقه را ترک کردند. مقر فرماندهی که هدایت کل عملیات را برعهده داشت، قرارگاه تاکتیکی ارتش در روستای تمرچین بود. روستای نمینجه با یک عملیات گازانبری در دو محور محاصره شد، نیروها وارد روستا شدند، ضدانقلاب کشته‌ها و زخمی‌هایش را برده بود. نمینجه را گرفته بودیم، درگیری همچنان ادامه داشت و ادامه مسیر عملیات به طرف روستای بادین‌آباد منگور بود (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

غلامرضا علاماتی: «اول فکر می‌کردیم شهید قمی می‌رود، ارتفاع را می‌گیرد، بعد دیدیم قمی ارتفاع را نگرفته، بارزانی‌ها او را بردندش آن بالا بالاها. اینها باید می‌آمدند نزدیکتر، رفته بودند بالای

روستا، سه کیلومتر با ارتفاع فاصله داشت، تیر هم از بالا نمی‌رسید. شهید کاظمی گفت: «خودت برو ارتفاع را بگیر»، من برای تصرف ارتفاع حرکت کردم. از آن تکه‌ای که من رفتم بالای ارتفاع، شهید ملکیان مقداری آن طرف‌تر آمده بود بالای ارتفاع، از روی تک‌درخت ملکیان را زده بودند و شهید شده بود. من بعداً متوجه شدم ملکیان شهید شده است. آخرین مکالمه‌ام با ناصر کاظمی تقریباً نیم ساعت قبل از شهادت ایشان بود، ناصر به من گفت: علی رو ول کن خودت ارتفاع را بگیر، ما درگیر شدیم و ارتفاع را گرفتیم، وقتی آمدیم در مکالمه بی‌سیم هی گفتم، ناصر، ناصر - رضا! ناصر جواب نداد، گنجی‌زاده آمد رو خط، گفت: «ناصر پرواز کرد». فرداش عملیات تکمیل شد، شهادتی که در آنجا مانده بود، ضدانقلاب بعضی را مثله کردند تا ما را بترسانند. ... عملیات بادین‌آباد یکی از درگیری‌های سرنوشت‌ساز و یکی از محک‌های اولیه سنگینی است که تیپ ویژه دارد» (مصاحبه سردار علاماتی، ۱۳۹۷).

اولین شهید از جمع فرماندهان عملیات پیرانشهر - سردشت، محمدامین احمدی فرمانده پیشمرگان کرد مسلمان منگور بود. شهید دوم تیپ صفت‌الله مقدم فرمانده مخابرات بود که از کمر به پایین غرق در خون بود و اصلاً معلوم نبود محل اصلی زخمش کجاست (مصاحبه آزادمنش، ۱۳۶۱).

رضا ملکیان [اولین فرمانده گردان تیپ] روی دامنه ارتفاعات شهید شد، غروب ناصر کاظمی به طرف پیرانشهر حرکت کرد، دشمن با یک تیر پیشانی شهید را هدف گرفت (مصاحبه سردار شاهوردیان، ۱۳۸۱). کاظمی زخمی شده بود، او را به بیمارستان پیرانشهر رسانده بودند، اما به شهادت رسیده بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸).

طرح عملیاتی شهید ناصر کاظمی: هشتم شهریورماه این طرح برای اجرای عملیات از دو سمت پیرانشهر و سردشت تهیه شد، مطابق این طرح عملیاتی، تیپ ویژه شهدا و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه بازگشایی محور را در سه مرحله اجرا می‌کردند:

مرحله اول: پاک‌سازی از چپانه تا هنگ‌آباد به وسیله تیپ ویژه شهدا و استقرار گردان ۱۹۸ پیاده تیپ ۱ سلماس بود، مرحله دوم: از هنگ‌آباد به طرف سردشت به وسیله تیپ ویژه شهدا و گردان ۱۰۹ پیاده تیپ ۲ تا نقطه الحاق نبی‌آباد بود و مرحله سوم: پاک‌سازی با تیپ ویژه شهدا و تحکیم با تیپ ۱ و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه بود.

مرحله دوم عملیات: پاک‌سازی جاده از لاورین تا هنگ‌آباد - دوشنبه پانزدهم شهریورماه ۱۳۶۱
شامگاه دوشنبه ۱۵ شهریورماه نیروها برای اولین بار بزرگترین راهپیمایی خود را در کردستان به

طول ۳۵ تا ۴۰ کیلومتر برای انجام مرحله دوم عملیات آغاز کردند. نیروها به ۳ دسته تقسیم شدند: دسته اول: نیروها با اتومبیل چراغ خاموش از پادگان پیرانشهر به چپانه منتقل شدند، از آنجا پیاده روی خود را برای رسیدن به هنگ آباد از سمت راست رودخانه آغاز کردند. دسته دوم: نیروها پیشروی شبانه خود را از محل کارخانه قند پیرانشهر و آن سوی رودخانه به طرف هنگ آباد شروع کردند. دسته سوم: نیروهای قمی روی ارتفاعات موردنظر استقرار پیدا کردند. نیروهای عباس ولی نژاد معاون گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) هم روی ارتفاعات برده زرد مستقر شدند. نیروهای دشمن با تمام توان از سمت کارخانه قند پدافند کرده بودند و فکر نمی کردند ما پشت سرشان ظاهر شویم، ما هدفمان دور زدن دشمن بود تا مناطق آرام و عقبه اش را ناامن کنیم (مصاحبه بهشتی خواه، ۱۳۷۸). در ادامه پیشروی نیروها در محور، ساعت ۵:۳۰ بامداد روز چهارشنبه ۱۷ شهریورماه، روستاهای ریگ آباد، گرده رحمت، گرده گوران و کانی اشکوت تحت کنترل قرار گرفت، نیروها در لاین به مختصات (۵۸ - ۱۸) (گزارش نوبه ای ارتش، ۱۳۶۱) و روستاهای ریگ آباد در مختصات (۵۵ - ۲۰) و گرده رحمت در مختصات (۴۷ - ۱۸) (۴۷ - ۱۸) گرده کوران در مختصات (۵۹ - ۱۹) کانی اشکوت در مختصات (۴۷ - ۲۰) و روستای قره خضر (گزارش نوبه ای ارتش، ۱۳۶۱) پایگاه زدند. صبح روز سه شنبه ۱۶ شهریورماه (مصاحبه محصولی، ۱۳۶۱) ستون موتوریزه تیب (مصاحبه بهشتی خواه، ۱۳۷۸) با توجه به اینکه نیروهای پیاده شب قبل ارتفاعات را پوشش داده بودند، در جاده شروع به حرکت کرد (مصاحبه بهشتی خواه، ۱۳۷۸). هنگ آباد یکی از مقرهای اساسی و مهم ضدانقلاب بود. در آنجا ضدانقلاب امکانات و تجهیزات بسیار زیادی داشت و مقرهای متعدد استقراری همه گروهک ها به صورت مشترک در بخش هنگ آباد بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). صبح روز پنجشنبه ۱۸ شهریورماه هنگ آباد کاملاً پاکسازی شد و نیروهای رزمنده در آن استقرار یافتند (گزارش عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱).

حسن میرزایی: من از پشت بی سیم شنود می کردم، ضدانقلاب می گفت به هنگ آباد و ارتفاعات آنجا رسیدند ما الان در محاصره هستیم و منتظریم شب بشود فرار کنیم (مصاحبه میرزایی، ۱۳۷۸). صبح روز پنجشنبه ۱۸ شهریورماه هنگ آباد کاملاً پاکسازی شد و نیروهای رزمنده ما در آنجا استقرار یافتند (گزارش عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱).

مرحله سوم: پاکسازی جاده از بادین آباد تا سه راه ترکش، جمعه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۱
سحرگاه روز دوشنبه ۲۲ شهریورماه، نیروها بار دیگر جهت از بین بردن دشمن وارد عمل شدند و آبادی تیرکش و پایگاه های گلغت را آزاد کردند و به تحکیم پایگاه در این مناطق پرداختند. در این

عملیات تلفات و ضایعات بسیاری به ضدانقلابیون وارد شد و از نیروهای خودی ۶ نفر شهید و ۲۴ نفر مجروح شدند (گزارش نوبه‌ای ارتش، ۱۳۶۱). تشکیلات هیز آواره در انتهای روستا در ساختمان پاسگاه سابق بود، سرپرستی این تشکیلات را حسین مدنی، رحمان صوفی‌زاده و مراد احمدی برعهده داشتند (گزارش اطلاعاتی طرح عملیاتی شهید کاظمی، ۱۳۶۱).

مرحله چهارم: پاک‌سازی جاده از سه راه ترکش تا گلغت، یکشنبه ۲۸ شهریورماه ۱۳۶۱
سحرگاه روز دوشنبه ۲۹ شهریورماه، دومین مرحله از طرح عملیاتی شهید کاظمی با توپخانه یگان‌های تیپ (گزارش نوبه‌ای عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱) سه‌راهی ترکش شروع شد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). البته طی تاکتیکی که در مراحل قبلی نیز اجرا شده بود، نیروهای پیاده شامگاه روز یکشنبه ۲۸ شهریورماه پیشروی خود را آغاز کرده و در اهداف موردنظر که از ارتفاعات مسلط به جاده و روستاهای مسیر بود، مستقر شده بودند.

مطابق اخبار و اطلاعات به‌دست‌آمده در این زمان، ۸۰۰ نفر نیروی ضدانقلاب به فرماندهی یک سرهنگ فراری، ابتدای جنگل در جاده موضع گرفته بودند، جلال طالبانی نیز با ۱۵۰۰ نفر نیرو برای کمک به ضدانقلاب به جنگل آمده بود، آنها ابتدای جنگل را مین‌گذاری کرده و در اطراف جاده، مواضع استحکاماتی را در دست گرفته بودند (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). نیروها با ۴ کیلومتر پیشروی توانستند گلغت را محاصره و پاک‌سازی کنند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). گروهان ۱ پیاده [ارتش] به‌عنوان احتیاط در پایگاه کوپر به مختصات (۴۳ - ۲۲) مستقر شدند (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). در این عملیات ساعت ۱۲:۳۰ مورخ ۶۱/۶/۲۸ محمدعلی گنجی‌زاده فرمانده دلاور تیپ ویژه شهدا در ارتفاعات گزکز شهید شد (گزارش روزانه تعاون تیپ ویژه شهدا؛ ۱۳۶۱/۶/۱۲۸).

مرحله پنجم: پاک‌سازی جاده از هنگ‌آباد به سمت بازرگان، پنجشنبه ۱ مهرماه ۱۳۶۱
روز جمعه دوم مهرماه ۱۳۶۱ (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱: ۲)، پس از پیشروی شبانه نیروهای پیاده، رزمندگان اسلام اعم از تیپ ویژه شهدا، ارتش و یگان‌های شهادت و جندالله مرحله پنجم را آغاز کردند. شنبه سوم مهرماه ۶۱ در دومین روز عملیات، آبادی بازرگان که یکی از مقرهای حزب منحل دموکرات بود، پاک‌سازی شد. در این مرحله از نیروهای خودی یک نفر از یگان جندالله شهید و ۷ نفر مجروح شدند (گزارش نوبه‌ای عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). تعدادی از ضدانقلابیون هم دستگیر شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). ۱۵ روستا و ۴ ارتفاع مهم و راهبردی منطقه آزاد شد (روزنامه

اطلاعات، ۱۳۶۱).

مرحله ششم: پاک‌سازی جاده از گلغت به چاکو - دوشنبه ۵ مهرماه ۱۳۶۱

روز سه‌شنبه ۶ مهرماه ساعت ۲۰ (گزارش نوبه‌ای عملیاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱)، نیروهای پیاده از پایگاه گلغت حرکت کردند، کاوه و بروجردی برای هدایت نیروها در پایگاه مستقر شده بودند. صبح روز چهارشنبه ۷ مهرماه ستون موتوریزه به فرماندهی ایافت از کوپر به طرف گلغت حرکت کرد. قرار بود، ستون از گلغت با هدایت کاوه به طرف جنگل حرکت کند که بنابر صلاحدید بروجردی، کاوه در پایگاه ماند و ستون به فرماندهی ایافت، به راه خود ادامه داد (مصاحبه سردار صدوقی، ۱۳۷۸). در درگیری گلغت، عده‌ای از افراد جلال طالبانی شرکت داشتند. ۳ نفر از آنها کشته و ۵ نفر دیگر زخمی شدند (همان، مصاحبه ایافت، ۱۳۷۸). فاصله ۱۵ کیلومتری در جنگل بدون تلفات پاک‌سازی شد.

مرحله هفتم: پاک‌سازی جاده از چاکو تا بیلوکه (سه راهی آلواتان)، چهارشنبه ۷ مهرماه ۱۳۶۱

ایافت: چهارشنبه هفتم مهرماه با دو گردان نیرو از پایگاه چاکوپیاده حرکت کردیم، بیمارستان و مقر رادیویی حزب دمکرات در دره غازان مستقر بود که توسط نیروها آزاد شد. بعد از انقلاب پروژه احداث جاده‌ها رها شده بود، این مقر به دست ضدانقلاب افتاده بود، آنها با استفاده از همان ساختمان‌های زیربنایی که آنجا بود، ساختمان‌های جدید و یک مجموعه بیمارستانی ایجاد کرده بودند که متخصصین آن به وسیله حزب سوسیالیست فرانسه که ارتباط بسیار نزدیکی با حزب دمکرات کردستان ایران داشت، به صورت نوبه‌ای اعزام می‌شدند. روز جمعه نهم مهرماه با پیشروی رزمندگان دو قبضه کالیبر ۵۰ در پایگاه خراباپ مستقر کردند. ضدانقلاب تحت سرپرستی فقه رسول در قسمت جنوب و جنوب غربی پایگاه شیوه‌مردان به مختصات (۳۶ - ۳۰) مستقر شدند (پیام ارتش و قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). همچنین سرگرد کریم علیار (پس از انقلاب اسلامی به حزب دمکرات پیوست) و عبدالقادر دباغی در سرشیو مستقر بودند، جهت رهبری عملیات چته‌های دمکرات به محور پیرانشهر - سردشت فراخوانده شدند (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). با نزدیک شدن نیروها به شیواشان، حزب دمکرات که احساس خطر می‌کرد، ۱۱ مهرماه بیمارستان شیواشان را تخلیه کرد (همان، گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱).

مرحله هشتم: پاک‌سازی جاده از سه راه آلواتان تا آلواتان، شروع عملیات ۲۱ مهرماه ۱۳۶۱

چهارشنبه ۲۱ مهرماه ساعت یک بامداد، یک گروهان به فرماندهی قمی برای آزادسازی ارتفاع آلواتان و دورزدن قوای دشمن رها شدند. کاوه یک گروهان از زبده‌ترین نیروها برای ارتفاع آلواتان

(۱۷۷۷) اختصاص داد، گروهان با یک بار مبنای سلاح سبک وظیفه داشت، شبانه از سه خط پدافندی دشمن عبور کنند و خود را به ارتفاع برسانند و بلافاصله شروع به کندن سنگر و استقرار روی ارتفاع کنند (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

وارد سه راهی آلواتان شدیم، ۲ گردان، یکی سمت راست و یکی سمت چپ، سمت راست شهید قمی و پیشمرگ‌های پیرانشهر بودند... شب بعدش من عمل می‌کنم روی ارتفاع آلواتان،... با پنج نفر رفتیم افتادیم توی کمین، من و دو تا فرمانده گروهان و دسته و دو تا بلدچی رفتیم، [دمکرات‌ها] کمین زدند، درگیر شدم، تنها ماندم که درگیری‌ها تن‌به‌تن شد، ما نارنجک انداختیم، شب بود،... هرچه الله‌اکبر گفتیم بینیم کسی الله‌اکبر را جواب می‌دهد تا جهت را پیدا کنیم، کسی جواب نداد تا صبح چند بار لای درخت‌ها، شروع کردند به کوبیدن، یکی از جاهایی که توپخانه خیلی خوب عمل کرد، اینجا بود،... هی توپ این ور آن ور می‌خورد. توی این فضا تونستیم برویم تا صبح شد، یگان موتوریزه آقای شهید کاوه از جاده می‌آمدند، من از پشت سر آنها بالا آمدم به ستون که رسیدم، ارتفاع را گرفتیم که مشرف به روستای آلواتان بود، یک مرحله دیگر عملیات شد که ما آمدم جاده پیرانشهر به میرآباد. یک بار از میرآباد به سمت آلواتان به مرز دولتو و جاسوسان می‌رسد. زندان [آلواتان و دولتو] تخلیه شده بود (علاماتی، ۱۳۹۷: ۹).

روز پنجشنبه ۲۲ مهرماه، ساعت ۶ صبح نیروهای گردان امام علی (علیه السلام)... موفق شدند، روستای آلواتان و پاسگاه آلواتان را پاک‌سازی کنند (گزارش نوبه‌ای قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱)، ایستگاه رادیوی آزاد کردستان را متلاشی نمایند (همان، گزارش نوبه‌ای قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱)، زندان معروف آلواتان را تسخیر کنند، زندان آلواتان حدود ۳۷۰ نفر بودند که ۱۲ شهریورماه تخلیه شده بود (همان، گزارش نوبه‌ای قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). جنگل‌های انبوه و موقعیت خاص جغرافیایی، مرکز فرماندهی ضدانقلاب و از مقرهای اساسی و حساس ضدانقلابیون و حزب منحلہ دموکرات به‌شمار می‌رود [آزاد شد]. تصرف کامل منطقه آلواتان به‌منزله تصرف خونین شهر در جنوب کشورمان بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱: ۱۱).

مرحله نهم: پاک‌سازی کُنه مشکه و ارتفاعات جاسوسان، شروع عملیات ۲۴ مهرماه ۱۳۶۱
۲۴ مهرماه نیروها مرحله نهم عملیات را از دو محور آغاز کردند، یک محور از طریق جناح مرز که به کوه جاسوسان می‌رسید، با به‌کارگیری نیروهای بارزانی به‌صورت پیاده و چریکی به فرماندهی علی قمی و غلامرضا علاماتی، عملیات در این محور، عملیاتی نفوذی و احاطه‌ای بود. برای مقابله با نیروهای

بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

طالبانی، عملیات در محور دیگر را نیروهای تیپ ویژه شهدا به فرماندهی محمود کاوه به صورت ضدچریک و به کارگیری ستون موتوریزه در جاده آلواتان به طرف کونه مشکه، ارتفاعات جاسوسان و سپس دولتو می‌رفت، برعهده داشتند. در مرحله نهم با استقرار نیروها در دشت کنه مشکه و ارتفاعات جاسوسان، برای اولین بار بود که ما در این منطقه، یعنی از پیرانشهر به سمت جنوب به مرز می‌رسیدیم، یکی از راه‌های اساسی پشتیبانی ضدانقلاب را می‌بستیم، ولی از شهر پیرانشهر به پایین تمام مرز دست ضدانقلاب بود (گزارش نوبه‌ای عملیاتی ارتش، ۱۳۶۱). روز دوشنبه سوم آبان‌ماه، ساعت ۱۴ نیروهای کما ۱۱ (بارزانی) بدون تلفات وارد کنه مشکه شدند و این روستا را در اختیار گرفتند (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). ساعت ۱۷ همین روز، دو قبضه توپ ۱۰۵ م که از پادگان مهاباد سرقت شده بود در ارتفاعات حوالی کنه مشکه به‌غنیمت درآمد. این دو قبضه توپ، هسته اولیه توپخانه تیپ ویژه شهدا شد. به‌دنبال پیشروی رزمندگان اسلام مقر فرماندهی هیز آواره از منطقه منگور به منطقه شاز و قاز به مختصات (۶۱ - ۳۲) منتقل و کمافی‌السابق سیدرسول دهقان فرماندهی هیز موصوف را برعهده داشت.

مرحله دهم: پاک‌سازی جاده از سه راهی آلواتان تا میرآباد، سه‌شنبه ۲۷ مهرماه ۱۳۶۱

صبح روز سه‌شنبه ۲۷ مهرماه، نیروهای تیپ ۱ و ۲ لشکر ۶۴ ارومیه همراه نیروهای رزمنده تیپ شهدا حرکت خود را برای پاک‌سازی میرآباد آغاز کردند (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). نیروها در حال پیشروی بودند، آنها مجبور بودند برای پاک‌سازی از مسیر جاده عبور کنند، چون جاده خیلی نزدیک به رودخانه بود، یکی از فرماندهان گروهان به نام صمد بیلرام در تیراندازی‌هایی که از آن سمت دیگر رودخانه می‌شد، به شهادت رسید (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). روز دوم عملیات ۲۸ مهرماه، با پیشروی ۱۰ کیلومتری نیروها در جاده، یکی از آبادی‌های مهم و مکان آموزش ضدانقلابیون به نام میرآباد و ۶ روستای دیگر پاک‌سازی شد، مقر تشکیلاتی حزب دمکرات پاک‌سازی شد (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه و منطقه ۵، ۱۳۶۱) و بیش از ۷۰ نفر از ضدانقلابیون، از جمله یکی از سران آنها به نام رسول دهقانی فرمانده هیز منطقه به‌هلاکت رسید.

مرحله یازدهم: پاک‌سازی جاده از بازرگان تا علاوان، شنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۶۱

روز یک‌شنبه ۳۰ مهرماه، تیپ ویژه شهدا با هماهنگی ارتش و بسیج عشایری منگور، توانستند طی یک عملیات موفقیت‌آمیز بیش از ۸ کیلومتر از جاده را پاک‌سازی کنند، در این عملیات، روستاهای شالی‌آباد، سالوس، ورمیشان، دشت غوره (زاویه غوره) و ارتفاعات مهم کره وپی (کوه کپو) و

سرآلوان (علاوان) از وجود ضد انقلابیون پاک‌سازی شد (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). در این عملیات تعداد زیادی از دشمنان به‌هلاکت رسیدند و به نیروهای سپاه اسلام هیچ‌گونه تلفاتی وارد نیامد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱).

مرحله دوازدهم: پاک‌سازی جاده از میرآباد تا نبی‌آباد، چهارشنبه ۵ آبان‌ماه ۱۳۶۱
صبح روز پنج‌شنبه ششم آبان ماه ۱۳۶۱، مصادف با روز عاشورا، پاک‌سازی از میرآباد به‌طرف نبی‌آباد به طول ۱۵ کیلومتر در جاده جدید شروع شد. مسئول محور ایافت بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). آبادی‌های گزلیه علی‌آباد و موسلان پاک‌سازی شد (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). در موسلان نیروهای حزب دمکرات به فرماندهی کریم خالدار جنایتکار خط تشکیل داده، آتش شدیدی روی نیروها اجرا کرده بودند. کاوه هدایت آتش را برعهده گرفت. دشمن مجبور به فرار و عقب‌نشینی شد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). دشمن در نبی‌آباد به‌علت حملات و آتش شدید با دادن تلفات، مجبور به فرار شد و نیروها در پاسگاه مستقر شدند (گزارش عملیاتی قرارگاه و ارتش، ۱۳۶۱).

مرحله سیزدهم: پاک‌سازی جاده از نبی‌آباد تا کچل‌آباد، شامگاه روز شنبه ۸ آبان ماه
روز شنبه هشتم آبان‌ماه نیروهای پیاده با استعداد ۲ گردان به فرماندهی عباس ولی‌نژاد طی یک راهپیمایی شبانه از معبر خطرناک جدیدی که برای این مرحله از عملیات در نظر گرفته شده بود، یعنی از حاشیه رودخانه بدون کوچک‌ترین درگیری عبور کردند، تا به ارتفاعات کچل‌آباد رسیدند. ضدانقلاب، ولی‌نژاد را به رگبار می‌بندند و وی به‌شهادت می‌رسد. نیروها با فریاد الله‌اکبر، ارتفاع را می‌گیرند. روز یکشنبه نهم آبان‌ماه، ستون موتوریزه به سمت روستای کچل‌آباد حرکت کرد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). با شش کیلومتر پیشروی در جاده آبادی کچل‌آباد، دهگا که مقر فرماندهی ضدانقلابیون بود، آزاد شد.

مرحله چهاردهم: پاک‌سازی جاده آلاوان تا شیواوکان، دوشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۱
روز دوشنبه دهم آبان‌ماه ستون موتوریزه از سمت راست رودخانه شروع به حرکت کرد تا پشتیبانی آتش را از سمت راست رودخانه انجام دهد. نیروهای پیاده از سمت چپ و از ارتفاعات آلاوان به طرف رودخانه سرازیر شدند، نیروهای پیاده در جاده قدیم در سمت چپ رودخانه پیشروی می‌کردند و ستون موتوریزه با اجرای آتش از سمت دیگر رودخانه و از جاده جدید آنها را پشتیبانی می‌کرد. ضدانقلاب وقتی دیده بود از بالای سر و از چپ و راست در محاصره قرار گرفته است، فرار را برقرار

بازکنکاشی نو در مورد نقش تپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

ترجیح داده بود، فقط یک درگیری جزئی پیش آمد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). در این مرحله نیروها طی عملیاتی هماهنگ و موفق با پاک‌سازی هشت کیلومتر دیگر از محور، مقر ضدانقلابیون در روستای آلاوان را منهدم کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). در یکی از مقرهای دشمن امان‌نامه‌ای کشف شد که اوج استیصال ضدانقلاب را نشان می‌داد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

ایافت: برای الحاق نیروها از دو سمت جاده روز شنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۶۱؛ آقایان بروجردی، آبشناسان با یک بالگرد ۲۱۴ و دو فروند کبری از میرآباد عازم سردشت شدند، از قرارگاه حمزه سیدالشهدا برادر سنجقی (پیام‌ها و اسناد سگاه سردشت، ۱۳۶۱) و از سپاه سردشت... و ارتش آقای دادبین بودند.

مرحله پانزدهم: پاک‌سازی جاده از کچل‌آباد تا گریژال، شامگاه روز یکشنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۶۱ تپ ویژه، مرحله پانزدهم عملیات را از سمت پیرانشهر به طرف سردشت، باید از ارتفاعات کچل‌آباد به طرف گریژال انجام می‌داد، این مرحله بسیار حساس و سخت بود. نیروها مجبور بودند، ارتفاعات سرگما را از یال‌های غربی آن که شیب زیادی داشت، بالا بروند. دو ارتفاع بلند و سوق الجشی مشرف بر طرفین جاده بود. دو گردان وارد عمل شدند. گردان علی‌ابن‌ابیطالب (علیه السلام) به فرماندهی علی قمی و گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) به فرماندهی ابراهیم الماسی، برای استقرار در این ارتفاعات حرکت کردند. گردان امام علی (علیه السلام) سمت راست و گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) سمت چپ جاده را باید پاک‌سازی می‌کردند. گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) برای رفتن روی ارتفاع سمت چپ ناچار باید از رودخانه پر آب زاب عبور می‌کردند.

گردان علی‌ابن‌ابیطالب سمت راست جاده را آزاد و پاک‌سازی کردند. برای دستیابی به ارتفاع موردنظر از رودخانه عبور کردند، درحالی‌که پلی برای عبور و شناوری برای عبور وجود نداشت. روی زمین ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر برف نشسته بود، دمای هوا ۱۵ تا ۲۰ درجه زیر صفر بود، هیچ عقل سلیمی باورش نمی‌شد که در این شرایط جوی و آب و هوا بشود کار نظامی کرد، چه برسد به اینکه از رودخانه‌ای به عمق ۱ تا ۲ متر با شدت جریان آب زیاد، بتوان عبور کرد؛ اما نیروها با روحیه‌ای بالا به آب زدند، برای اینکه آب بچه‌ها را با خودش نبرد، همه به صورت زنجیره‌ای همدیگر را گرفتند و به صورت عرضی وارد رودخانه شدند (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

صبح ۲۴ آبان‌ماه ستون موتوریزه از کچل‌آباد به طرف گریژال حرکت کرد. آقای عبدی، ظریف و

حامد به جمع نیروهای تیپ اضافه شدند (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). پیش‌بینی شده بود جاده مین‌گذاری شده باشد. جاده را برف گرفته بود و مین‌یابی مشکل بود. گاو و گوسفندها به فاصله ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری جلوی نیروها به راه افتادند. به‌همین ترتیب نیروها تا گریژال رفتند (همان، مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). ۳۰۰ نفر نیروی طالبانی و دمکرات از گریژال به حوالی محور مهاباد - سردشت فرار کرده بودند (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱).

الحاق نیروهای سردشت و پیرانشهر، حمزه عبدی‌فرد فرمانده تیپ ۱۵۵ ویژه شهدا روستای گریژال، دوشنبه ۱۳۶۱/۸/۲۶

با الحاق نیروها در گریژال از همانجا ستون به‌راه انداختیم و به سردشت رفتیم، ستون ساعت ۱۲:۳۰ وارد سردشت شد، در شهر سردشت همه مردم بیرون آمده بودند، مردم باور نمی‌کردند این همه نیرو و امکانات از طرف پیرانشهر می‌آیند، نیروهای مستقر در سردشت و همه مردم در خیابان شادی می‌کردند، با سلاح‌هایی که در دست داشتند به نشانه شادی، تیراندازی می‌کردند.

مرحله شانزدهم: پاک‌سازی جاده از جمکا تا شیواوکان، شروع عملیات آبان‌ماه ۱۳۶۱

مرحله شانزدهم عملیات از شیواوکان تا جمکا بود، جمکا مقابل گریژال و سمت چپ رودخانه قرار داشت، ما از آنجا تا شیواوکان رفتیم و قسمتی را که در مرحله چهاردهم پاک‌سازی کرده بودیم، به گریژال متصل کردیم. به‌این ترتیب، امنیت لازم را در دو طرف رودخانه و جاده برقرار کردیم، چند روزی آنجا ماندیم تا گریژال را آزاد کردیم و بعد تا واوان با نیروهای سردشت، امنیت کامل برقرار شد و استقرارها انجام شد. تا پایان آبان‌ماه در منطقه ماندیم و پاک‌سازی سمت چپ و راست رودخانه را تمام کردیم. جاده پیرانشهر - سردشت در پایان آبان‌ماه ۶۱ آزاد شد و محور را تحویل ارتش دادیم (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل)

۱۶ مرحله عملیات راهبردی در منطقه عمومی پیرانشهر - سردشت به وسعت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع از مردادماه ۱۳۶۱ به مدت ۴ ماه متوالی توسط تیپ ویژه شهدا و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه اجرا شد. آقای ناصر کاظمی، اولین فرمانده تیپ ویژه شهدا و آقای محمدعلی گنجی‌زاده، دومین فرمانده تیپ ویژه شهدا در این عملیات به شهادت رسیدند. رکن دوم تیپ ویژه شهدا، اطلاعات گروهک‌ها را

از طریق یگان‌ها، نیروهای بومی و شناسایی منطقه، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کرد. رکن سوم تیب با طرح‌ریزی دقیق عملیات و ارکان ۳ و ۴ تیب با پشتیبانی نیروی انسانی و لجستیکی، موجب پیروزی در عملیات سرنوشت‌ساز پیرانشهر - سردشت شد.

یکی از راه‌های برون‌رفت مسئولین نظام از بحران کردستان، ایجاد امنیت پایدار توسط مردم بومی منطقه بود، ایجاد بستر مناسب برای تشکیل سازمان پیشمرگان کرد مسلمان ایل منگور و تسلیح مردم بومی منطقه موجب شد تا این امر محقق شود، با توسعه این سازمان‌ها، وجود نیروهای رزمی مانند تیب ویژه شهدا در کردستان و آذربایجان غربی کاهش یافت و از آنها در جبهه‌های جنوب و غرب کشور استفاده شد.

جمع‌بندی نتایج عملیات پیرانشهر - سردشت

در پی پاک‌سازی محور ۹۷ کیلومتری پیرانشهر - سردشت، قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام)، مرکز فرماندهی مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ضمن تبریک به امام و مردم، نتایج حاصل از این عملیات را به این شرح اعلام کرد:

۱. تأمین امنیت ۹۷ کیلومتر جاده مرزی پیرانشهر - سردشت؛
۲. آزادسازی و کنترل کامل مراکز فرماندهی حزب منحله دمکرات در هنگ آباد، آلواتان، و اوام، میرآباد و تصرف مرکز رادیویی دمکرات در شیوه‌جو؛
۳. متلاشی کردن مرکز فرماندهی و تشکیلات حزب منحله دمکرات در مکان‌های یادشده؛
۴. انهدام مقر گروهک تروریستی امریکایی منافقین در چاکو و قطع محور تدارکاتی آنان از عراق به داخل میهن اسلامی ایران؛
۵. وارد کردن تلفات سنگین به ضدانقلاب وابسته، (۴۰۰ نفر کشته، ۵۰۰ نفر زخمی و ۹۷ نفر اسیر رزمندگان اسلام شدند)؛
۶. به‌دست آوردن غنائم، اسناد و مدارک فراوان از گروهک‌ها؛
۷. غنیمت گرفته‌شدن ۳ قبضه توپ ۱۰۵ م، ۲ دستگاه بلدوزر و چندین دستگاه انواع خودرو؛
۸. کشف و به‌دست آوردن تعدادی انواع سلاح و مقادیر زیادی انواع مهمات؛
۹. آزادسازی ۲۵ روستا در مسیر جاده و دستیابی به نیروهای مردمی منطقه که مدت ۳ سال زیر سلطه مزدوران وابسته امریکایی و جنایتکار که کلیه آزادی‌های فردی و اجتماعی خود را از دست داده بودند (گزارش نوبه‌ای ارتش، ۱۳۶۱).

به دنبال بازگشایی کامل جاده پیرانشهر - سردشت، امام خمینی (رحمت الله علیه) خطاب به رزمندگان اسلام فرمودند: «از قول من به کلیه رزمندگان اسلام به‌ویژه رزمندگانی که در منطقه عملیاتی قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) با دشمنان اسلام مبارزه می‌کنند، تبریک بگوئید. اسلام و مسلمانان به این پیروزی‌های چشمگیر شما چشم دوخته‌اند و از یاد هیچ‌یک از ما نخواهد رفت. شما فرزندان عزیز ملت هستید، فتحی که به دست شما صورت گرفت، برای ملت سرافرازی بود و امیدوارم این پیروزی تا آخرین مرحله موفق باشد، سلامت و سعادت تمام رزمندگان را از خداوند خواهانم و از دعا شما را فراموش نخواهم کرد» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۷: ۹۴).

منابع

۱. امام خمینی (ره)، روح‌الیه (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران: مرکز حفظ آثار امام خمینی.
۲. ایزدی، مصطفی؛ یاران، مسعود و جواد استکی (۱۳۸۶)، تاریخ بیست ساله پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات توسعه امنیت پایدار.
۳. پیری، هادی مراد و همکاران (۱۳۸۰)، اصول و قواعد اساسی رزم، تهران: انتشارات دافوس سپاه.
۴. جزوه بیوگرافی افراد حزب منحلہ دمکرات کنگره ششم ۶۲/۱۱/۲.
۵. چمران، مصطفی (۱۳۶۱)، گُردستان، تهران: انتشارات بنیاد شهید چمران.
۶. چوخاچی زاده مقدم، محمدباقر؛ امینی قشلاقی، داوود (۱۳۸۹)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم: ۱۸۶ - ۲۱۰.
۷. حافظنیا محمدرضا (۱۳۷۹)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، پژوهشکده امیرکبیر، تهران: انتشارات پاپلی.
۸. ژرژ باریان (۱۳۷۴)، خوش‌بینی ترس، ترجمه هوشیار رزم‌آزما، تهران: نشر سپنج.
۹. شرفی، مهدی و همکاران (۱۳۹۳)، گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان غربی، ارومیه: سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی.
۱۰. شکری، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، ناصر انقلاب (زندگی حماسی سردار شهید ناصر کاظمی) تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۱. صادقی رضا (۱۳۸۸)، اطلس راهنما ۱۲؛ آذربایجان غربی، در جنگ با صد انقلاب، تهران:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران.

۱۲. قصری، محمد (۱۳۸۶)، تقسیمات کشوری، تعامل قومیت‌ها و امنیت ملی، مجله نگرش راهبردی.

۱۳. منصور، احمد (۱۳۸۱)، خلاصه تاریخچه یگان‌های مانوری (رزمی) سپاه در مناطق غرب و شمال غرب اصفهان، کمیته تدوین تاریخ عملیاتی یگان‌های مانوری سپاه.

۱۴. میری، سیدعلیرضا (۱۳۹۷)، خاطرات جواد نظام‌پور، خراسان: نشر ستاره‌ها.

مصاحبه‌ها

۱. خاطرات علی اصغر آزادمنش، پزشک‌یار تیپ ویژه شهدا در سال ۶۱، نشر ستاره‌ها.
۲. مصاحبه جاوید نظام‌پور (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۳. مصاحبه حسن میرزایی، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان ۱۳۷۸، نشر ستاره‌ها.
۴. مصاحبه سردار ابوالقاسم شکری با سردار اسماعیل احمدی‌مقدم، ۱۳۸۱/۲۰/۲۵ و پاک‌سازی ربط ۱۳۷۸/۰۴/۱۵.
۵. مصاحبه سردار جواد استکی، فرمانده قرارگاه حر ۱۳۸۰.
۶. مصاحبه سردار دکتر غلامرضا علاماتی، دوشنبه نهم مردادماه ۱۳۹۷.
۷. مصاحبه سردار رستگارپناه، ۱۳۹۶/۰۸/۱۲.
۸. مصاحبه سردار شاهوردی (امام قلی)، (۸۱/۰۵/۱۴) پروژه شهید بروجردی.
۹. مصاحبه سردار مجید ایافت (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۰. مصاحبه علی اکبر طالع مرادی (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۱. مصاحبه علی اکبر محسنی (۱۳۷۸) سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۲. مصاحبه محمد بهشتی‌خواه (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۳. مصاحبه محمدرضا طباطبایی، بخشدار مرکزی مهاباد (۶۱/۰۶/۲۱).

گزارشات، پیام‌ها و اسناد ارتش و سپاه

۱. طرح عملیاتی پاک‌سازی محور پیرانشهر - سردشت، ارتش جمهوری اسلامی ایران، رکن ۳ تیپ ۱ پیرانشهر، ۳۱ خرداد ۱۳۶۱.
۲. طرح عملیاتی شهید کاظمی با پیوست‌ها - گزارش اطلاعاتی و خلاصه اطلاعاتی شماره ۱، هشتم شهریور ماه ۱۳۶۱.
۳. اسناد قرارگاه مقدم لشکر پیاده ۶۴، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۲۸ سنندج، ۱۲ و ۱۳۶۱/۰۷/۲۱.
۴. پیام‌ها و اسناد سپاه از فرماندهی سردشت - مقدم به فرماندهی سپاه کردستان، ۰۷/۲۷ و ۱۳۶۱/۰۸/۱۵.
۵. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۴ و ۱۶ قرارگاه عملیاتی حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، رکن ۳ لشکر ۶۴ ارومیه، ۶ و ۱۳۶۱/۰۶/۲۴.
۶. گزارش عملیاتی شماره ۲۶ و نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۲ و ۲۴ قرارگاه عملیاتی حمزه سیدالشهدا - رکن ۲ و ۳ لشکر ۶۴ ارومیه ۱۱، ۱۸ و ۱۳۶۱/۰۶/۱۹.
۷. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۲۴ و ۳۴، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۲۸ سنندج، ۱۱، ۱۲ و ۱۳۶۱/۰۷/۲۱.
۸. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۳۷ و ۶۸ رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، تیپ ۱ پیرانشهر، ۳۰، ۱۳۶۱/۰۶/۲۹.
۹. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۲ و گزارش اطلاعاتی شماره ۲۲ رکن ۳ و ۲ و قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۳ و ۱۳۶۱/۰۷/۴.
۱۰. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۵ و ۴۶ رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه ۶، ۱۳ و ۱۳۶۱/۰۷/۱۴.
۱۱. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۵۶، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، ۱۱، ۱۳۶۱/۰۷/۲ پس از فتح.
۱۲. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۶۶ و ۶۷، رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه ۲۷، ۲۹ و ۱۳۶۱/۰۷/۲۸.
۱۳. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۷۲ و نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۷۸، رکن ۲ و ۳ قرارگاه حمزه

بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

- سیدالشهدا(ع)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۴ و ۶۱/۰۸/۳ (جلد ۴).
۱۴. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۷۴ و ۷۵، رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۵، ۰۶ و ۱۳۶۱/۰۸/۰۷.
۱۵. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۷۸، رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، سپاه پاسداران، قرارگاه حمزه ۹ و ۱۳۶۱/۰۸/۱۰.
۱۶. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۸۴، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۰۳ و ۱۳۶۱/۰۹/۰۴.
۱۷. سند شماره: ۳/۶۷ گزارش نوبه‌ای شماره ۹۲ مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۳.
۱۸. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۹۸ و ۲۰۱ رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، ۱۷ و ۱۳۶۱/۰۷/۰۷.
۱۹. نوار شماره ۹، سمینار سپاه بانه، حین بصیری، محمدرضا طباطبایی، مجید قادرخانزاده .

روزنامه‌ها

۱. روزنامه اطلاعات، روابط عمومی سپاه پاسداران، ۶۱/۰۷/۰۵ و ۶۱/۶/۳۱، ۱۳۶۱/۰۸/۱۳.
۲. روزنامه اطلاعات، برادر محصولی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۵ کشور، ۶۱/۰۶/۲۴.
۳. روزنامه اطلاعات، اطلاعیه قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، مرکز عملیات مشترک ارتش و سپاه ۶۱/۷/۲۵، ۶۱/۸/۲ و ۶۱/۰۸/۱۲.
۴. روزنامه اطلاعات، به نقل از انصاری فرماندار پیرانشهر ۶۱/۱۰/۰۱.
۵. سایت راهیان نور، آلوآتان، سایت تخصصی راویان، نویسنده Ravayat
- www.ravianerohani.ir/fa/

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم (مطالعه موردی: قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه)

محمد جواد سبحانی فر^۱

محمد رضا عباسی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۶

چکیده

در این پژوهش با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم»، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و به‌صورت کاربردی و با استفاده از روش گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی، ضمن انجام مطالعات نظری و مشاهدات میدانی، تلاش شده است تا در راستای هدف پژوهش و ارائه پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر تعیین عوامل مؤثر و تبیین میزان تأثیر آنها در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، گام مؤثری در این جهت برداشته شود. بنابراین، در این تحقیق پس از انجام مطالعات نظری و تحقیقات میدانی در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله و آله)، نسبت به احصای مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، در قالب مدل مفهومی تحقیق اقدام و در نهایت عوامل مزبور در قالب پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۲ سؤال بسته برای اخذ نظر جامعه نمونه آماری تنظیم و طراحی شده است. در ادامه پرسشنامه این پژوهش بین ۲۸ نفر از افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع در قالب جامعه نمونه آماری که به‌صورت تمام‌شمار انتخاب شده‌اند، توزیع و سپس نظر آنان نیز جمع‌آوری شده است. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها و بررسی نظر جامعه نمونه آماری، با استفاده از فن‌ها و روش‌های آماری نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام و در ادامه به جمع‌بندی و ارزیابی پاسخ مسئله تحقیق نیز پرداخته شده است. سپس در نتیجه‌گیری و در پاسخ به سؤال تحقیق، مؤلفه‌های سه‌گانه عوامل ایجابی و سلبی کسب بصیرت و ویژگی فرماندهان در قالب ۲۲ عامل و برحسب اولویت میانگین، میزان تأثیر آنها به‌عنوان عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، تعیین شده است.

کلید واژه‌ها: بصیرت؛ جنگ نرم؛ عوامل ایجابی کسب بصیرت؛ عوامل سلبی بصیرت؛ ویژگی فرماندهان

سپاه

sobhanifar@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت امور دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

abasi1355@yahoo.com

مقدمه

آگاهی داشتن نسبت به مسائل روز و امور مهم زندگی و دنیای پیرامون، بدون شک، یکی از عواملی است که از ابتدای زندگی بشر تاکنون نقش مهم و اساسی در صعود و سقوط جوامع مختلف داشته است. در واقع، این همان آگاهی یا بصیرت است که داشتن یا نداشتن آن در زندگی باعث صعود یا سقوط انسان می‌شود. شهروند جامعه اسلامی به‌عنوان یک عضو از یک مجموعه بزرگ نیاز دارد تا برای مشارکت سیاسی موفق در عرصه جامعه به سطحی از آگاهی دست یابد تا شرکت او در اجتماع، یک مشارکت آگاهانه و صحیح باشد. حضرت علی (علیه‌السلام) شخصاً بر آگاهی داشتن از امور جامعه تأکید و آن را یک اصل اساسی برای دیگر طبقات جامعه برمی‌شمارد: «به خدا سوگند از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم که دشمنان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیر کنند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۶). رهبر فرزانه انقلاب اسلامی همواره در بیشتر فرمایشاتشان بر بصیرت و اهمیت آن تأکید و بهره‌مندی از آن را به‌عنوان تنها راه برای گمراه‌نشدن در گرد و غبار ایجادشده ناشی از فتنه‌ها می‌دانند. میدان کنونی نبرد میان جمهوری اسلامی و دشمنان قسم‌خورده‌اش، میدان جنگ نرم و مبارزه فرهنگی است. دشمن‌شناسی و آشنایی با تاکتیک‌ها، روش‌ها و عملیات سیاسی روانی آنها علیه نظام اسلامی در گرو تیزبینی، شم سیاسی و پیروی از تدابیر مقام معظم رهبری میسر است. فرماندهان سپاه به‌واسطه مسئولیت خطیری که در قبال نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارند، از میدان‌داران اصلی مبارزه با جنگ نرم هستند و در این راه به بصیرت فزاینده نیاز دارند تا بتوانند با سربلندی از حافظان خون شهدا باشند.

بیان مسئله، اهمیت و ضرورت تحقیق

ناکامی دشمن در جنگ سخت علیه ایران منجر به این شد که دشمن علاوه بر شیوه‌های تهاجم سیاسی، نظامی و اقتصادی، به تهاجم فرهنگی نیز روی آورده و با استفاده از ابزارهای مختلف جنگ نرم به مقابله همه‌جانبه با نظام اسلامی پردازد. اگرچه تاکنون در راستای مقابله با جنگ نرم دشمن، اقدامات اساسی و مهمی انجام پذیرفته است، لیکن به نظر می‌رسد که باید اقدامات تاکتیکی و راهبردی مختلفی متناسب با هجمه‌های دشمن طراحی و اجرا شود. هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مبارزه با جنگ نرم دشمن در سپاه پاسداران، ارتقای سطح پیش و بصیرت در فرماندهان سپاه به‌منظور رویارویی موفق

در میدان جنگ نرم است.

از آنجا که حربه‌های دشمن در میدان جنگ نرم، متنوع است و روزه‌روز گسترش می‌یابد و یکی از مهم‌ترین این حربه‌ها تحت تأثیر قرارداد بینهش و بصیرت خواص در جمهوری اسلامی ایران است، لذا تحقیق حاضر به دنبال رفع این دغدغه است تا عواملی را که می‌توانند در راستای ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم تأثیر داشته باشد، تبیین نماید. در رابطه با اهمیت تحقیق می‌توان بیان داشت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طبق اصل ۱۵۰ قانون اساسی، مسئول حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و به همین لحاظ، در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های سپاه، مقابله با تهدید نرم دشمنان جمهوری اسلامی است. در این بین، فرماندهان سپاه به‌عنوان مدیران و رهبران این نهاد و تصمیم‌گیران و تعیین‌کنندگان خط‌مشی مبارزه، می‌باید از بالاترین سطح بصیرت برخوردار باشند. قطعاً دوراندیشی و بصیرت فرماندهان سپاه، تأثیرات بسیار مهمی را در شیوه دفاع، مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی دارد. هم‌اکنون باید این حضور در صحنه، تداوم داشته باشد و برای درصحنه‌بودن و غافلگیرنشدن باید حداکثر بصیرت و آگاهی لازم را داشته باشند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «بصیرت را هم باید روزه‌روز بیشتر کنید، وقتی بصیرت زیاد شد، استقامت و پایداری هرگز تمام نمی‌شود و وسوسه و وسوسه‌کنندگان و شکلک‌درآوردن دشمن عاجز، انسان را از میدان خارج نمی‌کند» (بیانات در دیدار با لشکر ۱۶ قدس، ۱۶/۰۲/۱۳۸۰). لذا ضرورت دارد تا سطح بینهش، آگاهی و بصیرت فرماندهان سپاه همیشه در عالی‌ترین سطح نگه داشته شود.

هدف تحقیق

بررسی عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم دشمن.

سؤال تحقیق

عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم کدامند؟

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است و گردآوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار مطالعه کتب و مقالات و با بررسی اسناد و مدارک

مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین به‌روشنی تحقیقات میدانی با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و تهیه و توزیع پرسشنامه بین افراد خبره و صاحب‌نظر صورت گرفته است.

جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر فرماندهان ارشد سپاه در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (صلی‌الله و آله) می‌باشند که ۲۸ نفر برآورد شده‌اند. حجم نمونه آماری در این تحقیق با توجه به تعداد جامعه آماری با استفاده از روش تمام‌شمار ۲۸ نفر، برآورد شده است.

درخصوص نحوه تهیه و توزیع پرسشنامه در این پژوهش که با استفاده از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تنظیم شده است، پس از تهیه پیش‌نویس پرسشنامه و مصاحبه با برخی از افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع تحقیق و انجام برخی اصلاحات شکلی و محتوایی، در نهایت پرسشنامه تحقیق در قالب ۲۲ سؤال بسته، تنظیم و سپس بین افراد جامعه نمونه آماری توزیع شد. در انتها نسبت به جمع‌آوری پاسخ سؤالات پرسشنامه‌ها اقدام و سپس با استفاده از روش‌های علمی آماری نسبت به تجزیه و تحلیل آنها اقدام شد.

درخصوص روایی پرسشنامه تحقیق، با توجه به توضیحات پیش‌گفته درخصوص مراحل تهیه و توزیع پرسشنامه و با توجه به مشورت با اساتید خبره و صاحب‌نظر و نیز به‌اجماع گذاشتن سؤالات پرسشنامه بین جامعه نمونه آماری و دریافت پاسخ سؤالات نهایی، واضح است که در صورت تکرار تحقیقی مشابه پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ای مشابه پرسشنامه این تحقیق قابل انتظار است که این مهم دقت و روایی پرسشنامه تحقیق فوق را اثبات می‌کند. تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق با استفاده از نرم‌افزارهای EXEL و SPSS و با بهره‌گیری از روش‌های کمی آماری زیر صورت گرفته است:

- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها؛

- تعیین میانگین هر یک از عوامل مؤثر در ارتقای تبیین شیوه‌های ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم؛

- تعیین میانگین کل و عدد شاخص برای استانداردسازی و فهرست‌نمودن عوامل بر حسب میانگین

و همچنین حذف عوامل کم‌اثرتر.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

بصیرت: بصیرت در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است

(ابن‌منظور، ج ۲: ۴۱۸) و در اصطلاح، عبارت از قوه‌ای است در قلب شخص که به نور قدسی منور بوده

و به وسیله آن حقایق امور و اشیاء را درک می‌کند، همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صورت و ظواهر چیزها را می‌بیند. این مفهوم در قرآن، با واژگانی چون بصر و مشتقات آن و نیز رأی بیان شده است. از نظر قرآن، بصیرت، نیاز اساسی بشر است و خداوند برای انسان، همه موجودات و آفریده‌های جهان را مایه بصیرت معرفی می‌کند. معجزات الهی در هر شکل و شمایل، عوامل بصیرت‌زا و مایه دستیابی انسان به حقایق، امور است (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۳). بصیرت به معنای روشن‌بینی و روشن‌دلی است. بصر چشم سر است، بصیرت چشم دل، بصیرت به معنای فهم و درک عمیق است که زمینه تشخیص حق از باطل و انتخاب راه درست از نادرست را برای انسان فراهم می‌کند. انسان با بصیرت آینده‌نگر، دارای چشم‌انداز روشن‌تر و موضع نزدیک به حق است، اما انسان بی‌بصیرت در حرکت خود دچار انحراف و اشتباهات می‌شود. در کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمده است: «فقد البصر اهون من فقد البصیره: فقدان بصر به مراتب تحملش آسان‌تر است از فقدان بصیرت» (غررالحکم، ۳۵۰). در مقابل بصیرت، جهالت و عوام‌زدگی و حرکت کورکورانه قرار دارد که همه اینها، زمینه سقوط انسان می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله و آله) می‌فرماید: «لیس الاعمی من یعمی بصره انما الاعمی من تُعمی بصیرته: کور کسی نیست که چشمش نابینا باشد، آدم نابینا و کور کسی است که بصیرت نداشته باشد» (کنز العمال، حدیث ۱۲۲۰). نمونه بصیرت در سه جنگ امام علی (علیه‌السلام) کاملاً مشهود بود. فردی مثل حارث بن حوط، نزد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) رفت و گفت: من مانده‌ام که حق با کیست؟ مگر می‌شود، طلحه و زبیر با این سابقه، دچار انحراف شوند، علی (علیه‌السلام) وقتی تحیر او را دید، فرمود: تو جلوی پایت را می‌بینی و بالا را نمی‌بینی، لذا متحیر شدی (چشم‌انداز خوبی نداری، نمی‌توانی افق‌های بالاتر را ببینی، فهم و درک عمیق نیست) همانا حق را نمی‌شناسی تا اهلش را بشناسی، باطل را نمی‌شناسی تا اهلش را بشناسی (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۴۲). امام علی (علیه‌السلام) در جایی دیگر می‌فرماید: «این قرآن که دشمن آن را تابلو کرده، نوشته‌ای است بین دو جلد، حرف نمی‌زند، نیاز به مفسر دارد، مبین می‌خواهد، به عامل اجرا نیاز دارد. ما برای اجرا و ترجمان کتاب خدا سزاوارتریم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۵). بصیرت باطنی و بینایی دل، درجات و مراتبی دارد. اوج بصیرت، مرتبه‌ای است که ائمه اطهار (علیه‌السلام) دارند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر همه پرده‌ها فرو افتد، چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود» (بحار الانوار، ج ۶۶: ۲۰۹). خداوند در آیات ۱۶ سوره رعد و ۷۲ سوره قصص، بصیرت را عامل دستیابی انسان و راه‌یابی وی به توحید و قدرت الهی می‌شمارد. رسیدن به توحید ناب و شناخت حقیقت قدرت و توانایی الهی، یکی از مهم‌ترین آثار و کارکردهای بصیرت

است که در این آیات به آن توجه داده شده است. کارکرد و نقش دیگر بصیرت که در آیات دیگری از جمله ۱۳ سوره آل عمران و ۲۴ سوره هود و ۴۴ سوره نور و ۵۸ سوره غافر و ۲ سوره حشر به آن اشاره شده، عبرت‌آموزی انسان است. در آیه ۱۰۴ سوره انعام، حصول منفعت برای نفس آدمی از نتایج بصیرت و ژرف‌نگری وی ارزیابی می‌شود. در آیات ۵۰ سوره انعام و ۲۴ سوره هود و ۱۶ سوره رعد و ۱۹ سوره فاطر، خداوند از بدیهی بودن برتری بصیرت در زندگی بشر نسبت به کوردلی و نابینایی و توجه به ظواهر به جای حقایق و باطن‌ها، سخن گفته است تا انسان‌ها را به ارزیابی و سنجش وادار نماید. پیامبر گرامی (صلی‌الله و آله) پیروان خویش را به بصیرت و روشن‌دلی دعوت می‌کند تا از کوری نیز رهایی یابند (یوسف / ۱۰۸). بصیرت، شاخص اصلی نخبگان و خواص جامعه است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «این پرچم پیشتازی و پاسداری را کسی نمی‌تواند به دست گیرد، مگر افراد صبور و اهل بصیرت و عالم به مواضع حق و حقیقت» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳). همچنین بصیرت عامل اصلی شناخت و برون‌رفت از فتنه‌ها است. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «من بودم که چشم فتنه را کور کردم، کسی جز من جرأت آن را نداشت؛ من با کسانی درگیر شدم که زمزمه شب و پینه عبادت بر پیشانی داشتند، این نبود مگر به خاطر فهم و یقینی که از پروردگار داشتم» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲). امام راحل (ره) تأکید نموده‌اند که: «بیدار باشید و هوشیار باشید که بازیگران سیاسی و سیاست‌مداران حرفه‌ای غرب و شرق زده و دست‌های مرموز جنایتکاران پشت پرده، لبه تیز سلاح جنایتکاران از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه شماست و از شما که با جان‌فشانی خود انقلاب را پیروز نموده و اسلام را زنده کردید، بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازد» (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام (ره)).

مقام معظم رهبری فرمودند: «برخلاف تبلیغات رسانه‌ای، مشکل اصلی دشمنان این سرزمین، بصیرت ملت و غیرت دینی جوانان کشور است». ایشان همچنین فرمودند: «قیام ۱۹ دی مردم قم در ۳۲ سال پیش با ویژگی‌هایی همچون بصیرت، موقع‌شناسی، دشمن‌شناسی و مجاهدت، مبدأ تحول و ایجاد جریانی عظیم در ملت ایران شد که همچنان درس‌آموز و تأثیرگذار است» (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۰). مقام معظم رهبری «بصیرت» را برای شناخت هدف، تشخیص راه صحیح رسیدن به هدف، تشخیص دشمن و موانع راه و شناخت راه‌های برطرف کردن موانع، ضروری دانسته و می‌فرماید: «بصیرت، قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است، به گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود، ممکن است، ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند.

اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵). ایشان نگاه اصلی خود را به نخبگان جامعه معطوف کرده و می‌فرمایند: «بصیرت مهم است، نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران هم به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند، نمی‌فهمند. اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یک هو به نفع دشمن می‌پراندند. به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است» (سخنرانی در جمع اعضای دفتر و سپاه ولی امر ۱۳۸۸/۵/۲۱). معظم‌له دلیل تمرکز دشمن روی خواص را نفوذ آنها میان مردم دانسته و می‌فرماید: «امروز به گمان من هدف و آماج دشمن، خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند، برای اینکه بتوانند مردم را بکشاند، چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. یکی از وظایف اصلی امروز من و شما همین است. ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد کنیم» (بیانات در دیدار با خبرنگاران مردم، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲).

شاخصه‌های بصیرت

امام‌شناسی، مهم‌ترین شاخصه‌های اهل بصیرت است. امام رضا(علیه‌السلام) می‌فرماید: جایگاه امامت و دستیابی به عمق آن بالاتر از آن است که مردم با عقل خود بتوانند به ارزیابی آن پردازند یا اندیشه درستی از آن داشته باشند یا به‌اختیار خود پیشوایی انتخاب کنند و سر و سامانی به آن بدهند (برهان، ۱۳۹۰: ۱۵). شناخت خط پیامبر(صلی‌الله و آله) و امام از دیگر شاخصه‌های بصیرت است. دین‌مداری بر مبنای قرآن و سنت و تکیه بر فقه جواهری و اسلام ناب، مشروعیت الهی رهبری و قوانین، جامعیت دین اسلام، عینیت دین و سیاست، مردم‌سالاری دینی، فعلیت‌بخشیدن مردم در حکومت، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومان و اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه از مهم‌ترین شاخصه‌های افراد پیرو خط امام است (برهان، ۱۳۹۰: ۲۲). جبهه‌شناسی یکی دیگر از شاخصه‌های بصیرت، در حرکت یک انسان مؤمن است. باید شاخصه‌های جبهه حق و باطل را خوب شناخت. ربیع‌بن خثیم به حضرت علی(علیه‌السلام)، بیان داشت: می‌ترسم جنگ صفین مشروع نباشد، حضرت فرمودند: چرا؟ گفت: ما با اهل قبله داریم می‌جنگیم، اینها دارند نماز و قرآن می‌خوانند. من نمی‌توانم به اینها تیر بزنم. مرا جایی بفرست که جای تردید و شک نباشد. حضرت او را به سرحد فرستادند که کفار و مشرکین بودند (برهان، ۱۳۹۰: ۲۹). از جریان‌شناسی می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های بصیرت نام برد. کسانی اهل بصیرت هستند که

جریان‌ها را خوب بشناسند. گاهی در جامعه جریان‌هایی شکل می‌گیرد که دارای ظاهری آراسته و شعار زیباست، اما در باطن، فتنه است. خوارچ اهل ذکر بوده و ظاهری آراسته داشته و خیلی آنها را نمی‌شناختند؛ اما درحقیقت یک جریان گمراه و انحرافی بودند، انجمن حجتیه و یا غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، خیلی‌ها را با خود همراه کرد، ولی کسانی که اهل بصیرت بودند به راحتی آنها را شناختند (برهان، ۱۳۹۰: ۳۱).

عوامل ایجابی ارتقای بصیرت

الف) شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمانه خود: شناخت ولی امر زمان در اسلام از جایگاهی رفیع برخوردار است. رسول گرامی اسلام (صلی الله و آله) فرمودند: «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، همانند کسی است که به مرگ جاهلیت مرده است» (البحار تفسیر ابی الفتوح - الحکم الزاهره با ترجمه انصاری: ۱۰۸). لذا شناخت ولی امر مسلمین در این زمان از عوامل و راهکارهای اصلی و مهمی است که می‌تواند انسان را به بصیرت برساند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هیچ کس از شیعیان به بصیرت نمی‌رسند مگر اینکه با شناخت من به نورانیت برسند، هنگامی که مرا به این مقام شناختند به طور تمام و کمال بصیرت یافته‌اند» (بحار الأنوار، ج ۲۶: ۷).

ب) داشتن فکر و اندیشه و تجزیه و تحلیل مسائل: از دیگر اموری که انسان را به بصیرت سوق می‌دهد، اندیشه و تجزیه و تحلیل جریانات سیاسی و اجتماعی ماست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أفکر تستبصر: فکر کن تا بصیرت یابی و همچنین "لا بصیره لمن لا فکر له: نیست بصیرتی از برای کسی که نباشد، فکری از برای او».

ج) دوراندیشی در امور: دوراندیشی در امور، آینده‌نگری و تدبیر در مسائل و جریانات از اموری است که انسان را به بصیرت سوق می‌دهد. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «من استقبل الأمور أبصر: هر که از قبل پیش‌بینی کند و به پیشواز کارها برود، (نسبت به امور دوراندیشی کند) بینا گردد» (تصنیف غررالحکم و دررالکلم: ۵۷).

د) پیروی از عالمان وارسته: امام محمد باقر علیه السلام در وصف علمای ربانی می‌فرماید: «عالم مانند کسی است که به همراه خود شمعی دارد که به وسیله آن ظلمت جهل و حیرت از بین می‌رود و هر کس که به نور آن روشنی یافت، از حیرت خارج شده و از جهل نجات می‌یابد» (الاحتجاج علی أهل اللجاج؛ ج ۱: ۱۷).

ه) رعایت ایمان و تقوای الهی: یکی دیگر از راهکارهای عملی جهت دستیابی به بصیرت، رعایت

تقوای الهی است، خداوند متعال می‌فرماید: «ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا: اگر تقوا بورزید، خداوند قوه تشخیص و جداسازی حق از باطل به شما عنایت می‌کند» (انفال / ۲۹). پرهیزگاری و انجام واجبات و پرهیز از محرمات، به انسان نورانیت و روشن‌بینی درونی می‌بخشد به گونه‌ای که انسان در پرتو آن می‌تواند حق و باطل را از هم تشخیص داده و به راحتی وسوسه‌های شیطانی را بشناسد و خود را از دام آن رهایی بخشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون: کسانی که پرهیزگاری می‌کنند چون از شیطان وسوسه‌ای به آنها برسد، خدا را یاد می‌کنند، زیرا مردمی صاحب بصیرتند» (اعراف / ۲۰۱).

(و) عبرت گرفتن از مسائل گوناگون: اگر کسی به‌طور دائم از آنچه که پیرامونش می‌گذرد و یا در گذشته به وقوع پیوسته، به دیده عبرت نگاه کند، به راحتی می‌تواند به نتیجه جریانات واقف شده و با بصیرتی که پیدا می‌کند از گرفتار شدن در هلاکت نجات پیدا کند. حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «فی کل اعتبار استبصاراً: در هر عبرت گرفتنی، بصیرتی است» (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۴۷۲). (ز) ذکر و یاد الهی: از دیگر راه‌های رسیدن به بصیرت، ذکر و یاد الهی است. حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «من ذکر الله استبصر: هر که یاد کند خدا را، بصیرت یابد» (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۱۸۹).

(ح) پیمودن مسیر اهل بصیرت: یکی از ویژگی‌های برجسته یاران امام حسین علیه‌السلام در جریان عاشورا بصیرت بود. امام صادق علیه‌السلام درباره حضرت عباس علیه‌السلام، با تعبیر (نافذ البصیره) یاد می‌کنند که گویای عمق شناخت آن شهید عزیز است، (اعیان‌الشیعه، ج ۷: ۴۳۰). در زیارتنامه حضرت عباس (علیه‌السلام) شهادت ایشان را از روی بصیرت و براساس اقتدا به صالحان بر شمرده است (مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت عباس (ع): ۴۳۵). در زیارتنامه حضرت مسلم بن عقیل بر بصیرت در مبارزه و شهادت و پیمودن راه شهدای بدر و مجاهدان اسلام و اقتدا به صالحان و پیروی از انبیا تأکید شده است (همتیان، ۱۳۸۹: ۱۳).

عوامل سلبی ارتقای بصیرت

(الف) دل‌بستگی به دنیا: حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «به‌درستی که دنیا خانه محنت‌ها و جایگاه فتنه‌هاست، کسی که طلب کند آن را، هلاکش کند و کسی که دنبالش نباشد، با او به نیکویی همراهی کند و هر که نظر کند به سوی آن، کور گرداند او را (چشم بصیرت را از او می‌گیرد)» (شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم ج ۲: ۶۳۷). مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«جوانان عزیز، بسیجیان عزیز هر جای کشور که هستید این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلوی بصیرت‌ها را بگیرد» (بیانات در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور، ۱۳۷۱/۰۸/۲۷).

ب) گرفتار شدن به شهوات و لذت‌ها: حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «هرگاه چشم ظاهری، شهوت را ببیند، چشم دل انسان نسبت به عاقبت کار کور شود» (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۳۰۵). مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است؛ چراکه وقتی جامعه‌ای مشغول و گرفتار شهوات شد، دیگر بصیرت خود را نسبت به مسائل پیرامونی از دست می‌دهد و همچون اندلس ممکن است کشور را تقدیم کفار نماید» (همتیان، ۱۳۸۹: ۱۲).

ج) جهل: محمد بن مسلم به امام علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) می‌گوید: «اگر می‌خواهی من همراه تو بجنگم، شمشیری به من بده که مسلمان را از کافر تشخیص دهد». محمد بن مسلم حق و باطل را نمی‌شناسد، جاهل به حقایق و واقعیت‌هاست، این جهل جلوی بصیرت او را گرفته است، اگر جهل را در هم بشکنند، هرگز چنین سخن نمی‌گویند. اگر آگاه به عظمت علی (علیه‌السلام) بود که چنین سخن گزافی نمی‌گفت. امروز هم برخی از بی‌بصیرتی‌ها، برخاسته از جهل افراد و گروه‌هاست (شیرازی، ۱۳۸۸: ۱).

د) شخصیت‌زدگی: امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که با معیار اشخاص وارد دین شود، همان افراد او را از دین بیرون می‌برند». اگر ربع این خصیم به‌جای شخصیت‌زدگی، معیار‌گرا و حق‌گرا بود، نمی‌گفت: «ما با اهل قبله می‌جنگیم!!» عمر سعد در کنار علی (علیه‌السلام) را می‌شود تحسین کرد، اما عمر سعد در عاشورا را چه؟ ابن‌ملجم در کرسی نظم برای علی (علیه‌السلام) را می‌شود ستود، اما ابن‌ملجم قاتل در مسجد کوفه را چه؟ منتظری در کنار امام قابل لطف است، اما منتظری در برابر امام خمینی چه؟! و... ملاک و معیار، حق و اسلام و انقلاب و راه امام و ولایتند. امروز نیز شخص‌گرایی و شخصیت‌زدگی آفت بصیرت و بینایی دل است (شیرازی، ۱۳۸۸: ۱).

ه) خودمحوری: علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اینها دنبال روش پیامبر (صلی‌الله و آله) نیستند. قیامتی را قبول ندارند. پناهگاهشان در مشکلات، خودشانند». خود را پیشوای خود قرار داده‌اند، ملاک و معیار خودشانند، برای آنها "من" مهم است، عامل سقوط شیطان هم همین "من" بود. وقتی خود مطرح شد، خدایی را نمی‌بیند، حقی را نمی‌شناسد، دیگر بصیرتی نیست که بخواهد راه راست را ببیند و در آن راه گام بردارد (شیرازی، ۱۳۸۸: ۱).

و) سطحی نگری: به علی (علیه السلام) می گوید: تو حق را نشناخته‌ای! راه تو درست نیست! فرقی بین علی (علیه السلام) و معاویه نمی گذارد. چون عمق بین نیست، معاویه را مسلمان می شمرد. جنگ علی و معاویه را جنگ دو حق می داند و علی (علیه السلام) را از این جنگ برحذر می دارد. تصور می کند جریانی که انقلاب را نشانه رفته و امریکا برای او هورا می کشد، یک جریان در خط امام و مدافع ولایت و قانون است (شیرازی، ۱۳۸۸: ۲).

ز) حجاب معاصرت: وقتی که خبر شهادت حسین بن علی (علیه السلام) به مردم مدینه رسید، گفتند: چه کسی جرأت کرده او را بکشد؟! موضوع را بررسی کردند و خبر آمد: یزید بن معاویه، قاتل حسین بن علی (علیه السلام) است. همان مردم گفتند: امام حسین (علیه السلام) در زمان حیات به ما گفت: اگر یزید حاکم شود، اسلام از بین می رود، ولی باور نکردیم. حجاب معاصرت مانع از دیدن حقیقت وجودی حسین (علیه السلام) شد و نگذاشت به تحلیل صحیح سخن مولایشان بپردازند. حجاب معاصرت نگذاشت مردم عصر علی (علیه السلام)، او را تحمل کنند. فرمود: فردا می فهمید علی که بود. فردا حقایق پنهان زندگی علی برایتان آشکار می شود. پس از علی، علی شناس می شوید. پس از علی، از علی دفاع می کنید. پس از عاشورا، همراه مختار و جزو توابین می شوید. اگر امروز سخنان رهبری را فهمیدیم و عمل کردیم و قدر ولایت را دانستیم، مهم است (شیرازی، ۱۳۸۸: ۲).

ح) وابستگی فامیلی: نوح گفت: خدایا! این پسر من است. خداوند فرمود: او از اهل تو نیست. خدا دست نوح را می گیرد و کمکش می کند. پسر زبیر او را به وادی انحراف و بی بصیرتی برد. قرآن مال و فرزند را فتنه می داند. این برای امتحان ماست. عشق به فرزند و همسر و فامیل، کورمان نکند که در برابر حق بایستیم و یک عمر عملکرد مثبت خود را از بین ببریم (شیرازی، ۱۳۸۸: ۲).

ط) گروه گرایی: در قرآن کریم از حزب الله و حزب الشیطان یاد شده است و در زمان فترت غرب به معنی امروزی نبود تا با اختلاف افکنی، آب را گل آلود کنند و از آن ماهی خود را بگیرند. همین حزب را با ترفند و جنگ روانی به بتی مبدل می سازند که فرد، "چشم بسته" خود را فدای ارزش های آن می کند و بر اثر بی بصیرتی، گاه در مقابل ارزش های الهی و دین و انقلاب می ایستد. به جای معیار قراردادن حق، حزب و گروه معیار قرار می گیرد. علی (علیه السلام) می فرماید: «قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می گیرند و به هم می آمیزند. آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می گردد»، امر بر عده ای مشتبه می شود و بین مؤمن و منافق نمی شود فرق گذاشت. در این وادی، تشخیص حق و باطل، سخت است و تنها اهل بصیرت نجات می یابند (شیرازی، ۱۳۸۸: ۳).

ویژگی‌های فرماندهان سپاه

الف) تبلور ارزش‌ها و معیارهای دینی: پاسداران به‌عنوان نیروهای متدین و انقلابی، امتیاز بالایی را در معرفت دینی، معنویت و بصیرت و بینش سیاسی دارا می‌باشند که تعلق به ارزش‌های مکتبی در رفتار، کردار، عملکرد و مدیریت آنها آشکار است (مصاحبه با مسئولین قرب).

ب) مردمی‌بودن: سپاه که نهادی برخاسته از متن توده‌های متدین جامعه است، همواره یکی از ویژگی‌های ذاتی خود را که مردمی‌بودن بوده، حفظ کرده است، این ویژگی با شجره طیبه بسیج نهادینه گشت و این امتیاز، سپاه را به یک قدرت ملی مردمی در نظام جمهوری اسلامی تبدیل کرد (مصاحبه با مسئولین قرب).

ج) ولایی‌بودن: اعتقاد و التزام و عشق به ولایت در وجود پاسداران، یکی از ویژگی‌های برجسته سپاه است و این ویژگی سپاه را به‌عنوان نهاد مکتبی و ولایی در جامعه ایران معروف کرده است (مصاحبه با مسئولین قرب).

د) شهادت‌طلبی: روحیه و خصلت فداکاری، ایثار، جانفشانی برای آرمان‌های دینی و انقلابی با روحیه شجاعت، این توان را به سپاه داده که در مواجهه با دشمنان با تمام قدرت ایستادگی نماید. ایستادگی همت‌ها، بروجردی‌ها، خرازی‌ها و کلاهدوزها در مقابله با ضدانقلاب داخلی و دشمنان متجاوز در حماسه هشت سال دفاع مقدس، تابلویی زرین و افتخارآفرین از نقشه برجسته سپاه را ترسیم نموده است (مصاحبه با مسئولین قرب).

مفهوم شناسی جنگ نرم

جنگ نرم، مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی است. در علوم نظامی از واژه‌هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی و در علوم سیاسی از واژه‌هایی چون براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین برای تبیین این اصطلاح، استفاده می‌شود. گاهی به‌جای جنگ از واژه‌های تهدید یا قدرت نیز استفاده می‌شود، ولی درنهایت هر دو به یک مفهوم ختم می‌شوند. نظریه جنگ نرم طی دهه‌های اخیر وارد ادبیات سیاسی شده است. "جوزف‌نای" از اندیشمندان معاصر معتقد است، مبنای قدرت "اجبار" و مبنای قدرت نرم بر "اقتناع" است، او برخلاف بعضی از صاحب‌نظران اقتصاد و دیپلماسی را در زیرمجموعه قدرت سخت قرار داده و تنها از رسانه به‌عنوان قدرت نرم نام می‌برد. در تمامی اصطلاحات بالا هدف مشترک، تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر، بدون استفاده از راه‌های نظامی است. مبنای قدرت سخت یا جنگ سخت بر "اجبار" و مبنای

قدرت نرم بر "اقتناع" است. (www.tebyan.net)، اصطلاح جنگ نرم^۱ که در مقابل جنگ سخت^۲ مورد استفاده واقع می‌شود، یکی از مفاهیم متداول راهبردشناسان، نظریه‌پردازان و کارشناسان علوم اجتماعی و سیاسی است؛ ارتش آمریکا در مارس ۱۹۵۵ در آیین‌نامه رزمی خود تعریف ویژه‌ای از جنگ نرم ارائه کرد: «استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن (گروه بی‌طرف و یا گروه دوست) است، به‌نحوی که پشتیبانی برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی باشد». ویلیام داوتی جنگ نرم را «مجموعه اقداماتی که از طرف یک کشور به‌منظور اثرگذاری و نفوذ بر عقاید و رفتار دولت‌ها و ملت‌های دیگر در جهت مطلوب و با ابزارهایی غیر از ابزار نظامی سیاسی و اقتصادی انجام می‌شود» می‌داند (قربانی، ۱۳۸۸: ۱). جان کالینز، نظریه‌پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود، می‌داند» (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷). معروف‌ترین تعریف را جوزف‌نای، در حوزه "قدرت نرم" در سال ۱۹۹۰م ارائه نمود. او قدرت نرم را «توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد؛ تعریفی که قبل از وی «پروفسور حمید مولانا» در سال ۱۹۸۶ در کتاب "اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین‌الملل" به آن اشاره کرده بود. بااین‌وجود، مهم‌ترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف‌نای در سال ۲۰۰۴، تحت عنوان "قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی" منتشر نمود (قربانی، ۱۳۸۸: ۱). در جنگ نظامی، توانایی متکی به قدرت سخت (ابزارآلات، ادوات، تجهیزات و...) است، ولی در جنگ نرم، توانایی متکی به قدرت نرم است. قدرت نرم^۳ توانایی رسیدن به اهداف و خواسته‌ها بدون اعمال فشار و ایجاد اجبار و اکراه است. درواقع، با قدرت نرم، خواسته‌ها و اهداف از طریق جذب و متقاعد کردن طرف مقابل به‌دست می‌آید. جنگ نرم یا تهدید نرم^۴ به‌لحاظ مفهومی ارتباط تنگاتنگ دارند. تهدید نرم، تهدیدی است؛ نامحسوس، بدون منازعه مستقیم و استفاده از ابزار فیزیکی که به‌دنبال تغییر باورها، افکار و رفتارهاست. جنگ نرم، روشی برای جنگ و غلبه برطرف مقابل، بدون استفاده از ابزار و زور نظامی اولیه و به‌صورت جذبی و اقناعی است. در این جنگ، دشمن تلاش می‌کند با اقدام‌های نرم‌افزارانه و روانی، حوزه افکار و باورهای جامعه را به‌منظور تحقق اهداف خود اشغال کند (جووانی، ۱۳۸۸: ۸). تهدید نرم، نوعی سلطه

1. Soft Warfare
2. Hard Warfare
3. Soft Power
4. Soft Threat

کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه‌ای تهدید، محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به‌خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به‌شمار آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل می‌کند. تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه، بحران در الگوهای رفتاری جامعه و بحران‌های پنج‌گانه سیاسی (هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع) را می‌توان از مؤلفه‌های این تهدید نام برد. تغییرات حاصل از تهدید نرم، ماهوی، آرام، ذهنی، تدریجی و نرم‌افزارانه است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد (نائینی، ۱۳۸۸: ۵).

تاریخچه جنگ نرم

جنگ نرم و مفاهیم همسان آن از قبیل: عملیات روانی، جنگ روانی، قدرت نرم، جنگ سفید و...، قدمتی به اندازه حیات بشری دارد. نوع نگاه، زاویه دید، ارتباطات چهره‌به‌چهره و غیر کلامی، ساده‌ترین و قدیمی‌ترین روش‌های عملیات روانی و جنگ نرم است. برخی، قدیمی‌ترین روایت پیرامون جنگ نرم را به نبرد کیدئون با ماد نسبت می‌دهند. در این جنگ، سپاهیان کیدئون با افزایش چندین برابری مشعل‌های لشکریان، باعث فریب و ترس مآدها شدند و بدون هیچ درگیری به پیروزی دست یافتند. با این وجود، «جنگ نرم» با مختصات نظری و پراتیک جدید خود بعد از شروع جنگ سرد و در اوج آن یعنی در دهه ۱۹۷۰ با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و علوم ارتباطات از جمله جوزف نای، هارولد لاسول، جان کالینز، اعضای برجسته آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)^۱ و فرماندهان ارشد پنتاگون با تأسیس مرکزی تحت عنوان «کمیته خطر جاری» طراحی، تدوین و عملیاتی شد که مهم‌ترین هدف آن بمباران تبلیغاتی علیه بلوک شرق و به‌ویژه شوروی بود که ظاهراً بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کمیته به «کمیته صلح جاری» تغییر نام داده و همچنان فعال است و کانون تهاجمات روانی آن جهان اسلام و به‌ویژه ایران و هواداران منطقه‌ای آن از جمله حزب‌الله، حماس و

1 - Central Intelligence Agency (CIA)

کشورهای دوست ایران است (قربانی، ۱۳۸۳: ۳). کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران نمونه بارزی از براندازی نرم بود که با تظاهرات افرادی انجام شد که عده‌ای از آنان، از اشرار و اوباش به حساب می‌آمدند. نمونه تازه‌تری از براندازی نرم را در اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌توان دید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

اهمیت و ابعاد تهدیدات نرم

پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. هرچه یک حکومت، مبانی فکری و اعتقادی و الگوهای رفتاری دیگران را به چالش بیشتری کشانده باشد، از تهدیدات بیشتری برخوردار خواهد بود. تهدیدات فرهنگی که از آن به تهاجم فرهنگی و یا تهدید نرم یاد می‌شود، به دنبال ایجاد انواع بحران‌های فرهنگی - سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است. هدف اصلی از این نوع تهدید، حذف باورمندی جامعه، سلب اراده و روحیه مقاومت و در مجموع استحاله فرهنگی - سیاسی است. در این نوع تهدید تلاش می‌شود ملتی دارای آرمان به ملت بی‌آرمان تبدیل شود و آن هم به دست خود؛ یعنی الگوهای رفتاری خود را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش اندازد. بنابراین، تهدید نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و در عین حال، خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کم‌ترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف رسید؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه و باور و ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این جنگ و تهدید دین، فکر و آرمان ملت‌ها را آماج تهاجم خود قرار می‌دهد (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲). با ظهور فناوری جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. بخش قابل توجهی از نظریه‌های جدید امنیتی و راهبردهای قدرت‌های سلطه‌گر، به‌ویژه راهبرد امنیت ملی و منطقه‌ای آمریکا بر کاربرد قدرت نرم تأکید دارد. بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهدیدات قرن ۲۱ را تهدیدات نرم و یا جهانی‌سازی فرهنگ می‌دانند. در هیچ زمانی، دولت‌مردان آمریکا تا این میزان بر مضامین ارزشی و اخلاقی به‌عنوان منابع نرم قدرت تأکید نداشته‌اند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۳).

قدرت ملی و قدرت نرم

قدرت ملی را می‌توان امکان تحمیل اراده یک بازیگر به دیگر بازیگران تعریف کرد. زمانی که کشوری توانایی، اراده و ظرفیت لازم را در اختیار دارد و در پرتو آن می‌تواند، اهداف و ارزش‌های

حیاتی خود را حفظ، توسعه و تعمیق بخشد، در واقع، آن کشور از قدرت ملی لازم برخوردار است. قدرت ملی دارای مؤلفه‌های نظامی، سیاسی، فناوری، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، انسانی، فرهنگی و... است. قدرت در چهره جدید خود با فرهنگ و اندیشه آمیخته شده و در نظریه‌های جدید عمده‌تأ ماهیت نرم‌افزارانه پیدا نموده است. کشوری می‌تواند اهداف و مقاصد ملی خود را پیش ببرد که قدرت بیشتری را به صحنه بیاورد و به بهترین روش، قدرت حریف را تضعیف نماید. قدرت ملی شامل: قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، فرهنگی، تبلیغی و... است. برجسته‌ترین مظهر و نمود قدرت ملی، قدرت فرهنگی به معنای عام و قدرت روانی - تبلیغی به معنای خاص است که بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند این بعد قدرت را که ما در این مقاله به عنوان قدرت نرم معرفی نموده‌ایم، افزایش و گسترش داده و با استفاده از این وجه قدرت، بر سایر بازیگران تأثیر گذاشته و آنها را از میدان رقابت خارج سازند. ویژگی این وجه از قدرت، با مفهوم اقناع و رضایت‌مندی همراه است (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۷).

سطوح قدرت نرم

الف) سطح راهبردی قدرت نرم: این سطح از قدرت نرم، متأثر از فرهنگ راهبردی کشور و به رهبران و نخبگان یک کشور بازمی‌گردد و بالاترین سطح رویارویی قدرت نرم تلقی می‌شود. هدف اصلی در این سطح، افزایش قدرت هنجارسازی خود و تضعیف قدرت هنجارسازی حریف در محیط بین‌المللی است. به هر میزان که بازیگران بتوانند در این سطح قدرت ایجاد کنند و یا بر قدرت هنجارسازی دیگران تأثیر بگذارند، امکان پیروزی بیشتری خواهند داشت. هدف از این تهدید در این سطح، اجرای عملیات روانی راهبردی، تأثیرگذاری بر برآوردها و شناخت نخبگان و رهبران حریف (تأثیر بر شناخت) و همچنین ارباب و تأثیر بر عزم و اراده (تأثیر بر روحیه و قدرت ایستادگی) آنان است (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۷).

ب) سطح میانی قدرت نرم: این سطح از قدرت نرم بر عنصر مردمی قدرت ملی کشور تأکید دارد. قدرت نرم در این سطح، از فرهنگ ملی متأثر است. این سطح از اهداف سطح راهبردی پشتیبانی می‌کند و به تصمیمات نخبگان و رهبران مشروعیت بخشیده و بر عزم و اراده آنها تأثیر می‌گذارد. هدف سطح میانی تهدید نرم، سلب اراده و انگیزه از مردم و بی‌تفاوت‌نمودن جمعیت‌های همراه و تبدیل آنها به جمعیت‌های معارض، مخالف و بی‌تفاوت و شکل دادن به نافرمانی‌های مدنی با ایجاد شکاف بین دو سطح راهبردی و میانی است. تهدید نرم، در این سطح می‌تواند بر میزان حمایت مردم از سیاست‌های

نظام و نخبگان مؤثر باشد، همچنین حمایت عاطفی - روانی نیروهای مسلح تحت تأثیر این سطح است، در صورتی که کشوری از قدرت نرم لازم در این سطح برخوردار باشد، به طور طبیعی آن کشور، فاقد بحران‌های پنج‌گانه سیاسی، مشروعیت، نفوذ، مشارکت، توزیع و هویت خواهد بود و بازدارندگی مردمی در برابر تهدید نرم شکل خواهد گرفت؛ در مقابل، وجود بحران‌های پنج‌گانه فوق و همچنین نبود قدرت هنجاری و الگوهای رفتاری برتر و کارآمد و با قابلیت نهادینه‌نمودن در حوزه فرهنگ ملی می‌تواند یک کشور را آسیب‌پذیر کند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۸).

ج) سطح تاکتیکی قدرت نرم: پایین‌ترین سطح رویارویی قدرت نرم در سطح نیروهای مسلح کشور شکل می‌گیرد. این سطح از قدرت نرم از فرهنگ دفاعی کشور متأثر است. در این سطح از قدرت نرم، تقابل اراده و روحیه جنگی رزمندگان دو یا چند کشور در میدان نبرد شکل می‌گیرد. هدف اصلی از تهدید نرم در این سطح، سلب اراده و روحیه مقاومت در جبهه حریف است (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۸).

ابعاد تهدید نرم

الف) در حوزه فرهنگ: فرهنگ، بیانگر شخصیت و هویت ملی کشور و دستاورد معرفتی انسان و جوامع است. فرهنگ کشور دارای سه سطح کلی است: مفروضات اساسی و زیرساخت‌های فکری (باورهای) هر کشور، فرهنگ تلقی می‌شود. همچنین فرهنگ ملی کشور، دارای مجموعه‌ای از باورها، نیایدها و ارزش‌هاست که سطح دوم آن را تشکیل می‌دهد و در نهایت الگوهای رفتاری و اقدام یک کشور، لایه سوم فرهنگ ملی تلقی می‌شود. با این توصیف، می‌توان گفت ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ عبارت است:

الف) تهدید باورهای (مفروضات اساسی) کشور در سه سطح نخبگان، مردم، نیروهای مسلح؛

ب) تهدید ارزش‌های اساسی کشور در سه سطح نخبگان، مردم، نیروهای مسلح؛

ج) تهدید الگوهای رفتاری کشور در سه سطح نخبگان، مردم، نیروهای مسلح (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۹).

ب) در حوزه سیاسی: دولت‌ها به‌مثابه واحد سیاسی در نظام بین‌الملل با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص، شناخته می‌شوند. هر نظام سیاسی برای حفظ بقامندی خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است. بنابراین، افزایش مشروعیت سیاسی نخبگان و رهبران یک کشور به توانایی‌های آنها در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایت‌مندی و قدرت اقناع‌سازی افکار عمومی بستگی دارد. به طور طبیعی، در صورتی که دولتی نتواند قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد کند، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد.

میزان اقتدار سیاسی کشور در جامعه، میزان انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ هویت و یکپارچگی ملی و میزان تولید و بازتولید هنجارهای سیاسی، به‌جریان‌انداختن گفتمان‌های مسلط در درون جامعه و در عرصه بین‌المللی و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت لازم از شاخص‌های قدرت نرم در این حوزه به‌شمار می‌آید. ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیمات رهبران و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی در جامعه، بحران مشروعیت به‌وجود می‌آورد. انگیزه‌زدایی و دل‌سرد کردن مردم برای حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، از مصادیق بارز بحران مشارکت است. مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به‌طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌کند (نائینی، ۱۳۸۸: ۲۰).

اهداف جنگ نرم

۱. ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها: مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف جنگ نرم، ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه هدف است. اعتقادات و باورها، اساس حرکت یک جامعه به‌شمار می‌آیند. هر انسانی براساس باورها و اعتقادات خود به زندگی‌اش جهت می‌دهد. بنابراین، اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییری ایجاد کنند، باید به سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنان بروند. بنابراین، در جنگ نرم، اساسی‌ترین هدف، ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات است (جوانی، ۱۳۸۸: ۸).

۲. ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها: هدف عمده دیگر در جنگ نرم، ایجاد تغییر در افکار جامعه است. چنانچه دشمنان یک ملت، با جنگ نرم بتوانند، در باورها و اعتقادات یک ملتی رسوخ کرده و با ایجاد شک و تردید، آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل نمایند، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر کردن و اندیشیدن در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌شود (جوانی، ۱۳۸۸: ۸).

۳. ایجاد تغییر در رفتار: رفتارهای یک جامعه، مبتنی بر اعتقادات، باورها و چگونگی فکر کردن و اندیشیدن افراد آن جامعه است. با تغییرات اساسی در این مبانی، مدل‌های رفتاری در حوزه‌های گوناگون تغییر می‌کند. در واقع، مدل‌های رفتاری در هر جامعه‌ای، براساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه شکل می‌گیرد. بدیهی است که با تغییر هر نوع باور و اندیشه‌ای، الگوهای رفتاری جدید براساس باورها و افکار جدید جایگزین الگوهای قبلی می‌شود (جوانی، ۱۳۸۸: ۸).

۴. ایجاد تغییر در ساختار سیاسی: هدف نهایی در جنگ نرم، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی جامعه هدف و جایگزین کردن ساختارهای جدید است. در یک جامعه، مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود به چالش بر می‌خیزند که دیگر آن را مشروع ندانند و ازنظر آنان مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. بنابراین، مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی برای ایجاد بحران، ناآرامی و بی‌ثبات‌سازی در جامعه هدف، از کارویژه‌های اصلی جنگ نرم محسوب می‌شود. براساس چنین جمع‌بندی بود که دشمنان از دهه دوم انقلاب با هدف ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات مردم ایران، تهاجم فرهنگی خود را آغاز و تهدیدات نرم آنان، وارد مرحله جنگ نرم شده است (جوانی، ۱۳۸۸: ۹).

ویژگی‌های جنگ نرم

ماهیت جنگ نرم، ویژگی غیرخشونت‌آمیز بودن آن است. جنگ نرم به دلیل پیچیدگی و اتکا به قدرت نرم از ویژگی‌های بسیار زیاد و متنوع برخوردار است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی است، ۲. جنگ نرم، آرام، تدریجی و زیرسطحی است، ۳. جنگ نرم، نمادساز است، ۴. جنگ نرم، پایدار و بادوام است، ۵. جنگ نرم، پرتحرک و جاذبه‌دار است، ۶. جنگ نرم، هیجان‌ساز است، ۷. جنگ نرم، آسیب‌محور است، ۸. جنگ نرم، چندوجهی است، ۹. جنگ نرم، تضادآفرین است، ۱۰. جنگ نرم، تردیدآفرین است، ۱۱. جنگ نرم از ابزار روز استفاده می‌کند (جوانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

تاکتیک‌های (راهکنش) جنگ نرم

۱. برچسب‌زدن: براساس تاکتیک برچسب‌زدن رسانه‌ها، واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل و آنها را به آحاد یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند؛ برچسب‌زنی یا اسم‌گذاری (برچسب به یک فکر و یا عقیده زدن) برای تحریک به رد فکر و اندیشه‌ای، بدون بررسی شواهد است. به‌عنوان نمونه، به مقاومت مشروع مردم مظلوم فلسطین و لبنان، برچسب تروریسم می‌زنند و حمایت ایران از این مبارزین را حمایت از تروریسم می‌نامند و با تبلیغات رسانه‌ای افکارعمومی را دستکاری می‌کنند (jangekhamush.blogfa.com).

۲. تلطیف و تنویر: تلطیف و تنویر در مواردی استفاده می‌شود که چیزی را بدون بررسی شواهد، بپذیریم و تصدیق کنیم. مانند آنکه رسانه‌های ارتباط جمعی از سوی مفهوم «حقوق بشر و آزادی» را پرفضیلت جلوه داده و از سوی دیگر غرب را مهد آزادی و مدافع حقوق بشر قلمداد می‌کنند، درحالی که

- بیشترین نقص حقوق بشر و آزادی در این کشورها صورت می‌گیرد (jangekhamush.blogfa.com).
۳. انتقال: تاکتیک انتقال یعنی اینکه اقتدار، حرمت و منزلت امر مورد احترام به چیزی دیگر برای قابل قبول تر کردن آن منتقل شود؛ استفاده از نمادهای مذهبی و یا ملی و انتساب به اشخاص و جریان‌هایی که مورد احترام توده‌های عمومی مردم هستند، تاکتیک انتقال است. در این تاکتیک از ابزارهای گوناگون از جمله طنز، کایکاتور، داستان کوتاه، شعر و موسیقی استفاده می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).
۴. تصدیق: تصدیق یعنی شخصی که مورد احترام یا منفور است؛ بگوید فکر، برنامه یا محصول یا شخص معینی خوب یا بد است. تصدیق فنی رایج در تبلیغ مبارزات سیاسی و انتخاباتی است. حمایت اشخاص معروف همچون سیاستمداران، هنرمندان، ورزشکاران و دانشمندان و نیز گروه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از فردی یا جریانی تصدیق عنوان می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).
۵. شایعه: شایعه در فضایی تولید می‌شود که امکان دسترسی به اخبار و اطلاعات موثق امکان‌پذیر نباشد، به عبارتی شایعه در جایی ایجاد می‌شود که خبر نباشد و یا خبر از منابع موثق منتشر نشود. اگرچه هر شایعه دربرگیرنده بخش قابل توجهی از واقعیت می‌تواند، باشد، (تاکتیک تسطیح در شایعه‌سازی) ولی ضریب نفوذ آن بستگی به درجه ابهام و اهمیت آن دارد؛ باید توجه داشت که در شایعه‌سازی از تاکتیک‌های گوناگون از جمله تسطیح، همانندسازی، برجسته‌سازی (بزرگ‌نمایی) و... نیز استفاده می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).
۶. کلی‌گویی: در تاکتیک کلی‌گویی، ذهن مخاطب متوجه حواشی و شاخ و برگ نشده و در رابطه با هسته مرکزی پیام، حساسیت نداشته و آن را بدون بررسی و کنکاش می‌پذیرد که به همین دلیل، برخی این تاکتیک را «بی‌حس‌سازی مغزی» می‌نامند (jangekhamush.blogfa.com).
۷. دروغ بزرگ: تاکتیک دروغ بزرگ هنوز هم مورد استفاده فراوان است، عمدتاً برای مرعوب کردن و فریب ذهن حریف مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین معنا که پیامی را که به هیچ‌وجه واقعیت ندارد، بیان می‌کنند و مدام بر طبل تکرار می‌کوبند تا ذهن مخاطب آن را جذب کند. رئیس دستگاه تبلیغاتی نازی‌ها، گوبلز، درباره این تاکتیک معتقد است؛ دروغ هرچه بزرگتر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است (jangekhamush.blogfa.com).
۸. تکرار: تکرار یکی دیگر از تاکتیک‌های دشمن است، به طوری که در این روش با تکرار پیام، سعی در القای مقصودی معین و جانداختن پیامی در ذهن مخاطب دارند؛ تکرار از لحاظ روان‌شناسی در

تشکیل «عادت» بسیار مفید است، به‌ویژه اگر با دقت توأم باشد. بدون تکرار، تثبیت و تقویت دقیق‌تر، «عادت» میسر نخواهد شد. روش تکرار از قواعد خاصی پیروی می‌کند، زیرا فاصله‌های تکرار، نباید چنان دراز باشد که سبب محو شدن آثار قبلی شود و نه چندان کوتاه باشد که ملال‌انگیز و خسته‌کننده شود (jangekhamush.blogfa.com).

۹. پاره حقیقت‌گویی: در تاکتیک پاره حقیقت‌گویی نیز گاهی خبر یا سخنی مطرح می‌شود که از نظر منبع، محتوای پیام، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود، جهت و نتیجه پیام منحرف خواهد شد. رسانه‌ها معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی که به آن متمایل هستند، بخشی از خبر را نقل و بخشی را نقل نمی‌کنند. در تاکتیک «پاره حقیقت‌گویی» حذف یکی از عناصر خبر به‌عمد صورت می‌گیرد و بیشتر اوقات عنصر «چرا» حذف می‌شود؛ نوع تیرها و محتوای روزنامه‌ها و رسانه‌ها در مواقع سخنرانی مقامات عالی نظام نشانگر بهره‌گیری از این تاکتیک است (jangekhamush.blogfa.com).

۱۰. انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی: یکی از مؤثرترین شیوه‌های توجیه حمله به دشمن هنگام جنگ (نرم و یا سخت)، تاکتیک انسانیت‌زدایی است. چه اینکه وقتی حریف از مرتبه انسانی خویش تنزیل یافت و در قامت اهریمنی در ذهن مخاطب ظاهر شد، می‌توان اقدامات خشونت‌آمیز علیه این دیو و اهریمن را توجیه کرد. در این تاکتیک با استفاده از برجسب‌زنی صفات منفی به حریف از جمله دزد، قاتل و دروغگو به توجیه حملات و تهاجمات علیه رقیب می‌پردازند (jangekhamush.blogfa.com).

۱۱. ارائه پیشگویی‌های فاجعه‌آمیز: تاکتیک ارائه پیشگویی‌های فاجعه‌آمیز نیز از جمله تاکتیک‌هایی است که دشمنان قسم خورده نظام به فراوانی از آن استفاده کرده‌اند؛ در این تاکتیک با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه‌های جنگ روانی به ارائه پیشگویی‌های مصیبت‌بار می‌پردازند که بتوانند حساسیت مخاطب را نسبت به آن افزایش و براساس میل و هدف خویش افکار وی را هدایت نمایند. ارائه اخبار و آمارهای آلوده به دروغ از وضعیت سیاسی، اقتصادی و فاجعه‌آمیز بودن آینده کشور حریف در صورت تداوم وضع موجود، ذیل این تاکتیک تعریف و بعضاً شعار «تغییر» نیز در این رابطه از سوی برخی‌ها پیگیری می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).

۱۲. قطره‌چکانی: در تاکتیک قطره‌چکانی نیز اطلاعات و اخبار در زمان‌های گوناگون و به تعداد بسیار کم و به صورتی سریالی ولی نامنظم در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد تا مخاطب نسبت به پیام مربوطه حساس شده و در طول یک بازه زمانی آن را پذیرا باشد (jangekhamush.blogfa.com).

۱۳. حذف (سانسور): در تاکتیک حذف یا سانسور، فضایی مناسب برای سایر تاکتیک‌ها به‌ویژه شایعه، خلق می‌شود تا زمینه نفوذ آن افزایش یابد. در این تاکتیک با حذف بخشی از خبر و نشر بخشی دیگر، به ایجاد سؤال و مهم‌تر از آن ابهام می‌پردازند و بدین ترتیب زمینه تولید شایعات گوناگون خلق می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).

۱۴. جاذبه‌های جنسی: استفاده از نمادهای ارویتیکال از تاکتیک‌های مهم مورد استفاده رسانه‌های غربی است، به‌طوری‌که می‌توان گفت اکثر قریب به اتفاق برنامه‌های رسانه‌های غربی از این جاذبه در جهت جذب مخاطبان خویش به‌ویژه جوانان که فعال‌ترین بخش جامعه هستند، بهره می‌گیرند (peopleinsoftwar.blogfa.com).

۱۵. ماساژ پیام: یکی از معروف‌ترین تاکتیک‌های دشمن، ماساژ پیام است، به‌طوری‌که دشمنان از انواع تاکتیک‌های گوناگون (حذف، کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی، زمان‌بندی و قطره‌چکانی) جنگ نرم استفاده می‌کنند تا پیام براساس اهداف تعیین‌شده شکل گیرد و بتواند تصویر مورد انتظار را در ذهن مخاطب ایجاد کند. در این روش، پیام با انواع تاکتیک‌ها ماساژ تا از آن مفهوم و مقصودی خاص برآید (jangekhamush.blogfa.com).

۱۶. ایجاد تفرقه و تضاد: از جمله اموری که در فرایند جنگ نرم مورد توجه واقع می‌شود، تضعیف از طریق تزریق تفرقه در جامعه هواداران و حامیان حریف است. ایجاد و القای وجود تضاد و تفرقه در جبهه رقیب، باعث عدم انسجام و یکپارچگی شده و رقیب را مشغول مشکلات درونی جامعه حامیان خود می‌کند و از این طریق از اقتدار و انرژی آن کاسته و قدرتش فرسوده می‌شود (peopleinsoftwar.blogfa.com). تاکتیک ایجاد تفرقه و تضاد موجب ایجاد «گسست» می‌شود، نظیر گسست قومیت، مذهب، دین، جنسیت، زبان و نژاد. مهم‌ترین هدف این تاکتیک، ایجاد گسست بین مردم و نظام سیاسی است که باعث تزلزل و تنزل اعتماد عمومی مردم و مقبولیت و پذیرش رژیم سیاسی می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).

۱۷. ترور شخصیت: یکی از تاکتیک‌های مهم دشمن در جنگ نرم، ترور شخصیت است، به‌طوری‌که در این جنگ برخلاف جنگ سخت، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت می‌دهد. زمانی که نمی‌توان و یا نباید فردی مورد ترور فیزیکی قرار گیرد، با استفاده از نظام رسانه‌ای و انواع تاکتیک‌ها از جمله بزرگ‌نمایی، انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی، وی را ترور شخصیت می‌کنند و از این طریق باعث افزایش نفرت عمومی و کاهش محبوبیت وی می‌شوند. دشمنان انقلاب و نظام اسلامی با استفاده از این تاکتیک و بهره‌گیری از ابزارهای مانند طنز، کاریکاتور، شعر و کلیپ‌های کوتاه که عموماً

از طریق اینترنت و تلفن همراه، پخش می‌شود، به ترور شخصیت برخی افراد سیاسی و فرهنگی موجه و معتبر در نزد مردم می‌پردازند (jangekhamush.blogfa.com).

۱۸. مبالغه: مبالغه یکی دیگر از روش‌هایی است که با اغراق کردن و بزرگ‌نمایی یک موضوع، سعی در اثبات یک واقعیت دارد. کارشناسان جنگ روانی، از این فن در مواقع و وقایع خاص استفاده می‌کنند. غربی‌ها همواره با انعکاس مبالغه‌آمیز دستاوردهای فناورانه خود و اغراق در ناکامی‌های کشورهای جهان اسلام سعی در تضعیف روحیه مسلمانان در تقابل با تمدن غربی دارند (jangekhamush.blogfa.com).

۱۹. مغالطه: تاکتیک مغالطه نیز شامل؛ گزینش و استفاده از اظهارات درست یا نادرست، مشروح یا مخشوش و منطقی یا غیرمنطقی است، به این منظور که بهترین یا بدترین مورد ممکن را برای یک فکر، برنامه، شخص یا محصول ارائه داد (jangekhamush.blogfa.com).

ابزارها و بازیگران جنگ نرم

تمامی ابزارهای حامل قدرت نرم را باید به‌عنوان ابزارهای جنگ نرم مورد توجه و شناسایی قرار داد. این ابزارها انتقال‌دهنده پیام‌ها با اهداف خاص هستند. در کنار فضای مجازی اینترنتی، رسانه‌ها شامل؛ رادیو، تلویزیون و مطبوعات، عرصه‌های هنر شامل؛ سینما، تئاتر، نقاشی، گرافیک و موسیقی، انواع سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های انسانی در زمره ابزار جنگ نرم به‌شمار می‌آیند. افرادی که این ابزارها را به کار می‌برند، سربازان و نظامیان تفنگ‌به‌دست و پیام‌های ارسالی، گلوله‌هایی است که از این تجهیزات شلیک می‌شود. در صحنه جنگ نرم دو گروه کنشگر و بازیگر اصلی وجود دارد. بازیگران مهاجم، کسانی که جنگ نرم را به راه انداخته و کسانی که به مقابله با جنگ نرم می‌پردازند. بازیگران جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی را می‌توان به دو گروه خارجی و داخلی تقسیم‌بندی کرد. بازیگران جنگ نرم را براساس نقشی که برعهده دارند، می‌توان به هشت طبقه، شامل: سیاست‌گذاران، اندیشه‌سازان، برنامه‌سازان، کارگزاران، پردازشگران، بازی‌گردانان، بازیگران و بازی‌خوردگان تقسیم‌بندی کرد. سه طیف اول از بازیگران جنگ نرم در گروه بازیگران خارجی قرار دارند. این سخن به آن معناست که قرارگاه اصلی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی در خارج از کشور وجود دارد و گروه‌ها و افراد داخلی، حتی سردمداران فتنه از سوی خارجی‌ها خواسته یا ناخواسته مدیریت می‌شوند. مهم‌ترین بازیگران خارجی جنگ علیه جمهوری اسلامی عبارتند از: سرویس‌های جاسوسی و امنیتی مانند سیا، پنتاگون، موساد و ... ، نهادهای رسمی و دولتی امریکا، رژیم صهیونیستی، انگلیس، آلمان،

فرانسه و...، نهادها، مؤسسات و بنیادهای بین‌المللی و کمپانی‌های رسانه‌ای (جوانی، ۱۳۸۸: ۱۸).

زمینه‌های پیدایش تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

۱. بسترها و عوامل بیرونی: زمینه‌ها و ابزاری که به‌نحوی رد پای کشورهای خارجی و غربی در آنها دیده می‌شود، بسترهای بیرونی هستند از جمله: الف) تولید برنامه‌های مبتدل و صدور آن، ب) تلاش برای دین‌زدایی از راه‌های مختلف، ج) ایجاد روحیه خودباختگی فرهنگی، د) ساخت و فروش وسایل ارتباطی مانند ماهواره و سخت‌افزارها و نرم‌افزارها و موارد مشابه دیگر (ولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲. بسترها و عوامل درونی: زمینه‌ها و عناصری که ریشه داخلی داشته و در پذیرش فرهنگ مهاجم به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم کمک می‌کنند عوامل درونی هستند؛ از جمله: الف) مشکلات و کاستی‌های اقتصادی و اجتماعی، ب) ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در خانواده، مدرسه و جامعه، ج) ضعف برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی، د) فقدان تولیدات فرهنگی کافی و مناسب، ه) روشنفکران غرب‌زده: رشد گروه جدیدی از نخبگان که افکارشان ریشه در مکاتب فکری و فرهنگی مطرح در غرب دارد (ولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲).

وظایف سپاه در مقابله با جنگ نرم

انقلاب اسلامی در ایران به‌دلیل تأثیرگذاری و قدرت الهام‌بخشی آن یک انقلاب منحصربه‌فرد دینی در جهان امروز است. انقلاب اسلامی با ماهیت دینی و شعارها و گفت‌وگوهای مکتبی خود و در مواجهه با تهدیدات ابرقدرت‌های شرق و غرب که این انقلاب را مانع جدی جهان‌گشایی خود در سراسر جهان می‌دیدند، به نهادهایی نیازمند بود که بتواند نیازهای انقلاب را در زمینه‌های گوناگون خصوصاً در برابر حمله‌های دشمنان داخلی و خارجی پاسخ دهد. از این رو، یکی از دستاوردهای بزرگ نظام اسلامی، تأسیس نهاد مقدس سپاه بنا به فرمان حضرت امام خمینی (ره) بود که با حضور عده‌ای از جوانان پرشور انقلابی، پایه‌ریزی شد. نیروهای مسلح در نظام‌های سیاسی با هدف پاسداری از تمامیت ارضی و استقلال نظام‌ها تشکیل می‌شوند، اما در نظام جمهوری اسلامی براساس اصل ۱۵۰ قانون اساسی، فلسفه و کارکرد وجودی سپاه، پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن تلقی شد. برابر نص صریح قانون اساسی، ایفای این نقش و مأموریت، مستلزم شناخت و بصیرت خانواده بزرگ سپاه از انقلاب، دستاوردهای ارزشمند آن، آسیب‌ها و تهدیداتی متوجه آن است. راه‌های مقابله با مخاطرات و تهدیدات و همچنین هوشیاری و آمادگی مستمر، عالمانه و همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف خصوصیات سپاه است که آن را از سایر نیروهای مسلح متمایز ساخته است. به استناد اساسنامه سپاه پاسداران، مصوب

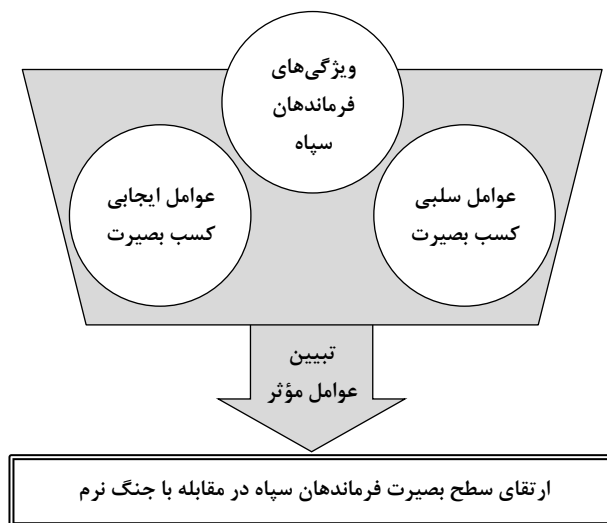
۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی رهبر معظم انقلاب که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی، دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون، طبق قوانین و تقویت بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی است. فصل دوم اساسنامه در قالب ۱۰ ماده و دو تبصره به تشریح مأموریت سپاه، حیطه و چگونگی انجام آن اشاره دارد، «مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که درصدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشند، مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه درصدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند. براین اساس، یک تفاوت ماهوی بین سپاه و دیگر نیروهای مسلح وجود دارد که رسالت و مأموریت سپاه متفاوت از دیگران بوده و براین اساس سپاه به‌عنوان بازوی توانمند ولایت و رهبری آماده پاسداری از حاکمیت جمهوری اسلامی در همه عرصه‌های موردنیاز بوده است (اساسنامه سپاه پاسداران، مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی).

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله)

براساس اصل ۱۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که نیروهای مسلح را در زمان صلح موظف به مشارکت در بازسازی و سازندگی می‌نماید و بر مبنای ابلاغ فرماندهی کل قوا در سال ۱۳۶۸ مبنی بر مشارکت مهندسی سپاه در بازسازی و سازندگی کشور، بخشی از امکانات و منابع انسانی در سازمان مستقلی تحت عنوان قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله)، سازماندهی و وارد عرصه سازندگی شد. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله) تاکنون با رشد شاخصه‌های کمی (تعداد کارکنان، حجم بالای پروژه‌ها، میزان سرمایه) و کیفی (توان فنی و مدیریتی) با ورود به عرصه‌های جدید و پروژه‌های پیچیده‌ای که قبلاً توسط پیمانکاران خارجی انجام می‌شد، با حضور در مناطق محروم، ناامن و دورافتاده، خدمات چشمگیری انجام داده است، همچنین با بهره‌گیری از ده‌ها گروه اجرایی و شرکت‌های تابعه و همکار تاکنون تعداد ۱۸۳۶ پروژه در رشته‌های تخصصی نظیر: راه‌سازی، سدسازی، بندر و سازه‌های دریایی، خدمات مهندسی، تأسیسات نفت - گاز و... را به اتمام رسانده و تعداد قابل‌توجهی پروژه دیگر را در دست اجرا دارد که بخشی از این فعالیت‌ها در مناطق محروم انجام می‌شود. با توجه به فعالیت‌های سازندگی انجام‌شده، اهم اهداف و راهبردهای قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله) در امر سازندگی عبارتند از: ۱. کمک به اجرای برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران، ۲. استفاده بهینه از منابع و امکانات و استعدادهای عمرانی و اقتصادی، ۳. کسب تجربه و

دانش فنی به منظور افزایش توان رزمی و دفاعی، ۴. ایجاد بستر مناسب برای مشارکت نیروهای بسیجی در توسعه اقتصادی کشور، ۵. کمک به مناطق محروم و خدمات‌رسانی به مردم از محل منابع قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(صلی‌الله و آله) (قرب) (ابلاغ فرماندهی کل قوا در سال ۱۳۶۸).

مدل مفهومی تحقیق



تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

برای دستیابی به پاسخ سؤال تحقیق مبنی بر تعیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، ابتدا براساس داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه نمونه آماری در قالب پرسشنامه و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی، به توصیف و تجزیه و تحلیل عوامل ۲۲گانه در قالب سه مؤلفه عوامل ایجابی کسب بصیرت، عوامل سلبی کسب بصیرت و ویژگی فرماندهان در قالب جداول و نمودارهای توزیع درصد فراوانی برای اطمینان از معنی‌داری پاسخ جامعه نمونه آماری به شرحی که در ادامه برای عامل یک به صورت نمونه می‌آید، پرداخته شده است و سپس جداول توزیع درصد فراوانی برای تمامی عوامل در قالب جداول در یک نگاه به ترتیب اولویت میانگین هریک از آنها ارائه شده است و متعاقب آن نسبت به استانداردسازی عوامل و تعیین میانگین کل و عدد

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

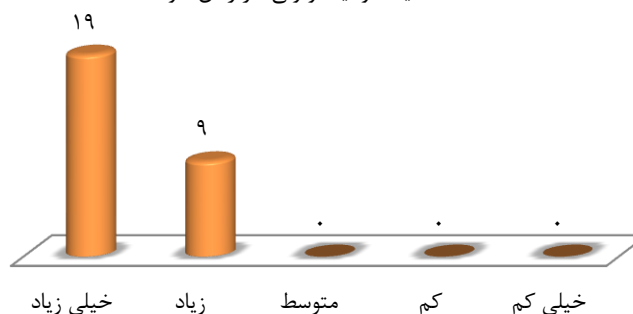
شاخص در قالب مؤلفه‌های سه‌گانه ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، به ترتیب نمره نیز اقدام شده است.

میزان تأثیر عامل ۱: آیا شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود یکی از عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، است؟

جدول ۲: توزیع درصد فراوانی عامل ۱ در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

طبقه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	میانگین
خیلی زیاد	۱۹	٪ ۶۸	٪ ۶۸	۴/۶۸
زیاد	۹	٪ ۳۲	٪ ۱۰۰	
متوسط	۰	۰	٪ ۱۰۰	
کم	۰	۰	٪ ۱۰۰	
خیلی کم	۰	۰	٪ ۱۰۰	
جمع	۲۸	٪ ۱۰۰	٪ ۱۰۰	

شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود



نمودار ۲. توزیع فراوانی عامل یک در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

توصیف و تحلیل آزمون عامل ۱: جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد که ۶۸ درصد پاسخگویان جامعه نمونه آماری، میزان تأثیر عامل شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود را به‌عنوان یکی از عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، در حد خیلی زیاد، ۳۲ درصد پاسخگویان تأثیر این عامل را در حد زیاد، ۰ درصد در حد متوسط و ۰ درصد آنان در حد کم و ۰ درصد آنان در حد خیلی کم دانسته‌اند. لذا با توجه به نتیجه، ۱۰۰٪ درصدی پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد، این عامل به‌عنوان یکی از عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم محسوب می‌شود. در ادامه توزیع درصد فراوانی عوامل ۲۲ گانه ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال شانزدهم، شماره ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مقابله با جنگ نرم، به ترتیب اولویت میانگین و در قالب جدول در یک نگاه به شرح زیر ارائه شده است که بالاترین میانگین مربوط به عوامل: ولایت‌پذیری و شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود هر دو با میانگین عددی ۴/۶۸ درصد به‌عنوان تأثیرگذارترین عامل و پایین‌ترین میانگین مربوط به عامل و عدم توجه به وابستگی خانوادگی با میانگین عددی ۳/۱۱ درصد به‌عنوان کم‌اثرگذارترین عامل در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، محسوب می‌شود.

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم به ترتیب اولویت میانگین (در یک نگاه)

ردیف	شاخص‌ها	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱	شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹	۳۲٪	۱۹	۶۸٪	۴٫۶۸
۲	ولایت‌پذیری	۰	۰	۲	۷/۱۴	۰	۰	۳	۱۰/۷۲	۲۳	۸۲/۱۴	۴٫۶۸
۳	رعایت ایمان و تقوی الهی	۱	۳/۵۷	۰	۰	۲	۷/۱۴	۹	۳۲٪	۱۶	۵۷/۱۴	۴٫۳۹
۴	داشتن فکر و اندیشه و تجزیه و تحلیل مسائل	۰	۰	۱	۳/۵۷	۱	۳/۵۷	۱۴	۵۰٪	۱۲	۴۲/۸۶	۴٫۳۲
۵	ذکر و یاد الهی	۲	۷/۱۴	۰	۰	۲	۷/۱۴	۱۰	۳۵/۷۱	۱۴	۵۰٪	۴٫۲۱
۶	پایبندی به ارزش‌ها و معیارهای دینی	۱	۳/۵۷	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۱۳	۴۶/۴۳	۱۰	۳۵/۷۱	۴٫۱۱
۷	شهادت‌طلبی	۰	۰	۰	۰	۸	۲۸/۵۶	۹	۳۲٪	۱۱	۳۹/۲۹	۴٫۱۱
۸	دوراندیشی در امور	۰	۰	۱	۳/۵۷	۸	۲۸/۵۶	۷	۲۵٪	۱۲	۴۲/۸۶	۴٫۰۷
۹	عبرت‌گرفتن از مسائل و حوادث گوناگون	۰	۰	۰	۰	۷	۲۵٪	۱۲	۴۲/۸۶	۹	۳۲٪	۴٫۰۷
۱۰	ناآگاهی	۰	۰	۱	۳/۵۷	۹	۳۲٪	۱۰	۳۵/۷۱	۸	۲۸/۵۶	۳٫۸۹
۱۱	استفاده از تجربه دفاع مقدس	۱	۳/۵۷	۱	۳/۵۷	۷	۲۵٪	۱۲	۴۲/۸۶	۷	۲۵٪	۳٫۸۲
۱۲	پیروی از عالمان وارسته	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۷	۲۵٪	۹	۳۲٪	۸	۲۸/۵۶	۳٫۷۵
۱۳	پیمودن راه اهل بصیرت	۰	۰	۲	۷/۱۴	۱۰	۳۵/۷۱	۱۱	۳۹/۲۹	۵	۱۷/۸۶	۳٫۶۸
۱۴	عدم سطحی‌نگری	۰	۰	۳	۱۰/۷۲	۹	۳۲٪	۱۰	۳۵/۷۱	۶	۲۱/۴۳	۳٫۶۸
۱۵	عدم گرفتار شدن به شهوات و لذت‌ها	۲	۷/۱۴	۱	۳/۵۷	۱۱	۳۹/۲۹	۶	۲۱/۴۳	۸	۲۸/۵۶	۳٫۶۱
۱۶	عدم شخصیت‌زدگی	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۱۰	۳۵/۷۱	۹	۳۲٪	۵	۱۷/۸۶	۳٫۵۴
۱۷	عدم خودمحوری	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۸	۲۸/۵۶	۱۳	۴۶/۴۳	۳	۱۰/۷۲	۳٫۵۴
۱۸	غرق شدن در امور جاری و فراموش کردن حقیقت‌طلبی	۰	۰	۵	۱۷/۸۶	۹	۳۲٪	۹	۳۲٪	۵	۱۷/۸۶	۳٫۵۰
۱۹	عدم گروه‌گرایی	۰	۰	۶	۲۱/۴۳	۸	۲۸/۵۶	۹	۳۲٪	۵	۱۷/۸۶	۳٫۴۶
۲۰	عدم دلبستگی به دنیا	۱	۳/۵۷	۵	۱۷/۸۶	۷	۲۵٪	۷	۲۵٪	۷	۲۵٪	۳٫۳۹
۲۱	مردمی‌بودن	۱	۳/۵۷	۶	۲۱/۴۳	۸	۲۸/۵۶	۸	۲۸/۵۶	۵	۱۷/۸۶	۳٫۳۶
۲۲	عدم توجه به وابستگی خانوادگی	۱	۳/۵۷	۱۰	۳۵/۷۱	۶	۲۱/۴۳	۷	۲۵٪	۴	۱۴/۲۹	۳٫۱۱

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

استانداردسازی عوامل تبیین شیوه‌های ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم برای استانداردسازی عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، عوامل مزبور را به ترتیب اولویت میانگین هر عامل به شرح جدول ۵ فهرست نموده و سپس با تعیین عدد شاخص که از رابطه زیر استفاده شده است، نسبت به انتخاب مهم‌ترین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم که دارای میانگین بالاتر از عدد شاخص (۳/۳۴) می‌باشند، اقدام شده است و سایر عوامل که دارای میانگین پایین‌تر از عدد شاخص می‌باشند، به دلیل تأثیر کم‌تری که این عوامل در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، خواهند داشت، قاعدتاً در ادامه باید حذف شوند. بنابراین، در این تحقیق به دلیل وجود میانگین پایین‌تر از عدد شاخص در عامل (۲۲)، هرچند اینها به عنوان عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، دارای تأثیر کم‌تری نسبت به سایر عوامل دارند، ولی با توجه به نزدیک بودن میانگین عامل فوق (۲۲) با میانگین برخی از عوامل بالاتر از عدد شاخص و حسب معنی‌دار بودن پاسخ جامعه نمونه آماری به عامل مزبور و تأکید برخی از افراد خبره و صاحب نظر مبنی بر عدم حذف عوامل فوق به لحاظ تأثیر و نقش تعیین‌کننده آن در تبیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، این عامل نیز حذف نشده است.

$$\mu = M - \frac{\text{Max}-\text{Min}}{3} =$$

$$۳/۸۶ = \frac{4/68-3/11}{3} = ۳/۳۴$$

جدول ۵: استانداردسازی عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

تعداد	شاخص‌ها	تعداد	میانگین
۱	شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود	۲۸	۴,۶۸
۲	ولایت‌پذیری	۲۸	۴,۶۸
۳	رعایت ایمان و تقوی الهی	۲۸	۴,۳۹
۴	داشتن فکر و اندیشه و تجزیه و تحلیل مسائل	۲۸	۴,۳۲
۵	ذکر و یاد الهی	۲۸	۴,۲۱
۰
۰
۲۰	عدم دل‌بستگی به دنیا	۲۸	۳,۳۹
۲۱	مردمی‌بودن	۲۸	۳,۳۶
۲۲	عدم توجه به وابستگی خانوادگی	۲۸	۳,۱۱
	جمع		۸۴/۹۷
	میانگین کل		۳/۸۶
	عدد شاخص		۳/۳۴

ارزیابی تحلیل داده‌های مرتبط با سؤال تحقیق

باتوجه به تجزیه و تحلیل فوق و تعیین عوامل ۲۲ گانه و تبیین میزان تأثیر هریک از آنها در قالب مؤلفه‌های سه گانه عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم (به شرح جدول ۶ پیش گفته)، می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که موارد مزبور در واقع، پاسخ مناسبی به سؤال تحقیق مبنی بر تبیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق و باتوجه به تجزیه و تحلیل انجام شده به شرح موارد پیش گفته که حاصل مطالعات نظری و تحقیقات میدانی است، به سؤال تحقیق به شرح ذیل پاسخ داده می‌شود؛ در پاسخ به سؤال تحقیق می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که عوامل مؤثر و میزان تأثیر هریک از آنها در تبیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، در قالب مؤلفه‌های سه گانه عوامل ایجابی کسب بصیرت، عوامل سلبی کسب بصیرت و ویژگی فرماندهان مشتمل بر ۲۲

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

عامل به شرح جدول ۶ پیش گفته است که هر یک از آنها بر حسب اولویت میانگین نیز تعیین شده‌اند که در این راستا، بیشترین نمره مربوط به عوامل شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود و ولایت‌پذیری با میانگین ۴/۶۸ به‌عنوان تأثیرگذارترین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم است. این در حالی است که عامل عدم توجه به وابستگی خانوادگی با میانگین ۳/۱۱ به‌عنوان کم‌اثرگذارترین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم است. همچنین بر این اساس، با توجه به نمرات میانگین حاصله، مؤلفه عوامل ایجابی کسب بصیرت با هشت عامل و با میانگین ۴/۱۴۶ در رتبه اول و سپس مؤلفه ویژگی فرماندهان با پنج عامل و با میانگین ۴/۰۱۶ در جایگاه دوم و مؤلفه عوامل سلبی کسب بصیرت با نه عامل و با میانگین ۳/۵۲۴ در رتبه سوم به‌عنوان مؤلفه‌های عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم محسوب می‌شوند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه فیض الاسلام اصفهانی، تهران: چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، بیروت: انتشارات دار بیروت.
۵. اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی.
۶. امام خمینی (ره)، روح‌الیه، وصیت‌نامه سیاسی - الهی.
۷. برهان، مهدی (۱۳۹۰)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های بصیرت، فصلنامه معرفت سیاسی: ۶۵ تا ۹۰.
۸. جوانی، یدالله (۱۳۸۸)، مفهوم‌شناسی و ماهیت جنگ نرم، هفته‌نامه صبح صادق، شماره ۴۲۵، صفحه ۸، ۱۳۸۸/۰۸/۲۵.
۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۰.
۱۰. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع اعضای دفتر رهبری و سپاه ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۲۱.
۱۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با خبرنگان مردم در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲
۱۲. سخنرانی مقام معظم رهبری در صبحگاه لشکر ۱۶ قدس ۸۰/۰۲/۱۶
۱۳. سخنرانی مقام معظم رهبری دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۷۱/۸/۲۷.

۱۴. شیرازی، علی (۱۳۸۸)، تحلیلی درباره موانع بصیرت، سایت بصیرت ۸۸/۱۰/۲۰.
۱۵. قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. کالینز، جان. ام. (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کوروش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۷. نای، جوزف اس. (۱۳۸۸)، قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۸. نائینی، علی محمد (۱۳۸۸)، مبانی مأموریت سپاه در مقابله با تهدیدات نرم با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری.
۱۹. ولی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۸)، تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن، مجله معارف، شماره ۶۹.
۲۰. همتیان، شکوفه (۱۳۸۹)، بصیرت از دیدگاه مقام معظم رهبری، روزنامه کیهان شماره ۶۴۶۲۶، ۱۳۸۹/۰۲/۱۹.
۲۱. همتیان، شکوفه (۱۳۸۹)، بصیرت، راه‌هایی از فتنه، روزنامه کیهان، ۸۹/۰۲/۲۵.
۲۲. یعقوبی، منصور (۱۳۸۸)، بصیرت در آموزه‌های قرآن، کیهان ۸۸/۰۹/۳۰.
۲۳. سایت www.tebyan.net و jangekhamush.blogfa.com

شناسایی و بررسی عوامل افزایش مهارت تیراندازی دانشجویان در یک دانشگاه نظامی

رضا شاهقلیان قهفرخی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

چکیده

باتوجه به اهمیت تیراندازی در دین مبین اسلام و به خصوص برای نیروهای نظامی در هر کشوری بالاخص کشور جمهوری اسلامی ایران، می‌توان هدف از این مقاله را شناسایی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر افزایش مهارت تیراندازی جهت دانشجویان در یک دانشگاه نظامی عنوان نمود. باتوجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به سؤال مقاله که عبارت است از «عوامل افزایش مهارت تیراندازی برای دانشجویان یک دانشگاه نظامی چیست؟»، این تحقیق از روش توصیفی و تجربه‌ای به منظور بررسی موضوع استفاده شده است. تحقیق، کاربردی - پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی، فیش‌برداری و منابع اینترنتی و به شکل میدانی یعنی توزیع فرم پرسشنامه بوده است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله به صورت کمی است. شیوه انتخاب جامعه و نمونه آماری براساس راهبرد انجام شده است که در این روش تمامی افراد جامعه آماری مورد مراجعه و پرسش و بررسی قرار می‌گیرند که اطلاعات پرسشنامه‌های این تحقیق به صورت تمام‌شمار و به تعداد ۲۲ عدد، بین خبرگان تیراندازی توزیع و پس از جمع‌آوری، وارد نرم افزار آماری SPSS شد. سپس با استفاده از امکانات نرم‌افزار، نتایج موردنظر استخراج شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بررسی و نتیجه‌گیری، هشت عامل تأثیرگذار بر افزایش مهارت تیراندازی به ترتیب رتبه میانگین به دست آمد که عبارت است از: ۱. امکانات و تجهیزات، ۲. ویژگی فردی، ۳. استادان و مربیان، ۴. متون درسی، ۵. نوع و کیفیت آموزش‌ها، ۶. عوامل روحی، ۷. عوامل محیطی، ۸. قوای جسمانی.

کلید واژه‌ها: تیراندازی؛ عوامل افزایش مهارت تیراندازی؛ اصول تیراندازی؛ دانشجویان

مقدمه

تیراندازی در اسلام، بسیار مورد توجه است تاجایی که ائمه معصومین (علیه‌السلام) نیز در این رشته ورزشی - که در واقع رزمی نیز هست - شرکت می‌کردند و حتی شرط‌بندی در آن را نیز به‌خلاف بیشتر موارد دیگر جایز می‌شمردند. امام صادق (علیه‌السلام) در تیراندازی و شرط‌بندی آن، حضور به‌هم می‌رساندند و در جایی فرمودند: تیراندازی خود تیری از تیرهای اسلام است (حر عاملی، ج ۱۳: ۳۴۸).

در تاریخ زندگی امام باقر (علیه‌السلام) می‌خوانیم: هشام آن حضرت را به دمشق فراخواند و در مجلسی که نظامیان، فرماندهان نظامی و بزرگان قوم حضور داشتند و تیراندازان بزرگ و چیره‌دست به تیراندازی مشغول بودند، وارد کرد؛ سپس از وی خواست که تیراندازی کند... امام باقر (علیه‌السلام) تیر را در چله کمان نهاده و در مقابل هدف ایستاد و پس از نشانه‌روی، تیر را رها ساخت. تیر، درست در وسط خال نشست و تیرهای بعدی نیز هر کدام به انتهای تیر قبلی خورد و آن را شکافت و در وسط خال جای گرفت که این مهارت بی‌نظیر در تیراندازی، موجب تعجب هشام و درباریان وی شد (جوکار و جامه بزرگ، ۱۳۹۳: ۱۲).

رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) نیز برای تیراندازی و تمرینات آن، اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. با توجه به اینکه کیفیت و کارایی ارتش‌های جهان و از آن جمله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در نتایج و برنامه‌های قابل مشاهده از جمله تیراندازی، بررسی و قضاوت می‌شود، لزوم تحقیق، پژوهش و به‌روزرسانی متون و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آموزشی و ارتقای مهارت تیراندازی بسیار ضروری است. نظر به این ضرورت‌ها و مأموریت‌های گسترده و پراهمیت سازمان‌های نظامی به‌عنوان نهادهای حافظ انقلاب، توجه به پژوهش آن هم در شاخه تیراندازی، بدیهی به‌نظر می‌رسد که این امر طی سال‌های اخیر مورد اهتمام و توجه ویژه بوده است.

در این پژوهش سعی شده است به شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در ارتقای مهارت تیراندازی پرداخته و نقش هریک از آنها در فرایند آموزش، بررسی شود و نتایج به‌صورت ملموس و قابل مشاهده عرضه شود.

بیان مسئله

تیراندازی و کسب مهارت‌های لازم در زمینه تیراندازی به‌عنوان یکی از عوامل اساسی سنجش و ارزشیابی پایانی دانشجویان و یکی از معیارهای قابل لمس و عینی برای تعیین مطلوب و مؤثر بودن نظام

آموزشی در هریک از دانشگاه‌های نظامی است. اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان نیروهای مسلح بیشتر مهارت‌های پایه نظامی را در دانشگاه افسری خود می‌آموزند و سپس وارد یگان‌های عملیاتی و صفی می‌شوند و عموماً فرصت دوباره‌ای برای بازآموزی و یا ارتقای مهارت خود ندارند. بر همین اساس، کوچک‌ترین ضعف در این مهارت‌ها و مبانی نظامی شاید تا سال‌ها و حتی تا پایان خدمت فرد جبران نشود.

مشکل اینجاست که به‌رغم صرف بودجه زیاد و امکانات فراوان سازمان و همچنین استفاده از استادان باتجربه، بازده تیراندازی دانش‌آموختگان، که نمود آن در میدان‌های تیر و نمره فراگیران در هدف‌ها و مسافت‌های استاندارد است، در حد مطلوب نیست. این ضعیف‌بودن سطح مهارت به‌قدری مشخص و واضح است که در ارزشیابی‌های بازرسان ستاد کل نیروهای مسلح نیز ذکر شده است. عمده دلیل بروز این مشکل در روند آموزش مهارت تیراندازی و تعریف آن به‌عنوان یک واحد درسی در قالب درس جنگ افزارشناسی و برخورد با آن، همانند دیگر دروس نظری است که این نگاه به درس عملی - مهارتی علاوه بر افت شدید کیفیت آموزش، باعث بروز مشکلات گوناگون یادگیری نزد فراگیران می‌شود. استمرار این روند علاوه بر هدردادن امکانات و بودجه آموزشی سازمان و ضعیف‌بودن سطح مهارت‌های آموزشی دانشجویان، باعث عدم تحقق اهداف سازمانی و برآورده‌نشدن انتظارات فرماندهان سازمان‌های نظامی از آنها می‌شود.

در این تحقیق علاوه بر شناسایی نقاط ضعف سامانه آموزشی، ابزار، امکانات و متون آموزشی و دیگر عوامل موردنیاز، بهبود روند موجود و رسیدن به نقطه مطلوب بررسی و ارائه شده است. به‌کار بستن تمامی راهکارها در کنارهم برای رسیدن به وضع مطلوب لازم است و حذف و یا به‌کارنگرفتن بخشی از پیشنهادها باعث مختل شدن روند آموزش مطلوب می‌شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با بررسی اهمیت یادگیری تیراندازی با آیات و روایاتی روبه‌رو می‌شویم که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد: پیامبر اکرم (ص) در تفسیر آیه "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه..." در مورد کسب قدرت می‌فرماید: «بدانید و آگاه باشید که منظور از قدرت، قدرت تیراندازی است؛ قدرت تیراندازی است؛ قدرت تیراندازی است» (بحارالانوار، ج ۱۰۳: ۱۹۱).

اسلام تیراندازی را گرچه به قصد سرگرمی باشد، جایز می‌شمرد تا جایی که حضرت رسول (ص)

می‌فرماید: به تیراندازی روی آورید؛ زیرا یکی از بهترین سرگرمی‌های شماس (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۸۳).

درباره اهمیت و ضرورت این تحقیق می‌توان گفت که با این تحقیق، عوامل اثرگذار در تیراندازی شناسایی می‌شود و انجام‌نشدن تحقیق یعنی شناسایی‌نشدن عوامل و نهایتاً صرف بودجه و هزینه زیاد بدون رشد و ارتقای تیراندازی دانشجویان.

هدف تحقیق

شناسایی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر افزایش مهارت تیراندازی دانشجویان در یک دانشگاه نظامی

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی تحقیق

عوامل افزایش مهارت تیراندازی دانشجویان یک دانشگاه نظامی چیست؟

سؤال فرعی تحقیق

عوامل تأثیرگذار بر افزایش مهارت تیراندازی کدام است؟

اصلی‌ترین عوامل مؤثر در افزایش مهارت تیراندازی دانشجویان کدام است؟

روش تحقیق

باتوجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق، برای بررسی موضوع، از روش توصیفی و تجربه‌ای استفاده شده است. این تحقیق، کاربردی - پیمایشی است. تحقیقات کاربردی، تحقیقاتی است که با استفاده از زمینه و بستر شناختی و معلوماتی که از طریق تحقیقات بنیادی فراهم شده است برای رفع نیازهای بشر و بهبود و بهینه‌سازی ابزارها، اشیا و الگوها در جهت توسعه رفاه و آسایش و ارتقای سطح زندگی انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۹). روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی درمورد مباحث نظری و منابع اینترنتی، فصلنامه‌ها، طرح‌ها و نیز به روش پیمایشی و به شکل میدانی (توزیع فرم پرسشنامه) و با ابزار گردآوری شامل فیش‌برداری و پرسشنامه بوده است. شیوه انتخاب جامعه و نمونه آماری براساس

تمام شماری انجام شده است که در این روش تمامی افراد جامعه آماری مورد مراجعه و پرسش و بررسی قرار می‌گیرند که اطلاعات پرسشنامه‌های این تحقیق به صورت تمام‌شمار و ۲۲ عدد بین خبرگان تیراندازی توزیع شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری وارد نرم‌افزار آماری SPSS شده است که با استفاده از امکانات نرم‌افزار، نتایج استخراج شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ادبیات نظری تحقیق

تعریف مفاهیم

۱. تیراندازی: شلیک گلوله و پرتاب تیر است (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۴۱۳).
۲. تعریف اول اصول تیراندازی: پایه و اساس هر تیراندازی خوب، باکیفیت و مؤثر از هنگام حالت‌گیری تا شلیک مؤثر و دقیق یک تیر به هدف موردنظر را اصول تیراندازی می‌نامند که می‌توان گفت تا این موضوع محقق نشود، مهارت تیراندازی تحقق نخواهد یافت (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۳).
۳. تعریف دوم اصول تیراندازی: جمعی از کارهای بنیادی، اساسی و لازم‌الاجرا را برای اینکه فرد بتواند تیراندازی زیبا، اصولی و مؤثری داشته باشد، اصول تیراندازی نامند (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۲۳).
۴. تعریف عملیاتی تیراندازی (تاکتیکال): روش خاص تیراندازی که در آن هفت عنصر دقت، سرعت، حرکت، انتقال، شرایط محیطی، جوی و رزم نزدیک با هم ترکیب و اجرا می‌شود (علی اکبری و موسایی، ۱۳۹۴: ۱۹).
۵. تعریف تیراندازی نظامی: آن نوع تیراندازی را که با مهمات جنگی برای کسب مهارت در یگان‌های نظامی برای دفاع از کشور انجام می‌شود، تیراندازی نظامی گویند (رمضانی، ۱۳۸۹: ۲۹).
۶. تعریف دانشجویان نظامی: به دانشجویان بورس (افسری و دانش‌آموخته) مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح گفته می‌شود.
۷. تعریف عوامل ارتقای مهارت تیراندازی: منظور، عواملی است که تأثیر بسیاری در ارتقای مهارت تیراندازی دانشجویان دارد که می‌توان به مواردی چون متون درسی، استادان و مربیان، امکانات و تجهیزات، نوع و کیفیت آموزش‌ها، قوای جسمانی، عوامل روحی، ویژگی فردی و عوامل محیطی اشاره کرد (شاهقلیان قهفرخی، ۱۳۹۶: ۱۷).

مبانی دینی در تیراندازی

تیراندازی در اسلام، بسیار مورد توجه است تا جایی که ائمه معصومین علیه‌السلام نیز در این رشته شرکت می‌کردند و حتی شرط‌بندی در آن را نیز به‌خلاف بیشتر موارد دیگر، جایز می‌شمردند. می‌توان گفت تیراندازی در دوران قبل از اسلام نیز مورد توجه بوده است. حضرت داوود پیامبر (علیه‌السلام) نیز تیرانداز قابلی بود. او با تیراندازی توسط فلاخن، موفق شد بزرگترین طاغوت زمان خود "جالوت" را از پای درآورد (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۱۴).

حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) نیز تیراندازی ماهر بوده است که از این طریق به شکار می‌پرداخت. پیامبر گرامی اسلام، ضمن ترغیب و تشویق مسلمانان به تیراندازی در این باره می‌فرماید: «رمياً بنی اسماعیل، فان اباکم کان رامياً»: ای فرزندان اسماعیل! تیراندازی کنید که پدرتان تیرانداز بود.

پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید: «حقّ الولد علی والده ان یعلمه الکتابه و السباحه و الرمايه و ان لایرزقه الا طیباً»: حق فرزند [پسر] بر عهده پدرش این است که به او آموزش دهد؛ نوشتن، شناکردن و تیراندازی را و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه کند.

"علّموا ابنائکم السباحه و الرمی: به پسرانتان، شناکردن و تیراندازی را آموزش دهید" (نهج‌الفصاحه، ۴۱۳، حدیث شماره ۱۹۵۵).

"علموا بنیکم الرمی فانه نکایه العدو: تیراندازی را به پسرانتان آموزش دهید؛ زیرا موجب سرشکستگی دشمن است. اسلام، مهیاسازی "قوت" به‌منظور مقابله با دشمن و ترسانیدن وی را لازم و واجب می‌شمارد؛ آنجا که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه: آنچه قوه و توان دارید برای [مقابله با] آنها [دشمنان] آماده و مهیا سازید" (انفال / ۶۰).

آنگاه، پیامبر گرامی (ص) تیراندازی را به‌عنوان یکی از مصداق‌های برجسته "قوه" معرفی نموده و می‌فرماید: "الا ان القوه الرمی، الا ان القوه الرمی: آگاه باشید! "قوه" همان تیراندازی است. آگاه باشید! "قوه" همان تیراندازی است" (بحارالانوار: ج ۱۰۳: ۱۹۱، به نقل از تفسیر مجمع‌البیان).

اسلام، تیراندازی را - گرچه به قصد سرگرمی باشد - جایز می‌شمرد و آن را یکی از بهترین سرگرمی‌های انسان باایمان می‌داند. رسول خدا (ص) فرمود: "علیکم بالرمی فانه من خیر لهو کم: به تیراندازی روی آورید؛ زیرا یکی از بهترین سرگرمی‌های شماست" (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۸۳).

رسول اکرم (ص) فرمود: "احبّ اللّهُو الی الله تعالی اجراء الخیل و الرمی: بهترین سرگرمی نزد خدا،

اسب‌دوانی و تیراندازی است."

امام صادق علیه‌السلام فرمود: "الرّمی سهم من سهام الاسلام: تیراندازی، تیری از تیرهای اسلام است" (محدث عاملی، ج ۱۳: ۳۴۸).

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: به‌واسطه یک تیر، سه نفر بهشتی می‌شوند: "الا انّ عزّ و جلّ لیدخل بالسّهم الواحد الثلاثة الجنّة، عامل الخشبّة و القوی به فی سبیل الله و الرّامی به فی سبیل الله: آگاه باشید! خدای عزّ و جلّ به‌واسطه یک چوبه تیر، سه نفر [یا سه گروه] را به بهشت وارد می‌کند: سازنده چوبه تیر و مسابقه دهنده [یا تقویت کننده و تیزکننده] آن را که در راه خدا این کار را انجام می‌دهد و تیراندازی را که به‌وسیله آن در راه خدا تیراندازی می‌کند" (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۱۳).

آن حضرت، کسی را که پس از آموختن تیراندازی، آن را ترک کند، مسلمان واقعی نمی‌داند و درزمره کسانی می‌داند که نعمتی از نعمت‌های خدا را کفران کرده است. "من علم الرّمی ثمّ ترکه فلیس منّا، او قد عصی: کسی که تیراندازی را فرا گیرد، سپس آن را ترک کند از ما نیست یا [در روایتی دیگر آمده] عصیان و سرکشی کرده است."

"من ترک الرّمی بعد ما علمه رغبه عنه فأنّها نعمه کفرها: کسی که بعد از یادگرفتن تیراندازی از روی میل و رغبت آن را ترک کند، نعمتی را کفران کرده است" (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۸۲).

همچنین باید دانست، تیراندازان در صدر اسلام نقش مهمی داشتند. معمولاً پیاده‌نظام، تیر و کمان به‌کار می‌برد. امر پیامبر (ص) به توقف پنجاه تیرانداز در روی یک تپه مهم در جنگ احد، نمونه این اهمیت است. قرآن می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ أَعْلَمُ بِاللَّهِ يَعْلَمُهُمْ: آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و افراد و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به‌وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد، مرعوب سازید» (حرعاملی، ج ۱۳: ۳۴۸).

پیامبر اکرم (ص) در بیان مقصود این آیه، چنین می‌فرماید: «فی قول الله عزوجل (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه)

قال الرمی: مقصود از نیرومندی و توانایی در آیه، آمادگی در تیراندازی است (نجفی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۱۵۱).

همچنین روایت شده است که پیامبر(ص) آیه مورد بحث را تلاوت کرد و سه مرتبه فرمود: «الا ان القوة الرمی»: آگاه باشید که حتما منظور از قوت، تیراندازی است (نهج الفصاحه).

در جایی دیگر از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل است:

- «عَلِّمُوا بَنِيكُمْ الرَّمِي فَإِنَّهُ نِكَايَةُ الْعَدُوِّ: تیراندازی را به پسرانتان بیاموزید که موجب سرشکستی

دشمن است».

- «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ، أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ: حق پسر بر پدر این است که نوشتن و

شناکردن و تیراندازی را به او بیاموزد».

- «عَلَيْكُمْ بِالرَّمِي فَإِنَّهُ مِنْ خَيْرِ سَعْيِكُمْ: بر شما باد تیراندازی که از بهترین تلاشهای شما است».

- «أَحَبُّ اللَّهْوِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَالرَّمِي: محبوبترین سرگرمی در پیشگاه خدا مسابقه

اسب‌سواری و تیراندازی است».

- «الرَّمِي خَيْرٌ مَا لَهْوُكُمْ بِهِ: تیراندازی بهترین تفریح شما است».

- «إِرْمُوا وَارْكَبُوا: وَأَنْ تَرْمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا: تیراندازی و سوارکاری کنید و اگر تیراندازی

کنید از سوارکاری هم برایم دوست‌داشتنی‌تر است».

- «أَطْيَبُ الْكَسْبِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ سَهْمُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: پاکیزه‌ترین کسب مرد مسلمان، تیری است که

در راه خدا می‌اندازد».

- «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْخُلُ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ ثَلَاثَةَ الْجَنَّةِ: صانعه یحتسب فی صنعته الخیر و الرّامی به و منبله:

خداوند متعال با یک تیر انداختن، سه نفر را به بهشت می‌برد: سازنده تیر که با نیت خیر آن را می‌سازد؛

تیرانداز و کسی که تیر را به دست تیرانداز می‌دهد».

- «مَنْ تَرَكَ الرَّمِي بَعْدَ مَا عَلِمَهُ فَقَدْ كَفَرَ الَّذِي عَلَّمَهُ: کسی که تیراندازی بیاموزد و آن را رها کند،

حقوق آموزگارش را نادیده گرفته است».

- «مَنْ أَحْسَنَ الرَّمِي ثُمَّ تَرَكَهُ فَقَدْ تَرَكَ نِعْمَةً مِنَ النِّعَمِ: کسی که نیکو تیراندازی کند، سپس رها کند

درحقیقت نعمتی از نعمت‌های خدا را وا نهاده است».

- «مَنْ تَرَكَ الرَّمِي بَعْدَ مَا عَلِمَهُ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ كَفَّرَهَا: کسی که تیراندازی را بعد از آموختن، رها کند در

حقیقت نعمتی از خدا را ناسپاسی کرده است» (نجفی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۱۵۱).

از ابن عباس روایت شده است که گفت پیامبر(ص) بر گروهی که تیراندازی می‌کردند گذر کرد و

به آنان فرمود: «رَمِيَا بَنِي إِسْمَاعِيلَ فَإِنَّ أَبَاكُمْ كَانَ رَامِيًا: ای فرزندان اسماعیل! تیراندازی کنید که پدرتان

نیز تیرانداز بود» (نهج الفصاحه).

از امام صادق (علیه السلام) نقل است: «آنکه کان يحضر الرّمي و الرّهان: ایشان شخصا در مسابقه تیراندازی حاضر می‌شد و در شرط‌بندی آن شرکت می‌فرمود» (سیوطی، ج ۳: ۱۹۲).

از کلام رسول اکرم (ص) است که فرمود: «فرشتگان الهی از برد و باخت و قمار و شرط‌بندی، نفرت دارند و به مرتکبان آن لعنت می‌فرستند جز در مسابقه تیراندازی و اسب‌سواری» (فلسفی، ج ۲: ۱۳۶).

در حدیث دیگر از ایشان نقل شده است، برد و باخت و شرط‌بندی جز در تیراندازی و اسب‌دوانی روا و جائز نیست (حرعاملی، ج ۱۹: ۲۵۱).

طبق روایات متعدد، پیامبر اکرم (ص) با یکی از یاران خود به نام «اسامه بن زید» در مسابقه اسب‌دوانی شرکت جست و جایزه مسابقه را سه نخل تعیین فرمود (حرعاملی، ج ۱۹: ۲۵۲).

بررسی تجهیزات مورد استفاده در تیراندازی

۱. سلاح: هر تیراندازی باید تبحر کامل را در استفاده از سلاح سازمانی خود به دست آورد و بتواند به روشی ایمن آن را حمل کند. بیشتر تیراندازانی که اولین بار با تفنگ کار می‌کنند، با عملکرد سلاح آشنا می‌شوند. به تیراندازان ابتدا مقدمات سلاح آموزش داده می‌شود؛ سپس این آموزش‌ها ارتقا می‌یابد و مواردی از قبیل بررسی ایمنی، بازوبسته کردن سلاح، مسلح و غیرمسلح کردن آن، دستگاه نشانه‌روی و استفاده از بند سلاح را شامل می‌شود. این دوره‌ها به مرور پیشرفت می‌کند و به تیرانداز چگونگی آماده کردن سلاح سازمانی آموزش داده می‌شود، مانند قلق‌گیری سلاح، چگونگی تنظیم آن و تبدیل آن به تفنگ کاملاً شخصی و مناسب. از ویژگی هر سلاح استاندارد می‌توان به مواردی چون لگد کم، گیر کم، سبک بودن سلاح، دقت زیاد سلاح، سرعت آتش زیاد، راحتی باز و بسته کردن سلاح برای تمیز کردن و رفع گیر، داغ‌نشدن سریع لوله سلاح، امکان سریع تعویض خشاب، صدای کم‌تر، خوش‌دست بودن سلاح، فراوانی مهمات سلاح، امکان سلاح برای افراد راست‌دست و چپ‌دست، امکان تنظیم قنناق سلاح، ساختار ساده سلاح و... اشاره کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود باتوجه به این توضیحات برای هر یک از نیروها و یا دانشجویان و یا یگان‌های نظامی، سلاح سازمانی در نظر گرفته شود.

۲. مهمات: استفاده از مهمات استاندارد در تیراندازی از اهمیت بسیاری برخوردار است. تجربه ثابت کرده است که مهمات استاندارد به صورت تجمعی یکجا برخورد می‌کند؛ بنابراین، باید مهمات، نو

باشد؛ چون مهمات کهنه به علت فاسدشدن باروت و چاشنی، بد عمل می‌کند و باعث پراکندگی تیرها روی هدف می‌شود و همچنین مهمات مربوط به یک بسته و وزن آنها به یک اندازه باشد؛ مثلاً فشنگ اسلحه کلاش ۱۶ گرم است و باید همه فشنگ‌ها ۱۶ گرم باشند. اگر غیر از این باشد و وزن فشنگ‌ها متفاوت باشد، تیرها هنگام تیراندازی به یک جا برخورد نمی‌کند و این کم و زیادبودن وزن باروت، باعث افت گلوله می‌شود.

۳. هدف مناسب: هدف تیراندازی باید با نوع اسلحه متناسب باشد، به طوری که مرکز هدف با دستگاه نشانه‌روی کاملاً تطابق داشته باشد؛ در غیر این صورت، نمره، قابل استناد برای فرد تیرانداز نیست. در تقسیم‌بندی هدف‌ها می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد: الف) آموزشی، ب) نمره.

۴. ابزار اپتیکی: ابزار اپتیکی هنگام مشاهده، امتیازات متعددی را داراست، اما از این ابزار باید درست استفاده شود و در نگهداری آن دقت لازم به عمل آید؛ به عنوان مثال، دوربین، وسیله‌ای خوب و مفید است که می‌توان از آن برای نشانه‌گیری دقیق و بهتر روی هدف استفاده کرد.

۵. تجهیزات دیگر که از جمله آنها می‌توان به مواردی چون بند سلاح، تجهیزات نظافت سلاح، میز و استند تیراندازی، تجهیزات ایمنی تیراندازی، تجهیزات ورزشی تیراندازی و دستگاه PACT برای افزایش دقت تیراندازی اشاره کرد (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۰۸).

داشتن مربی مجرب و استفاده از علم روز در تیراندازی

وظیفه مربی، ایجاد مهارت تیراندازی و مساعدت، یاری و کمک به پیشرفت عملکرد تیراندازان است. مربی خوب در طول وضعیت تیراندازی، درست‌گرفتن سلاح و شلیک می‌تواند کمبودها را تشخیص دهد و آنها را برطرف کند. مربی ضعیف که شیوه را اشتباه یا ناقص ارائه می‌کند، باعث می‌شود که تیرانداز در آموزش نزد مربی با تجربه چه‌بسا دو برابر تیرانداز مبتدی زمان برد، چون باید شیوه قبلی را فراموش کند و شیوه جدید را یاد بگیرد.

معمولاً وظایف مربی با تجربه تیراندازی عبارت است از:

الف) داشتن دانش تخصصی و تجربه کافی؛

ب) داشتن برنامه و قدرت طراحی تمرین؛

ج) داشتن قدرت تجزیه و تحلیل محل اصابت گلوله‌ها روی هدف؛

د) داشتن توانایی القای اعتماد به نفس و ایجاد روحیه و نشاط؛

و) داشتن انگیزه و توانایی تولید علم؛

ها) داشتن روحیه تحقیق و کاوش علمی.

همچنین در راستای اصول مربی‌گری برای ایجاد انگیزه در تیراندازان می‌توان گفت که به‌عنوان اولین گام در مربی‌گری کارآمد، مربی باید آشکارا در ذهن تیرانداز، نوع رفتاری را که باید یا نباید، صادر شود جا بیندازد. به‌هرحال برخی از انواع رفتارها نیازمند بروز و نمایش در تمام مراحل کار است (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

در راستای به‌روزرودن مربی تیراندازی نسبت به علم خود می‌توان گفت که مربی تیراندازی باید کتاب‌ها و مقالات جدید تیراندازی را مطالعه و حتی با دیگر مربیان تبادل نظر کند و به نظر آنها گوش فرادهد و کاملاً ذهن بازی نسبت به آنچه در شکل‌های رفتاری برای تیرانداز در تیراندازی اهمیت دارد، داشته باشد. مربی هرچه اطلاعاتش بیشتر و به‌روزتر باشد، فهم او از تیراندازی بیشتر می‌شود.

عوامل مؤثر قبل از تیراندازی برای ارتقای مهارت

۱. شرایط و ویژگی‌های روحی و روانی تیرانداز (آمادگی روحی و روانی)، داشتن ایمان و انگیزه، نداشتن تنش، صبوربودن، تعادل روحی، شجاعت، عدم اعتیاد به هر چیز، نیت الهی، اعتماد به نفس و خلاقیت.

۱ - ۱. ایمان‌داشتن و توکل: ایمان‌داشتن به اینکه اگر قرار است کسی را بکشیم در راه رضای خداست و در این موضوع به خود شکی راه ندهیم. بدانیم که ما مأمور اسلام و سرباز امام زمان (عج) هستیم و به دستور خدا و اسلام است که فرد مقابل (دشمن خدا) را می‌کشیم تا جایی که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: "ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه اولیائه: جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را بر روی دوستان خاص خود گشوده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷).

توکل بر خدا از آثار یقین و ایمان است و با توکل می‌توان سختی‌ها را آسان، و راه‌ها را کوتاه کرد. امام موسی‌الکاظم (ع) می‌فرماید: هر کس دوست دارد که قوی‌ترین انسان‌ها باشد، باید بر خدا توکل کند (بحارالانوار، ج ۷۵: ۱۴۳).

امام علی (ع) می‌فرماید: اساس قوت قلب، توکل بر خداست که مشکلات و سختی‌ها را آسان می‌کند و برای متوکل سختی وجود ندارد (تمیمی آمدی، ۱۳۹۳: ۱۹۷).

۱ - ۲. صبوربودن: یکی از شرایط و ویژگی‌های روحی و روانی تیرانداز، انضباط روحی و روانی است. نظم روحی در تمام دوره تیراندازی لازم است. موفقیت در تیراندازی به کنترل وضعیت روحی در وضعیت بحرانی بستگی دارد. هیچ‌کس با روحیه عالی از مادر متولد نمی‌شود، اما فرد تیرانداز

می‌تواند با تمرین، آموزش و ترس از صدای تیر و انتظار شلیک، باعث انقباض بدن و کشیدن بدن به عقب و انحراف مسیر تیر شود. آنچه برای تیرانداز ماهر، واجب و ضروری است، کنترل روحی و انضباط روحی است (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۲۴).

۱ - ۳. اعتماد به نفس: نیرویی که اعتماد به نفس داشته باشد، دشمن در برابرش حقیر جلوه می‌کند و می‌تواند از ظرفیت و توان خود با اعتماد و اطمینان کامل به منظور رویارویی با دشمن بهره‌بردارد. بدیهی است کسانی که اعتماد به نفس دارند نه تنها از روحیه بیشتری برخوردار خواهند بود بلکه باعث تقویت روحیه دیگران هم خواهند شد. براساس بیان خداوند که می‌فرماید: "ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزه عليهم الملائکه: استقامت می‌ورزند و خداوند با یاری فرشتگان آنان را نصرت می‌بخشد" (فصلت / ۳۰).

۱ - ۴. هدایت کردن ذهن: ذهن باید به‌طور کامل متوجه آخرین عملی باشد که باید انجام شود. جلوگیری از افکار بی‌ربط، یعنی حداقل به مدت یک دقیقه قبل از شروع شلیک باید روی تمرکز افراد کار شود. داشتن طرح و نقشه قبلی برای عملیات به تدریج تیرانداز را قادر خواهد کرد که تمرکز خود را در یک دوره طولانی حفظ کند. هماهنگی فکر و عمل در نتیجه تمرین زیاد و پیوسته به دست خواهد آمد. هماهنگی فکر و عمل از عناصر اصلی موفقیت است. اگر زمان تمرین تیراندازی کم باشد، نمی‌توان مطمئن شد که می‌توان هماهنگی فکر و عمل در حالت تیراندازی حفظ شود (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۲۵).

۱ - ۵. نبود تنش و هیجان و به‌دست آوردن آرامش: استرس (فشار روانی) از نظر لغوی از کلمه لاتین استرینچر به مفهوم به‌هم‌رفتن، قبض شدن و... و در زبان فارسی برای آن، معادل‌های تکانه عصبی، فشار روانی، تنیدگی، نگرانی و... بیان شده است. در حالت عادی بیشتر عضلات بدن آزادند، اما هر موجود زنده‌ای از جمله انسان در وضعیت سخت دچار تنش و هیجان می‌شود. تحقیقات علمی مؤید این است که تنش بر سلامت جسم و روان فرد تأثیر می‌گذرد و انرژی‌های بالقوه و بالفعل او را هدر می‌دهد و باطل می‌سازد. بین هیجان در حالت عادی و حالت ترس تفاوت وجود دارد. روان‌شناسان معتقدند که هیجان‌های انسان در وضعیت‌های مختلف باید توسط پزشک کنترل شود. تیراندازان باید بدانند که چه عواملی موجب عادی شدن هیجان‌های روانی می‌شود و چه عواملی آن را می‌کاهد و به انسان آرامش می‌دهد. بنابراین، تنش در تیراندازی باعث می‌شود فرد نمره قابل‌قبولی را به‌دست نیاورد؛ چون یکی از عوامل ایجادکننده تنش، لرزش است. لرزش باعث می‌شود اسلحه تکان بخورد. مسابقات تیراندازی

باعث افزایش تنش می‌شود و همچنین موجب تنش هنگام روبه‌رو شدن با دشمن می‌شود (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۴۱).

۱- ۶. شیوه‌های کاهش هیجان

تنفس: سه بار تنفس عمیق و آرام‌نگهداشتن نفس در ریه‌ها تا حد امکان، آرامش چشمگیری را به وجود می‌آورد.

نشستن: در حالی که هیجان زده شده‌اید، بنشینید و سر را به جلو و پایین خم کنید و عضلات را کاملاً آرام بگذارید. در این حالت هرگز به تیراندازی فکر نکنید و چند دقیقه به این حالت باقی بمانید که این عمل موجب آرامش عضلات بدن می‌شود.

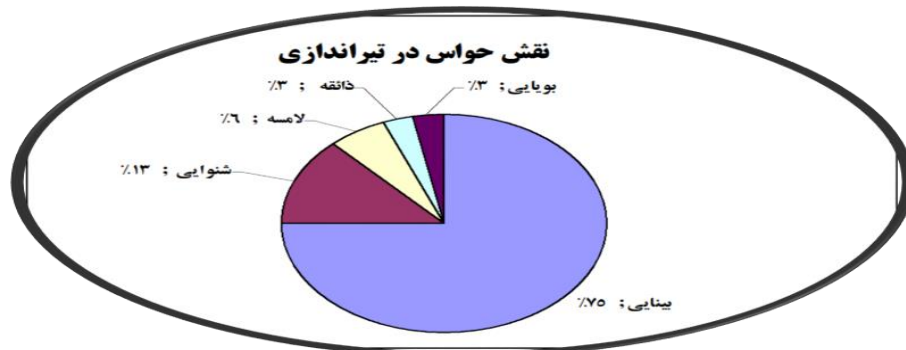
توقف کار و تفکر: هرگاه هنگام تیراندازی هیجان زده شدید و فرصت و زمان به شما اجازه داد کار را متوقف کنید، به آنچه در زندگی برای شما مهم است و به آن علاقه دارید، فکر کنید و سپس چند نفس عمیق بکشید. این عمل موجب خواهد شد که به سرعت تنش و هیجان از شما دور شود. ده دقیقه استراحت بعد از یک ساعت کار، باعث خواهد شد که تیرانداز هیجان زده نشود و عوامل ایجادکننده هیجان، ضعیف‌تر شود.

اشتغال به کار دیگر: اشتغال به کارهای دستی مانند باغبانی، نقاشی و... در پایان یک روز فعالیت تیراندازی. شیوه کاهش هیجان دو گونه است: یکی آزاد کردن عضلات ارادی و غیرارادی و دیگری تغییر حالت. اگر فرد بتواند هر دو را با هم انجام دهد، زودتر می‌تواند هیجان‌های روحی خود را فرو نشاند (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۲۶).

۲. وضعیت و ویژگی‌های فیزیکی و بدنی تیرانداز (آمادگی جسمانی)

آمادگی جسمی تیرانداز: اعضای زیر از نظر فیزیکی در تیراندازی مؤثر است: انگشتان. در نوک انگشت سبابه ۲۰ تا ۲۵ گیرنده حسی وجود دارد. برای کشیدن ماشه از بند اول انگشت استفاده می‌شود.

لبها: اولین عنصر بدن است که احساس یا حساسیت گیرنده‌های حسی ما را به مغز منعکس می‌کند و بهتر است حتی المقدور از خشک شدن آنها جلوگیری کنیم. زبان: در سرما و در گرما از نظر حساسیت تأثیرات روانی خود را دارد.



نمودار ۱: درصد نقش حواس در تیراندازی

نقش حواس در تیراندازی

بینایی ۷۵ درصد

شنوایی ۱۳ درصد

لامسه ۶ درصد

ذائقه ۳ درصد

بویایی ۳ درصد (کتابچه مربی‌گری تیراندازی، ۱۳۹۱: ۸).

تیراندازی هنر یا روشی است که به آمادگی بدنی و میل به کسب پیروزی در فرد تیرانداز وابسته است. آموزش جسمانی برای افزایش مقاومت و کنترل لرزش، لازم و ضروری است. تمرین‌های جسمانی باید منظم و با زمانبندی انجام و در تیراندازی و در غیر آن یکنواخت انجام شود. تمرین‌های جسمانی باید با هدف تقویت عضلات، تنفس بهتر و انعطاف‌پذیری بدن انجام شود. در این تمرین‌ها تقویت عضلات کتف، بازو، آرنج، مچ و انگشتان مهم‌تر است. حرکت‌های کششی و دینامیک به مقدار کم برای این اندام‌ها سودمند خواهد بود. باید توجه کرد که در نزدیکی مسابقه‌ها، تمرین‌های سبک، آهسته و کند به کار گرفته و از ورزش‌های سنگین خودداری شود. هر ورزشی که توان جسمانی را افزایش دهد، برای تیرانداز سودمند خواهد بود. توصیه می‌شود که هر ورزشی که توان جسمی تیرانداز را افزایش می‌دهد، انجام شود. تمرین مداوم، نظم و ایستایی تیرانداز را زیاد می‌کند که باید هفته‌ای سه بار و هر بار ۳۰ تا ۶۰ دقیقه ادامه یابد. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که هدف‌گیری، فشار زیادی را روی عضلات و دستگاه عصبی وارد می‌کند به گونه‌ای که در پایان تیراندازی تغییرات مشخصی در نوار قلبی تیراندازان دیده می‌شود که در نتیجه، کم‌خونی در عضلات و بافت عصبی به وجود می‌آید.

همچنین زمان مرحله بازگشت به حالت اولیه (ریکاوری) یعنی زمانی که برای اعصاب و عضلات لازم است که بعد از هشت بار شلیک به حالت استراحت درآیند نیز افزایش می‌یابد. این تغییرات در نتیجه کاهش اکسیژن و نیم‌سوزش گلوکز سطح سلول‌ها به وجود می‌آید که خود این کاهش در نتیجه توقف یا ناهماهنگی در تنفس هنگام هدف‌گیری است. کمبود اکسیژن روی عضلات ظریف مانند عضلات مژگانی چشم اثر می‌گذارد و باعث کاهش تطابق چشم می‌شود. همچنین کمبود گلوکز و اکسیژن در سطح مغز باعث ضعیف شدن شدید تمرکز و دقت می‌شود. چنانچه تیرانداز به قدر کافی ورزیده و توان عضلانی درست داشته باشد، می‌تواند توان جسمانی خود را به حداکثر برساند و تفنگ را بدون لرزش نگاه دارد (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۴۶).

۳. تمرکز و تعادل: تیراندازی هنر به‌نمایش گذاشتن قدرت تمرکز است. موفقیت در تیراندازی از طریق نیروی عضلانی به دست نمی‌آید، بلکه به واسطه کار ذهنی سازمان‌یافته حاصل می‌شود. هرگاه ذهن ما توانست نشانه‌روی و تیراندازی کند، عضلات هم می‌توانند. حافظه و تمرکز دو استعداد همگانی است که می‌تواند پرورش یابد و به مهارت‌های ویژه تبدیل شود. تیراندازی که در میدان قهرمانی در حضور هزاران تماشاگر و با وجود ده‌ها محرک خارجی و محدودیت‌های مختلف، امتیاز زیادی به دست می‌آورد، نتیجه تمرکز و تمرین و ممارست اوست، چنانکه بارها می‌تواند این موفقیت را کسب کند. تیراندازی که در صحنه نبرد در وضعیتی که همه تهدیدات دشمن و شلیک انواع سلاح‌ها و عدم تأمین جانی و اضطراب و تنش حاکم بر محیط با تسلط کامل به تیراندازی دقیق می‌پردازد و با شلیک یک گلوله یک کشته از دشمن می‌گیرد، فقط حاصل تمرکز وی هنگام اجرای مأموریت است. تمرکز حواس در وهله اول، تلاش ذهنی برای انسجام‌بخشیدن به فکر و جمع‌وجور کردن آن است. هرچه بیشتر به این تلاش ادامه دهید، تمرکز شما بهبود می‌یابد و هرچه از این تلاش باز بمانید، تمرکز شما کاهش پیدا می‌کند. امروزه تمام استعدادهای ذهنی را به تلاش و کوشش فردی وابسته می‌کنند. حافظه، تمرکز، خلاقیت، توانایی تدبیر و چاره‌اندیشی و دیگر فرایندهای ذهنی، هیچ‌یک به سن، جنس و تحصیلات بستگی ندارد. همان‌طور که گفته شد، همه اینها به تلاش و کوشش فردی شما بستگی دارد (کشتدار و موسائی، ۱۳۹۴: ۴۰).

۴. انگیزه، علائق و روان‌شناسی تیرانداز

۴ - ۱. انگیزه، عاملی درونی: اراده فرد برای موفق شدن، حائز اهمیت است، اما اراده فرد برای آماده شدن برای بردن میدان مهم‌تر است. دیگران می‌توانند ما را در راستای آمادگی حمایت کنند، اما

مهم‌تر این است که انگیزه باید از درون ما باشد. هرگز اجازه این باور را به خود ندهید که شرایط موفق شدن را ندارید. گفتگوهای دوستانه با خودتان همیشه باید بر این مبتنی باشد که من موفق هستم. من می‌دانم که چگونه موفق شدن را بپذیرم. موفق شدن نیازمند تمرین مداوم و برنامه‌ریزی شده است. از نظر ذهنی هر آنچه را فرد موفق انجام می‌دهد یا بیان می‌کند، تمرین کنید. یاد بگیرید که چگونه تقدیر و سپاس‌گزاری کنید و یا تریک بگویید (کشتدار و موسائی، ۱۳۹۴: ۷۳).

۴ - ۲. انگیزه دادن به تیرانداز: بیشتر مربیان می‌دانند حتی ماهرترین تیراندازان اگر به اندازه کافی انگیزه نداشته باشند، موفق نخواهند بود. بسیاری از مربیان می‌دانند ناتوانی در انگیزه دادن به تیراندازان با استعداد، چه قدر ناامیدکننده است؛ بدین ترتیب، مربیان به طور کلی به دنبال پاسخ به این دو سؤالند: ۱. چرا برخی از تیراندازان با انگیزه و برخی دیگر بی انگیزه‌اند؟ ۲. چگونه تیراندازان خود را انگیزه دهیم تا بتوانند به اوج برسند؟

۴ - ۳. برانگیختگی مطلوب: زمانی که میزان برانگیختگی ما خیلی کم باشد، بی حوصله می‌شویم و به دنبال محرک می‌گردیم. هنگامی که هدف اصلی از تحریک سرگرمی باشد به بازی می‌پردازیم. با وجود این، گاهی در حالتی قرار می‌گیریم که برانگیختگی زیادی به وجود می‌آید و ما را مضطرب می‌کند یا می‌ترساند. در این حالت میل داریم برانگیختگی را کم کنیم. به بیان دیگر، مردم به میزان مطلوبی از برانگیختگی یا تحریک نیاز دارند، نه خیلی کم و نه خیلی زیاد.

۴ - ۴. رابطه انگیزتگی و اجرا: همان گونه که برای تفریح و لذت بردن از ورزش، مقدار مطلوبی انگیزتگی لازم است، برای عملکرد مطلوب نیز مقداری ضروری است. هنگامی که تیرانداز، کم‌تر یا بیشتر از حد مطلوب برانگیخته شود، به طور مطلوب عمل نمی‌کند، اما اگر درست به اندازه مورد نیاز برانگیخته شود، عملکرد خوبی خواهد داشت. مهارت‌های تیراندازی دقیق که به کنترل عضلانی ظریف نیاز دارد مانند گلف و تیراندازی به اهداف ثابت با میزان کم‌تری از انگیزتگی بهتر اجرا می‌شود. ورزش‌هایی مانند بسکتبال و والیبال به میزان بیشتری انگیزتگی نیاز دارد و در تیراندازی به اهداف پروازی نسبت به تیراندازی به اهداف ثابت به میزان بیشتری از انگیزتگی لازم است. میزان مطلوب انگیزتگی از یک تیرانداز تا تیرانداز دیگر فرق می‌کند. تیرانداز ممکن است نسبت به تیرانداز دیگر مهارتی را با انگیزتگی کم‌تر انجام دهد (کشتدار و موسائی، ۱۳۹۴: ۷۵).

۴ - ۵. اعتماد به نفس. دانش آموزی که می‌داند به خوبی برای امتحان آماده است در وضعیت روان‌شناختی مشابهی قرار دارد. او با خوش‌بینی، آسانی، اطمینان و آگاهی از توانایی‌هایش با امتحان

روبه‌رو می‌شود. او می‌داند که این آمادگی با موفقیت حتمی همراه خواهد بود. البته این احتمال نیز هست که همان دانش آموز فقط چند روز بعد با امتحان دیگری روبه‌رو شود که می‌داند به‌خوبی برای آن آماده نیست، بدین ترتیب نامطمئن و مضطرب می‌شود. هیچ کمک روان‌شناسی در دنیا نیست که بتواند برای غلبه بر این "ناراحتی و تردید ذهنی" ناشی از آمادگی ضعیف به او کمک کند. اکنون می‌خواهیم وضعیت احساسی یا روانی را درک کنیم که ذهن تیرانداز را هنگام تیراندازی در اختیار دارد. ابتدا ببینیم لغتنامه در تعریف این واژه‌ها چه می‌گوید:

وحشت: واکنشی است که ناگهان موجب توقف ذهن و بدن در پاسخ به خطر واقعی یا خیالی می‌شود و قدرت واکنش را از فرد می‌گیرد و او را به اقدام‌های غیرقابل کنترل وامی‌دارد. اضطراب: هیجان ناشی از تردید عذاب‌آور.

تردید: وضعیتی است که به دلیل الگوی حل مسئله نامناسب و یا ضعف در یادگیری این الگو به کاهش احتمال موفقیت منجر خواهد شد.

اطمینان: حالت مثبت ذهن بدون خطرهای واقعی یا خیالی (کشتدار و موسائی، ۱۳۹۴: ۹۳).

۴-۶. بهبود روانی تیراندازی: یکی از بزرگترین صدماتی که تیرانداز از نظر روانی می‌تواند به خود بزند، این است که خود را موفق نداند. این گفتار کمکی در مورد بهتر کردن تیراندازی است. تیرانداز اغلب از بیشتر افراد بهتر است. در واقع، بعضی وقت‌ها او می‌تواند به طرز شگفت‌آوری خوب باشد، اما در بعضی روزها ارزش کار او به مراتب کم‌تر می‌شود. این تیرانداز به‌طور نمونه نمایش غیرعادی و روش نادرستی در تعداد تیرها و دوره‌ها و تمرین‌های تیراندازی دارد. ما درباره تمام روش‌هایی که برای اهداف به کار می‌برد، گفتگو می‌کنیم؛ تمام آنهایی که او آموخته و به کار برده است. اما بحث درباره چند فکر، که معمولاً نام برده نشده است در مورد این کار می‌توان به‌طور مطمئن باور داشت، این است که کسی می‌تواند به خود کمک کند که در تیراندازی استوار، محکم و ثابت قدم باشد.

عوامل مؤثر هنگام تیراندازی یا آمادگی تکنیکی

اصل اول: اتخاذ حالت و وضعیت صحیح و مناسب (حالت‌گیری)^۱

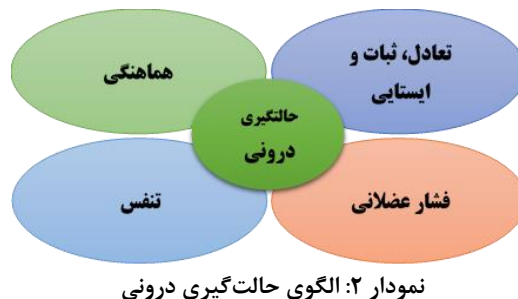
حالت‌گیری: اولین گام برای تیراندازی دقیق، حالت‌گیری صحیح است که با رعایت آن می‌توان تعادل و توازن را در بدن برقرار کرد و لرزش بدن را به حداقل رساند. حالت‌گیری شامل دو بخش بیرونی و درونی است که حالت‌گیری بیرونی بر وضعیت ظاهری تیرانداز ناظر است؛ مثل وضعیت

1. Position

فیزیکی بدن. حالت‌گیری درونی شامل عواملی است که قابل مشاهده نیست. این دو عامل مکمل یکدیگرند. حالت‌گیری باید براساس اسکلت بدن باشد. تیرانداز باید به گونه‌ای هدف‌گیری کند که عضلات کم‌ترین نقش را در حالت‌گیری داشته باشند (حتی‌الامکان در حالت‌گیری عضلات خود را درگیر نکنید).

توضیح: حالت‌گیری اسکلتی به صورت صددرصد زمانی امکان‌پذیر است که سلاح شما امکان تنظیم قنداق، گونه و... را دارا باشد. در صورت استفاده از سلاح‌های جنگی رایج که امکان این تنظیمات را ندارد، شما مجبور خواهید شد حالت‌گیری خود را با سلاح هماهنگ کنید. به‌عنوان مثال در اسلحه کلاشینکف طول زیاد خشاب مشکلاتی را در حالت‌گیری نشسته و دراز کش ایجاد می‌کند. لازم است بدن با هدف به اندازه‌ای زاویه داشته باشد که به راحتی و آرامش برسد. دست راست باید راحت باشد و بازوی راست از مفصل شانه آزاد و در حالت طبیعی خود قرار بگیرد. همچنین از فشردن قبضه تپانچه‌ای شکل برای نگهداشتن سلاح پرهیز کنید. از دست چپ فقط به‌عنوان تکیه‌گاه برای کمک به نگهداری تفنگ استفاده کنید و از فشردن انگشت‌ها برای نگهداشتن سلاح خودداری کنید. دست چپ را حتی المقدور به‌طور عمود زیر تفنگ قرار دهید. سر باید کشیده و چشم‌ها از داخل روزنه دید، جلو را بنگرند. به‌منظور حفظ تعادل بدن (در نتیجه ساخت بالانس در گوش داخلی)، سر باید مستقیم و راست قرار گیرد. قنداق باید به گونه‌ای قرار گیرد که روزنه دید و مگسک در سطح چشم‌ها باشد تا از کج شدن سر هنگام نشانه‌روی جلوگیری کند (پایا و همکاران، ۱۳۹۳: ۸).

حالت‌گیری درونی: حالت‌گیری درونی قابل دیدن نیست، اما تیرانداز آن را حس می‌کند. تیرانداز در حالت‌گیری درونی کشش‌های عضلانی درونی بدن خود را تنظیم می‌کند. حالت‌گیری درونی چهار عامل اساسی دارد: حالت‌گیری درونی روح شلیک به‌شمار می‌رود. هر تیراندازی که بر ظرافت‌های تعادل، فشار و کشش عضلات تسلط داشته باشد، می‌تواند به هدف بزند؛ حتی اگر در نکات ظاهری مشکلاتی داشته باشد. مسلط‌بودن به درون بدن هنگام اجرای مأموریت و تیراندازی در نوع خود، هنر به‌شمار می‌رود. مواردی از قبیل: مرکز ثقل، تعادل، فشار و کشش‌ها، تنفس و هماهنگی نشان‌دهنده حالت‌گیری درونی است. این عناصر را می‌توان به‌طور آگاهانه تحت نفوذ قرار داد و هدایت کرد. برای آنها می‌توان تمرینات مخصوصی را انجام داد که این مهارت‌ها را دربر دارد. به‌عنوان مثال، با یک تمرین خاص می‌توان تنفس موردنیاز را به‌دست آورد که آرام، یکسان، شکمی و منظم باشد. در واقع، حالت‌گیری درونی وقتی باید آغاز شود که تیرانداز خود را آماده شلیک می‌کند (پایا و همکاران،



اصل دوم: تنفس در تیراندازی^۱

تیرانداز برای اینکه عضلات شانه غیرفعال نگه داشته شود، به صورت شکمی تنفس می‌کند یعنی با پرده‌ای که بین قفسه سینه و شکم قرار دارد (دیافراگم). دیافراگم هنگام ورود هوا به پایین کشیده می‌شود و شکم جلو می‌آید. هنگام بازدم، شکم شل می‌شود و دوباره به حالت عادی باز می‌گردد. عبور هوا از طریق بینی باعث ملایم‌شدن و تسویه آن می‌شود. وزن و مقدار هوا همواره باید یکسان باشد تا تأثیر یکسانی بر حالت‌گیری داشته باشد و مقدار اکسیژن را به سطح مطلوب برساند. تنفس شکمی را همیشه قبل از شلیک به صورت آرام و یکنواخت انجام می‌دهیم. این عمل باعث کارکرد بهتر شش‌ها و همین‌طور مویرگ‌ها می‌شود و آنها را سرشار از اکسیژن می‌سازد. تنفس یک وظیفه کلیدی دارد، زیرا هم‌زمان بر روش، وضعیت روحی و انرژی تأثیرگذار است و به همین دلیل تنفس صحیح نکته‌ای مهم در روند کار تیرانداز به‌شمار می‌رود. تنفس هنگام شلیک دقیق دو وظیفه را برعهده دارد:

۱. تأمین اکسیژن موردنیاز، ۲. تنظیم حالت روحی.

برای اینکه عضلات، مغز، چشم‌ها و دیگر اعضای بدن نقش خود را در سطح مطلوب ایفا کنند، لازم است اکسیژن موردنیاز بدن به اندازه کافی تأمین شود. ساختار بدن، خود این وظیفه را برعهده می‌گیرد و عمق و دامنه تنفس را به‌طور خودکار با نیاز بدن تطبیق می‌کند. توقف تنفس هنگام شلیک از طریق اکسیژن باقیمانده در شش‌ها و مولکول‌های اکسیژن خون و سلول‌ها جایگزین می‌شود. تیرانداز باید به تنفس‌های آرام و یکسان بین دو شلیک توجه و از هدف‌گیری بیش از ده ثانیه پرهیز کند. حساس‌تر از همه، همکاری و همه‌نگی بین تنفس و حالت روحی تیرانداز است. تنفس فشرده باعث افزایش ضربان نبض و این امر باعث برآشفستگی و هیجان زیاد می‌شود. در عوض، تنفس آرام و یکسان

1. Breathing

این هیجان را کم می‌کند. بین تنفس و تنش، رابطه بسیار نزدیکی هست که برای کاهش ناآرامی درونی از آن استفاده می‌شود. از سوی دیگر، برای رفع خستگی ناشی از اجرای شیوه حرکات و حالت‌گیری درونی، نیازمند تنفس آرام و یکنواخت هستیم. در ادامه باید توصیه کرد تنفس شکمی بهتر است هنگام وقفه بین دو شلیک صورت گیرد. در مرحله آخر شش‌ها تقریباً خالی شده‌اند اما آنها هنوز یک سوم هوا را در خود جای داده‌اند. این مقدار به‌عنوان ذخیره برای مدت زمان هدف‌گیری، شلیک و حتی نگهداشتن پس از آن کافی است.

چرخه تنفس: اگر تیرانداز در زمان مناسب به رها کردن ماشه موفق نشود، نباید عمل شلیک را انجام دهد. باید دوباره این فرایند را از ابتدا تکرار کند، زیرا در این حالت شلیک دقیق نخواهد بود (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۹۷).



اصل سوم: نشانه‌روی در تیراندازی^۱

نشانه‌روی فرایندی است که طی آن خط دید، عناصر نشانه روی (شکاف درجه و نوک مگسک) و هدف در یک خط قرار می‌گیرد. انسان هم‌زمان قادر به دیدن واضح سه عنصر نشانه روی نیست و باید یکی از عناصر (مگسک، شکاف دید، هدف) را انتخاب کند. به دلایل منطقی، همواره مگسک را انتخاب می‌کنیم. در اینجا نکته اصلی هماهنگی در نگهداشتن عناصر نشانه‌روی در فضای هدف‌گیری و شلیک کردن است. عناصر نشانه‌روی (شکاف دید و مگسک و خال سیاه) در فواصل مختلف نسبت به چشم ما قرار دارند. به همین دلیل، چشم فقط قادر به دیدن دقیق یکی از آنهاست و عناصر دیگر به صورت تار دیده می‌شوند. در اینجا مگسک به‌عنوان بخشی که در وسط عناصر دید قرار دارد، باید

1. Aiming

واضح دیده شود و دو بخش دیگر در معرض باقیمانده دید به طور یکسان قرار می‌گیرد. از آنجا که مگسک، نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به روزنه دید در نشانه‌روی دارد، دلیل دیگری برای انتخاب آن به عنوان نقطه واضح دید است.

اصل چهارم: ماشه کشی و شلیک^۱

فشار غیرارادی بند اول انگشت روی ماشه تا رهاشدن گلوله است. معمولاً تیراندازان غیرحرفه‌ای با ذهنیتی که در مورد صدا و لگد سلاح در زمان شلیک دارند (انتظار شلیک)، دچار خطایی می‌شوند که در تیراندازی به آن ضربه ماشه می‌گویند. این امر موجب حرکت غیرارادی بدن تیرانداز می‌شود و از عوامل اصلی خطای تیراندازی است. بهترین روش برطرف کردن مشکل این است که تیرانداز بدون توجه به شلیک سلاح، بعد از گرفتن خلاصی ماشه آن قدر ملایم و یکنواخت آن را عقب بکشد تا گلوله خودبه‌خود شلیک شود. تیراندازی که شیوه ماشه کشی را نداند، ماشه را به صورت منقطع می‌کشد و قبل از رهاشدن گلوله ضربه ماشه می‌زند و همین باعث می‌شود که تیرانداز به دلیل انتظار لگد اسلحه، عضلات خود را منقبض کند یا قبل از رهاشدن گلوله به سلاح شانه بزند (جوکار و جامه‌بزرگ، ۱۳۹۳: ۹۹).

کیفیت رهاسازی: پس از حالت‌گیری، حبس نفس و نشانه‌روی با فشار یکنواخت و مستقیم به وسیله انگشت سبابه ماشه را مستقیماً عقب بکشید تا شلیک انجام شود.

فشار بر ماشه: "و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی: زمانی که تیری می‌اندازید کار شما نیست، بلکه خدا انداخته است" (انفال/ ۱۷). فشار بر ماشه تنها باید زمانی اعمال شود که تیرانداز آماده شلیک باشد. ماشه را باید با خم کردن دومین مفصل انگشت سبابه به‌طور مستقیم به عقب کشید. با توجه به ساختار ماشه در برخی سلاح‌های جنگی مثل کلاش و... عموماً ماشه پله می‌کند (یکنواخت عقب نمی‌آید). در چنین حالتی ماشه باید یکنواخت، مستقیم و با افزودن فشار در یک مرحله به عقب کشیده شود، بدون اینکه تمرکز تیرانداز به ماشه باشد (معینی، ۱۳۸۷: ۹۸).

اصل پنجم: عملیات تکمیلی^۲

تعقیب کردن خط نشانه‌روی پس از شلیک است که موجب کوتاه‌شدن زمان آماده‌سازی شلیک بعدی می‌شود (باقی‌ماندن بر وضعیت پس از شلیک). پس از شلیک، کار تیرانداز پایان نمی‌یابد و او

1. Releasing
2. Follow through

باید چند لحظه (حداقل دو ثانیه) همچنان عناصر دید و ماشه را در فضای هدف گیری نگه دارد. عملیات تکمیلی باعث می‌شود که حرکات قبل و بعد از تیراندازی کنترل شود. با این عمل، تیرانداز ضمن مشاهده خط‌سیر پرواز مرمی می‌تواند محل اصابت گلوله را ببیند. حال اگر خط نشانه‌روی پس از پرش دهانه سلاح به فضای هدف گیری باز گردد، نشان‌دهنده شلیک موفق و اصولی است. چنانچه تیرانداز نتواند محل اصابت گلوله‌اش را مشخص کند، نشان می‌دهد که در لحظه شلیک چشمش را بر هم گذاشته یا ضربه ماشه زده است که در هر دو صورت احتمال خطای گلوله زیاد است (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۹۲).

اصول تکمیلی بعد از تیراندازی

۱. قلق‌گیری، تنظیم و تصحیح تیر: قطعاً هر سلاحی از اول به آنجایی که ما می‌خواهیم به هدف نمی‌زند و با اختلاف کمی نسبت به هدف برخورد می‌کند. این اختلاف اندک را قلق اسلحه می‌گویند. قلق‌گیری دو نوع است: ۱. تعجیلی، ۲. بافرصت.

۲. عوامل خطا در تیراندازی: رایج‌ترین و مؤثرترین عاملی که باعث خوب‌بودن یا نبودن تیرانداز می‌شود، اجرای اصول تیراندازی است. تیراندازان در تیراندازی، بعد از تلاش و تمرین به درجه‌ای از مهارت می‌رسند که تفاوت بین آنها سخت و در بعضی از مواقع غیرممکن است. عمده‌ترین و رایج‌ترین عاملی که باعث خوب‌بودن یا نبودن تیراندازان می‌شود، اشتباه یا عدم اشتباه اجرای اصول تیراندازی است. قابل ذکر است که همه تیراندازان اشتباه می‌کنند، ولی آن کسی که کم‌ترین اشتباه را می‌کند، بیشترین جمع تیر و امتیاز (اتحاد مرکز) را می‌آورد.

۳. پیوستگی و تداوم در تمرین: تمرین فقط رفتن به میدان تیر نیست. تمرین‌های مؤثر زیادی در جهت تقویت تیراندازی وجود دارد، بدون اینکه حتی یک فشنگ جنگی شلیک شود. در تمام مدت تمرین کنید؛ در صلح یا جنگ و یا در هر موقیت دیگر. سعی در کسب مهارت بیشتر کنید. آنچه برای موفقیت در عرصه‌ای مهم است؛ تمرین، تمرین و تمرین است. اینکه بتوانیم تیرانداز شویم کار بسیار دشواری است؛ اما دشوارتر از آن حفظ آمادگی و همیشه در اوج بودن است. صفت در اوج بودن و آماده‌بودن در هر لحظه از ویژگی‌های تیرانداز خوب است. تمرین و تداوم باید از برنامه‌های تقویتی اصول مقدماتی، اصول اصلی و اصول تکمیلی تشکیل شود. به بیان ساده‌تر از آمادگی معنوی و اعتقادی تیرانداز تا تمرکز و اصول اصلی باید تمرین شود تا اینکه در تیراندازی موفق باشیم. تمرین‌های خشک را همیشه انجام دهید. این تمرین‌ها برای همین طراحی شده است که همه‌جا و همه‌وقت با کم‌ترین

هزینه قابل اجرا باشد (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

بررسی آنالیزورها و شبیه‌سازهای تیراندازی (سیمولاتورها)

امروزه استفاده از شبیه‌سازهای آموزشی در بسیاری از شاخه‌های علوم و صنعت جایگاه خود را به‌خوبی نشان داده و بر همگان آشکار است که استفاده از شبیه‌ساز تا چه حد می‌تواند به کارایی افراد در زمینه تخصصی آنها کمک کند. گروهی از وسایل کمک آموزشی، شبیه‌سازهای آموزشی است که در حال حاضر با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات و رواج رایانه، کاربرد آنها وسیع‌تر شده است. الگوپردازی و شبیه‌سازی آموزشی طی پنج دهه گذشته به‌عنوان پشتیبان آموزش در طراحی، تحلیل و بهینه‌سازی وسایل کمک آموزشی، نقشی خیره‌کننده داشته است (Birta LGT, 2005: 16). از جمله مهم‌ترین دلایل به‌کارگیری شبیه‌سازها در آموزش، کاهش هزینه‌ها، صرفه‌جویی در زمان، افزایش میزان سلامت آموزش‌بینندگان، ورود به صحنه‌هایی که امکان آن در حالت واقعی وجود ندارد، صرفه‌جویی در فضای موردنیاز، فراهم‌آوردن حالتی که در حالت طبیعی امکان دسترسی به آنها میسر نیست، توان توسعه کمی آموزش‌بینندگان و تکرارپذیری وضعیت کاملاً مشابه است (فضائلی، ۱۳۷۹: ۱۵). جویس، کالهن و هاپکینز نیز الگوی شبیه‌سازی را نوعی کاربرد اصول سایبرنتیک تلقی و اظهار می‌کنند که "روانشناسان سایبرنتیکی، ضمن قیاس ماشین‌ها و انسان‌ها، یادگیرنده را نوعی نظام بازخورد خودتنظیم‌شونده در نظر می‌گیرند (جویس و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۲۹). تحولات فناوری، ضمن تحت تأثیر قراردادن محیط‌های نظامی، نوع نبرد و ملزومات آن را نیز دستخوش تغییر و تحول و در پی آن، کسب آمادگی برای نبردهای آینده را نیز به‌فعالیتی پیچیده و تخصصی تبدیل می‌کند که توفیق در آن بدون بهره‌گیری از محصولات فناوری امکان‌پذیر نخواهد بود. این نکته به‌ویژه در مهارت‌آموزی کار با جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی به‌منظور کاهش مخاطرات جانی، هزینه، زمان، امکان ارائه بازخورد و تصحیح خطاهای یادگیرندگان از اهمیتی مضاعف برخوردار است. در امریکا کمیته‌ای تحت عنوان کمیته ارتقای الگوسازی و شبیه‌سازی برای قرن بیست‌ویکم به‌طور گسترده به توجیه دلایل و ضرورت‌های بهره‌گیری از شبیه‌سازها در آموزش نظامی پرداخته و بر سه ویژگی آموزش نظامی یعنی زنده‌بودن، مجازی‌بودن و پیش‌رونده‌بودن، درعین ایجاد نوعی تعادل در میان آنها تأکید کرده است (Simulation, 2005: 2).

در پژوهشی، هانت و گوردون از بیماران شبیه‌سازی‌شده به‌جای بیماران واقعی استفاده کردند و میزان صلاحیت حرفه‌ای و اعتمادبه‌نفس پرستاران آموزش‌دیده را با دستگاه‌های شبیه‌ساز (گروه

آموزشی) با پرستاران آموزش‌دیده با بیماران واقعی (گروه گواه) مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق، ۱۳۳ دانشجوی پرستاری به‌طور تصادفی به گروه‌های آموزشی و گواه تقسیم شدند و هر دو گروه به فاصله شش ماه مورد پیش‌آزمون و پس‌آزمون قرار گرفتند. نمره‌های صلاحیت حرفه‌ای افراد دو گروه در پیش‌آزمون یکسان بود ولی در پس‌آزمون در سطح اعتماد ۱٪ تفاوت معنی‌داری در نمرات اعتماد به نفس وجود داشت (Hunt B و دیگران، ۲۰۰۴: ۹۸). در مطالعاتی که توسط عبدالاتی و عبدالله^۱ انجام گرفت از یک دستگاه شبیه‌ساز برای بررسی سفرهای شهری و چگونگی تصمیم‌گیری رانندگان استفاده و پدیده‌های مختلف ترافیکی از قبیل تراکم موضعی و غیرموضعی، محل دریافت عوارض، وضعیت جوی و... شبیه‌سازی شد و ۶۳ آزمودنی در ۶۳۰ روز مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آشنایی با شبکه راه‌ها به میزان رعایت مقررات مسیر از سوی رانندگان مؤثر نبود. ارائه اطلاعات ترافیکی به مسافران و رانندگان قبل و هنگام سفر بر تصمیمات آنها در مورد سبک رانندگی و مسیر رانندگی تأثیرگذار بود و وضعیت نامساعد جوی، احتمال رعایت اطلاعات ترافیکی قبل یا هنگام سفر را افزایش می‌داد، اما بر انحراف رانندگان از مسیر معمول، تأثیری نداشت (Abdel-aty و دیگران، ۲۰۰۴: ۳).

در پژوهشی که از سوی قربانی و جهرمی صورت گرفت، داده‌های شبیه‌ساز پرواز با داده‌های آزمون پروازی سه نمونه پرواز واقعی مقایسه شد. مقایسه‌ها همخوانی نزدیکی را بین دو روش نشان داد (قربانی و جهرمی، ۱۳۸۴: ۳۲). تأثیر استفاده از شبیه‌سازهای آموزشی بر سطح استدلال شناختی دانش‌آموزان در مطالعه‌ای دیگر نیز بررسی شد که در آن جنگل شبیه‌سازی‌شده‌ای در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت؛ سپس از آنها خواسته شد تا به‌طور مجازی به کاوش در جنگل بپردازد و پیامدهای طوفانی سهمگین را بر نوعی قورباغه بررسی کنند. آزمودنی‌ها شامل ۵۴ دانش‌آموز از شش پایه تحصیلی بودند که پس از هر فعالیت باید به چند سؤال تحلیلی پاسخ می‌دادند که از این پاسخ‌ها از نظر سطح استدلال شناسه‌گذاری می‌شد. یافته‌ها نشان داد که سطح استدلال شناختی دانش‌آموزان در هر مرحله با مرحله قبلی تفاوت معنی‌داری داشت و استفاده‌کنندگان از آموزش شبیه‌سازی‌شده، دارای بالاترین سطح استدلال شناختی بودند (Mcgee s, 2001). در تحقیقی دیگر، میزان سودمندی یک نرم‌افزار آموزش ریاضی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی بررسی شد. گروه آزمایشی با نرم‌افزار و گروه گواه با روش معمول کلاسی تحت آموزش قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین میزان آموزش با استفاده از نرم‌افزار

1. Abdel - aty & Abdalla

در مقایسه با گروه دیگر تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین آموزش از طریق نرم افزار در مقایسه با تدریس غیررایانه ای موجب افزایش انگیزه و مهارت در طرح و حل مسئله در فراگیران شد (شیخزاده و مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۲). هرگنهان و اولسون نیز اظهار نظر کردند که میزان یادگیری دانش آموزان از آموزش رایانه ای از آموزش سنتی بیشتر است و همچنین، یادگیری با روش آموزش رایانه ای زمان کم تری نیز می گیرد (هرگنهان بی آر - السون متیمتی واج، ۱۳۷۶: ۵۲۳).

برخی از دلایل امروزی استفاده از شبیه ساز به شرح ذیل است:

امنیت: نبود امکان عملیات سعی خطا و به کارگیری یک الگوی واقعی به دلیل خطر زیاد آن برای مبتدیان (هدایت هواپیما، عمل جراحی یک بیمار و...).

سرعت زیاد اجرای فرایند: طراحی کنترل های هوشمند از روی نمونه و الگوی شبیه سازی شده به دلیل سرعتی زیادتر از سرعت طبیعی آن (کنترل ربات ۲ پا، کنترل ترافیک و...).

هزینه کم شبیه سازها: ممکن است نمونه واقعی به دلیل هزینه زیاد در دسترس نباشد (آزمایش الگوریتم های مسیریابی، کیفیت سرویس دهی و غیره روی یک شبکه بزرگ رایانه ای و...).

توان شبیه ساز و آنالیزورها:

۱. ایجاد محیط مجازی با استفاده از گرافیک رایانه ای؛

۲. ایجاد فرضیه های دلخواه و شبیه سازی زمان و مکان های مختلف؛

۳. ایجاد فرضیه هایی که عملاً در آموزش های واقعی قادر به آن نیستیم؛

۴. استفاده مکرر از فرضیه ها به دلخواه تا ایجاد مهارت کافی برای کاربر؛

۵. کاهش هزینه ها و صرفه جویی در وقت و منابع مالی و انسانی؛

۶. به صفر رسیدن تلفات انسانی در اثر استفاده از تجهیزات اصلی (جزوه صالیران: بی تا).

اهمیت شبیه سازهای نظامی نیز از آنجا مورد توجه بیشتری قرار دارد که با کاهش هزینه های مهمات، ترابری نیروی انسانی و همچنین کاهش تلفات و صدمات انسانی می توان آموزش های عملی مناسب را به نیروها انتقال داد. امروزه تربیت و آموزش تیرانداز، پرهزینه ترین بخش نظامی ارتش های توانمند جهان است. یک بررسی نشان می دهد که مجموع هزینه های مصرفی برای تیرانداز، به نسبت دیگر تجهیزات و ادوات نظامی در یک مقطع زمانی به مراتب بیشتر و همین امر موجب شده است که فرماندهان نظامی به آن توجه ویژه ای کنند. مجموعه هزینه ها برای تیرانداز در بخش آموزش، تهیه تجهیزات، درمان و بهداشت، حمل و نقل و روحیه و رفاه به قدری است که کارشناسان نظامی را

به‌شگفتی آورده است. تقلید هر چیز واقعی یا وضعیت اجتماعی یا فرایندی است که معمولاً متضمن وانمایاندن شماری از ویژگی‌ها یا رفتارهای کلیدی در سامانه فیزیکی یا انتزاعی است. شبیه‌سازی در بسیاری از زمینه‌ها از جمله تیراندازی، پرواز، و ... کاربرد دارد. شبیه‌سازها می‌توانند در افزایش مهارت تیراندازی تأثیر بسزایی داشته باشند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

با نظر به ادبیات و پرسش اصلی این تحقیق یعنی «عوامل افزایش مهارت تیراندازی برای دانشجویان یک دانشگاه نظامی چیست؟» می‌توان عوامل ارتقای مهارت تیراندازی را به این شرح عنوان کرد:

۱. امکانات و تجهیزات، ۲. ویژگی‌های فردی، ۳. استادان و مربیان، ۴. متون درسی، ۵. نوع و کیفیت آموزش‌ها، ۶. عوامل روحی، ۷. عوامل محیطی، ۸. قوای جسمانی.

باتوجه به این عوامل می‌توان این‌گونه تجزیه و تحلیل کرد که بعد از مشخص شدن روش تحقیق و مسیر آن، سؤالات پرسشنامه بر پایه مطالعات محقق در ادبیات پژوهش و مشورت و راهنمایی استادان این رشته و بعضی از نخبگان مرتبط با موضوع تدوین و طراحی شد. بعد از طرح پرسشنامه‌ها و تعیین روایی و پایایی آنها و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از پاسخگويان که شامل ۲۲ نفر از نخبگان این حوزه و آشنا به مسائل نظامی گری و به‌ویژه استادان و مربیان و خبرگان حوزه تیراندازی بودند با استفاده از نرم‌افزار SPSS، داده‌های پرسشنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و عوامل افزایش مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، نتایج و یافته‌های تحقیق به‌طور جداگانه و دسته‌بندی‌شده در این مقاله بررسی شده است. در بررسی آمار تحلیلی (استنباطی) به‌صورتی که در جدول زیر آمده است، می‌توان تحلیل کرد:

جدول ۱: آزمون کولموگراف اسمیرنوف (آزمون نرمالیته)

عوامل محیطی	ویژگی‌های فردی	عوامل روحی	قوای جسمانی	نوع و کیفیت آموزش‌ها	امکانات	استادان و مربیان	متون درسی	
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	تعداد
۴,۱۲۱۲	۴,۴۸۴۸	۴,۲۶۳۶	۳,۹۸۱۸	۴,۳۴۰۹	۴,۵۵۴۵	۴,۴۹۰۹	۴,۳۷۵۰	میانگین
۰,۶۶۳۰	۰,۴۷۹۵	۰,۴۹۵۲۶	۰,۵۴۱۲۸	۰,۴۰۶۵۵	۰,۳۳۷۶۸	۰,۳۷۴۰۵	۰,۴۶۷۷۱	انحراف معیار
۰,۷۲۹	۱,۰۴۳	۰,۷۳۸	۰,۷۳۴	۰,۶۷۴	۰,۶۲۷	۰,۷۵۱	۰,۹۲۱	آمار z
۰,۶۶۳	۰,۵۲۷	۰,۶۴۸	۰,۶۵۴	۰,۷۵۳	۰,۸۲۶	۰,۶۲۵	۰,۵۶۵	معنی‌داری دوسویه

معنی‌داری جدول در بیشتر موارد از معنی‌داری در سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگتر و این بدان معناست

شناسایی و بررسی عوامل افزایش مهارت تیراندازی دانشجویان در یک دانشگاه نظامی

که مقیاس‌ها توزیع عادی دارد؛ لذا ما به استفاده از آزمون‌های پارامتریک مجاز هستیم. در بررسی سؤالات پرسشنامه موارد ذیل مشخص شده است:

سؤال اول: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، متون درسی تا چه میزان می‌تواند مؤثر واقع شود؟

جدول ۲: شاخص‌های مربوط به متغیر متون درسی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۴۶۷۷۱	انحراف معیار	۴,۳۷۵۰	میانگین
۲۲	تعداد	۱,۷۵	دامنه تغییر	۴,۵۰۰۰	میانه
*	*	۳,۲۵	حداقل	۴,۵۰	نما

میانگین مربوط به متغیر متون درسی $۴/۳۷۵۰$ است که با توجه به دامنه تغییر $۱/۷۵$ و حداقل $۳/۲۵$ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان متون درسی برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

سؤال دوم: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، استادان و مربیان تا چه میزان می‌توانند مؤثر واقع شود؟

جدول ۳: شاخص‌های مربوط به متغیر استادان و مربیان

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۳۷۴۰۵	انحراف معیار	۴,۴۹۰۹	میانگین
۲۲	تعداد	۱,۲۰	دامنه تغییر	۴,۶۰۰۰	میانه
*	*	۳۸۰	حداقل	۴,۶۰	نما

میانگین مربوط به متغیر استادان و مربیان $۴/۴۹۰۹$ است که با توجه به دامنه تغییر $۱/۲۰$ و حداقل $۳/۸۰$ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، استادان و مربیان برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌توانند بسیار مؤثر باشند.

سؤال سوم: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، امکانات و تجهیزات تا چه میزان می‌توانند مؤثر واقع شود؟

جدول ۴: شاخص‌های مربوط به متغیر امکانات و تجهیزات

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۳۳۷۶۸	انحراف معیار	۴,۵۵۴۵	میانگین
۲۲	تعداد	۱,۰۰	دامنه تغییر	۴,۶۰۰۰	میانه
*	*	۴,۰۰	حداقل	۵,۰۰	نما

میانگین مربوط به متغیر امکانات و تجهیزات ۴/۵۵۴۵ است که با توجه به دامنه تغییر ۱ و حداقل ۴ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، امکانات و تجهیزات برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

سؤال چهارم: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، نوع و کیفیت آموزش‌ها تا چه میزان می‌تواند مؤثر واقع شود؟

جدول ۵: شاخص‌های مربوط به متغیر نوع و کیفیت آموزش‌ها

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۴۰۶۵۵	انحراف معیار	۴,۳۴۰۹	میانگین
۲۲	تعداد	۱,۳۳	دامنه تغییر	۴,۳۳۳	میانه
*	*	۳,۶۷	حداقل	۴,۰۰	نما

میانگین مربوط به متغیر نوع و کیفیت آموزش‌ها ۴/۳۴۰۹ است که با توجه به دامنه تغییر ۱/۳۳ و حداقل ۳/۶۷ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، نوع و کیفیت آموزش‌ها، برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

سؤال پنجم: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، افزایش قوای جسمانی تا چه میزان می‌تواند مؤثر واقع شود؟

جدول ۶: شاخص‌های مربوط به متغیر قوای جسمانی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۵۴۱۲۸	انحراف معیار	۳,۹۸۱۸	میانگین
۲۲	تعداد	۲,۴۰	دامنه تغییر	۴,۱۰۰۰	میانه
*	*	۲,۶۰	حداقل	۴,۲۰	نما

شناسایی و بررسی عوامل افزایش مهارت تیراندازی دانشجویان در یک دانشگاه نظامی

میانگین مربوط به متغیر قوای جسمانی ۳/۹۸۱۸ است که با توجه به دامنه تغییر ۲/۴۰ و حداقل ۲/۶۰ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، افزایش قوای جسمانی برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌تواند مؤثر باشد.

سؤال ششم: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، افزایش عوامل روحی تا چه میزان می‌تواند مؤثر واقع شود؟

جدول ۷: شاخص‌های مربوط به متغیر افزایش عوامل روحی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۴۹۵۲۶	انحراف معیار	۴,۲۶۳۶	میانگین
۲۲	تعداد	۱,۶۰	دامنه تغییر	۴,۳۰۰۰	میانه
*	*	۳,۴۰	حداقل	۳,۸۰	نما

میانگین مربوط به متغیر افزایش عوامل روحی ۴/۲۶۳۶ است که با توجه به دامنه تغییر ۱/۶۰ و حداقل ۳/۴۰ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، افزایش عوامل روحی برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

سؤال هفتم: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، ویژگی فردی تا چه میزان می‌تواند مؤثر واقع شود؟

جدول ۸: شاخص‌های مربوط به متغیر ویژگی فردی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۴۷۹۵۰	انحراف معیار	۴,۴۸۴۸	میانگین
۲۲	تعداد	۱,۳۳	دامنه تغییر	۴,۵۰۰۰	میانه
*	*	۳,۶۷	حداقل	۵,۰۰	نما

میانگین مربوط به متغیر ویژگی فردی ۴/۴۸۴۸ است که با توجه به دامنه تغییر ۱/۳۳ و حداقل ۳/۶۷ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، بهبود ویژگی فردی برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

سؤال هشتم: به نظر شما برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان، عوامل محیطی تا چه میزان می‌تواند مؤثر واقع شود؟

جدول ۹: شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل محیطی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰,۶۶۳۰۵	انحراف معیار	۴,۱۲۱۲	میانگین
۲۲	تعداد	۲	دامنه تغییر	۴,۱۶۶۷	میان
*	*	۳	حداقل	۴,۰۰	نما

میانگین مربوط به متغیر عوامل محیطی ۴/۱۲۱۲ است که با توجه به دامنه تغییر ۲ و حداقل ۳ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، عوامل محیطی برای ارتقای مهارت‌های تیراندازی دانشجویان می‌تواند مؤثر قرار گیرد. در بررسی آزمون فریدمن بین میزان تأثیرگذاری عوامل و راهکارهای عملی افزایش مهارت‌های تیراندازی تفاوت وجود ندارد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون فریدمن

۲۲	تعداد
۳۲/۰۳۴	آمار کای اسکوئر
۷	درجه آزادی
۰/۰۰۰	معنی داری

نتیجه‌گیری

با بررسی و نتیجه‌گیری از سؤال‌های پرسشنامه می‌توان گفت در محاسبه و بررسی رتبه میانگین، هشت عامل تأثیرگذار در افزایش مهارت تیراندازی می‌توان این عوامل را به ترتیب از بیشترین رتبه به کم‌ترین رتبه به صورت ذیل بیان کرد:

جدول ۱۱: عوامل تأثیرگذار مهارت‌های تیراندازی

رتبه میانگین	هشت عامل تأثیرگذار عملی افزایش مهارت‌های تیراندازی
۵,۷۷	امکانات و تجهیزات
۵,۴۳	ویژگی فردی
۵,۴۱	استادان و مربیان
۴,۸۰	متون درسی
۴,۴۱	نوع و کیفیت آموزش‌ها
۴,۰۷	عوامل روحی
۳,۵۰	عوامل محیطی
۲,۶۱	قوای جسمانی

نتایج جدول نشان می‌دهد معنی‌داری محاسبه‌شده برای عوامل از معنی‌داری در سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است؛ لذا بین میزان تأثیرگذاری عوامل افزایش مهارت‌های تیراندازی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. همچنین جدول نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر را به ترتیب: ۱. امکانات و تجهیزات، ۲. ویژگی فردی، ۳. استادان و مربیان، ۴. متون درسی، ۵. نوع و کیفیت آموزش‌ها، ۶. عوامل روحی، ۷. عوامل محیطی، ۸. قوای جسمانی دارد، اما بین تمام عوامل، که میانگین همگی آنها از میانگین متوسط تحقیق بیشتر است و تمامی عوامل، در ارتقای مهارت تیراندازی تأثیرگذار است، عامل تجهیزات و امکانات، بیشترین میانگین را نسبت به دیگر عوامل به خود اختصاص داده است که این خود نشان‌دهنده باور گروه خبره نسبت به استفاده از تجهیزاتی چون سلاح‌های بادی، آنالیزورها، شبیه‌سازها و نیز اقلام آموزشی چون وسایل مثلث‌گیری و... است که می‌توان استفاده و کار با این تجهیزات آموزشی را جزء راهکارهای عملی ارتقای مهارت تیراندازی دانشجویان نظامی مطرح کرد.

پیشنهادها

باتوجه به موضوع «بررسی عوامل ارتقای مهارت تیراندازی دانشجویان یک دانشگاه نظامی» و با بررسی نتایج این مقاله که شامل خروجی پرسشنامه گروه خبره تیراندازی و تخصص محقق است، پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه کرد:

۱. باتوجه به اهمیت بحث تیراندازی، عنوان درس جنگ‌افزارشناسی را از عنوان درس مهارت تیراندازی جدا کرد تا به بحث تیراندازی به شکل کامل و جامع‌تر پرداخته شود.
۲. در شرح تفصیلی این عنوان درس، ابتدا ساعت مناسبی برای این درس (نظری - عملی) در نظر گرفت و سپس ساعت عملی کلاس مهارت تیراندازی را بیشتر از ساعت نظری، لحاظ کرد.
۳. باتوجه به تأثیر زیاد عواملی چون شبیه‌سازها و آنالیزورها و نیز سلاح‌های بادی به تناسب تعداد دانشجویان، سالن و تجهیزات مورد نیاز تأمین شود و در اختیار آنها قرار گیرد.
۴. به منظور ارتقا و هماهنگ کردن استادان و مربیان رشته تیراندازی، کارگاه‌هایی در این زمینه برای آنها به صورت منسجم و منظم گذاشته شود.
۵. باتوجه به فراوانی منابع مختلف در زمینه رشته تیراندازی و برای جلوگیری از تدریس سلیقه‌ای، منبع کامل و جامعی برای تدریس به مربیان این رشته معرفی و ابلاغ شود.
۶. باتوجه به نقش سلاح در نمره تیراندازی، سلاح‌های سالم و قلق‌شده در میدان تیر استفاده شود و حتی در صورت امکان برای هر دانشجو یک سلاح سازمانی تعریف شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۵)، ترجمه و شرح نهج البلاغه گردآورنده سیدرضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: مشخصات نشر.
۳. بی‌نام (بی‌تا). جزوه صنعت شبیه‌ساز simulator industry، شرکت صنایع الکترواپتیک صایران وزارت دفاع نیروهای مسلح.
۴. پایا، اکبر و همکاران (۱۳۹۳)، جزوه اصول تیراندازی، تهران: کمیته ارتقای تیراندازی، اداره آموزش‌های دفاعی امنیتی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۹۳)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد رحمتی، شهرضا: نشر صبح پیروزی.
۶. جلال‌الدین، سیوطی (بی‌تا)، الدرالمشور فی تفسیرالمأثور، ج ۳: ۱۹۲.
۷. جهانبخش، احمد (۱۳۹۳)، اصول تیراندازی ویژه یگان‌های مردم‌پایه، تهران: انتشارات مرکز باقرالعلوم.
۸. جوکار، پرویز و جامه‌بزرگ، مراد (۱۳۹۳)، اصول و مهارت تیراندازی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و فناوری آموزشی نرسا سپاه.
۹. جویس، بروس؛ کالهن، امیای و هاپکینز، دیوید (۱۳۸۵)، الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس، ترجمه محمود مهرمحمدی و لطفعلی عابدی، چ دوم. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۱. حرّ عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۳)، وسائل‌الشیعه، ج ۱۳: ۳۴۸.
۱۲. رمضان‌ی، مهدی (۱۳۸۹)، فصلنامه دانش جهادی: ۲۳ - ۴۳.
۱۳. شاهقلیان قهفرخی، رضا (۱۳۹۶)، بررسی عوامل و راهکارهای عملی افزایش مهارت تیراندازی، تهران: دانشگاه امام حسین(ع).
۱۴. شیخ‌زاده، مصطفی و مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳)، نرم‌افزار آموزش ریاضی ابتدایی براساس رویکرد سازنده‌گرایی و سنجش میزان اثربخشی آن، فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری

آموزشی.

۱۵. صدری افشار، غلامحسین و همکاران (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی، چ سوم، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۱۶. علی اکبری ورامینی، سعید و موسائی، علی اکبر (۱۳۹۴)، تیراندازی عملیاتی، تهران: معاونت تربیت، آموزش و فرهنگ پاسداری سپاه.
۱۷. فضائلی، احمد (۱۳۷۹)، تاریخ تحولات شبیه‌سازها، فصلنامه علوم نظامی.
۱۸. فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۸)، الحدیث، روایات تربیتی. ج ۲: ۱۳۶.
۱۹. قربانی، احمد و جهرمی، امین (۱۳۸۴)، تحلیل طیفی آزمایش‌های پروازی هواپیما به کمک شبیه‌سازی پرواز، فصلنامه مکانیک و هوافضا.
۲۰. کتابچه تیراندازی (۱۳۹۱)، کتابچه مربی‌گری تیراندازی فرماندهان گروهان و گردان دانشجویی. تهران: دانشگاه افسری امام علی (ع).
۲۱. کشتدار، محمد و موسائی، علی اکبر (۱۳۹۴)، نقش فکر و ذهن در تیراندازی، تهران: مرکز باقرالعلوم.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق)، بحارالانوار، چ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۳. محدث عاملی، (۱۴۰۳)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (وسائل الشیعة)، ج ۱۹ (کتاب سبق و رمایه): ۲۵۱.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، میزان الحکمه، چ چهاردهم، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۲۵. معینی، مسعود (۱۳۸۷)، اصول و مبانی تیراندازی، تهران: انتشارات و چاپ ارتش.
۲۶. نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۶۲)، تفسیر آسان، ج ۱: ۶۰۱.
۲۷. نهج الفصاحه، (۱۳۶۲)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
۲۸. هرگنهان‌بی‌آر، السون متیواچ (۱۳۷۶)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: نشر دوران.
1. Abdel-Aty M, Abdalla F. A computer simulation and animation tool to collect driver behavior under different types and levels of traffic information/advice. Modeling and simulation. 2004:3 (2)
 2. Alinier G, Hunt B , Gordon R. an investigation on the use of simulation

- training and its effect on nursing students' competence. *Anaesthesia & Analgesia*. 2004: 98 Supple 5.
3. Birta LG. A perspective of the modeling and simulation body of knowledge. *Modeling & Simulation*. 2005:2 (1):16-9
 4. Committee on modeling and simulation enhancements for 21st century manufacturing and defence acquisition, National Research Council. *Modeling and simulation in manufacturing and defence acquisition: Pathways to success*. 2005: 2 (2).
 5. McGee S, Corris B, shia R. Using simulation to improve cognitive reasionnig. Annual Meeting of the Amirican Educational Research Association: 2001 April 10-14: seattle, WA.2001.

کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی

مهدی زروندی^۱

مریم یاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

چکیده

تجربه کشورها نشان داده است که در هر کشور توجه به ظهور تهدید و فرایندهای گسترش آن، ضرورتی انکارناپذیر در تحقق منافع ملی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. علاوه بر این، شناخت تهدید به‌عنوان اولین مرحله مدیریت بحران و برنامه‌ریزی امنیت ملی نیز به‌شمار می‌رود. تصمیم‌گیرندگان و مدیران سیاسی کشورها با استفاده از مطالعات و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توانند برخی از تهدیدات و مخاطرات را کاهش دهند، هرچند با شکل جدیدی از تهدیدات امنیتی نیز مواجه هستند. این امر را می‌توان ناشی از «اصل دگرگون‌پذیری» و «تغییر در نوع تهدیدات» دانست. به‌طورمثال، برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی ایران به افزایش تولید و رشد اقتصادی منجر شد و میزان مصرف سرانه و همچنین تولید ناخالص داخلی را ارتقا بخشید، اما به‌موزات این فرایند، کشور شاهد ظهور شکل‌های جدیدی از تهدیدات امنیتی شده است. این مقاله فرایند تبدیل یک پدیده را به یک مسئله امنیتی بیان می‌کند. هدف مقاله، کالبدشکافی تهدیدات متصور در جامعه و تبیین فرایند گسترش آنها از یک پدیده به یک مسئله امنیتی است. روش پژوهش در بخش استفاده از منابع کتابخانه‌ای، توصیفی و در بخش موردکاوی کالبدشکافی تهدیدات از روش خبرگی و روش تحلیلی استفاده شده است. جامعه موردبررسی، تمام اسناد، مدارک و اطلاعات موجود در این بخش است. در پایان نیز بیان می‌دارد؛ چه موقعی می‌تواند یک تهدید موجود در جامعه تبدیل به یک موضوع امنیتی شود، که عوامل مؤثر بر این فرایند نیز آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی؛ منافع ملی؛ آسیب‌شناسی امنیت ملی؛ اهداف ملی؛ تهدیدات امنیت ملی

مقدمه

شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای با تغییرات دائمی همراه می‌شود؛ این امر شکل تهدیدات^۱ را با دگرگونی و تغییر همراه می‌کند؛ به همین دلیل است که شناخت تهدیدات داخلی باید به گونه‌ای مرحله‌ای انجام پذیرد. شناسایی تهدیدات داخلی جدید را باید انعکاس فرایندهای عمومی دانست که در جامعه ظهور می‌یابد و فضای عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین رویکردی، بیانگر این است که «معمای امنیتی»^۲ در حوزه امنیت اجتماعی و درون‌ساختاری وجود دارد. اگر موازنه امنیتی در توزیع و تخصیص منابع انجام نشود، طبعاً مخاطرات امنیتی به گونه‌ای مبهم، انعکاسی و پایان‌ناپذیر به وجود می‌آید. برای غلبه بر «معمای امنیتی» لازم است برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی در ساختار داخلی به گونه‌ای متوازن و براساس عوارض امنیتی هر برنامه انجام شود. توجه نکردن به مخاطرات امنیتی برنامه‌نوسازی، شکل ناشناخته و غافلگیرکننده‌ای از تهدیدات را به وجود می‌آورد و این امر بحران اجتماعی را گسترش داده و از سوی دیگر، زمینه‌های لازم افزایش آسیب‌پذیری امنیتی را در حوزه داخلی فراهم می‌سازد. بنابراین، لازم است چالش‌ها و آسیب‌های داخلی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... شناسایی شود و مورد تحلیل قرار گیرد که توانایی تبدیل به تهدیدات و خطرهای امنیتی را داراست.

سؤال مهمی که در زمینه مقوله تهدید در ارتباط با مفهوم امنیت مطرح می‌شود، این است که چه زمان تهدید به موضوع امنیتی تبدیل می‌شود. در جواب به این سؤال بیشتر این گونه پاسخ داده‌اند که به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی بودن آن بستگی دارد. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید، مشخص بودن هویت، قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمال وقوع و میزان پیامدهای احتمالی آن است. این سؤال در این حوزه مطرح است: «آیا اوضاع و موقعیت تاریخی باعث تقویت تهدید می‌شود؟ چنانچه دیگر شرایط تهدیدات مساوی باشد، استناد به امنیتی ملی برای کاهش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود؟ البته مسئله این است که همه این متغیرها قابل اندازه‌گیری نیست و یا حتی نمی‌توان آنها را به‌دقت برآورد کرد و اغلب در موقعیت پیچیده‌ای رخ می‌دهند که سبک و سنگین کردن آنها در طیف جدی تهدیدات، بسیار مشکل می‌نماید. این مقاله تلاش می‌کند به این سؤالات جواب بدهد و ضمن آن الگوهای تبدیل شدن تهدیدات را به موضوعات امنیت ملی،^۳ نشان دهد.

1. Threats
2. Security puzzle
3. National Security

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیق توسعه‌ای و ازلحاظ روش، توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از هیئت خبرگی در تعیین مصداق‌های راهبردی و کلیدی در حوزه تهدیدات با نظر به اینکه تمامی فعالیت‌های حوزه هدف باید به تأیید و انطباق هیئت خبرگی برسد، برای شکل‌گیری تعامل سازنده بین خبرگان، شکل می‌گیرد و نظارت بر روند کلی طرح و راهبری کلان آن و تصمیم‌سازی در مراحل مهم و حساس براساس مصداق‌های تعیین ماهیت و وظایف دست‌اندرکاران و موفقیت و کارآمدی در هدف تعیین می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

ماهیت و مفهوم تهدید

تهدید در قاموس فارسی به معنای ترساندن و بیم‌دادن است، ولی در اصطلاح، هر چیزی است که بتواند ثبات و امنیت را در کشور به خطر بیندازد. در اصطلاح سیاسی هر اقدام و تحریک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، که موجودیت و اهداف حیاتی فرد یا نهاد یا کشور را به خطر بیندازد تهدید به‌شمار می‌رود. از تهدید تعاریف گوناگون مبتنی بر هدف شده است که در این مقاله بعضی از این تعاریف بیان می‌شود.

- تهدید، بیان و ابراز قصد آسیب‌رساندن، نابود کردن و تنبیه کردن از روی انتقام به دلیل کار انجام گرفته یا ترساندن است.

- نشان‌دادن خطر، حادثه یا آسیب قریب‌الوقوع؛ بیان آشکار و صریح آسیب‌رساندن به کسی یا به دردسر انداختن فرد است.

- احتمال وقوع حادثه بسیار بد توسط شخص یا چیزی که به‌عنوان خطر شناخته می‌شود. قصد ابراز شده برای صدمه یا آسیب‌رسانی یا دیگر اقدامات خصمانه علیه کسی، شخصی یا چیزی که بتواند خطر ایجاد کند. هرگونه نشانه، حادثه یا وضعیتی که توان ایجاد خسارت و ضرر علیه دارایی را داشته باشد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۵۶).

در مطالعات مربوط به امنیت، تهدید اغلب مفهومی سیاسی است که این اصطلاح در بسیاری از واژه‌نامه‌های علوم اجتماعی به‌عنوان مفهومی علمی به‌خوبی تعریف نشده است. برخی تحلیلگران در بررسی‌ها و مطالعات خود از مفهوم ارزیابی تهدید به‌عنوان یکی از دلایل برنامه‌ریزی‌های رزمی در

طول جنگ سرد استفاده می‌کنند. در این زمان مفهوم تهدید در چارچوب امنیت ملی و در اشاره به تهدید دوگانه ناشی از قدرت‌های دولتی و همچنین افکار آنها در قالب ایدئولوژی مطرح شده بود. علاوه بر این، در بررسی‌های امنیت ملی بین تهدیدات سه‌گانه جدایی قائل می‌شوند. این تهدیدات شامل تهدیدات نظامی (تهاجم، اشغال، تغییر دولت، دستکاری سیاسی)، تهدیدات اقتصادی (شیوه صادرات، محدودیت‌های واردات، دستکاری قیمت‌ها و ارز، به‌هم‌زدن وضعیت ثبات داخلی) و تهدیدات زیست‌محیطی (آسیب‌رساندن به پایه فیزیکی دولت) است. این تهدیدات بیش از هر عاملی می‌تواند دولت‌های ملی را آسیب‌پذیر کند. هرچندگاهی مقوله‌ای مانند گسترش تسلیحات نظامی می‌تواند به‌عنوان ترکیبی از توان و یا هدفی جدا از تهدید در نظر گرفته شود، خطرهای ناشی از خشونت‌های داخلی افزایش یافته و افزایش نقش بازیگران غیردولتی در تأمین منافع ملی به شکل‌گیری عوامل تهدیدزای جهانی مانند شبکه تروریست‌ها و تروریسم ساختاری و همچنین گونه‌های جدید خشونت ساختاری منجر شده است؛ لذا با گسترده‌تر شدن مفهوم امنیت، خطرهای پیچیده‌تر و کم‌تر قابل محاسبه شده است (Brauch, 2011: 62 - 63). مکتب تفسیری می‌گوید تهدید ادراک تهدید است. تهدید اعلامی است؛ به این معنا که بازیگر اصلی امنیت‌ساز اعلام کند که تهدید امریکا علیه ما جدی است (قابل درک است) و سپس کارشناسان به موقعیت و وضعیت آن بپردازند.

لرنر، تهدید را هر چیزی می‌داند که بتواند ثبات و امنیت را در کشور به‌خطر اندازد. او معتقد است تهدیدات، منافع ملی را هدف قرار می‌دهد. مفهوم تهدید در نگرش سامانه‌ای، عدم تعادل در سامانه بیان شده است. در پاره‌ای از متون نیز تهدید به‌معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای جلوگیری از دستیابی خودی به مقاصد امنیت ملی تعریف شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۶۸).

به‌طور کلی، هدف هر نوع تهدید، تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف، اراده و حتی به‌تسلیم‌کشاندن حریف است که هدف اصلی تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت تهدیدات در به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهاست. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسان‌ها و ویران کردن مراکز اقتصادی) و یا می‌تواند با تکیه بر روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و با به‌کارگیری قدرت نرم، برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۳).

منظور این مقاله از تهدید، هر اقدامی است که هر نظام را از تعادل خارج کند. این تعریف بیش از هر اصطلاحی با مفهوم بحران ارتباط دارد.

عوامل جداکننده تهدیدات

تهدید با مفهوم امنیت ملی و اهداف ملی کشور، ارتباط مستقیمی دارد. تهدیدات امنیت ملی را می‌توان تهدیدهایی دانست که اهداف و ارزش‌های حیاتی کشور را به گونه‌ای در معرض خطر قرار می‌دهند که بیم آن می‌رود در آن اهداف و ارزش‌ها، تغییر ماهوی و اساسی صورت پذیرد. از آنجا که اهداف و ارزش‌های هر جامعه‌ای با جامعه دیگر متفاوت است، مفهوم تهدیدات و امنیت نیز انتزاعی و نسبی است (طیب‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۵۶).

شاید وجه نظامی امنیت رایج‌ترین شکل در تهدیدشناسی‌ها و بررسی‌های مربوط به امنیت باشد، اما تنها وجه نیست. جامعه نیازمند گونه‌های مختلف امنیت ملی است و این امر بیش از هر عامل در سایه شناخت عوامل یا عناصر تهدید امنیتی امکان‌پذیر خواهد بود. در واقع، علاوه بر جنبه نظامی تهدید، جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، محیطی، انرژی و منابع طبیعی و اقتصادی نیز اهمیت دارد. این عناصر در شناخت مؤلفه‌های امنیت ملی به تحلیلگران امنیت، کمک زیادی می‌کند؛ به عبارتی عناصر و مؤلفه‌های غیرنظامی تهدیدات به‌عنوان بخش مهمی از مطالعات تهدیدشناسی‌ها در نظر گرفته می‌شود (Upeka, 2016).

در یک بررسی کلی، مهم‌ترین عوامل جداکننده تهدیدات عبارت است از:

۱. منافع ملی؛
۲. توانمندی موضوع یا واحد مورد تهدید؛
۳. اوضاع محیطی؛
۴. قدرت و توانایی تهدید؛
۵. زمان (ممکن است موضوعی در یک زمان تهدید باشد و در زمان دیگر تهدید نباشد)؛
۶. تصور از اقدامات یا پدیده‌ها (می‌توان پدیده‌ها را تهدیدزا یا تهدیدزدا درک کرد) (بی‌نا، ۱۳۸۸: ۲۸).

سنخ‌شناسی تهدیدات^۱

تهدید از سه بخش اساسی «کارگزار یا عامل تهدید»^۲، «حوزه تهدید»^۳ و «موضوع تهدید»^۴ تشکیل شده است. عامل تهدید در واقع هویت (شخصی یا سازمانی) یا چیزی است که به‌طور بالفعل یا بالقوه، توانایی ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را دارد. درحالی که حوزه تهدید، هویت یا چیزی است که

1. The typology of threats
2. Agent or threat agent
3. The scope of the threat
4. Threat issue

موجودیت و یا دارایی‌های حیاتی آن در معرض خطر قرار گرفته و در نهایت موضوع تهدید، وضعیت، پدیده، فعالیت یا رخدادی است که به نظر می‌رسد توان درونی و بیرونی انتقال، پشتیبانی یا ایجاد خطر در موجودیت یا دارایی‌های حیاتی بازیگر مورد آماج را در خود دارد (تصویر ۱).



تصویر ۱: اجزای تهدید

۱. موضوع تهدید

تهدید^۱، واژه‌ای است که باید معنا و مفهوم آن استخراج شود. از سوی دیگر در توصیف این واژه باید از تعاریف عمومی خارج شد و به توصیفی خاص رسید، زیرا تعاریف عمومی، مختص زبان عمومی است و بیشتر به صورت محاوره‌ای و در گفتگوهای معمولی سودمند است (آزر و این‌مونگ، ۱۳۷۷).

ریچارد اولمان^۲ در تعریف خود، تهدیدات امنیت ملی را مدنظر قرار می‌دهد و می‌نویسد: "تهدیدات امنیت ملی اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل مؤثر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی، خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان کشور را پیش آورد و نیز با خطر جدی کاهش طیف خط‌مشی‌هایی همراه باشد که حکومت کشور یا واحدهای غیر حکومتی خصوصی هر کشور (اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌ها) می‌توانند میان آنها به انتخاب دست بزنند" (بوزان^۳، ۱۳۷۸). در این تعریف، کاهش طیف خط‌مشی‌ها را می‌توان کاهش گزینه‌های انتخابی کشور در تصمیم‌گیری‌های راهبردی به‌منظور پیشبرد منافع معنا کرد.

1. Treath
2. Richard Ulman
3. Buzan, Barry

کارل روپر^۱ نیز تهدید را با جهتگیری تهدید علیه زیرساخت‌های حیاتی ارائه می‌کند. وی معتقد است تهدید، «هرگونه نشانه، حادثه یا شرایطی است که توان ایجاد خسارت و ضرر علیه دارایی را داشته باشد» (بوزان و ویورالی، ۱۳۸۶). این تعریف، تهدید را براساس اهداف مرجع مشخص می‌کند که در اینجا دارایی‌های کلیدی است. روپر در جای دیگری آن را مقصد و توان دشمن برای عملاتی که منافع کشور را به خطر اندازد، تعریف کرد (تریف و دیگران، ۱۳۸۳).

معناسازی تهدید با قدرت حمله یکی دیگر از تعاریف است. براین اساس، تهدید، «سنجش قدرت حمله است که با توجه به عواملی نظیر توانایی و انگیزه تهدیدگر یا مهاجم و چگونگی اعمال آن بیان می‌شود» (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵). با توجه به رابطه عامل یا کارگزار تهدید و حوزه آن، موضوع تهدید، پدیده‌ای بیناذهنی است. مفهوم بیناذهنی به این مهم اشاره دارد که تهدید در رابطه عامل تهدید و حوزه تهدید ساخته می‌شود. در این چارچوب هستی سیاسی و اجتماعی، آگاهی بیناذهنی است. براین اساس، افکار، مفاهیم، زبان، گفتمان و نشانه‌ها به صورت متقابل با نیروها و محیط مادی، تهدیدات را شکل می‌دهد و لذا ممکن است با تغییر افکار، عقاید و مفاهیم، بازیگران یا محیط تهدیدات تغییر کنند یا از بین بروند. برای مثال، با تغییر رژیم بعث عراق به عنوان بازیگر و دارای مجموعه‌ای از عقاید، در عمل بخش عمده‌ای از تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از ناحیه عراق از بین رفت (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶).

سازهانگاران مدعی هستند مفهوم تهدید دچار مشکل است. در این زمینه تهدید، ساختن بخشی از ساختمان دیگری است و این دیگری، هویتی است آکنده از ویژگی‌هایی که ضد ویژگی‌ها و مطلوبیت‌های خودمان می‌انگاریم. بنابراین، یک راه این است که به جای اینکه به بیرون چشم بدوزیم به خود بنگریم و نگران تهدیداتی باشیم که به صورت خودخوانده به وجود آورده‌ایم (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶). بنابراین، در نظر سازهانگاران تهدید می‌تواند وجود خارجی نداشته باشد، اما از سوی ادراک‌کننده جدی قلمداد شود، ضمن اینکه می‌تواند توسط خود تهدیدشونده ساخته شده باشد.

باری بوزان نیز معتقد است به دو دلیل تهدیدات را مشکل می‌توان شناخت: دلیل اول به مسئله ذهنی یا عینی بودن تهدید و دوم به مشکل تشخیص تهدیدات امنیتی از غیرامنیتی باز می‌گردد و لذا به راحتی نمی‌توان گفت همه تهدیدات، مسائل امنیت ملی است. وی معتقد است تفاوت میان چالش‌های عادی و تهدیدات امنیتی را باید از روی طیف گسترده تهدیدات، شناسایی کرد. اینکه به طور دقیق کدام نقطه در این طیف باید آغاز مسئله امنیت ملی تلقی شود، بیشتر تابع انتخاب‌های سیاسی است (عبداله‌خانی،

1. Carl Roper

۱۳۸۳). موضوع تهدید که می‌تواند وضعیت، پدیده، روند، جریان یا رویدادی باشد در واقع، ظرف تهدید و نشان‌دهنده موجودیت، طبیعت و ویژگی‌های تهدید است. رابطه میان عامل و حوزه تهدید بدون موضوع آن بی‌معناست. این موضوع تهدید است که به چنین رابطه‌ای معنا می‌دهد و باعث تکمیل شدن سازمان معنایی تهدید می‌شود (تصویر ۲).

عامل تهدید	موضوع تهدید	حوزه تهدید
امریکا	حمله نظامی	جمهوری اسلامی ایران
رژیم صهیونیستی	سلاح‌های هسته‌ای	جمهوری اسلامی ایران
رژیم صهیونیستی	محاصره نوار غزه	مردم غزه و دولت حماس
رژیم صهیونیستی	تجاوز، اشغال اراضی، اقدامات تروریستی	لبنان و فلسطین
زلزله	زلزله تهران	ساکنان پایتخت (تهران) و وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
گروه‌های تروریستی (داعش، القاعده و...)	اقدامات تروریستی	مردم و دولت عراق و سوریه (و افغانستان)

تصویر ۲: نمونه‌های تهدید در سازمان معنایی تهدید

همواره ابهامی اساسی در زمینه موضوع تهدید وجود داشته است. آیا موضوع تهدید چیزی است که هنوز واقع نشده است و احتمال وقوع آن می‌رود و بر اساس ترساندن مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ آیا موضوع تهدید به پدیده یا رویدادی که در حال رخ دادن است و امنیت سامانه مورد نظر را به خطر انداخته است نیز اطلاق می‌شود یا چنین چیزی از حوزه تهدید خارج و وارد حوزه‌های دیگر مثل «حمله» می‌شود؟

در پاسخ به این سؤالات می‌توان گفت موضوع تهدید، صرفاً پدیده یا وضعیتی احتمالی با ویژگی ایجاد ترس نیست. هر چند بخشی از موضوعات تهدید چنین هست (کاستلز، ۱۳۸۰)؛ بنابراین، موضوع تهدید می‌تواند پدیده، رویداد یا وضعیت مربوط به قبل از وقوع و یا قبل از آسیب‌رساندن به اهداف مرجع امنیتی باشد، مثل موضوع تهدید حمله نظامی با عاملیت امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. در اینجا موضوع تهدید هنوز حادث نشده است، درحالی‌که برخی از تهدیدات مثل موضوع تهدید اقدامات تروریستی با عاملیت گروه‌های افراطی علیه مردم و دولت عراق تهدیدی است که پیش آمده و به اهداف مرجع امنیتی نیز صدمه زده است، اما هنوز تهدید قلمداد می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه

گرفت نامیدن یک موضوع به عنوان تهدید الزاماً به موضوعاتی مربوط نیست که هنوز به منصفه ظهور نرسیده یا پدیدار نشده است.

سؤال دیگر قابل طرح در زمینه موضوع تهدید این است که اساساً چه موقع، موضوعی در مجموعه موضوعات تهدید آمیز قرار می گیرد یا واجد شرایط مفهوم تهدید می شود؟ در پاسخ باید گفت که این امر، مستلزم سه شرط است: اول میان عامل تهدید، حوزه تهدید و هدف مرجع تهدید رابطه باشد؛ یعنی این شرایط موجود باشد:

- موضوع تهدید، هدف یا اهداف مرجع امنیتی را نشانه رفته باشد؛

- موضوع تهدید از سوی تهدید شونده امنیتی و واجد شرایط تهدید امنیتی شناخته شده باشد؛

- بتوان برای موضوع تهدید، عامل آن را شناسایی کرد و عامل تهدید به صورت بالقوه یا بالفعل

توانایی ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را داشته باشد.

شرط دوم به هويت تهدید باز می گردد؛ یعنی اینکه موضوع تهدید باید هویتی مستقل پیدا کرده باشد. بنابراین، پدیده ها، روندها یا وضعیت هایی که خود به عنوان تهدید، هویت مستقلی پیدا نکرده باشد، نمی تواند موضوع تهدید قرار گیرد. هویت مستقل پیدا کردن تهدید به معنای انباشته شدن، متراکم شدن، دارای مرزهای مشخص و قابل جدا شدن با دیگر موضوعات و نمایان شدن آن به عنوان پدیده یا وضعیتی مستقل و مؤثر نزد حوزه تهدید (تهدید شونده) باشد.

بنابر شرط سوم در درون پدیده، وضعیت یا روند به عنوان موضوع تهدید، نیروی لازم برای به خطر انداختن بقای اهداف مرجع امنیتی یا دارایی های کلیدی حوزه تهدید (تهدید شونده) می تواند وجود داشته باشد. وجود نیرو به معنای امکان درونی موضوعی است که به عنوان تهدید قد برافراشته است (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۳۰).

۲. عامل تهدید

تهدید بدون عامل، هیچ گاه نزد حوزه تهدید (تهدید شونده) یا بازیگر مورد تهدید یا ادراک کننده تهدید ایجاد نمی شود؛ اما عامل می تواند یک بازیگر امنیتی مانند «دولت یا نهاد بزرگ دولتی»، فرایندی نامطلوب مانند «فرایند امنیتی کردن موضوعات توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد»، ساختاری مانند «ساختار تک قطبی نظام بین المللی»، چیزی مانند «سلاح های هسته ای یا موشک های ضد موشک» یا وضعیتی طبیعی مانند «زلزله» باشد.

بازیگران یا سامانه ها با توجه به اهداف مرجع و دارایی ها ممکن است به طبقه بندی عوامل تهدید

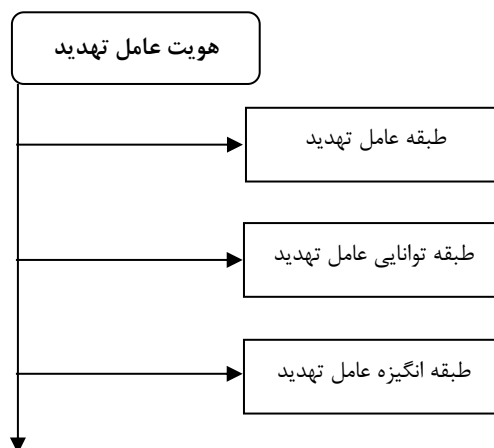
پیردازند. این طبقه‌بندی می‌تواند تعیین یک سیاست نیز باشد که در تشخیص عوامل مشخص برای تهدیدات مشخص می‌تواند سودمند باشد؛ برای مثال، ممکن است یک سامانه «ملل و دولت‌های دشمن»، «تروریسم و سازمان‌های تروریستی»، «عوامل کوچک قدرتمند ضدخودی مثلاً در حد یک فرد»، «کارتل‌ها و شرکت‌های بزرگ امپریالیستی» و «سازمان‌های جنایی» را در مجموعه طبقات عامل تهدیدکننده خود به حساب آورد. این طبقه‌بندی می‌تواند در تشخیص عامل تهدیدات مشخص سودمند واقع شود.

چنانچه سامانه‌ای معتقد باشد که ملل و دولت‌های دشمن از عوامل تهدید هستند در اینجا باید از طریق معیارهای موردنظر به تعیین ملل یا دولت‌های دشمن پردازد؛ برای مثال، ممکن است جمهوری اسلامی ایران در تعیین ملل یا دولت‌های دشمن معیارهای زیر را به کار گیرد:

- حاکمیت‌هایی که براندازی و تجزیه حاکمیت سرزمینی جمهوری اسلامی یکی از اهداف و دغدغه‌های مهم آنان است و برای نابودی آن به صورت نظام‌مند، برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند.

- حاکمیت‌های غیرمسلمانی که به‌زور سرزمین‌های اسلامی را غصب و مسلمانان آن دیار را به صورت ساختارمند قتل عام می‌کنند و یا شیعه‌کشی را در برنامه‌های اصلی خود گنجانده‌اند.

عامل تهدید را از جهت هویت عامل تهدید می‌توان مورد تحلیل و بررسی قرار داد که به این دلیل شامل سه جزء «طبقه عامل تهدید»، «طبقه توانایی عامل تهدید» و «طبقه انگیزه عامل تهدید» است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۵) (تصویر ۳).



تصویر ۳: ساختار طبقاتی عامل تهدید

گاهی در نظر گرفتن برخی ملت‌ها یا دولت‌های دشمن به صورت عوامل بالقوه تهدید، بیانگر این است که اقدامات دشمن از هر نوع و شکلی که باشد در نگاه اول می‌تواند به صورت تهدید نگریسته شود؛ مگر اینکه شواهدی دال بر عدم تهدید از سوی آنان برای اثبات وجود داشته باشد.

در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی در امریکای لاتین، شرکت‌های بزرگ و کارتل‌های اقتصادی به دیده تهدید نگریسته می‌شدند؛ این نشان می‌دهد که به رغم فرصت‌ز بودن وجود چنین واحدهایی، ممکن است در یک سامانه، شرکت‌های بزرگ و کارتل‌های اقتصادی، عامل تهدید قلمداد شوند. در چارچوب این نگاه، ممکن است جمهوری اسلامی ایران تمامی شرکت‌هایی را عامل تهدید قلمداد کند که سهام‌داران اصلی آن صهیونیست‌ها باشند. بنابراین، این گونه شرکت‌ها به صورت بالقوه تهدید هستند؛ لذا در این وضعیت و براساس تهدیدات خاص، چنانچه عوامل صدمه به دارایی‌های کلیدی جمهوری اسلامی ایران، یکی از این شرکت‌ها باشد، می‌توان بی‌درنگ آن را عامل تهدید تلقی کرد. ممکن است یک یا چند کشور، فرد به خصوصی را در چارچوب «عامل قدرتمند کوچک»^۱ به عنوان عامل تهدید شناسایی و تعیین کنند؛ مثلاً آریل شارون، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی از سوی بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها عامل قدرتمند کوچک تهدیدگر شناخته شده بود. طبقات تهدید را نیز می‌توان اولویت‌بندی کرد که البته به نظر می‌رسد این کار تا حدود زیادی سودمند و ضروری است؛ برای مثال، ممکن است در طبقه‌بندی عوامل «ملل و دولت‌های دشمن» را اولین و اصلی‌ترین عامل تهدید در نظر گرفته و «گروه‌های قدرتمند کوچک» به عنوان آخرین عامل در طبقه‌بندی عوامل تهدید، گنجانده شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۴).

طبقه‌بندی توانایی‌های عامل تهدید نیز یکی از اجزای تحلیل هویت عامل تهدید است. عوامل تهدید را می‌توان به «ابر قدرت»^۲، «قدرت‌های بزرگ»^۳، «قدرت‌های منطقه‌ای»^۴، «قدرت‌های محلی»^۵ (یعنی فقط در سرزمین خود توانایی اعمال قدرت دارند) و «دولت‌های ورشکسته» تقسیم کرد و براین اساس به تحلیل توانایی آنها پرداخت. بدیهی است ابرقدرت‌ها از حیث توانایی در صدر اولویت عوامل تهدیدزا و دولت‌های ورشکسته در پایین‌ترین رده قرار خواهند داشت. البته این نوع طبقه‌بندی

۱. عامل قدرتمند کوچک عاملی است که با استفاده از توانایی‌های فکری و رفتاری می‌تواند وضعیت را به نحو مطلوب تغییر دهد.

2. Superpower
3. Great powers
4. Regional powers
5. Local powers

بیشتر برای تهدید برپایه عوامل ساختگی سودمند است؛ اما اگر عامل تهدید طبیعی باشد، مانند زلزله یا یک وضعیت جهانی باشد، مانند گرم شدن کره زمین، این نوع طبقه‌بندی برای تعیین توانایی عامل تهدید سودمند نیست. طبقه‌بندی انگیزه عامل تهدید آخرین جزء تحلیل هویت عامل تهدید است. این انگیزه می‌تواند سیاسی، ایدئولوژیک، دینی، شخصی، مادی و مواردی از این دست باشد؛ با وجود این، لازم است طبقه‌بندی معقولی از انگیزه عامل تهدید ارائه شود. البته تعیین انگیزه عامل تهدید صرفاً به تهدیدات مبتنی بر عوامل ساختگی مربوط است و گرنه تهدیدات مبتنی بر عوامل طبیعی مانند زلزله نمی‌تواند انگیزه داشته باشد. بنابراین، می‌توان انگیزه و عوامل تهدید را به چهار دسته اصلی به این شرح طبقه‌بندی کرد:

- انگیزه‌های ایدئولوژیک؛

- انگیزه‌های منفعت‌محور (سرد)؛

- انگیزه‌های فردی؛

- انگیزه‌های ملی.

این انگیزه‌ها می‌تواند ترکیبی باشد و می‌توان انگیزه‌های دیگری را به این مجموعه اضافه کرد، اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین انگیزه‌ها نزد عوامل تهدید، موارد یادشده باشد. مثلاً ممکن است رژیم صهیونیستی و امریکا در تهدید جمهوری اسلامی ایران دارای انگیزه ایدئولوژیک باشند. در این چارچوب انگیزه‌های اعتقادی، دینی، مذهبی یا نظریه سیاسی نیز گنجانده می‌شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۶).

اگر بخواهیم انگیزه‌ها را اولویت‌بندی کنیم، شاید انگیزه ایدئولوژیک در صدر اصلی‌ترین انگیزه‌های تهدید قرار گیرد، زیرا این انگیزه فکر حاکمیت یا اعتقادات اساسی مردم جامعه موردنظر را نشانه‌روی می‌کند و به دنبال آن به نظر می‌رسد انگیزه‌های ملی از اهمیت بیشتری برخوردار باشد که به هویت ملی، تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی مربوط است. انگیزه‌های منفعت‌محور بیشتر به منظور حفظ دارایی‌های مادی یا توسعه آنها تحریک می‌شود. برای نمونه، چنانچه تقسیم خزر به عنوان چالش نگریسته شود، بیشتر بازیگران و عوامل تهدیدزا، انگیزه منفعت‌محور یا ملی دارند؛ یعنی عوامل تهدید، توسعه سرزمینی و دستیابی به منابع انرژی را اصلی‌ترین انگیزه‌های خود قرار داده‌اند. در این میان، انگیزه‌های ملی بیشتر به مسئله بقای سرزمین و یکپارچگی و هویت ملی باز می‌گردد.

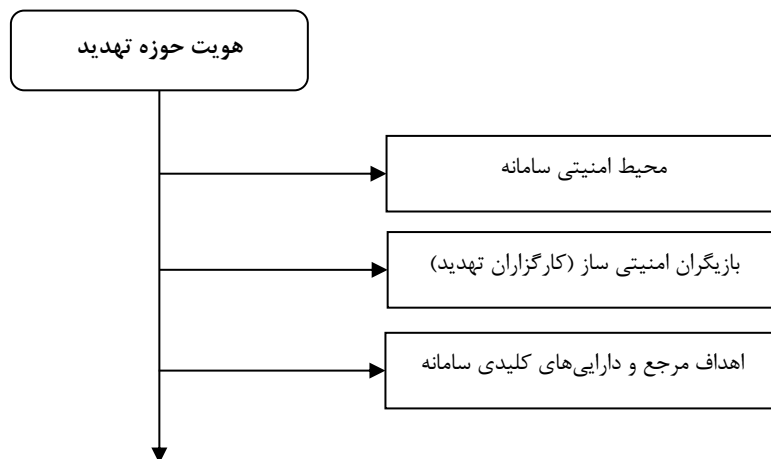
پس از اولویت‌بندی انگیزه‌ها به ایدئولوژیک و انگیزه‌های ملی به نظر می‌رسد انگیزه‌های

کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی

منفعت محور و فردی اولویت‌های بعدی را تشکیل دهد. در این چارچوب انگیزه‌های فردی می‌تواند به انگیزه‌های شخصی اصلی‌ترین بازیگران ایجادکننده تهدید مربوط باشد؛ مثلاً چنانچه فرض شود تهدیدات لفظی رئیس‌جمهور کنونی امریکا نسبت به ملت ایران می‌تواند تهدیدی فردی به‌شمار رود؛ این امر به‌عنوان اظهارنظر تهدیدآمیز و به‌عبارتی تهدید شخصی یک مقام رسمی امریکایی تلقی می‌شود.

۳. حوزه تهدید

حوزه تهدید به تهدیدشونده مربوط است. درک حوزه تهدید براساس درک بخش‌های مختلف مرتبط با آن انجام‌شدنی است (تصویر ۴).



تصویر ۴: هویت حوزه تهدید

حوزه تهدید بر سه پایه «محیط امنیتی»، «بازیگران امنیتی ساز» و «اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی» قرار دارد. در این چارچوب محیط امنیتی به محیط جغرافیایی اطلاق می‌شود که در آن دو معیار «وابستگی متقابل امنیتی» و «الگوهای دوستی و دشمنی» همواره و با قوت موجود باشد. تعیین مرزهای محیط امنیتی در محیط امنیتی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا مرزهای محیط امنیتی، سرحدات شناسایی و تعیین اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی را مشخص می‌کند. بازیگران امنیتی ساز به بازیگرانی اطلاق می‌شود که در داخل سامانه و مجموعه امنیتی با سامانه قرار گرفته و توانایی امنیتی یا غیرامنیتی کردن پدیده‌ها، موضوعات یا روندها را داشته باشد. اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی،

مهم‌ترین بخش هویت حوزه تهدید را تشکیل می‌دهد. اهداف مرجع به چیزهایی گفته می‌شود که ادعای مشروع بقا در مورد سامانه مورد نظر را همراه داشته باشد. برای مثال، هویت ملی در چارچوب دولت - کشور به مثابه یک سامانه می‌تواند هدف مرجع باشد، زیرا یکی از مؤلفه‌های بقای چنین سامانه‌ای، هویت ملی است. دارایی‌های کلیدی به تأسیسات، تجهیزات، ارتباطات، اطلاعات، سازمان‌ها و تمام چیزهایی گفته می‌شود که حیات مادی سامانه به شدت به آنها وابسته است؛ مانند چاه‌های نفت، شبکه‌های گازی، خطوط حمل و نقل یا دانشمندان و متخصصان. اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخش هویت حوزه تهدید را تشکیل می‌دهند. مبنای شکل‌گیری تهدیدات نیز این بخش از هویت حوزه تهدید است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۶).

حوزه تهدید در واقع محیطی مادی - فرهنگی است که می‌تواند کشور، سازمان یا شهر باشد که همه آنها را یک نظام می‌نامیم. چنانچه کشور را حوزه تهدید فرض کنیم، «محیط امنیتی»، «بازیگران» و در پی آن «اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی کشور مورد نظر» موضوع تهدید را شکل می‌دهند؛ لذا هرگونه تهدیدی علیه عناصر سه گانه تهدید علیه حوزه تهدید شناخته می‌شود.

شاخص‌های سنجش تهدیدات

عمق تهدید

هر تهدیدی، عمقی دارد که براساس میزان عمق تهدید می‌توان آن را دسته‌بندی کرد. یک شاخص اندازه‌گیری عمق تهدید، مفهوم منافع ملی است که به‌رغم ایرادات وارد بر آن، هنوز هم حفظ شده و دارای اعتبار است. این مفهوم کمک می‌کند عمق تهدید را بهتر اندازه‌گیری کنیم. منفعی که با آن می‌توان عمق تهدید را سنجید به سه دسته قابل تقسیم است که عبارت است از:

منافع بنیادین^۱

منفعی است که نظام، نقد آنها را نمی‌پذیرد و خدشه‌ناپذیر است. اگر این منافع تغییر کند، نظام تغییر ماهوی می‌کند و به چیز دیگری تبدیل می‌شود. نمی‌توان روی این منافع معامله انجام داد. تعداد آنها محدود است و خط قرمز امنیتی را تشکیل می‌دهد.

منافع مهم^۲

منفعی است که تعدادشان محدود است و به‌طور معمول معامله‌ای درخصوص آنها صورت

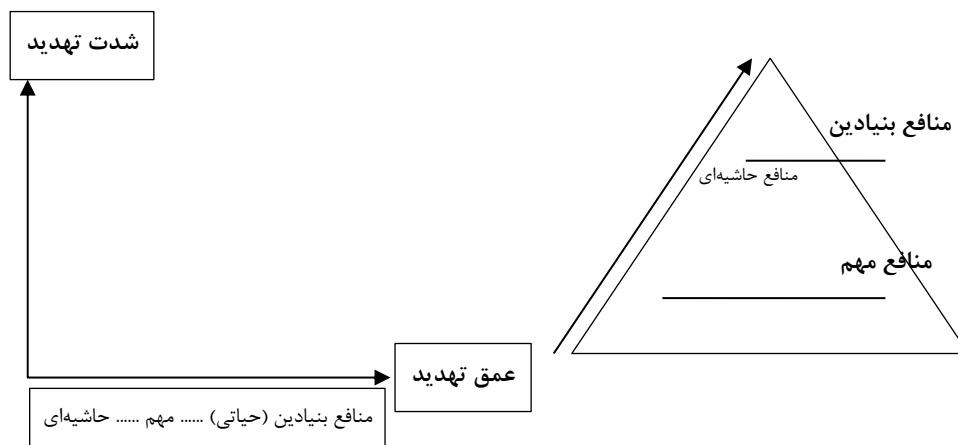
1. Basic interests
2. Important interests

نمی‌گیرد و به‌جز موارد استثنایی با آنها برخوردی مشابه با منافع بنیادین صورت می‌گیرد. منافع مهم، قابل معامله است و اگر در اثر معامله، منفعت مهم دیگری به‌دست بیاید، می‌توان آنها را معامله کرد و اگر بتوان منفعتی حیاتی را در ازای منفعتی مهم به‌دست آورد، اقدام بسیار خوبی صورت گرفته است. تعداد منافع مهم از منافع حیاتی بیشتر است.

منافع حاشیه‌ای^۱

منافع حاشیه‌ای، خیلی زیاد، و ذاتاً و ماهیتاً برای مبادله در صحنه روابط بین‌الملل به‌وجود آمده است. کشورهایی که منافع حاشیه‌ای بیشتری برای خود تعریف کنند، موفق‌تر هستند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

هرچه مرکز ثقل منافع هر کشور به سمت قاعده هرم نزدیک‌تر باشد، کشور ثبات بیشتری خواهد داشت. با افزایش شدت تهدید، عمق تهدید نیز افزایش می‌یابد. دامنه تهدید زمانی گسترش می‌یابد که کشور/ بازیگران «الف»، دیگر کشورها را به همگرایی خود بکشاند و دامنه تهدید علیه کشور «ب» را توسعه دهد. درمقابل، کشور «ب» تلاش می‌کند با ایجاد ائتلاف، تمرکز دامنه تهدید علیه خود را بکاهد و از بین ببرد (تصویر ۵).



تصویر ۵: شاخص‌های سنجش تهدید

1. Marginal benefits

شاخص ارزیابی تهدیدات

اولین شاخص که هر پدیده را تهدید معرفی می‌کند، ذهنیت تحلیلگران است، به گونه‌ای که اگر ارتباط پدیده با منافع ملی کم باشد و نتوان آن را به شدت تحت تأثیر قرار داد، پدیده را موضوعی امنیتی نمی‌نامند. در این حالت تهدید در پایین‌ترین سطح خود است و منافع ملی را به طور جدی به خطر نمی‌اندازد. در این وضعیت مدیریت پدیده نیز متفاوت خواهد بود. اگر ارتباط پدیده با منافع ملی زیاد باشد این نوع ارتباط پدیده با ساختار بررسی می‌شود. آیا می‌توان با حفظ ساختار موجود پدیده را مدیریت کرد یا نه؟ در این حالت پدیده به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. در چارچوب ساختارهای موجود قابل مدیریت است.

۲. در چارچوب ساختارهای موجود قابل مدیریت نیست

در حالت اول، پدیده، مسئله‌ای ذوامیتی خوانده می‌شود؛ یعنی در چارچوب‌های موجود قابل حل است، هرچند ممکن است از چارچوب‌های موجود برای حل آن استفاده نشده باشد. باید به یاد داشت که تا حد ممکن نباید اجازه داد یک پدیده به سطح بالاتر امنیتی ارتقا یابد. در این رابطه ظرفیت‌های نظام سیاسی، نقش بسیار مؤثری دارد. در این حالت باید بررسی شود آیا اساساً ظرفیت حل این پدیده وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد آیا از آن استفاده شده است یا خیر؟ اگر ظرفیت‌ها برای مدیریت پدیده کافی نبود و پدیده در چارچوب‌های موجود، مدیریت نشد یا ساختارهای موجود قادر به مدیریت پدیده نباشد، باید در ساختار تغییر ایجاد شود. این تحولات باید اصلاحی یا انقلابی، چارچوب را تغییر دهد. در تغییرات اصلاحی، مبادی نظام حفظ خواهد شد. در این حالت پدیده مشکل امنیتی خوانده می‌شود. در این حالت چون ظرفیت‌ها جوابگو نیست، طی اقدامات اصلاحی، ظرفیت‌های جدید ایجاد می‌شود (مشکل جایی است که ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل نظام، جوابگوی حل مشکلات نباشد). به-رغم حساسیت زیاد مشکلات هنوز هم با سازوکارهای اصلاحی می‌توان آنها را مدیریت کرد. اگر پدیده از این هم فراتر رود، تعارض به وجود می‌آید و تأثیر پدیده بر منافع ملی جدی است و پدیده وارد حوزه رفتاری می‌شود که نیازمند تغییرات بنیادین است.

در این فضا می‌توان چند وضعیت را تصویر کرد:

هرچه تهدیدات به حوزه‌های بنیادی و اصول و مبانی نظام مرتبط‌تر باشد، حساسیت بیشتری خواهد داشت. اگر کشور نیازمند ایجاد تغییرات ساختاری باشد و از ظرفی در ابعاد نظری به تغییر نیاز باشد ولی سامانه کلی نظام سیاسی کشور در بعد رفتاری عملکرد قابل انتظاری نداشته نباشد و همچنین تعارض یا

وجود تهدیدی که به دنبال آن منافع نظام قابل پیگیری نباشد، پدیده به خطر امنیتی تبدیل شده است. در این مرحله تغییر زمانی ضروری است که از لحاظ نظری راهبرد و شیوه و اقدامات رفتاری نیز زیاد باشد، اما تعارض اندک یا به نوعی عدم تعارض باشد. در این صورت پدیده مسئله امنیتی خوانده می شود. بحث امنیتی نشان می دهد که تهدید فراگیر شده است.

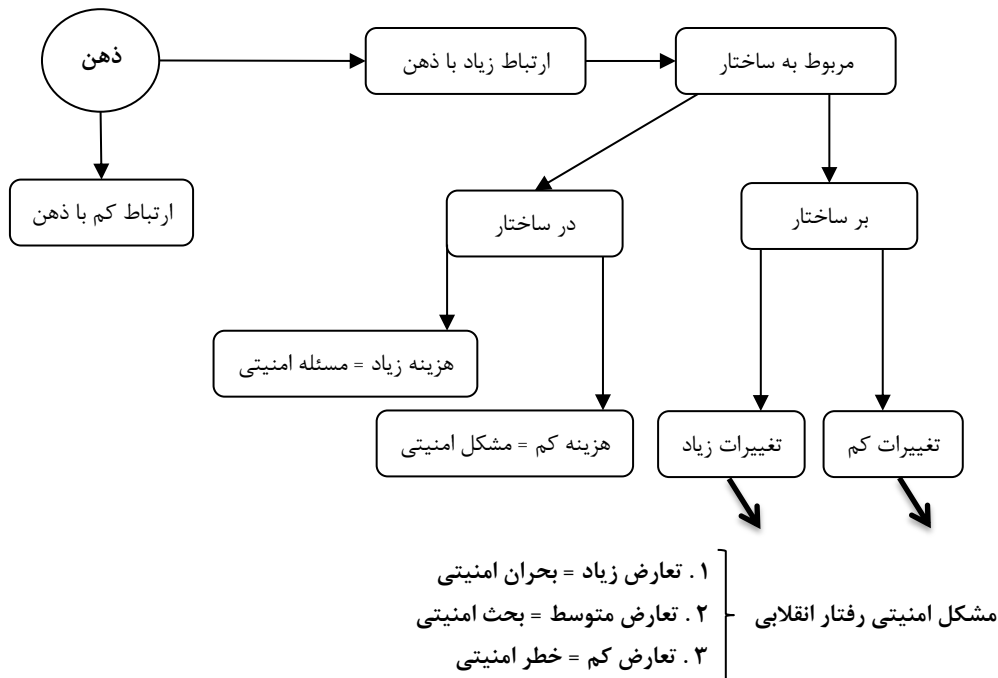
زمانی که پدیده به بحث امنیتی تبدیل می شود، به بدترین حالت خود نزدیک شده است. سرانجام اگر تعارض هم زیاد باشد، تهدید، بحران امنیتی خوانده می شود که در این حالت، ظرفیت های حل پدیده کافی بوده و منافع ملی به شدت تهدید می شود. نکته قابل توجه و مهم این است که مصداق تهدید با تلقی ذهنی از آن مرتبط است؛ مثلاً تقریباً در تمام نظام های سیاسی، بحران به عنوان بالاترین مرحله تهدید شناخته می شود؛ اما باید توجه کرد که تهدید در چه مرتبه ای و یا طیف تهدیدات گسترده و ارزش آنها متفاوت است. از طرفی مدیریت تهدید به ارزیابی از تهدید بستگی دارد، زیرا مدیریت ممکن است پدیده را مسئله ای امنیتی و دیگری بحث امنیتی بداند. در واقع، این مدیر و کنشگران هستند که تهدید را شکل می دهند یا وجود را از آن می گیرند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲۰۹).



موضوع امنیتی = مسئله امنیتی = مشکل امنیتی = معضل امنیتی = خطر امنیتی = بحث امنیتی = بحران امنیتی

لایه های تهدید^۱

اگر پدیده، ارتباطی هرچند کم با موضوعات برقرار کند، موضوع امنیتی است. اگر نتواند رابطه برقرار کند، موضوع، طرح امنیتی نخواهد بود. اگر پدیده با موضوع، ارتباطی هرچند کم برقرار نکند و ارتباط زیادی با امنیت برقرار کند به بررسی ساختار لایه های مختلف می پردازد (تصویر ۶).



تصویر ۶. لایه‌های مختلف تهدید

ماهیت تهدیدات^۱

هر جامعه‌ای شامل اجزای مختلف و پایداری است. تهدید نسبت به هر یک از آنها ماهیت تهدیدات را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل، تهدیدات گاهی ماهیت سیاسی دارد؛ بعضی اوقات ماهیت اقتصادی و یا ممکن است ماهیت اجتماعی و فرهنگی و یا نظامی پیدا کند و حتی می‌تواند ماهیت زیست‌محیطی و ماهیت امنیتی بیابد.

تهدید نظامی^۲ ملموس‌ترین نوع تهدید است. تهدید نظامی اغلب همه موارد تشکیل‌دهنده کشور را (سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت) مورد هدف قرار می‌دهد. همچنین این نوع تهدیدات، طیف گسترده‌ای را دربر می‌گیرد که هر کدام از آنها نسبت به دیگری با شدت متفاوتی امنیت ملی کشور را به‌خطر می‌اندازد. ترور، شورش، تجزیه‌طلبی، شرارت‌های منطقه‌ای، کودتای نظامی، سطوح مختلف

1. The nature of threats
 2. Military threat

جنگ و مداخله نظامی - خارجی، انواع مختلف تهدیدات نظامی به شمار می‌روند. به این نوع تهدیدات، تهدیدات سخت نیز گفته می‌شود.

تهدید اجتماعی و فرهنگی:^۱ ظریف‌ترین تهدیدات است و به همین دلیل از آن به تهدیدات نرم یاد می‌کنند. فرهنگ و ارزش‌های مشترک در جامعه از عوامل پایدار و قوام آن جامعه به شمار می‌رود. تهدید اجتماعی و فرهنگی به هویت و ارزش‌های جامعه معطوف است و اعتیاد، نفوذ فرهنگ بیگانه، استحاله فرهنگی، تعارض نسل‌ها، شکافهای اجتماعی، بی‌اعتمادی، ابتدال و فساد، تضعیف باورهای اعتقادی، اباحه‌گری، رفاه‌زدگی و رشد مادی‌گرایی و نزول آرمان‌خواهی در جامعه و... از جمله مصداق‌های تهدیدات نرم است. قابل ذکر است که این موارد زمانی، تهدیدات امنیت ملی ارزیابی می‌شود که به جریانی فراگیر و مداوم تبدیل شود.

تهدید سیاسی^۲ به ثبات قدرت سیاسی محدود است. حاکمیت و شکل حکومت دو عنصر اساسی قدرت سیاسی هر کشور است. کاهش مشروعیت و مقبولیت، مشارکت و نفوذ نظام سیاسی، عدم وحدت و انسجام رهبری، عدم اجماع در قوای سه‌گانه، نفوذ قدرتمندان اقتصادی بر مصادر سیاسی، ساختار سیاسی ناهمگون، براندازی، تغییر رژیم، تغییر قانون اساسی، نفوذ مخالفان در قدرت و... مهم‌ترین موارد تهدید سیاسی به شمار می‌رود.

تهدید اقتصادی^۳ در مقایسه با تهدیدات دیگر، ماهیتی پیچیده و چندوجهی دارد. برخی از صاحب‌نظران، تهدید اقتصادی را درزمره تهدیدات امنیت ملی نمی‌دانند، اما کشورهایی که رفاه اقتصادی برای آنها هدفی حیاتی تلقی می‌شود، هر تحولی در آن به مثابه تهدیدی علیه امنیت ملی آنها ارزیابی می‌شود. اساساً اقتصاد در عصر جدید از عناصر پایدار و ثابت هر نظام سیاسی است و لذا تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی می‌تواند نظام‌های سیاسی را متزلزل کند. به همین دلیل از حربه‌های کارآمد قدرت‌های بزرگ در برابر دولت‌های مخالف، ابزار تحریم اقتصادی است.

تهدیدات زیست‌محیطی: نگاهی اجمالی به تحولات و وقایع جوامع بشری نشان می‌دهد که مباحث زیست‌محیطی از مؤلفه‌هایی است که بسیاری از تهدیدات مطرح علیه جوامع بشری از آنها نشئت می‌گیرد. این تهدیدات، هرچند در ظاهر، بعد غیر امنیتی دارد و صرفاً تهدیداتی طبیعی جلوه می‌کند، اما در عمل، تهدیداتی است که امنیت جامعه و در نتیجه امنیت ملی کشورهای محل وقوع را تحت تأثیر

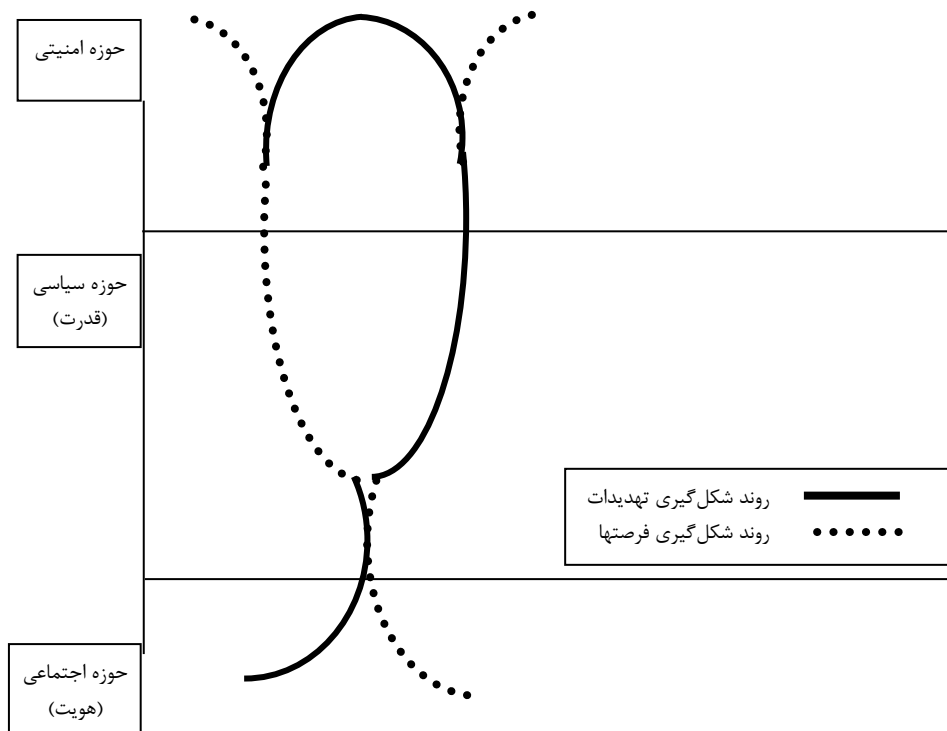
1. Social and cultural threat
2. Political threat
3. Economic threat

قرار می‌دهد. آثار و پیامد حوادثی مانند سیل سال ۲۰۱۰ پاکستان، سونامی ۲۰۰۴، توفان کاترینا و... بر امنیت کشورهای محل وقوع، بسیار قابل توجه بود و در اغلب موارد از آثار و پیامدهای جنگ‌های این کشورها فراتر بوده است (لطفی و نامی، ۱۳۹۰: ۶).

تهدیدات ترکیبی: امروزه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع بشری آنچنان بهم وابستگی متقابل دارد که هر نوع تهدید در یک بعد، ابعاد دیگر را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد؛ یعنی تهدید سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز تهدید نظامی و یا نتیجه تهدید اقتصادی باشد یا تهدید فرهنگی زمینه‌ساز تهدید سیاسی و مآلاً تهدیدات نظامی را به دنبال داشته باشد.

چگونگی شکل‌گیری تهدیدات

هیچ پدیده‌ای بدون مقدمه شکل نمی‌گیرد. ویل دورانت معتقد است هیچ کدام از آداب و رسوم امروز بشر را نمی‌توان یافت که در گذشته ریشه نداشته باشد (تصویر ۷).



تصویر ۷: چگونگی شکل‌گیری تهدیدات امنیتی

مصادق‌شناسی تهدیدات^۱

در بسیاری اوقات بین مسائل امنیتی، غیرامنیتی و یا ضدامنیتی و تهدید و غیرتهدید اشتباه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، گاهی اوقات مفاهیمی مانند آسیب، مشکل، خطر، بحران و تهدید به جای همدیگر استفاده می‌شود و این در حالی است که هر یک از این مفاهیم به امری متمایز از دیگری دلالت دارد.

آسیب^۲

آسیب در قاموس فارسی به معنای آزار، گزند، درد، رنج، صدمه، زیان و خسارت و در اصطلاح، تمام کمبودها و یا کاستی‌هایی است که جنبه داخلی دارد و از ناحیه درون به تضعیف ضریب امنیتی جامعه می‌پردازد. آسیب‌شناسی که از ریشه یونانی Patho به معنای رنج، محنت و احساسات غضب و Logy به معنای دانش و شناخت ترکیب یافته است، به معنای ناخوش‌شناسی، مرض‌شناسی، علم تشخیص امراض، مطالعه عوارض و نشانه‌های غیرعادی به کار می‌رود. آسیب‌شناسی در اصطلاح علوم طبیعی، مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ساختار انسانی در مشابَهت کالبد انسانی با کالبد جامعه است. اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی و انحرافات و بیماری‌های اجتماعی به کار می‌رود. بنابراین، آسیب‌ها شامل نقاط ضعف، کمبودها، کاستی‌ها و شکاف‌ها و ناهنجاری‌هایی است که در کشور وجود دارد و می‌تواند ضریب امنیتی را کاهش دهد. از این نظر اگر بتوان آنها را در چارچوب ضوابط موجود و با اتکا به توانمندی‌های بالفعل حل و فصل کرد، اطلاق عنوان موضوع امنیتی بر آن کاملاً نادرست است و از همین رو یکی از مهم‌ترین محورهای مورد توجه متخصصان و مجریان جنگ‌های روانی، یافتن نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمن به منظور طراحی عملیات و هجوم بر آن نقاط است.

متخصصان جنگ‌های روانی با نشانه‌گذاری و مشخص کردن آن نقاط و بزرگ و عمده کردن آنها خواهند توانست ضربات تخریبی، کوبنده و کارسازی بر روحیه و پیکره دشمن وارد کنند، زیرا آسیب‌پذیری به هر موقعیت و حالتی اطلاق می‌شود که هویت فردی و یا جمعی را مستعد خسارت، فریب و شکست می‌سازد. جان کالینز درباره آسیب‌پذیری یک ملت می‌نویسد: «میزان حساسیت هر ملت و یا نیروی نظامی به گونه‌ای که بتوان با به کارگیری توان و ابزار نظامی و غیره از توان و کارایی آن ملت و نیروی نظامی کاست».

1. Associative Threats
2. Damage

به اعتقاد باری بوزان جدا کردن تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها گویای تقسیم مهمی در سیاست امنیت است. به عبارت دیگر سیاست امنیت ملی می‌تواند بر مسائل داخلی متمرکز شود و در پی کاهش آسیب‌پذیری‌های خود دولت یا حالت تمرکز بر مسائل خارجی داشته و درصدد کاهش تهدید خارجی از طریق منابع ذی‌ربط آن باشد. در واقع، این بیان بدین معناست که امنیت، تعامل میان تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هاست (تاجیک، ۱۳۷۶).

برای یافتن آسیب‌پذیری‌ها و قضاوت در مورد اینکه دشمن از کدام نقطه ضربه را وارد می‌آورد، الگوی از پیش تعریف شده‌ای وجود ندارد. کشورهای مختلف دارای نظام‌های ارزشی - هنجاری متفاوت هستند و در نتیجه فهم و درک متفاوتی از فعالیت‌های سیاسی دارند و آسیب‌پذیری‌های خود را نیز بر همین اساس تعریف می‌کنند. اساس و بنیان سوء برداشتها در شناسایی آسیب‌پذیری‌ها نیز در همین مسئله نهفته است. در عین حال از جمله نقاط آسیب‌پذیری که مورد توجه دشمن و مخالفان هر نظام سیاسی قرار می‌گیرد، این موارد است:

در بعد اقتصادی: شکاف فرهنگ اقتصادی جامعه و واقعیت‌های اقتصادی موجود و وجود اقتصاد بیمار و بی‌ثبات، شکاف فقیر و غنی و...؛

در بعد نظامی: روابط خصمانه بین فرماندهان و زیردستان، نبود نظم، نبود آگاهی‌های سیاسی و عقیدتی کافی، وجود تبعیض بین نیروهای مسلح و...؛

در بعد سیاسی: عدم ثبات سیاسی، ناامنی سیاسی، سیطره و نظارت‌نداشتن حکومت مرکزی بر تمام نقاط و مسائل گوناگون کشور، انشقاق و اختلاف سیاسی؛

در بعد اجتماعی: اصول اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی، برتری‌دادن منافع شخصی، گروهی و قومی بر منافع و مصالح ملی و ایدئولوژیک و وجود اختلاف دینی، مذهبی، نژادی و طبقاتی و... (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

خطر^۱

آیا «خطر» همان تهدید است؟ بسیاری، مفهوم «خطر» و «تهدید» را مترادف به کار می‌برند و هیچ‌گونه تمایز و یا تعاملی بین این دو نمی‌بینند. در حالی که تفاوت ظریفی میان خطر و تهدید وجود دارد. خطر در لغت نزدیکی به هلاکت و نابودی است. از همین رو، خطر چیزی نیست مگر تهدید بالفعل و به همین ترتیب، برخی تهدید را خطر بالقوه تعریف می‌کنند؛ لذا وقتی تهدیدات از شکل ذهنی و

1. Risk

انتزاعی خود خارج می‌شود و به اصطلاح، بیخ گوش هدف قرار می‌گیرد، عینیت پیدا می‌کند، زمانی است که خطر پدیدار می‌شود. با این تعریف مشخص شد که مسائلی که در زمره آسیب‌ها به‌شمار می‌آید، نباید اطلاق «خطر» به آنها داده شود؛ زیرا آسیب‌ها یک رتبه پایین‌تر هستند. در واقع، آسیب‌ها در هر واحد سیاسی این امکان را دارد که به تهدید تبدیل شود و تهدیدات نیز ممکن است به حوزه مسائل خطرناک وارد گردد. به‌عنوان مثال، عنصر رضایت در جامعه ممکن است دچار آسیب شود؛ یعنی زمانی که در جامعه تعدادی از افراد ناراضی باشند، این آسیب به‌شمار می‌رود، اما زمانی که این ناراضی‌ها افزایش یابد و ثبات و امنیت جامعه را مورد هدف قرار دهد به چنین وضعیتی تهدید اطلاق می‌شود. حال اگر این وضعیت صورت بالفعل پیدا کند و به اغتشاشات و تحرکات خیابانی منجر شود، در واقع، تهدید فعلیت یافته و به خطر تبدیل شده است (معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، بی‌تا: ۳۴).

بحران^۱

«بحران» یکی دیگر از مفاهیمی است که با «تهدید» ارتباط بسیار زیادی دارد. بحران از ریشه یونان Krinon به معنای نقطه عطف به‌ویژه در مورد بیماری و همچنین به معنای بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گرفته شده است. تعاریف مختلفی از بحران شده است؛ از جمله: ۱. هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد و حالتی از نابسامانی ایجاد شود یا نظمی مختل شود و یا حالتی غیر طبیعی پدید آید، بحران مطرح می‌شود. ۲. به‌وجود آمدن حالت غیر معمول یا غیر متعارف در جریان حرکت سامانه یا نظام. ۳. شرایط و اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد امنیت. ۴. هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود. ۵. یک ضربه شدید به سامانه بین‌المللی که آن را از تعادل خارج می‌کند یا نوعی مرز، نقطه عطف با گردش و یا دسته‌ای حوادث و وقایع که به سرعت به‌وجود می‌آید و تعادل نیروها را در سامانه کلی بین‌المللی یا سامانه‌های فرعی، بیشتر از حد متعارف برهم می‌زند و شانس و امکان تشدید تخاصم در نظام را افزایش می‌دهد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۵).

این تعاریف نشان می‌دهد که تهدید یکی از ویژگی‌های ذاتی بحران‌هاست. در این زمینه، «آنتونی واینرو» و «هرمان کان» در تحقیقی علمی، دوازده ویژگی را برای بحران ذکر می‌کنند که از جمله آنها این است که بحران تهدیدی واقعی نسبت به هدف‌ها و مقاصد و عوامل دیگر است (قائدی، ۱۳۸۲: ۳۷). یکی از تعاریف مناسب و گویا از بحران به تعریفی مربوط است که واژه بحران را معادل فرصت خطرناک، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت دانسته است (معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، بی‌تا:

1. The crisis

۲۴). در یک نگاه، بحران، مقوله‌ای است که همه جوامع کم‌وبیش با توجه به ماهیت و فعالیتشان به گونه‌ای با آن روبه‌رو هستند. یکی از راهکارهای مهم در مدیریت بحران‌ها، تهدیدشناسی است که باید چارچوب و بستر لازم آن را شناسایی و فراهم کرد و نقشه خطرپذیری تدوین شود. تهیه نقشه خطرپذیری در پیشگیری و حتی مدیریت بحران از ضروریات است که علاوه بر تهیه نقشه، نیازمند سیاست‌گذاری درست و وجود ساختار مناسب است. این نقشه‌ها در تهدیدشناسی باید کاربردی و عملیاتی باشد (جدیدی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). از سوی دیگر، بحران از دیدگاه روش تصمیم‌گیری به وضعیتی گفته می‌شود که سه جزء اصلی دارد:

۱. تهدید: وضعیتی که هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند.
 ۲. زمان: زمان واکنش را برای تصمیم‌گیری محدود می‌کند.
 ۳. غافلگیری: عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند.
- با لحاظ کردن شدت تهدید، تداوم زمانی و درجه آگاهی، بحران‌ها را می‌توان به بحران‌های شدید، نوظهور، کند، ویژه، انعکاسی، برنامه‌ای (عمدی)، عادی و اداری تقسیم کرد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۳).
- بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بحران‌ها حاصل عوامل تهدیدساز است. هر قدر تهدیدات، سطوح ارزش‌های حیاتی نظام را هدف قرار دهد، در پی آن، وضعیت بحرانی نیز شدیدتر می‌شود. به عبارت دیگر، برای شناخت بحران‌ها به شناخت تهدیدات و درجه تهدیدات نیاز است. برای بهتر شناختن وضعیت‌های مختلف در هر واحد سیاسی و یا چگونگی تبدیل یک مسئله به موضوع امنیتی به آگاهی از معیارها و ملاک‌های دقیق وضعیت‌های مختلف نیاز است.

شاخص‌های جداسازی تهدیدات

- برای اینکه یک مسئله در داخل کشور به موضوع امنیتی یعنی آسیب یا مشکل، تهدید یا خطر و بحران تبدیل شود، حداقل سه شاخص اصلی را باید مدنظر قرار داد:
۱. زمان: این شاخص به طول دوره‌ای اشاره دارد که یک مسئله حل نشده مانده است.
 ۲. تعداد: این شاخص به افرادی مربوط است که تحت تأثیر مسئله هستند.
 ۳. ضریب تأثیر: این شاخص به برآورد و درجه تأثیرپذیری ارزش‌های هر واحد سیاسی معطوف است. ارزش‌های هر واحد سیاسی به چهار دسته طبقه‌بندی می‌شود. این ارزش‌ها حیاتی (که اصولاً با بقای واحد سیاسی درگیر است) است. ارزش‌های حیاتی، مهم و ارزش‌های حاشیه‌ای (قبلاً بیان شد) (باقری و یوسفی، ۱۳۸۷: ۴۳).

۱. وضعیت آسیب‌ها یا مشکلات: در این وضعیت مدت زمان وجود آسیب و حل‌نشده ماندن آن و همچنین تعداد افراد تحت تأثیر آن اندک است؛ به عبارتی هر دو بعد غیرفعال است؛ اما از سوی دیگر، ارزش‌های مهم و حیاتی مورد هدف است. ترکیب این سه عنصر بار امنیتی آن را کم می‌کند، اما در عین حال امکان طرح در حوزه مباحث امنیتی را دارد.
۲. وضعیت تهدید و خطر: در این وضعیت یکی از دو بعد زمان یا تعداد به صورت فعال در می‌آید و ارزش‌های حیاتی و فوق‌حیاتی به مخاطره افتاده است. از این رو، بار امنیتی این وضعیت به این دلیل که یکی از ابعاد را ندارد در زمره موضوعات متعارف مباحث امنیتی قرار می‌گیرد.
۳. وضعیت بحران: در این وضعیت یک مسئله از همه ابعاد سه‌گانه برخوردار است؛ یعنی زمانی که مسئله به وجود آمده حل‌نشده مانده و در عین حال تعداد تحت تأثیر آن دچار توسعه شده و به تدریج این ارزش‌های حیاتی را مورد هدف قرار داده است؛ طولانی است و به همین دلیل، بحران‌ها همیشه موضوع انحصاری مباحث امنیتی را تشکیل می‌دهند (معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، بی تا: ۲۴).

جمع‌بندی

مسئله این است که یک تهدید چه موقع به موضوع امنیت ملی تبدیل می‌شود. این به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی بودن آن بستگی دارد. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت است از: ۱. مشخص بودن هویت آن، ۲. قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، ۳. شدت احتمال وقوع آن، ۴. میزان پیامد احتمالی آن، ۵. اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدید می‌شود یا خیر. چنانچه از دیگر نظریات، وضعیت مساوی باشد، هر قدر تهدید جدی‌تر باشد، استناد به امنیت ملی برای کاهش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود. البته مسئله این است که همه این متغیرها قابل اندازه‌گیری نیست و یا حتی نمی‌توان آنها را به دقت برآورد کرد و اغلب در حالت پیچیده‌ای رخ می‌دهد که سبک و سنگین کردن آنها در طیف جدی تهدیدات، بسیار مشکل می‌نماید. با این حال، انواع دیگری از تهدید هست که از لحاظ زمانی پیچیده‌تر است. هیچ کس به درستی نمی‌داند تغییرات شدید آب‌وهوا در آینده چقدر جدی است و نمی‌توان با قاطعیت گفت که برای رعایت نسبت هزینه‌ها و کارایی لازم، چه موقعی باید واکنش نشان داد. محاسبه میزان احتمال وقوع اغلب تهدیدات امنیت ملی از کارهای بسیار مهم است.

در مقام ارزیابی تهدیدات، مسئله احتمالات را باید با پیامدهای آن سنجید. آیا اگر تهدید عملی

شود، پیامدهای جدی به دنبال خواهد داشت؟ برآورد تهدید به این سبک، از مسائل اساسی سیاست امنیتی است. ارزیابی دقیق خطر یا احتمال بروز آن نیازمند توانایی کافی پیش‌بینی است که در روابط بین‌المللی، این توانایی وجود ندارد. تهدیدات همچنین بُعد تاریخی دارد که به پیچیدگی ارزیابی می‌افزاید. یک جنبه از این امر مربوط است به اینکه چگونه به تهدیدها نگرسته می‌شود. تهدیدی که با تجربه تاریخی دولتی جور باشد، ممکن است در حساسیتی که ایجاد کرده است، به راحتی شدت یابد.

منابع

۱. آزر، ادوارد و چون، این‌مونگ (۱۳۷۷)، ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیاسی، سیاست دفاعی، ش ۲۲.
۲. آزر، ادوارد و چون، این‌مونگ (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، دانشنامه سیاسی، چ شانزدهم. تهران: نشر مروارید.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، کالبدشکافی تهدید، تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع).
۵. ایکنبری، جی.جان (۱۳۸۲)، تنها ابرقدرت، هژمونی امریکا در قرن ۲۱، ترجمه علی‌رضا فضلی‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۶. باقری، سیامک و یوسفی، جعفر (۱۳۸۷)، مهندسی عملیات روانی، بازخوانی مطالعات و ایده‌پردازی، ویژه‌نامه تأثیر، تهران: معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.
۷. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. بوزان، باری و ویورالی، دووولد پاپ (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علی‌رضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. بوزان و دیگران (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علی‌رضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶)، مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی، مجموعه مقالات

- ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
۱۱. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علی رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. جدیدی، احمد (۱۳۹۵)، پدافند غیرعامل؛ مدیریت بحران در عرصه تهدیدات دفاعی - امنیتی. فصلنامه مدیریت بحران، س هشتم، ش ۲۸.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، ج ششم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
۱۵. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۱۶. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳۳.
۱۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی شناخت و روش، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۱۸. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، فرهنگ استراتژیک، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۱۹. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، مبانی تروریسم شناسی، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۲۰. قائدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، مؤلفه های نظری بحران، مجله راهبرد، ش ۲۸.
۲۱. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، قدرت و هویت، ج دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۲۲. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۹)، مدیریت بحران های بین المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: ۱۵.
۲۳. گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی، شاخص ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۴. گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۵. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گونه شناسی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق

امنیت، س سوم، ش هشتم.

۲۶. مرادیان، محسن (۱۳۸۸). تهدیدات، اصول و مبانی، تهران: انتشارات شهید صیاد شیرازی.

۲۷. معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج (بی‌تا)، گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای آن. تهران: نیروی مقاومت بسیج.

۲۸. معاونت سیاسی سپاه (۱۳۹۰). برآورد تهدیدات امنیت ملی و سازمان عقیدتی سیاسی، حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه. تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه.

۲۹. مکنزی، کنت (۱۳۸۲)، جنگ نامتقارن، ترجمه عبدالحمید حیدری و محمد تمنایی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.

۳۰. هاشمی، سیدحمید (۱۳۹۰)، جنگ نرم در دنیای معاصر، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

1. Brauch H.G. (2011) Concepts of Security Threats, Challenges, Vulnerabilities and Risks. In: Brauch H. et al. (eds) Coping with Global Environmental Change, Disasters and Security. Hexagon Series on Human and Environmental Security and Peace, vol 5. Springer, Berlin, Heidelberg.
2. Premaratne, Upeka (8 September 2016). "Reconciling the Irreconcilable: The Use of Reasonable Consequentialism for the Conundrum of National Security and Fundamental Rights". Retrieved 11 November 2016.

بنیان‌های جامعه‌شناسی گسست در امنیت ملی عراق نوین

فریبرز ارغوانی پیرسلامی^۱

سید جواد صالحی^۲

مرضیه عابدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

چکیده

هدف این مقاله آن است تا معما و گسست در امنیت ملی عراق نوین (دوره پساصدام) را در بستر شاخص‌های جامعه‌شناختی این کشور مورد مطالعه قرار دهد. جامعه عراق موزاییکی از شکاف‌های اجتماعی است که در زمان حکومت بعثی - سنی در فرایند همسان‌سازی، سرکوب می‌شدند و پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ زمینه مساعدی برای فعال‌شدن این شکاف‌ها فراهم شد؛ به گونه‌ای که با تجمع نیروهای اجتماعی حول این شکاف‌ها، به‌عنوان کنشگران اصلی داخلی مجال ابراز وجود در صحنه قدرت را یافتند که بازتاب اصلی آن در خشونت‌های قومی - مذهبی و فقدان حکومت مرکزی قوی بوده است. این مقاله با طرح این سؤال که بنیان‌های جامعه‌شناختی عراق چه تأثیری بر گسست امنیت ملی این کشور در دروان جدید (بعد از اشغال) داشته است؟ این فرضیه را مورد بررسی قرار می‌دهد که شکاف‌های اجتماعی به‌عنوان نمود اصلی بنیادهای جامعه‌شناختی، با تغییر توازن هویت‌های موجود از منظر پایگاه قدرت، عمق بیشتری یافته و با تناظر هرچه بیشتر آنان زمینه برای ایجاد چالش‌های امنیتی مهیا شده است. یافته‌های این پژوهش با اتکاب رویکرد نظری امنیت جامعه‌ای و روش توصیفی - تبیینی نشان می‌دهد که از میان کنشگران اصلی شیعی، سنی و کردی، اهل سنت به‌دلیل تصورات هویتی و احساس ناامنی ناشی از پایین کشیده‌شدن از مسند قدرت، انگیزه بسیار بالاتری برای ابراز خشونت و حمایت از گروه‌های معارض دارد. از سوی دیگر با توجه به وجود نوعی پیوند هویتی میان بازیگران داخلی عراق با کشورهای هویت‌محور منطقه غرب آسیا، نزاع‌های داخلی عراق، بین‌دولتی شده و به تبع آن، مدیریت امنیت ملی عراق را بسیار پیچیده‌تر می‌سازد.

کلید واژه‌ها: امنیت ملی؛ عراق؛ شکاف‌های اجتماعی؛ امنیت جامعه‌ای؛ هویت

مقدمه

امنیت ملی، یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های هر کشور به‌شمار می‌رود که براین اساس، مفهوم امنیت ملی برای دولت - ملت از چنان قداست والایی برخوردار است که ضروری است تمامی اهداف و سیاست‌های ملی را برای دستیابی به آن بسیج کرد. اغلب تصور می‌شود که امنیت در سطح درون دولت - ملت‌ها اهدافی چون دموکراسی و توسعه و در سطح بین‌المللی نیز اهدافی چون صلح را مدنظر قرار می‌دهد، لیکن امروزه نگرش‌های شالوده‌شکن در مطالعات امنیتی، اهداف امنیتی را نسبی و بسیار پیچیده می‌بیند. نکته دیگر اینکه اهداف امنیتی ضرورتاً در موازات همدیگر حرکت نمی‌کنند. در همین راستا مطرح شدن دیدگاه موسع امنیت در پارادایم‌های جدید در مقابل دیدگاه‌های مضیق، افق نسبتاً متفاوتی را جهت تبیین و کنکاش مسائل امنیتی ارائه می‌دهند و به تبع آن، انحصار مرجعیت دولت را در مسائل امنیتی با چالش مواجه کرده‌اند.

کشور جمهوری عراق فعلی را با نام کهن سومری و پیشینه تمدنی در هزاره پنجم قبل از میلاد می‌توان یکی از کشورهای مهم مجموعه امنیت منطقه‌ای غرب آسیا به‌شمار آورد. پس از تهاجم نظامی آمریکا در مارس سال ۲۰۰۳ به عراق و اشغال آن، این کشور شاهد تغییر و تحولات گسترده و عمیقی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیک شده است. از جمله تحولات روی داده در عرصه داخلی، شکل‌گیری حکومت رسمی در قالب فدرالیسم است. در نگاه نخست با توجه به ساختار متنوع قومی در عراق این نوع حکومت، ایدئال‌ترین حکومت ممکن در عراق است؛ اما با نگاهی دقیق‌تر متوجه عارضه تعمیق شکاف‌های داخلی به‌عنوان بخشی از چالش این نوع حکمرانی به‌ظاهر ایدئال خواهیم شد.

اعتقاد و گرایش به نهادینه‌شدن مطلوب نظام‌های دموکراتیک در عراق را می‌توان براین اساس مبتنی دانست که هنگامی که نظام‌های دموکراتیک به نحو مطلوب نهادینه شوند، به اعضای گروه‌های قومی، فرصت انتخاب نخبه سیاسی، موقعیت اقتصادی و دستیابی به جایگاه اجتماعی داده می‌شود و مشارکت سیاسی خشونت قومی را که ناشی از تمایل به کسب جایگاه اجتماعی است - منبع اصلی بحران قومی - را کاهش خواهد داد. اما باید در نظر داشت که یک عراق دموکراتیک یا فدرال خطر جنگ و هرج‌ومرج را به وجود می‌آورد؛ چرا که به دلیل وجود عامل بالقوه درگیری در عراق، تهدیدات امنیتی در سطح بالایی وجود دارد (Al-Qarawee, 2014: 4). همچنین باید در نظر داشت که رشد هویت‌های قومی احساس وحدت ملی را کاهش می‌دهد و پیوند میان مناطق و مرکز را کم می‌کند. به علاوه به دلیل ضعیف‌بودن دولت، گروه‌ها مسلح‌شدن را آسان‌تر می‌دانند. نکته قابل‌ذکر دیگر اینکه، یک دولت

فدرال اگر به‌جای منطقه‌گرایی مبتنی بر قومیت‌گرایی^۱ باشد، می‌تواند امکان ایجاد بی‌ثباتی را افزایش داده و گستره‌ای از خشونت‌های مدنی گسترده و محدود را به‌همراه سایر معضلات امنیتی در پی داشته باشد.

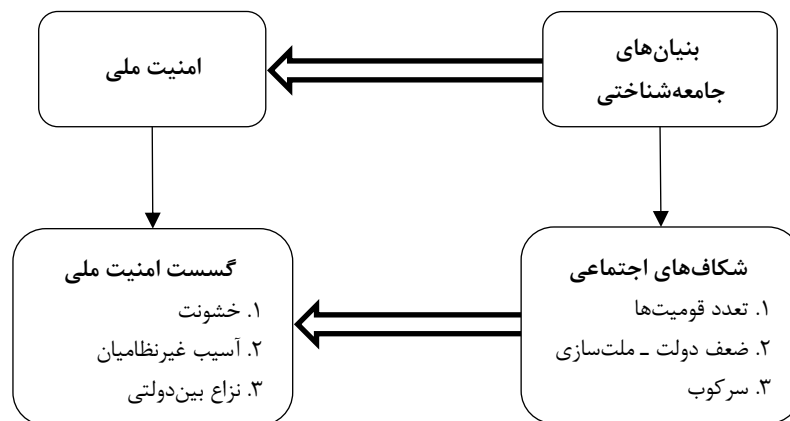
موضوع امنیت ملی عراق، محور آثار مختلفی بوده است. حسن الکرای (۲۰۱۴) در قالب یک پژوهش، مسئله بحران قومی عراق را از منظر تبعیض و اکاوی کرده است. شرکو کیرمانج (۲۰۱۳) نیز بحران هویت و ملت را در عراق و اکاوی کرده و چالش‌های عراق را از این منظر بررسی کرده است. در حالی که این دسته از منابع موضوع امنیت را ندیده‌اند. برخی منابع دیگر مانند گومبرت و همکاران (۲۰۱۰) گرچه به امنیت در عراق پرداخته‌اند، اما صرفاً بر پیامدهای ترک نیروهای خارجی به‌عنوان چالش می‌نگرند. دیوید تالر و همکاران نیز بر همین مدار موضوع امنیت در عراق را واکاوی کرده‌اند. کالیواس و کوچر (۲۰۰۷) نیز به شکاف‌های قومی از منظر تأثیر آن بر جنگ نامنظم پرداخته و ویتنام را نمونه‌ای در کنار عراق معرفی کرده است. با توجه به این آثار، می‌توان نوآوری این مقاله را در واکاوی امنیت ملی عراق در قالب دیدی جامع‌نگر و با تأکید بر گسست‌های موجود در مبانی جامعه‌شناختی جامعه عراق دانست.

هدف این مقاله در کنار هم قراردادن زمینه‌های جامعه‌شناختی و گسست موجود در امنیت ملی عراق است.

با علم به این خلأ به‌ویژه عدم توجه هم‌زمان به موضوع بنیان‌های جامعه‌شناختی و موضع امنیت، مفروض ما این است که تهدیدات سیاسی و اجتماعی قومیت در شرایطی، امکان بروز پیدا می‌کند که شکاف‌های سیاسی ناشی از هویت‌های گروهی قومی فعال شده باشد. در این راستا با فعال شدن شکاف‌های اجتماعی جامعه عراق، بعد از سال ۲۰۰۳ در بستر نظام دموکراتیک فدرال، این کشور با گستره‌ای از تهدیدات چالش‌های امنیتی و سیاسی از تقلیل سطح مشروعیت دولت تا خشونت‌های خونبار داخلی مواجه شده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تبیینی طرح این سؤال که

۱. در ماده چهارم آخرین نسخه قانون اساسی موقت عراق، نظام حکومتی در عراق، جمهوری، فدراتیو، دموکراتیک، چندحزبی و فراگیر خواهد بود و تقسیم قدرت در آن، میان حکومت فدرال (مرکزی) و حکومت‌های ایالتی و استان‌ها و شهرداری‌ها و اداره‌های محلی تقسیم خواهد شد و سیستم فدرالی براساس واقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی و اصل تفکیک قواست، نه براساس اصل قومی یا مذهبی یا طایفه‌ای. (متن کامل آخرین نسخه قانون اساسی موقت عراق) اما برخلاف این ماده قانونی سهم‌خواهی از قدرت در عرصه واقعی سیاست کاملاً حول قومیت و مذهب تدوین یافته است.

بنیان‌های جامعه‌شناختی عراق چه تأثیری بر گسست امنیت ملی این کشور در دروان جدید (بعد از اشغال) داشته است؟ این فرضیه را مورد بررسی قرار می‌دهد که شکاف‌های اجتماعی به‌عنوان نمود اصلی بنیادهای جامعه‌شناختی، با تغییر توازن هویت‌های موجود از منظر پایگاه قدرت، عمق بیشتری یافته و با تناظر هرچه بیشتر آنان، زمینه برای ایجاد چالش‌های امنیتی مهیا شده است. در این راستا با رویکرد موسع امنیت و طرح امنیت جامعه‌ای مکتب کپنهاگ، بررسی این شکاف‌ها و مباحث هویتی برآمده از دل آن، نه صرفاً به‌عنوان گزاره‌ای از امنیت برای دولت، بلکه در مسند مرجعی مستقل در امنیت ملی عراق جایگاه خاص خود را دارد.



شکل ۱: بنیان جامعه‌شناختی امنیت در عراق

۱. چارچوب نظری: شکاف‌های اجتماعی و امنیت جامعه‌ای مکتب کپنهاگ
 شکاف اجتماعی عبارت است از خطوط گسست و تمایز در جامعه که موجب تقسیم و تجزیه جمعیت به بخش‌ها، طیف‌ها و گروه‌بندی‌های متعدد می‌شود و این گروه‌بندی‌ها ممکن است با کسب خودآگاهی، سازمان‌یابی و تشکل سرانجام با انجام کنش سیاسی موجب تأثیر بر زندگی سیاسی شود و از این طریق، مورد مطالعه زندگی سیاسی واقع شود. قاعده کلی جامعه‌شناختی این است که زندگی برای هر کشور به شیوه‌هایی گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار دارد. نوع و شمار شکاف‌های اجتماعی و نحوه صورت‌بندی و ترکیب

آنها تنوع جامعه‌شناسی کشور را سبب می‌شود. در بررسی شکاف‌های اجتماعی باید به تنوع‌های اجتماعی و تاریخی توجه داشت. برحسب چنین تنوعاتی می‌توان شکاف‌های اجتماعی را به شکاف‌های فعال و غیرفعال تقسیم کرد. شکاف‌های اجتماعی وقتی فعال می‌شوند که بر پایه آنها گروه‌بندی‌های سیاسی تکوین یابند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۹) و با پیوند این شکاف‌ها به گروه‌های سیاسی و اهمیت یافتن منافع متداخل، مسئله امنیت و شیوه تحلیل آن مهم می‌شود.

در بحث امنیت از دید بوزان، دولت دیگر تنها مرجع امنیت محسوب نمی‌شود، افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی، رسانه‌ها و تروریسم، همگی در وجوه امنیت، مرجع هستند. همچنین بوزان امنیت را موضوعی بین‌ذهنی تعریف می‌نماید و بیان می‌کند که مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن ارجاع دهند و به برخی پدیده‌ها به‌عنوان تهدید نگاه کنند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۴). از این منظر، موضوعی که برای یک جامعه شدیداً امنیتی است، ممکن است در جامعه دیگر اصلاً امنیتی نباشد. نکته قابل توجه اینکه در بخش امنیت اجتماعی مرجع امنیت، هویت است. در این بین، دو عامل اساسی در تبدیل مسائل هویتی به تهدید وجودی و امنیتی شدن نقش دارند؛ نخست، مسئله تصورات صاحبان هویت است و اینکه حساسیت آنها به چه باشد. به‌طورمثال، ممکن است برای برخی از هویت‌ها، مهاجرت و اختلاط نژادی بسیار مهم و تحریک‌پذیر باشد تا جایی که آن را به یک موضوع امنیتی تبدیل کند؛ دوم آنکه تهدیدات اجتماعی منجر به دامن‌زدن به کشمکش و منازعه میان دولت‌ها شود (Sedivy; 2004: 461).

در نظریه بوزان تا پیش از ۱۹۹۳، جامعه یکی از وجوه دولت و هویت گروه‌ها، یکی از موضوعات نگرانی و دغدغه دولت بود، اما در سال ۱۹۹۳ و در پی شعله‌ور شدن جنگ‌های نژادی و قومی در اروپای شرقی (در پی فروپاشی شوروی)، جامعه به‌مثابه گروه‌های اجتماعی، هم یکی از ابعاد امنیت دولت می‌ماند و هم به مرجع امنیت ارتقا می‌یابد. بر این اساس، نخست، امنیت جامعه به‌خودی‌خود اهمیت دارد، زیرا موجودیت‌های زیادی هستند که فاقد دولت هستند و تهدید علیه هویت آنها - به‌عنوان واقعیت سیاسی - اهمیت راهبردی دارد. دوم، در بسیاری مواقع، مرزهای سیاسی با تمایزهای جامعه‌ای انطباق ندارند؛ چراکه گروه‌های مختلف اجتماعی، مورد ستم دولت خود نیز قرار می‌گیرند و تحکیم امنیت اکثریت گاهاً علت یا علامت تضعیف هویت اقلیت است (Roe, 2005, رک نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۹). سوم، موضوع امنیت جامعه‌ای هویت، اهمیت کیفی دارد. امنیت جامعه‌ای به تهدیدهایی می‌پردازد که حیاتی‌اند، یعنی اگر گروهی هویت خود را از دست دهد، دیگر

مایی در میان نیست که به ترمیم و ارتقای آن اقدام شود. این در حالی است که ضعف اقتصاد، عقب‌ماندگی نظامی، ناکارآمدی سیاسی و فاجعه زیست‌محیطی، به نحوی قابل احیا هستند. نکته دیگری که احتمالاً در نظریه بوزان و همکارانش موجب سوءبرداشت می‌شود، مرز بین گروه اجتماعی و جامعه است. از دید وی، هر گروه اجتماعی را نمی‌توان جامعه نامید و موضوع امنیت جامعه‌ای قرار داد. گروه‌های اجتماعی باید به اندازه‌ای مهم باشند که بتوانند به‌طور مستقل از دولت، مرجع امنیت قرار گیرند. آنها باید بتوانند مانند دولت به‌صورت واحدهایی در نظام بین‌الملل عمل کنند؛ به عبارت دیگر، امنیت جامعه‌ای، ناظر بر امنیت کل جامعه است و نه امنیت گروه‌ها. جوامع یا جامعه‌ها به آن دسته از گروه‌های اجتماعی موجود در جامعه اطلاق می‌شود که قادرند دوشادوش دولت به‌عنوان واحدهای سیاسی مهم در نظام بین‌الملل مطرح شوند (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۴۳). نکته ظریف دیگر به سطح تحلیل بوزان و همکارش ویور برمی‌گردد. پل رو درباب معمای امنیت تصریح می‌کند که مقصود بوزان از امنیت جامعه‌ای، واحدهای شبه‌دولت هستند که اهمیت بین‌المللی دارند، مانند کردها (Neocleous, 2006: 363). همچنین امنیت جامعه‌ای در مکتب کپنهاگ یک مفهوم مرکزی دارد و آن عبارت است از: هویت (بوزان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۲). هرگاه گروه احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی اجتماعی‌اش انکار، مهار یا دستکاری می‌شود، احساس ناامنی می‌کند (Kymlicka, 2002: 30-32). رک نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۰). تلاش جامعه برای ابراز هویت، اقدام هدف‌مند و اندیشیده برای ابراز خود و طرد دیگری تلقی می‌شود. همان‌گونه که دولت‌ها به‌محض گمان درمورد تهدید علیه حاکمیت خود دست به سلاح می‌برند، جوامع نیز هنگام احساس و نه درک و مشاهده مخاطره، علیه هویت و نه حاکمیت خود، مبادرت به ابراز آشکار خود می‌کنند و همین اقدام مبتنی بر گمان، معمایی پیچیده را تولید می‌کند. این موضوع در بحران عراق در حوزه امنیت ملی کاملاً قابل مشاهده است. چنانکه هویت اهل سنت در دوران نوین با درک و احساس طرد نسبت به شاکله کلی، واکنش‌های ضدامنیتی از خود نشان داد و در یک بازه زمانی، تقویت و اوج‌گیری فعالیت‌های داعش مظهری از این موضوع در عراق بود.

اگر ملتی از ادغام و یکپارچگی تعدادی از گروه‌های قومی مذهبی تشکیل شده باشد، به‌طوری‌که حیات ملی هر یک از گروه‌ها، تاریخچه‌ای جداگانه داشته باشد، گسترش عمومی ناسیونالیسم و اندیشه خودگردانی و استقلال می‌تواند برایش مرگبار باشد؛ همانند عراق (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶:

۱۹۱). از نگاه بوزان، به محض وقوع تهدیدات جامعه‌ای (مهاجرت^۱ و رقابت‌های عمودی^۲ و افقی^۳، به صورت موردی یا هم‌زمان) تلاش برای تکریم، ابراز یا احراز هویت مخدوش و منهدم، آغاز می‌شود. دفاع فرهنگی از فرهنگ اندیشه (هویت) که مورد تأکید ویور است، در این قبیل موارد، موضوعیت می‌یابد. به تعبیر وی دفاع از فرهنگ از طریق فرهنگ، در جنبش احیا و اصلاح اخلاق صورت می‌پذیرد. به عقیده ویور جریحه‌دار شدن و تحقیر، در اغلب موارد می‌تواند در خیزش ناسیونالیسم مؤثر باشد و هنگام بحران و رکود، روش بسیار جذابی است، زیرا پیوند با گذشته غرور آفرین، بی‌درنگ به انسان‌ها حس آرامش و غرور می‌بخشد و آنها را در مقابل موج شرم مصونیت می‌بخشد و بدین ترتیب، رشد ناسیونالیسم با تصویر آینده‌ای درخشان، در اعماق روح ملی شتاب می‌گیرد (Waver, 1995).

البته چنانکه بوزان نیز اذعان دارد؛ تهدیدات اجتماعی را نمی‌توان از تهدیدات سیاسی جدا کرد. بوزان، امنیت اجتماعی را توان حفظ و ایمنی الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی، نژادی و یک تحول یا ترتیبات جدید را به‌عنوان یک تهدید علیه بقایشان (هویت اجتماعی) تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۶)؛ موضوعی که در دوره پسا صدام، امنیت ملی در عراق را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و خونریزی، مهاجرت و جنگ قدرت، مثال‌ها و نمودهای برجسته آن به‌شمار می‌رود. شکل‌گیری داعش در بخش‌های سنی‌نشین و افزایش توان عملیاتی آن در برخی مقاطع، تلاش نافرجام کردها برای استقلال از طریق برگزاری همه‌پرسی و واکنش برخی از گروه‌های شیعی در برخی زمان‌ها به عدم توجه ائتلاف فراگیر به نقش تمامی گروه‌ها نمونه‌هایی هستند که در این بستر از قابلیت تفسیر برخوردارند.

۲. عراق و شکاف‌های اجتماعی: ریشه چالش امنیت ملی

کشور عراق در سال ۱۹۲۰، با جدایی از عثمانی به‌واسطه شکست در جنگ جهانی اول و

۱. مهاجرت اجباری مانند کوچاندن بخشی از جمعیت یک کشور به کشور دیگر و به‌هم‌ریختن توازن جمعیتی در کشور میزبان و نیز مهاجرت داوطلبانه عده‌ای به کشورهای مرفه و امن، هر دو می‌توانند در کشور مقصد و مبدأ، آمایش سرزمینی و پراکنش جمعیتی را دستخوش تحول نمایند، مانند کوچاندن جمعیت عرب‌ها و کردها از سوی صدام (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

۲. رقابت عمودی هنگامی پدیدار می‌شود که کشور یا مجموعه‌ای از کشورها تصمیم به یکپارچه‌سازی جمعیت بگیرند و مرزهای پیشین را محو نمایند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

۳. در رقابت افقی، مردم الف در منطقه خود به زندگی مشغولند، ولی به دلیل نفوذ فرهنگی و زبانی کوبنده فرهنگ که در همسایگی آنها ساکن شده‌اند، روش‌های خود را دگرگون می‌سازند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

به هم پیوستن سه ایالت عثمانی با مشخصه‌ها و فرهنگ‌های نسبتاً متفاوت، بصره، بغداد و کردستان، توسط انگلستان و براساس معاهده ساینس‌پیکو ایجاد شد. از آن پس تا چهاردهم ژوئیه ۱۹۵۸ و کودتای سرهنگ عبدالکریم قاسم، تحت پادشاهی دودمان هاشمی اداره شد. پس از کودتای قاسم، ایدئولوژی حکومتی در عراق معجونی از ناسیونالیسم عربی، سوسیالیسم و نظامی‌گری حاکم شد که با توتالیتاریسم بعثی صدام حسین، به فرجام خود رسید.

آنچه نظام بعثی را توانا می‌ساخت که الگوی حکومتی خویش را بر جامعه عراق حاکم کند، ضعف نیروهای اجتماعی بود. این ضعف ناشی از همان شکاف‌های متعارضی است که به صورت یک پدیده تاریخی، تبدیل به بخشی از گفتمان امنیتی عراق شده است و جامعه سیاسی عراق را به شدت در مقابل اجتماعی دولت، تضعیف می‌کند. با سقوط صدام، علاوه بر رژیم، اوضاع هم متحول شد و اقوام دیگر فرصت مغتنمی برای عرصه در فرایند سیاسی کشور یافتند.

قانون اساسی عراق که در پنجم سپتامبر ۲۰۰۵، تصویب و در همه‌پرسی ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ به تأیید ۷۸ درصد رأی‌دهندگان عراقی رسید، برای پیشبرد پروژه دموکراسی‌سازی، سیاست کثرت‌گرایی قومی را محور قرار داده است. مبنای این سیاست، عدول از ملت‌سازی یا هویت‌سازی مدرن است که بر پایه یکپارچه‌سازی فرهنگی و به‌ویژه یکپارچه‌سازی زبانی قرار داشت و بر این اساس، می‌توان آن را نوعی ملت‌سازی پسامدرن نامید (آشوری، ۱۳۸۸: ۲۶۹). در این چارچوب، رویکرد حقوقی، جایگزین رویکرد فرهنگی می‌شود و هویت ملی در رابطه با شهروندی دولت، تعریف می‌شود؛ یعنی برخورداری از حقوق و حمایت‌های قانونی و نیز به‌جا آوردن تکالیف شهروندی و نه هیچ عامل فرهنگی، تاریخی و نژادی (شوارتز منتل، ۱۳۸۸: ۲۴۹). یکی از پیامدهای مهم این جابه‌جایی، بازگشت از ایده یکپارچگی فرهنگ ملی و تک‌زبانی ملی به پذیرش چندگانگی فرهنگی و زبانی در درون یگانگی ملی است.

۲- ۱. شکاف‌های اجتماعی عراق

شکاف‌های اجتماعی^۱ نقش مهمی در شکل‌گیری مناسبات و فضای سیاسی در جوامع گوناگون ایفا می‌کنند؛ اختلاف در علایق، نقطه آغازین بروز این شکاف‌ها هستند. برخی از شکاف‌های اجتماعی

۱. البته برای اینکه گسست‌ها منشأ اثر قرار گیرند، لازم است طی فرایندی پیچیده موسوم به بسیج اجتماعی از حالت غیرفعال خارج شده، به شکل جنبش در جامعه رخ نمایند که خواهان ایجاد تغییر و تحول در ساختار اعمال قدرت و یا روابط اجتماعی، باشند؛ بنابراین، نفس وجود گسست در جامعه دال بر خطری برای کانون قدرت نیست، بلکه مهم فرایند بسیج اجتماعی است و اینکه گسست مزبور تا چه میزانی فعال شده است.

حاصل سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و تحولات تاریخی در پیدایش این شکاف‌ها مؤثر بوده‌اند. در این میان، عراق با بافت جمعیتی متنوع و ناهمگون خود، عرصه ظهور و حضور هر چه پررنگ‌تر این شکاف‌ها شده است؛ چراکه در این بافت ناهمگون، به اقتضای طبع و اصل منفعت‌طلبی، افراد در قالب گروه‌های مختلفی تجمع می‌نمایند که از یکدیگر متفاوت هستند. گسست در شکل طبیعی آن، دال بر مرزهای اختلاف بین افراد، گروه‌ها و نهادها دارد. در این بین، نیروها و گروه‌های اجتماعی مبتنی بر علایق گوناگونی که معمولاً حول شکاف‌های اجتماعی هستند شکل می‌گیرند و این شکاف‌های اجتماعی عملاً موجب تقسیم جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌ها و پیدایش تقابل یا رقابت میان آنها می‌شوند؛ چراکه این شکاف‌ها منشأ پیدایش آگاهی و عمل سیاسی هستند.

شکاف‌های موجود در جامعه عراق را می‌توان براساس عامل زیرساختی ترکیب جمعیت عراق تعریف کرد. جمهوری عراق از لحاظ جمعیتی، با جمعیت ۳۲۵۸۵۶۹۲ نفر در مقایسه با سایر کشورهای جهان در رتبه ۴۰ جهان قرار گرفته است. در این میان، حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم عرب، ۱۵ تا ۲۰ درصد کرد و ۵ درصد آشوری، ترکمن و سایر اقوام هستند. همچنین حدود ۹۹ درصد مسلمان (رسمی) که ۶۰ تا ۶۵ درصد آنان شیعه، ۳۲ تا ۳۷ درصد سنی، ۰/۸ درصد مسیحی، کم‌تر از ۰/۱ درصد بودائی، کم‌تر از ۰/۱ درصد یهودی و درصد کمی نیز از پیروان سایر ادیان هستند (Theodora, 2015).

پیچیدگی و تنوع در ترکیب ساختار جمعیتی عراق، شکاف‌های متراکم و متداخلی را در ابعاد قومی و مذهبی در این کشور رقم زده است. در تقسیم‌بندی دینی - مذهبی، جامعه عراق از گروه‌های شیعه، سنی، مسیحی، یزیدی، شبک و صائبی تشکیل شده است. به لحاظ قومی جامعه عراق ترکیبی از گروه‌های قومی عرب، کرد و ترکمن است (مقصودی، ۱۳۸۴: ۱۲۷ - ۱۲۸). همچنین در تقسیم‌بندی عراق از نظر قومی - مذهبی (بر محور جغرافیا) این کشور را می‌توان به دو منطقه تقسیم کرد: نیمه جنوبی عراق: از بغداد به سمت چپ، اکثریت با اعراب شیعه است؛ نیمه شمالی عراق: سنی مذهب هستند که اعراب سنی در بخش غربی و کردهای سنی در بخش شرقی ساکنند (جوینس، ۱۳۷۳: ۲۱ - ۲۲). بنابراین، در کنار این تنوع و درهم‌تنیدگی، پیوندهای متداخل قومی - مذهبی به پیچیدگی اوضاع و تشدید شکاف‌ها دامن می‌زند. وجود کردهای شیعه، سنی، یزیدی، مسیحی و یهودی، عرب‌های شیعه و سنی، ترکمن‌های شیعه و سنی، با توجه به استقرار کردهای سنی در شمال و شمال شرق، عرب‌های سنی در مرکز و غرب، عرب‌های شیعه در جنوب، ترکمن‌های سنی در محدوده شمال شرق و شرق درهم آمیختگی مرزهای قومی عراق را آشکار می‌سازد.

گروه‌های اجتماعی عمده در عراق، متمایز از یکدیگرند و همیشه در چالشی جدی با ظهور دولت‌های قوی و متمرکز به سر برده‌اند. دو بافت عمده قومی و مذهبی عراق به گونه‌ای است که روند تطور این شکاف‌ها در راستای دولت‌سازی طی چند دهه اخیر از نظر ماهیت تفاوت چندانی پیدا نکرده است. گرچه، برخی از شکاف‌های اجتماعی در ادوار مختلف فعال یا غیرفعال شده‌اند. در عراق جدید با فراهم شدن شرایط ورود به عرصه سیاسی و سهم‌خواهی از قدرت برای گروه‌های مختلف قومی و مذهبی، این شکاف‌ها بیشتر از قبل نمایان شده‌اند تا جایی که همچنان هویت ملی در عراق یک مسئله مبهم است (Kalyvas & Kocher, 2007: 187).

آنچه در این تقسیم‌بندی بیشتر جلوه گر است، متقاطع بودن این شکاف‌هاست. اصولاً شکاف‌های متقاطع یکدیگر را تضعیف کرده و منجر به افزایش وجوه مشترک گروه‌بندی‌های اجتماعی می‌شوند و به تبع آن زمینه منازعه اجتماعی را کاهش می‌دهند؛ اما با توجه به تکوین یافتن گروه‌های قدرت حول محور شکاف‌های اجتماعی در عراق، شاهد تعدیل این شکاف‌ها در این کشور نیستیم. لازم به ذکر است فعال بودن شکاف‌های قومی - مذهبی عراق، اجازه بروز و ظهور منازعات طبقاتی را نمی‌دهد. همچنین شکاف‌های قومی تجدد و سنت‌گرایی که در بیشتر کشورهای در حال توسعه، یکی از مبادی بی‌ثباتی سیاسی این کشورها بوده است، در عراق چندان جدی نیست.

در مجموع شیعیان عرب، اعراب سنی و کردها سه گروه اصلی قومی - فرقه‌ای^۱ با گرایش‌های متفاوت در عراق امروز هستند؛ اما این کشور از ابتدای تأسیس تحت سیطره و حاکمیت اقلیت سنی بوده است و گروه‌های شیعی و کرد دارای نقشی نمایشی در قدرت سیاسی بوده‌اند. این امر به نوبه خود، افزایش دامنه شکاف‌های گروهی و واکنش‌های معطوف به کسب قدرت را از سوی گروه‌های شیعی و کرد باعث شده است. از این رو، سیاست در عراق به عنوان تلاش گروه‌های قومی - فرقه‌ای برای کسب قدرت بیشتر تعریف می‌شود و سنت‌هایی چون اجماع و همکاری گروه‌ها، سهم‌دهی سیاسی و تشریک مساعی گروه‌ها برای پیشبرد اهداف و منافع ملی فاقد زمینه‌های تاریخی است (UNPO, 2013). در عراق جدید نیز افراد و گروه‌های قومی - فرقه‌ای بیش از آنکه دوره جدید را فرصتی برای ایجاد لیبرال دموکراسی تلقی کنند، آن را فرصتی برای پرداختن به بی‌عدالتی در توزیع قدرت میان جوامع و

۱. با توجه به کمی وزن ناشی از جمعیت محدود و نداشتن تشکلات سیاسی خاص ایزدیان، شبکه‌ها و آشوری‌ها و عدم همترازی ترکمن‌ها در معادلات قدرت با سه گروه اصلی، ایفای نقش مهمی در معادلات قدرت عراق از این گروه‌ها انتظار نمی‌رود.

گروه‌های اصلی این کشور قلمداد می‌کنند (Nasr, July/ August 2006). این نوع نگاه منفعت‌جویانه صرف مبتنی بر بنیان‌های قومی - فرقه‌ای، به تشدید خشونت‌های قومی - فرقه‌ای و عدم موفقیت در روند دولت‌سازی جدید در این کشور منجر شده است.

در این میان، شیعیان عراق حدود ۶۰ درصد از جمعیت عراق را شامل می‌شوند، لذا خط مقدم انتقال سیاسی در این کشور هستند و در واقع آینده عراق با مسئله شیعه گره خورده است. در مقطع کنونی شیعیان عراق به‌واسطه در اکثریت‌بودن در سیستم دموکراتیک، از عراق جدید نفع می‌برند، زیرا این امکان برای این گروه فراهم شده است که پس از سال‌ها قرار گرفتن در حاشیه، خود را به‌عنوان یک قدرت مسلط در عرصه سیاسی عراق مطرح کنند. از این رو، دو گروه اصلی دیگر ظرفیت بالاتری جهت ابراز نگرانی و نارضایتی از وضع موجود را دارند و پیکان اتهامات امنیتی ناشی از شکاف‌های قومی - مذهبی به‌سوی آنان با گرای مطمئن‌تری نشانه می‌رود.

کردها

کردها، به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت غیرعرب، حدود یک‌پنجم جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند (درايسدل. اچ و بلیک، ۱۳۶۹: ۲۱۳). از زمان شکل‌گیری دولت مدرن، مسئله کردها (کردستان بزرگ) و هویت‌طلبی این اقلیت قومی برای دولت‌های عراق، همواره مشکل‌ساز بوده است و تلاش دول مختلف جهت «ادغام فرهنگی و همانندسازی»، دست‌کم تا زمان سقوط نظام بعثی، نتیجه‌پایداری نبخشیده است. در سال ۱۹۹۱ پس از جنگ خلیج‌فارس، صدام تسلط بر مناطق کردنشین را از دست داد و کردها زیر پوششی امنیتی که جنگنده‌های امریکا و انگلیس در منطقه پرواز ممنوع در بالای مدار ۳۶ درجه برای آنها به‌وجود آوردند، نخستین دولت دفاکتوی خود را تأسیس کردند. کردها همواره عنوان کرده‌اند که در عراق پس از صدام در پی استقلال نیستند و حکومت فدرالیسم را ترجیح می‌دهند، در عین حال که حاضر به ازدست‌دادن مواهب کنونی و پذیرش یک حکومت تمرکزگرا نیز نیستند. این گروه که در زمان صدام در ساختار سیاسی عراق مشارکت چندانی نداشتند، اکنون پست ریاست جمهوری، یکی از معاونت‌های نخست‌وزیری و وزارتخانه‌هایی چون وزارت خارجه عراق را تحت کنترل خود دارند.

کردها در دوره پس از صدام با انسجام، هماهنگی و کارایی بالا در عرصه سیاست عراق عمل کرده‌اند و می‌توان گفت بیشترین منفعت از روند سیاسی عراق را نصیب خود کرده‌اند. تصویب فدرالیسم کردی با سطح بالایی از خودمختاری و استقلال در قالب قانون اساسی و عملی ساختن بخش

عمده‌ای از آن، اصلی‌ترین دستاورد گروه‌های کرد عراق محسوب می‌شود. اکنون کردها در شمال عراق دارای پارلمان، دولت و نیروهای امنیتی کردی هستند و در جهت کسب امتیازات بیشتر در این حوزه فعالیت می‌کنند. می‌توان گفت که کردها جدی‌ترین طرفداران فدرالیسم در عراق هستند؛ اگرچه به‌عنوان گزینه اول خواهان استقلال هستند؛ اما اکثر آنها عمل‌گرا بوده، معتقدند استقلال از عراق تا زمانی که کشورهای دیگر نظیر ترکیه در برابر آن مقاومت می‌کنند، امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، فدرالیسم، دومین انتخاب برتر کردهاست؛ زیرا امکان تصمیم‌گیری بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. همچنین فدرالیسم آنها را قادر می‌سازد از هویتشان دفاع کنند.

اهل سنت

پان‌عریسم و گسترش آن پس از فروپاشی عثمانی از علل اصلی تداوم حاکمیت گروه عرب سنی در عراق بوده است. این گروه قبلاً در دولت عثمانی وظیفه اصلی ایجاد ثبات سیاسی در ایالت‌های کردنشین موصل و شیعه‌نشین بصره را برعهده داشت. فقط در ایام فروپاشی عثمانی و اشغال نظامی عراق از سوی نیروهای انگلیسی و شکل‌گیری دولت سلطنتی عراق به قدر محسوسی از نفوذ این گروه کاسته شد و در سال‌های بعد به‌علت فقدان تحرک سیاسی شیعیان و کردها و موضوعات دیگر، زمینه کسب قدرت سیاسی برای این گروه فراهم شد (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۱۳).

سنی‌های عراق و به‌ویژه بعثی‌ها، با فروپاشی رژیم بعث، در برابر ساختار و روند سیاسی جدید این کشور مقاومت کردند و پس از آن جامعه سنی عراق که به دیدگاه پان‌عریسم نزدیک هستند، با پیش‌نویس قانون اساسی عراق که توسط کردها و شیعیان تنظیم شده است، مخالف بوده و آن را سبب نابودی و تقسیم عراق می‌دانند؛ اما به تدریج بخش‌هایی از سنی‌ها در روند سیاسی مشارکت کردند و بخشی دیگر از جمله بعثی‌ها به مخالفت و اقدامات خشونت‌آمیز در برابر دولت جدید عراق ادامه دادند. اکنون جبهه توافق اهل سنت در پارلمان عراق به‌عنوان سومین فراکسیون بزرگ بعد از ائتلاف یکپارچه و ائتلاف کردی مطرح است.

بنابراین، می‌توان به‌صورت کلی بیان کرد که از مهم‌ترین دلایل نارضایتی آنان، قانون اساسی جدید عراق است. اعراب سنی احساس می‌کنند که در قانون اساسی جدید، حداقل حقوق آنان رعایت نشده است و از این رو، این قانون به بازبینی و اصلاح نیاز دارد. آنان همچنین از طرح برخی مباحث مانند ایجاد نظام فدرالیسم، بعثی‌زدایی و نحوه توزیع عواید و ثروت‌های نفتی عراق که توسط دو گروه عمده دیگر یعنی کردها و شیعیان دنبال می‌شود، ناخشنودند. از این رو، پس از سقوط صدام، سنی‌ها در برابر موج

قدرت شیعیان ساکت نشستند و در این راه سایر کشورهای عرب منطقه نیز با آنها به همکاری می‌پردازند، به طوری که شواهد حاکی از آن است که حمایت از شورشیان سنی عراق برای رویارویی با شیعیان عمدتاً از طریق افراد و شبکه‌های خصوصی و حتی تساهل دولت‌های عربی در قبال نفوذ آنها در داخل عراق بوده است.

آنچه ورای تحرکات سیاسی و سهم‌خواهی قدرت، سبب توجه بیشتر به تحرکات اهل سنت در عراق شده است، همان رویکرد اهل سنت به سلفی‌گری و پیوستن به داعیه‌داران مدعی سلف صالح است. در واقع، پیگیری روند تاریخی جریان سلفی‌گری تا دوره معاصر، رهنمون این ملاحظه مهم و اساسی است که حضور این جریان، به خصوص شاخه افراطی آن، با اینکه عمدتاً پدیده تحمیلی در عراق است، اما پس از سال ۲۰۰۳ در تلاقی سازمان‌یافته با مدارهای دیگر سلفی قرار گرفته و از ظرفیت بیشتری برای تأثیرگذاری برخوردار شده است (Gompert & et al, 2010: 41 - 43). بنابراین، می‌توان گفت که مهم‌ترین عارضه تحمیلی سلفی‌گری اهل سنت به جامعه شکننده عراق، گروه شبه‌دولتی داعش است. این گروه در حوزه سیاسی باتأکید بر این ادعا که نظام حاکم بر عراق، نظامی سکولار و غرب‌گراست، سرنگونی آن را به عنوان مهم‌ترین و اولین اقدام برای استقرار احکام اسلامی در عراق تلقی کرده و بر این مبنا معتقد است، تمامی حامیان دولت حاکم که در ردیف مخالفان داعش قرار دارند، مهدورالدم بوده و ریختن خونشان مباح است.

از سوی دیگر، همان‌طور که در بحث نظری مطرح شد، در بخش امنیت اجتماعی مرجع امنیت، هویت است. در این بین دو عامل اساسی تصورات صاحبان هویت و دامن‌زدن به کشمکش و منازعه میان دولت‌ها در تبدیل مسائل هویتی به تهدید وجودی و امنیتی شدن نقش دارند. همچنین هرگاه گروه احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی اجتماعی‌اش انکار، مهار یا دستکاری می‌شود، احساس ناامنی می‌کند. البته گروه‌های اجتماعی باید به اندازه‌ای مهم باشند که بتوانند به طور مستقل از دولت، مرجع امنیت قرار گیرند. چنانچه بوزان مطرح می‌کند برای ملتی مانند عراق که از ادغام و یکپارچگی تعدادی از گروه‌های قومی مذهبی تشکیل شده باشد، گسترش عمومی ناسیونالیسم و اندیشه خودگردانی و استقلال می‌تواند برایش مرگبار باشد. لازم است جهت ملموس‌تر شدن مبحث هویت‌ها به عنوان مرجع امنیت عراق - برای کشوری که به اعتقاد بوزان با اوضاع مرگبار خود دست‌وپنجه نرم می‌کند - انعکاس شاخصه‌های امنیت جامعه‌ای پیرامون عراق در فراخور مطلب بیان شود.

۳. پیامدهای امنیتی شکاف‌های اجتماعی در عراق

۳-۱. افزایش خشونت و منطبق غیرسیاسی

در نظر اول، نکته قابل تأمل پیرامون تحلیل مسائل عراق، افزایش روزافزون خشونت سیاسی و نقش بارز نیروهای امنیتی و نظامی در زندگی سیاسی است که این موضوع از زوایای متعدد و مرتبط با بافت جمعیتی - قومی این کشور قابل تحلیل و ارزیابی است.

نخست اینکه، ساختار اجتماعی عراق نمایانگر موزاییک رنگارنگ و متنوعی از اقوام، مذاهب و فرهنگ‌هایی است که به اقتضای موقعیت و جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، هیچ کدام نمی‌توانند بدون اعمال سطحی از خشونت، سلطه‌ای بلامنازع بر دیگر گروه‌ها و اقوام داشته باشند. همان‌گونه که گفته شد کردها، اعراب سنی و شیعیان، مهم‌ترین بازیگران بومی سیاست در عراق هستند که مطالبات و منافع بعضاً متفاوت و حتی متضادی دارند و مدیریت و تجمیع مسالمت‌آمیز منافع آنان بسیار دشوار و نیازمند فرهنگی کثرت‌گرا و متساهل است. این ویژگی در عراق، بارزتر از دیگر جوامع چندقومی است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، عراق کشوری ساختگی یا جعلی است که در پروژه ملت‌سازی در آن کامیاب نبوده است. به بیان دیگر، تاکنون نتوانسته‌اند شور ملیت را در مردم، جانشین شور هویت قومی و قبیله‌ای کنند (آشوری، ۱۳۸۸: ۲۶۸).

همچنین عراق کشوری است که نه تنها هنوز فرایند ملت‌سازی بلکه دولت‌سازی را نیز به درستی طی نکرده است و مردم عراق هیچ‌گاه از این شانس برخوردار نبوده‌اند که در مورد شرایط خود در یک فضای نسبتاً مناسب تأمل کنند (غرایان زندی، ۱۳۸۹: ۳). بنابراین، علاوه بر ساختگی بودن، عراق هیچ‌گاه در طول تاریخ خود، برای خود تصمیم نگرفته است. در واقع، عراقی‌ها در طول تاریخ، هیچ‌گاه نتوانستند به دست خود حکومتی را بر سرکار بیاورند و حتی نتوانستند هیچ‌کدام از حکومت‌ها را نیز سرنگون کنند و این کار همواره با مداخله بیگانگان انجام شده است. نتیجه این امر، شکل ناپذیری و قوام‌ناپذیری روحیه ملی در این کشور و بی‌اعتمادی گروه‌های قومی - قبیله‌ای به حکومت‌ها در برقراری و تأمین امنیتشان بوده است (Kirmanj, 2013: 8-9).

بنابراین، موقعیت شکننده اقوام در قبال یکدیگر و ناپایداری تعادل‌های قومیتی در این کشور، مسئله قومی در آن تا آینده غیرقابل پیش‌بینی، مسئله امنیتی خواهد بود. این امر به پدیده‌ای منتهی می‌شود که می‌توان آن را پارادوکس امنیت و دموکراسی در عراق نامید و موجب می‌شود دولت آینده عراق نتواند

به‌لحاظ سیاست قومی، به دولتی پست‌مدرن^۱ تبدیل شود و حداکثر، دولتی مدرن باشد. به‌بیان‌دیگر، دموکراسی‌سازی و اعطای آزادی‌های سیاسی به هویت‌ها و قومیت‌های مختلف و امنیت‌سازی به‌معنای افزایش نقش دولت مرکزی در کنترل نظم و امنیت در میان اقوام و هویت‌های مختلف در عراق، با یکدیگر جمع‌پذیر نیستند و رابطه‌ای متعارض دارند. (پاکولسکی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). بنابراین، عراق به‌لحاظ واقعیات ساختاری درون‌کشوری و منطقه‌ای، نمی‌تواند در این چارچوب بازی کند. به همین دلیل است که بوزان و ویور معتقدند دنبال کردن طیف کشورهای ضعیف - قوی، متداول‌ترین شیوه طبقه‌بندی دولت‌های معاصر به سه نوع پست‌مدرن، مدرن و پیشامدرن است (بوزان، ۱۳۸۸: ۳۲).

در واقع، وجود سه گروه متفاوت اجتماعی در عراق با زبان‌های گوناگون، قومیت‌های متفاوت و تنوع امکانات اقتصادی، موجب پدیداری نوعی فرهنگ سیاسی پیشامدرن شده است که شعاع وفاداری‌های آن به سطوح قومی، محلی، خانوادگی و قبیله‌ای محدود است و اعتماد بین قومی و بین گروهی در نازل‌ترین سطوح خود قرار دارد. این ویژگی موجب می‌شود اطلاق مفهوم جامعه یا ملت - دولت به عراق، محلی از اعراب نداشته باشد. سیاست هویتی - رقابتی در عراق زمینه را برای شکل‌گیری خط‌مشی قومی ویرانگری به نام معضل امنیتی فراهم می‌سازد. این سیاست از یک‌سو عدم سلطه یکی از هویت‌ها بر دیگر هویت‌های قومی است و از این‌رو، نوعی موازنه قدرت میان هویت‌های مختلف وجود دارد. آنها در رویارویی با یکدیگر منفعل نیستند و هرکدام سعی دارند رقیب را از میدان خارج کند؛ چراکه در غیر این صورت با خطر حذف شدن به‌وسیله دیگران مواجه است. چنین وضعیتی منجر به وقوع معضل امنیتی می‌شود.

از زاویه‌ای دیگر، به اعتقاد برخی می‌توان ریشه تداوم خشونت در عراق را در فرهنگ خشونت در عراق دانست. از این‌رو باید گفت که، عراق دارای سنت درازدامنه‌ای از اعمال خشونت فیزیکی در مناسبات سیاسی است. در سال ۱۹۳۶، اولین کودتای جهان عرب در عراق اتفاق افتاد و از آن‌پس، مردم عراق با موجی از سرکوب‌ها، اعمال دیکتاتوری، کودتا، کوچ اجباری، نسل‌کشی، اخراج از کشور و جنگ خارجی مواجه بوده‌اند. علت این امر، همان‌گونه که شفیق غبرا استاد عراقی دانشگاه کویت تأکید می‌کند، به میزان قابل توجهی در ناکامی حکومت عراق در ایجاد هویت ملی یکپارچه به‌نحوی که کل مردم این کشور را در برگیرد، نهفته است (بوزان، ۱۳۸۸: ۱۳۵). پس از اشغال عراق توسط نیروهای

۱. دولت‌های پست‌مدرن، بر مبنای سیاست هویت، مسئله قومی، معضل امنیتی نیست و سیاست تفاوت مانع از امنیتی دیدن مسائل قومی می‌شود (پاکولسکی، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

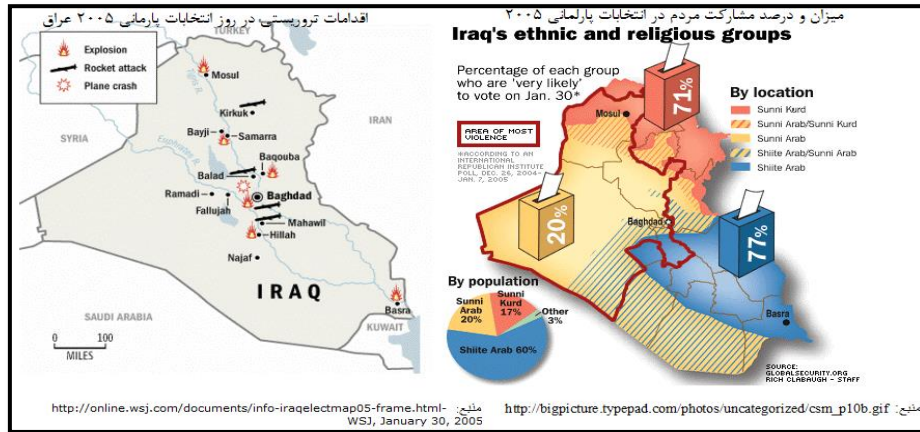
ائتلاف نیز سطح جدیدی از خشونت در قالب جنبشی تروریستی در این کشور پدیدار شد که آزادسازی عراق از اشغال خارجی را به‌عنوان هدف اصلی خود تعریف کرد و شاخصه آن عملیات انتحاری بود. علاوه بر این، اغلب جریان‌های مهم سیاسی در عراق، دارای نیروهای شبه‌نظامی هستند و یا بخشی از ارتش این کشور را تحت کنترل دارند. این ویژگی موجب می‌شود در پی هر تحول یا فرصت سیاسی، تعادل قومیتی موجود که مبنای برقراری دموکراسی در عراق است، به‌واسطه خشونت فیزیکی که عمدتاً ماهیتی قومی پیدا می‌کند، برهم بخورد (Thalar and et al, 2008: 31 - 34).

بر اساس منظر سوم، تا پیش از سقوط صدام حسین، کنترل رقابت میان اقوام و مذاهب و هویت‌های مختلف، سیاست هویتی با ابزار امحا و انکار و سیاست قومی خشونت نظام‌مند کنترل می‌شد. دولت مرکزی عراق تا سال ۲۰۰۳ به‌صورت نظام‌مند مبادرت به کنترل و سرکوب شیعیان و کردها می‌نمود، اما الگوی دموکراتیکی که پس از سقوط صدام در عراق حاکم شد، نه تنها قادر به تنظیم مناسبات میان هویت‌های مختلف نشد، بلکه بستر مناسبی را برای تشدید رقابت میان هویتی فراهم ساخت. از طرف دیگر، دموکراسی عراقی نه تنها نهادینه نشد، بلکه موجب شکل‌گیری دولتی غیرفراگیر شد. در شرایطی که یک دولت مسلط و فراگیر وجود ندارد و آناشری در معنای دقیق کلمه شکل می‌گیرد، هویت‌های مختلف در عراق به سمت رقابت بیشتر روی می‌آورند. اهمیت این رقابت هویتی تا جایی است که افزایش قدرت دولت مرکزی از ناحیه دیگر هویت‌ها تهدید تلقی می‌شود. لذا در چنین شرایطی اگر دولت مرکزی مبادرت به بسط قدرت نظامی - بورکراتیک خود می‌کند؛ دیگر هویت‌ها آن را افزایش امنیت یک هویت (شیعیان) و کاهش امنیت خود (اهل سنت و کردها) تلقی می‌کنند.

بنابراین، مطرح‌بودن شیعیان به‌عنوان گروه اکثریت در قدرت، می‌تواند به‌عنوان گزاره‌ای برای دل‌سرد شدن سایر قومیت‌ها از دستیابی به قدرت از مجاری رسمی و اصلی مطرح باشد که این موضوع می‌تواند دارای پیامدهایی چون پیگیری کسب قدرت از مجاری غیرقانونی باشد؛ به‌عنوان شاهد ادعا می‌توان درصد مشارکت قومی در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ (نقشه ۱) را مطرح کرد که به‌خوبی این ادعا را تأیید می‌کند.

در این انتخابات بیش از ۱۷۵ مورد حمله تروریستی در مناطق مختلف (نقشه ۱) عراق گزارش شده است. بنابراین، شکاف‌های موجود در عراق در دو زمینه قومی کردی - عربی و مذهبی شیعه - سنی زمینه گسترش بحران در عراق را در فضای باز انتخاباتی فراهم ساخت (غریباق زندی و شاکری، ۱۳۹۳: ۸۰).

بنیان‌های جامعه‌شناسی گسست در امنیت ملی عراق نوین



نقشه ۱: انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ عراق

در مجموع می‌توان گفت که جامعه مدنی در عراق کم‌ترین نمودی نداشته است. احزاب و گروه‌های شکل گرفته به دور از عقل و خرد جمعی و در حالت پیشامدرنی به سر می‌برند و اشغال عراق، فرصتی را برای تبدیل شکاف‌های منفعل و غیرفعال به فعال ایجاد کرد که فرصت پیش رو را، فرصتی بارز در غیاب مؤلفه‌های دموکراتیک برای سهم‌خواهی از قدرت از طریق خشونت پنداشتند. به این ترتیب، یکی از مؤلفه‌های عصر جدید، یعنی جنگ‌های هویتی در درون خاک عراق در نبود دولت قوی و متمرکزی که در گذشته آنها را باهمگن‌سازی اجباری گرد هم می‌آورد، به سرعت رشد کرد. عینی‌ترین نتیجه خشونت‌های قومی - مذهبی در عراق در متغیرهایی چون تلفات انسانی و آوارگان و مهاجرت‌های اجباری به وضوح روشن است.

۳ - ۲. غیرنظامیان به مثابه اهداف خشونت

در دوران پس از اشغال، با وجود تلاش و اقدام برای حرکت در مسیر دموکراسی و جایگزین کردن معیارهای اکتسابی و مؤلفه‌های تساهل و مدارا به جای معیارهای انتسابی و فرهنگ خشونت، همچنان شاهد تداوم قبیله‌گرایی، گروه‌گرایی و وفاداری و احساس تعلق قومی - مذهبی هر یک از افراد نسبت به هویت خود بوده‌ایم. پیامد حاصل این خشونت‌ها را می‌توان در افزایش روزافزون شمار کشته‌های انسانی در عراق دانست که خود عاملی برای ازدست‌رفتن بیش‌ازپیش امنیت فیزیکی و روانی برای مردم عراق شده است.

شدیدترین دوره تلفات غیرنظامیان در واقع همان زمان آغاز جنگ بود؛ زمانی که مرگ بیش از

۶۷۰۰ نفر، فقط در ۳ هفته اتفاق افتاد. این برهه زمانی "شوک و ترس"، از ۲۰ مارس و تصرف بغداد تا ۹ آوریل، حدود ۳۲۰ کشته در روز در طول ۲۱ روز بود. البته دوره‌های پایداری خشونت در سطح بالای آن در طول سال‌های چهارم و پنجم بعد از اشغال عراق و از ماه مارس سال ۲۰۰۶ به مارس ۲۰۰۸، هست یعنی زمانی که قتل‌های فرقه‌ای به اوج خود رسید و گفته می‌شود تا ۵۲/۰۰۰ تن کشته شدند (iraqbadycount, 2015).

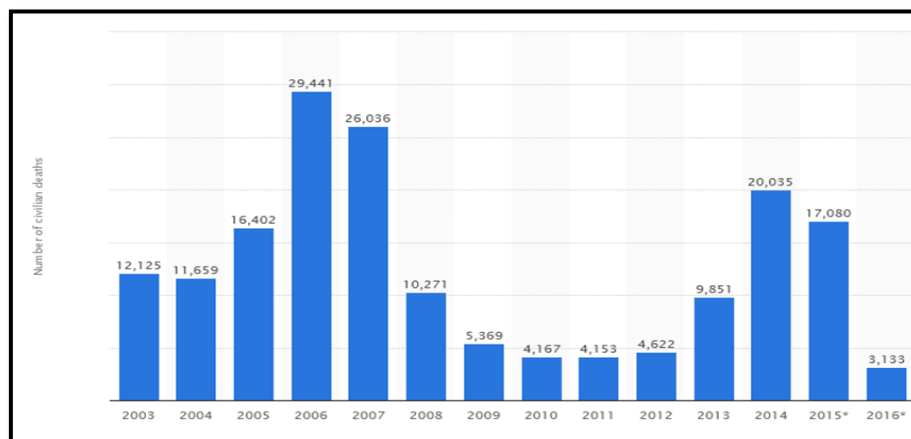
نمودار شماره ۱ افزایش تلفات غیرنظامیان در عراق از سال ۲۰۰۳ را نشان می‌دهد که چگونه اوضاع اسفبار عراق به نزدیکی و یا همان سطوح زمان جنگ بازگشته است. همچنین خشونت‌های فرقه‌ای در طول سه سال گذشته اوج گرفته و در بسیاری موارد افراط‌گرایان سنی، دولت و به‌ویژه شهروندان شیعه راه هدف حملات تروریستی قرار داده‌اند.

بغداد، به‌عنوان پایتخت کشور و مرکز سیاسی و اداری، همراه شهرستان‌های پرجمعیت‌تر آن، شاهد بیشترین کشته‌شدگان، در حدود ۴۸٪ از کل مرگ‌ومیر بوده است. همچنین با توجه به نسبت جمعیت، استان دیالی سپس انبار و صلاح‌الدین بیشترین کشته‌شدگان را شامل می‌شوند (iraqbadycount, 2015). بر این اساس شرایط امنیتی عراق در طول سال‌های گذشته فرازونشیب‌های بسیاری داشته و مقاطع مختلفی را سپری کرده است، اما هرگز سال عاری از خشونت و تلفات به‌ویژه انسانی را تجربه نکرده است. در حالی که عراق در طول سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های بسیار شدیدی را تجربه کرد، برخی اقدامات و روندها باعث بهبود نسبی شرایط این کشور تا سال ۲۰۰۸ شد. با این حال سال ۲۰۱۰-۲۰۱۲ با کاهش نسبی در سطح خشونت، با تلفات غیرنظامی سالانه از ۴۱۶۷ به ۴۶۲۲ و نرخ ماهانه حداقل ۲۱۸ و حداکثر ۵۳۱ نفر کشته بود. اما از اوایل تا اواسط ۲۰۱۳ این ثبات نسبی به پایان رسید و در مقایسه با کشته‌شدن ۱۲،۹۴۲ تن از غیرنظامیان در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، در سه سال گذشته از سال ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، ۴۵/۹۹۶ تن مرده‌اند (iraqbadycount, 2015).

مقصر اصلی و علل تلفات ۱۶/۱۱۵ غیرنظامی کشته ثبت‌شده، در بسیاری موارد ناشناخته مانده است. حتی در جایی که عوامل شناخته شدند، در برخی از انواع حوادث چند طرف درگیر بوده‌اند. به تعبیر دیگر، "تبادل آتش" از مهم‌ترین مواردی است که غیرنظامیان در جنگ کشته داده‌اند که در آن وضعیت، تعیین مقصر مرگ افراد، دشوار یا غیرممکن است. در عین حال، داعش همچنان به صورت یک علت عمده مرگ غیرنظامیان، هم‌ردیف با ارتش عراق و نیروهای هوایی امریکا و ائتلاف درگیر در جنگ مطرح است. در حدود نیمی از تلفات غیرنظامیان در سال ۲۰۱۴ توسط اعدام (قتل اسیران)

بنیان‌های جامعه‌شناسی گسست در امنیت ملی عراق نوین

گزارش شده که اکثر آنها توسط دولت اسلامی صورت گرفته است. از آنجاکه مرحله جدیدی از درگیری در ژوئن ۲۰۱۴ آغاز شد، در این سال و همچنین ۲۰۱۵ همچنان تبادل آتش از جمله مهم‌ترین علت مرگ هزاران عراقی است. به گزارش مقامات عراقی و کرد بیش از ۴۰۰۰ سرباز عراقی و نیروهای شبه‌نظامی متحد و بیش از ۱۵۰۰ پیشمرگه و کردی اعضای نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. همچنین براساس گزارش وزارت دفاع ۱۳/۰۰۰ داعشی از ژوئن سال ۲۰۱۴، کشته شده‌اند (iraqbadycount, 2015).



نمودار ۱: آمار قربانیان غیرنظامی خشونت داخلی در عراق ۲۰۱۶-۲۰۰۳

منبع: <http://www.iraqbadycount.org/database/analysis>

سازمان ملل نیز در گزارشی آمار کشته‌شدگان توسط داعش را تا قبل از سال ۲۰۱۵، تعداد ۲۴۰/۰۰۰ نفر می‌داند. این آمار بالای جنایت در حالی است که به گزارش سازمان ملل، در طول این سال‌ها تنها ۶۰۰۰ نفر از جنگجویان و تروریست‌های داعشی کشته شده‌اند. تأمل بر شکاف در ثبت و گزارش نشان می‌دهد تلفات غیرنظامیان از خشونت ممکن است بسیار بیشتر از آمارهای ثبت شده باشد. در مجموع در بعد داخلی شاهد چالش امنیتی در عراق هستیم که مهم‌ترین آن زایش نیروهای رادیکال نوین‌ادگرای تکفیری بعثی داعش می‌باشد. همچنین، حضور نیروهای شبه‌نظامی که تهدیدزایی مهم‌ترین نتیجه ظهور آنهاست که در قالب افراد و گروه‌های کوچک و بزرگ زیادی امروز در عراق مسلح هستند که بزرگ‌ترین آنها نیروهای پیشمرگه در حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی

و پس از آن در سازمان بدر و جیش‌المهدی است. وجود این نیروهای مسلح خارج از دولت عراق و استفاده از اسلحه، کماکان از جمله چالش‌های امنیتی دولت فعلی عراق است (دیوسالار، ۱۳۹۲).

۳ - ۳. بحران آوارگان (مهاجرت اجباری)

مهاجرت را می‌توان از نظر سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در رابطه با مسائلی نظیر ثبات سیاسی، ایدئولوژی‌های تلفیق مهاجرین، جذب و ترکیب و یکسان‌سازی هویت، خشونت‌های ناشی از احساسات بیگانه‌ستیزی فرهنگی، فقدان یکپارچگی، تضادها و نزاع‌های قومی - نژادی، جمعیت‌شناسی و غیره مورد بررسی قرار داد. (Anoil, 1992: 17) همه این عوامل با تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی کشورها، تحلیل مفهوم مهاجرت را به سمت دیدگاه‌های امنیتی سوق می‌دهد.

بغداد به‌عنوان دومین شهر بزرگ جهان عرب، در گذشته کانون جذب اقلیت‌ها بود، زیرا اقلیت‌ها در این شهر امنیت داشتند و روامداری در این شهر در جریان بود، اما در یک دهه گذشته پیرامون وضعیت اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق، سه دوره مهم سبب افزایش شدید مهاجرت این گروه‌ها شده است: در دوره نخست و پس از یازده سپتامبر و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ عملاً بخش زیادی از اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق به دلایل بروز ناامنی‌ها و تهدیدهای فراوان بنیادگرایان و عوامل القاعده‌ای و زیرشاخه‌های عراقی آن تن به مهاجرت به کشورهای همجوار و همچنین کشورهای غربی دادند (از سال ۲۰۰۳ بیش از یک میلیون مسیحی عراقی و یا به‌عبارتی دوسوم و یا سه‌چهارم اقلیت مسیحی عراق را ترک کرده‌اند)؛ دوم اینکه رخداد‌های بهار عربی تأثیر ویژه‌ای بر اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق داشت و عملاً آنها را وارد دوره‌ای نوین همراه با تهدیدات نوین تری کرد و روند کوچ اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی را افزون نمود؛ مرحله سوم این روند حضور افزون‌تر داعش در مناطق شمال غرب و غرب عراق و محل زندگی اقلیت‌هاست. این مقطع در واقع عملاً موجب پدیداری پیامدهای گسترده‌ای بر آنها از جمله جابه‌جایی در داخل کشور، خروج از کشور و یا منطقه و مهاجرت به‌سوی غرب شده است (رمضانی بونش، ۱۳۹۳).

بنابراین، اگر نگاهی به علل مهاجرت‌ها و کوچ اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق داشته باشیم، نخست باید از ناتوانی و عدم مدیریت دقیق دولت مرکزی و قدرت‌گیری گروه‌های تندرو در عراق یاد کرد. در این حال، ضمن نادیده گرفتن عوامل اقتصادی، بروز ناامنی و کشتارهای گسترده به‌ویژه بین اقلیت‌هایی چون ایزدی‌ها و ترکمن‌های شیعه موجب گریز آنان شده است. بنابراین، تندروها و

سلفی‌های داعش، اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق را اهداف موجه و مشروع جهاد به حساب می‌آورند و به پاک‌سازی مذهبی و دینی و کوچاندن آنها از عراق دست می‌یازند. در کنار این عوامل، نقش عواملی چون صدور بنیادگرایی تندرو به عراق، رویکردهای گروه‌ها و اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق و رویکردهای دولت‌ها و گروه‌های مسیحی خارج از منطقه هم به‌نوعی باعث افزایش مهاجرت و کوچ اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق می‌شود.

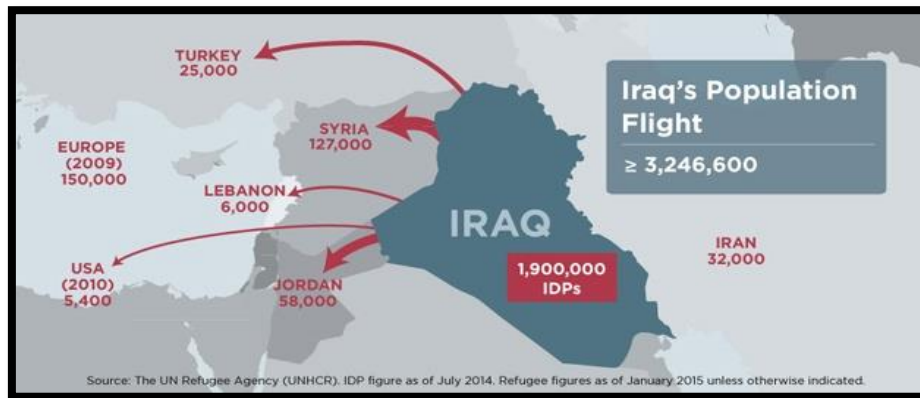
از نمونه‌های ناامنی ایجادشده بر اقلیت‌ها می‌توان به غارت زمین‌های ترکمان‌های عراق توسط تروریست‌های داعش و نیروهای پیشمرگه در مناطق مورد نزاع و اخراج مردم این مناطق از خانه‌هاشان یاد کرد. ترکمن‌ها پس از عرب‌ها و کردها سومین قومیت عراق محسوب می‌شوند اما در پی تحولات عراق، داعش با تسلط بر شهرهای ترکمن‌نشین فجایع انسانی بزرگی در این شهرها مرتکب شد.

شیعیان شبک، دیگر قربانیان مظلوم حمله داعش هستند که یکی از اقلیت‌های ساکن استان موصل بودند که پس از حمله داعش به این استان، آواره شدند. روستاهای شبک‌نشین عراق امروز خالی از ساکنان اصلی خود است و ساکنان این روستاها به آوارگانی تبدیل شدند که پس از ازدست‌دادن تمام مایملکشان، در شهرهای شمال و جنوب عراق زندگی می‌کنند. شبک‌های عراق به جرم شیعه‌بودن هدف حملات داعش قرار گرفتند و امروز تمام مناطق شبک‌نشین به اشغال داعش درآمده است. همچنین ما شاهد نسل‌کشی بی‌سابقه ایزدی‌ها در عراق هستیم. پس از حمله داعش، تقریباً تمام ایزدی‌های شنگال آواره و بی‌خانمان شدند، هم توسط عشایر همسایه و همچنین توسط داعش مورد هجوم قرار گرفتند. در حمله داعش، ضربات سنگین به پیکره ایزدی‌ها وارد شد از جمله؛ آوارگی گسترده و کشتن مردها و برده‌شدن زن‌ها و قتل و غارت و جنایات بسیار خشن علیه آنها و از بین بردن اموال و دارایی‌ها آنان و وزارت اموالشان را می‌توان نام برد.

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان اعلام کرد که چهار میلیون آواره در داخل عراق وجود دارند که سه میلیون نفر از آنها پس از ژانویه ۲۰۱۵ آواره شده‌اند و یک میلیون نفر نیز قبل از این تاریخ آواره شده بودند. شایان ذکر است که پس از اشغال برخی شهرها و روستاها و نواحی در غرب و شمال عراق از سوی داعش، این کشور اکنون شاهد بزرگ‌ترین موج مهاجرت در طول تاریخ است. (العالم ۱/۴/۱۳۹۴). در این میان، بیش از ۲۵۰ هزار نفر اهل شهر رمادی هستند، دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از آوارگان عراقی اهل ۳ استان الانبار، نینوا و صلاح‌الدین هستند که به‌علت شدت درگیری‌های ارتش و داعش مناطق خود را در این سه استان بسیار ناآرام، رها کرده و گریخته‌اند (العالم ۳/۴/۱۳۹۴).

ناامنی‌ای که عراقی‌ها با آن مواجهند، بسیار فراتر از اسلحه و انفجار و درگیری‌های نظامی گسترش یافته است. از جمله عدم دسترسی امن به غذا، مراقبت‌های بهداشتی، مسکن، کار، آب سالم و بهداشت، همچنین ازدست‌دادن جامعه. از این رو، بحران پناهندگان هم بر کسانی که فرار کردند و هم کسانی که ماندند، تأثیر داشته است. مهندسان، هنرمندان، وکلا، دانشگاهیان، پزشکان و دیگر متخصصان اولین کسانی بودند که از جنگ فرار کردند. مهاجرت این گروه سبب برچیده شدن بسیاری از نهادهای فرهنگی عراق و خدماتی که حرفه طبقه متوسط پیش از این ارائه‌دهنده آن بودند، شده است. به گزارش انجمن پزشکی عراق، حدود نیمی از پزشکان عراق در سال‌های پس از حمله سال ۲۰۰۳ فرار کرد. پیش از آن عراق به عنوان بهترین نظام مراقبت‌های بهداشتی و سلامت شاخص منطقه بود. اکنون نسبت بیمار به پزشک به طور قابل توجهی پایین‌تر از کشورهای همسایه است. به همین منوال، سایر شاخص‌های سلامت در عراق بدتر شده است. سازمان بهداشت جهانی تخمین زده است که ۷۰ درصد از مردم عراق فاقد دسترسی به آب سالم و ۸۰ درصد مردم در شرایط عدم بهداشت زندگی می‌کنند یعنی شرایطی که به شیوع وبا در این کشور منجر شده است. فقدان آب سالم و بهداشت و نگرانی‌های خاص بین افراد آواره داخلی عراق که بسیاری از آنها در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند (WatsonInstitute, 2015). در واقع، بسیاری از افراد آواره، معمولاً مهاجران فقیری هستند که از نبود منابع مالی لازم برای سفر به خارج، در کشور عراق آواره شدند. به عنوان مثال، در بغداد، آوارگان داخلی (آوارگان) اغلب در ساختمان‌های ویران‌شده زندگی می‌کنند و همچنین شرایط مخاطره‌آمیز زندگی به واسطه بیکاری بیشتر افزایش می‌یابد.

کسانی که موفق به فرار از جنگ در عراق شدند مطابق نقشه ۲ به کشورهای نزدیک از جمله، اردن، سوریه، لبنان، مصر، ترکیه و ایران فرار کردند. هجوم پناهندگان به این کشورها منابع و معیشت طبقه کارگر شهری خود را تیره و تار کرده است. با توجه به بی‌میلی کشورهای غربی برای ادامه اسکان به پناهندگان، به دلیل کمک‌های بین‌المللی محدود دریافت‌شده توسط کشورهای میزبان، عدم اطمینان به زمان بازگشت، وضعیت پناهندگان همچنان بدتر می‌شود (Watson, costs of war, 2015Institute). پناهندگان نیز با مشکلات در تجدید ویزا، محرومیت از حقوق مدنی و خدمات، ترس از اخراج و اضطراب در مورد آینده روبه‌رو هستند.



نقشه ۲: مقصد مهاجرتی آوارگان عراقی از ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵

منبع: Watson Institute, 2015

۳ - ۴. شکاف‌های داخلی عراق و دامن‌زدن به نزاع‌های بین‌دولتی

مشکلات امنیتی، مهم‌ترین چالش عراق در طول چند سال گذشته یعنی از زمان حمله آمریکا به این کشور تاکنون بوده است. بافت اجتماعی چندگانه اجتماعی عراق، منافع و تأثیرگذاری بازیگران منطقه‌ای مختلف در عراق و همچنین حضور نیروهای اشغالگر خارجی در این کشور معادلات و چالش‌های امنیتی آن را بسیار پیچیده ساخته است.

از یک سو منطق معماگونه الگوهای رقابت - رفاقت یا دوستی - دشمنی که به ترکیب و بافت جمعیتی این کشور به لحاظ قومی، مذهبی و سیاسی بازمی‌گردد که از شناسه‌های اصلی جغرافیای سیاسی آن است. از این جنبه، عراق را می‌توان چونان ماکت یا نمونه کوچک‌شده‌ای از مجموعه امنیتی غرب آسیا به حساب آورد. دلیل این امر آن است که عراق میعادگاه غالب اقوام، مذاهب، گرایش‌های سیاسی موجود در غرب آسیا اعم از اعراب، کردها، فارس‌ها، شیعیان، سنی‌ها، اسلام‌گرایان، سکولارها، میانه‌روها، رادیکال‌ها، چپ‌گرایان و ناسیونالیست‌ها است (Kirmanj, 2013: 13).

وجود اقوام و مذاهب همسان با شکاف‌های اصلی عراق (سنی، شیعی، کردی) در آن سوی مرزهای این کشور و حتی کل منطقه از یک سو و هویت ملی ضعیف که ارمغان ساختگی و تأسیسی بودن این کشور است سبب شده است تا برخی گروه‌های قومی و مذهبی نسبت به کشورهای همسایه به صورت صریح ابراز دوستی و حتی دشمنی کنند. گرایش گروه‌های شیعی به مواضع ایران، همراهی بعضاً روبه‌تزايد اهل سنت با خوانش‌های افراطی سعودی و نیز گرایش کردهای عراقی به هم‌نوایی با

ملی‌گرایی کردی در ایران، ترکیه و سوریه نمونه‌هایی از این دست محسوب می‌شوند. این مجاورت یا همسایگی جغرافیایی در کنار تاریخ مشترک مردم این منطقه، سبب شکل‌گیری الگوهای خاصی از دوستی و دشمنی و شیوه‌های مشابه امنیتی‌کردن شده و تحولات درون‌کشوری را با فرایندهای فراکشوری و مسائل منطقه‌ای را با منافع ملی کشورهای منطقه تلفیق کرده است. از این رو، ظرفیت بالایی جهت سرایت‌کردن چالش‌های امنیتی عراق به واسطه گروه‌های همسان به سایر کشورهای منطقه و به‌ویژه همسایگان وجود دارد که سبب می‌شود این کشورها جبهه‌گیری خاصی در مقابل نه تنها گروه‌های داخلی خود، بلکه در مقابل گروه‌های عراقی داشته باشند. از سوی دیگر، باتوجه به هویت‌محوری کشورهای غرب آسیا، بستر مهیایی جهت اتحاد هر یک از این کشورها با گروه هویتی خاص عراق و جبهه‌گیری علیه سایر گروه‌ها وجود دارد. به تبع آن، نه تنها زمینه ابراز دشمنی با برخی از گروه‌های داخلی عراق بلکه با کشورهای متحد آنان خواهد شد که نمود آن تقویت جنگ‌های نیابتی در عراق و دامن‌زدن به نزاع‌های بین‌دولتی است (Al-Qarwae, 2014: 22).

نتیجه‌گیری

با وجود تأکید فراوانی که آثار مختلف محققان در سال‌های ۲۰۰۳ به بعد بر لزوم بررسی ریشه‌های امنیت ملی عراق از منظرهای مختلف داشته‌اند، شرایط خاص جامعه عراق و شکاف‌های موجود در این کشور که ابعاد قومی و مذهبی تنها بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، این نگرش که امنیت ملی عراق را می‌توان با اتکا به گزاره‌های صرف منطقه‌ای و جهانی مورد تحلیل قرار داد، در حاشیه قرار داده است. جامعه‌شناسی گسست با اهمیت‌دادن به زمینه‌های اجتماعی مسائل امنیتی کشورهایی همچون عراق، متراکم‌شدن این شکاف‌های مختلف را زمینه‌ای می‌داند که علی‌رغم دولت‌سازی نمی‌تواند به فرایند ملت‌سازی و در نتیجه ایجاد امنیت منجر شود. بافت جمعیتی متنوع و ناهمگون عراق، عرصه ظهور و حضور هرچه پررنگ‌تر شکاف‌های اجتماعی را فراهم کرده است. نیروها و گروه‌های اجتماعی عراق نیز حول این شکاف‌ها شکل گرفته و عملاً منشأ پیدایش آگاهی و عمل سیاسی و تقسیم جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌ها و پیدایش تقابل یا رقابت میان آنها شده است.

نظام فدرالیسم پس از صدام، صحنه هم‌آوردی را برای نیروهای اجتماعی سر برآورده از دل سه شکاف اصلی شیعی، سنی، کردی فراهم ساخت که از یک سو فرصت مغتنمی برای هویت‌های انکارشده شیعی و کردی و به‌ویژه هویت اکثریت به‌همراه داشت، اما در سوی مقابل، به حاشیه‌رانده شدن

هویت سکان‌داران قدرت اهل سنت، به همراه احساس ناامنی ناشی از احساس اینکه هویتشان، مهار یا دستکاری می‌شود، قرار دارد که بیش از هر رویکردی، جامعه‌شناسی گسست قابلیت تبیین آن را دارد. بنابراین، باتوجه به مرجعیت هویت در بعد اجتماعی امنیت، تصورات صاحبان هویت در فرایند امنیتی‌سازی مسائل، نقش عمده‌ای دارد. در اینجا برای اهل تسنن عراق، پایین کشیده شدن هویتشان از مسند قدرت بسیار گران تمام شد و در واقع نه با احساسی ذهنی از ناامنی بلکه با تصویری واقعی از ناامنی روبه‌رو شدند؛ درحالی که حتی جوامع هنگام احساس و نه درک و مشاهده مخاطره، علیه هویت و نه حاکمیت خود، مبادرت به ابراز خود می‌کنند. از سوی دیگر، دامن زدن به کشمکش و منازعه میان دولت‌ها از دیگر عوامل مهم امنیتی‌سازی مسائل هویتی است. باتوجه به هویت‌محوری کشورهای غرب آسیا، کشورهای مختلف سعی در گستراندن چتر حمایتی خود بر سر هریک از هویت‌های عراق، به ویژه اهل سنت (هویت غالب غرب آسیا) دارند که گستره‌ای از کشمکش‌ها را در منطقه به دنبال دارد و سبب پیچیده‌تر شدن معمای امنیت عراق نیز می‌شود؛ چراکه دولت ضعیف برآمده از فرایند ناقص دولت - ملت‌سازی اکنون نه تنها با موجی از ناامنی‌های داخلی و نزاع‌های هویتی روبه‌روست، بلکه جولانگاه جنگ‌های نیابتی و قدرت‌نمایی کشورهای منطقه قرار گرفته است.

باتکابر رویکرد جامعه‌شناسی گسست می‌توان به این درک درباب موضوع امنیت ملی عراق دست یافت که نخبگان سیاسی و گروه‌های مرجع در این کشور زمانی می‌توانند از موضوعی به نام ضریب امنیتی بالا صحبت کنند که در کنار دفع تهدید خارجی میزان آسیب‌پذیری‌های برآمده از گسست‌های جامعه عراق را در کنار حساسیت شدید گروه‌ها و فرقه‌ها مدیریت کنند. ادراک جمعی و ملی از تهدید داخلی و خارجی و جستجوی مرجع امنیت در سطوح داخلی در کنار بسیج حمایت‌های جهانی و جلوگیری از تهدیدسازی از موقعیت عراق در برابر قطب‌های منطقه‌ای، محورهایی هستند که در آتیه امنیت ملی این کشور، می‌توانند ضامن ثبات باشند؛ ثباتی که نفع آن را درون و سپس همسایگان عراق خواهند برد.

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۸)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب،

- تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. بوزان، باری (۱۳۷۹)، آشنایی با مکتب کپنهاک در حوزه مطالعات امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۳، ش ۳.
۵. بوزان، باری (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. جویس، ویلیان (۱۳۷۳)، نهضت اسلامی شیعیان عراق، تهران: انتشارات اطلاعات.
۷. درایسدل، آلاسدر و اچ. بلیک جرال (۱۳۶۹)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۸. سلیمانی، علیرضا (۱۳۷۸)، نگرشی جامعه‌شناختی بر پایگاه دولت نظامی در عراق، سیاست دفاعی، شماره ۲۶ و ۲۷.
۹. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم، مسلسل ۳۳: ۴۹۱ - ۵۱۲.
۱۰. غرایق زندی، داود و شاکری، اصغر (۱۳۹۳)، تأثیر مسائل راهبردی در روابط ترکیه و عراق، بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۴۵: ۸۷ - ۶۷.
۱۱. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۴)، نقش گروه‌های قومی در شکل‌دهی به نظام سیاسی عراق باتأکید بر نقش کردها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۲. نصری، قدیر (۱۳۹۰)، تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره مسلسل ۵۴، شماره چهارم، سال چهاردهم.
1. Al-Qarawee, Harith Hasan (2014) Iraq s Sectarian Crisis: A Legacy of Exclusion, The Carnegie Middle East Center (observed: 2/3/2017) at: http://carnegieendowment.org/files/iraq_sectarian_crisis.pdf
 2. Gompert, David C., and et al (2010) "Security in Iraq: A Framework for Analyzing Emerging Threats as U.S. Forces Leave", Rand, (observed: 10/3/2017) at: https://www.rand.org/pubs/research_briefs/RB9481/index1.html
 3. Kalyvas N. Stathis & Kocher A. Mathew (2007) "Ethnic Cleavages and Irregular War: Iraq and Vietnam" Politics & Society, Vol. 35 No. 2, June 2007 183-223.
 4. Kirmanj, Sherko (2013) "Identity and Nation in Iraq", (observed:21/4/2017)

- at: <https://www.rienner.com/uploads/511e6527daedf.pdf>
5. Kymlicka, Will (2002); *Multicultural citizenship: An Introduction*, Oxford, Oxford.
 6. Roe, Paul, 2005 "The societal Dilemma", Available at: www.ciao.com/.
 7. Nasr, Vali (2006), "When the Shiite Rise," *Foreign Affairs*, July- August.
 8. Neocleous, Mark (2006); "From Social to National Security: on the fabrication of Economic", *Security Dialouge*, Vol 37, No 3.
 9. Sedivy, Jivi (2004) Book Review of "Regions and Powers: The Structure of International Security by Barry Buzan and Ole Waever", *Journal of International Relations and Development*, Vol. 7.
 10. Thaler David E. & et al (2008) "Future U.S. Security Relationships with Iraq and Afghanistan", Rand, (observed" 21/4/2017) at: www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2008/RAND_MG681.pdf
 11. UNPO (2013) "IRAQ: The Situation of Ethnic and Religious Minorities", Briefing paper, D-IQ Meeting, European Parliament 20 June
 12. Waever, O. (1995); "Securitization and Desecuritization" in Lipshutz (ed); *On Security*, Columbia University Press
 13. Robins, Philip, (1993), "The Overlord State: Turkish Policy and the Kurdish Issue", *International Affairs*, Vol. 69, No 4.

پایگاه اینترنتی

۱. دیوسالار، مجید، همگرایی سیاسی - امنیتی در عراق، تابناک کد خبر: ۴۲۶۸۱۳ تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۲۷ قابل بازیابی در:
<https://www.tabnak.ir/fa/news/426813/%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%82>
۲. رمضان‌بوش، فرزاد، -IPSC مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، علل کوچ اقلیت‌های کوچک مذهبی قومی عراق در ۱۳۹۳/۶/۶ قابل بازیابی در:
<http://peaceipsc.org/fa/%D8%B9%D9%84%>
۳. العالم، سازمان ملل ۴ میلیون عراقی آواره شدند ۱۳۹۴/۴/۱ قابل بازیابی در:
<http://fa.alalam.ir/news/1713535>
۴. العالم، آوارگی ۳ میلیون عراقی در یک سال ۱۳۹۴/۴/۳ قابل بازیابی در:
<http://fa.alalam.ir/news/1713998>
۵. متن کامل آخرین نسخه قانون اساسی موقت عراق، قابل بازیابی در:
<http://www.dadsetani.ir/Portals/dadsetani.ir/PaperAttch/582.htm>
۶. مشرق نیوز، جهان اسلام، شیعیان شیک قربانیان مظلوم حمله داعش، ۱۳۹۳/۱۰/۱۲ کد خبر: ۳۷۶۵۴۵، قابل بازیابی در:
www.mashregnews.ir/.../news/.../شیک-شعیان

7. <http://www.iraqbadycount.org/database.indiuals>
8. Watson Institute, costs of war, 2015. <http://Watson.Brown.Edu/costsofwar>.
9. <http://www.theodora.com/wfbcurren/iraq/index.html>: 2015 CIA WORLD FACTBOOK AND OTHER SOURCES
10. <http://online.wsj.com/documents/info-iraqelectmap05-frame.html>- WSJ, January 30, 2005

عوامل مؤثر جنگ عربستان علیه یمن

مهدی نطق‌پور^۱

مهدی بزرگ‌زاده^۲

علی اکبری^۳

سید فردین رضایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

چکیده

تحقیق حاضر، تحت عنوان "عوامل مؤثر جنگ عربستان علیه یمن" با هدف پاسخگویی به این سؤال که عوامل مؤثر جنگ عربستان علیه یمن کدام است؟ با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و ابزار تحقیق شامل پرسشنامه، در نمونه آماری تحقیق به شکل پیمایشی اجرا شد. برای رسیدن به اهداف پرسشنامه‌های تحقیق، تعداد ۴۰ نفر شامل خبرگان، اساتید و کارشناسان، به‌عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. در مجموع، پرسشنامه شامل ۱۵ سؤال براساس طیف پنج‌درجه‌ای تهیه و اجزای آن شامل اطلاعات فردی، گویه‌های سنجش و... است. یافته‌های حاصل پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و شاخص‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این تحقیق، ضمن بحث در خصوص تعریف، اهداف و ویژگی‌های جنگ، اهمیت، ساختار سیاسی و راهبرد دفاعی عربستان، موقعیت راهبردی، وضعیت سیاسی و جریان زیدیه، وقوع تحولات در یمن و تجاوز عربستان به کشور یمن به دلیل ناآرامی‌های یمن و عوامل مؤثر این جنگ، پرداخته شده است. در پایان تحقیق در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق تحت عنوان «عوامل مؤثر جنگ عربستان علیه یمن کدامند؟» به مهم‌ترین عوامل جنگ عربستان علیه یمن شامل: واکنش عربستان به تحولات داخلی یمن با توجه به اهمیت جغرافیایی و موقعیت راهبردی یمن، نگرانی از تشکیل دولت شیعه در شمال یمن و تأثیر آن بر جمعیت قابل توجه شیعه عربستان، رقابت راهبردی عربستان با ایران و جلوگیری از نفوذ و دخالت ایران در یمن، استیصال عربستان در مقابل جبهه مقاومت و تبدیل گفتمان مقاومت به یک منزلت هژمونیک در سطح منطقه، پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: جنگ؛ عربستان؛ یمن

mnnoori@yahoo.com

drmbzadeh@gmail.com

nilooreza88@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات راهبردی

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا سرزمین اولین تمدن‌ها در جهان است. این منطقه که محل اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است، به دلیل منابع سرشار انرژی و وجود اقوام و مذاهب فرهنگ‌های مختلف و همچنین خاستگاه ادیان الهی، از اهمیت ژئوپلیتیکی خاص برخوردار است. از منظر امنیتی هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی پایدار و توافق‌شده در آن وجود ندارد. به‌رغم پیشرفت نظام‌های امنیت منطقه در سراسر جهان و بعد از پایان جنگ سرد و در چارچوب تحولات جهانی شدن هنوز این منطقه فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه‌شده است. تروریسم، افراطی‌گری، جرائم سازمان‌یافته دولت‌های ضعیف، مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به‌ویژه جنگ‌های اخیر از جمله چالش‌ها و موانع امنیتی عمده است. مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران، کشور عربستان است که همواره جمهوری اسلامی ایران را به تلاش برای صدور انقلاب، گسترش تفکر شیعی و برهم‌زدن ثبات محیط پیرامونی، متهم می‌کند. وحشت آل‌سعود از الگوگیری کشورهای منطقه از نوع نظام سیاسی ایران که همان نمونه موفق مردم‌سالاری دینی است، آنان را به اتخاذ سیاست‌های مخرب، واداشته است.

جنبش انصارالله در یمن متشکل از شیعیان زیدی در منطقه صعده است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران زیدی‌ها امیدوار شدند که دوباره مذهب و حکومت زیدیه را زنده کنند و در این جهت، پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیر شگرفی در روحیه آنها داشت و اولین هیئت خارجی که برای تبریک پیروزی انقلاب اسلامی به ایران آمد از کشور یمن بود. اهمیت یمن به حدی است که بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند که تحولات این کشور بر کل منطقه غرب آسیا تأثیر می‌گذارد.

بیان مسئله

بی‌تردید جنگ، شگفت‌انگیزترین پدیده اجتماعی است که در طول تاریخ در جوامع و مناطق مختلف جهان رخ داده است. در واقع، تاریخ بشریت با کشمکش‌های مسلحانه آغاز شده است. تقریباً تمامی مناطق جهان شاهد این پدیده بوده است، از جمله این مناطق، منطقه جنوب غرب آسیاست که در طول تاریخ، به‌ویژه در عصر حاضر شاهد جنگ‌های متعددی مانند جنگ اعراب و اسرائیل، عراق و ایران، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، داعش و... بوده است، از جمله این جنگ‌ها که در حال حاضر در منطقه در حال انجام است، جنگ عربستان و متحدانش علیه کشور یمن است. عربستان سعودی را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین قدرت‌های منطقه در غرب آسیا دانست. این

کشور در طول دهه‌های گذشته، سیاست خارجی خاصی را در پیش گرفته که عمدتاً به محافظه‌کاری و احتیاط، معروف بوده است، اما این کشور در چندسال اخیر با کنار گذاشتن سنت‌های سابق در سیاست خارجی خود به تغییر رویکرد و اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی روی آورده است. یمن کشوری دارای سابقه اصیل و تاریخی است. موقعیت جغرافیایی یمن نیز همچون جمهوری اسلامی ایران موقعیت راهبردی و سوق‌الجیشی است، تحولات یمن را نمی‌توان جدا از تحولات کلان منطقه راهبردی جنوب غرب آسیا و خارج از روند بیداری اسلامی که با مخالفت نظام سلطه مواجه شده است، دانست. در همین راستا، پس از فرار منصور هادی رئیس‌جمهور مستعفی و پیشروی ارتش و نیروهای مردمی یمنی در مناطق جنوبی کشور، عربستان سعودی به‌اتفاق متحدانش عملیات نظامی خود را در این کشور آغاز کردند که در این پژوهش به بررسی جنگ عربستان و یمن می‌پردازیم. در واقع، دغدغه این پژوهش این است که چون کشور جمهوری اسلامی ایران در منطقه حیاتی جنوب غرب آسیا واقع شده است و منافع جمهوری اسلامی ایران اقتضا می‌کند که نسبت به تحولات محیط منطقه‌ای بی‌تفاوت نباشد، براین اساس، این تحقیق درصدد شناسایی عوامل مؤثر شروع و استمرار جنگ عربستان علیه یمن است.

هدف تحقیق

شناخت عوامل مؤثر بر جنگ عربستان علیه یمن

پرسش اصلی تحقیق

عوامل مؤثر بر جنگ عربستان علیه یمن کدامند؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر به‌لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش، از نوع توصیفی - تحلیلی است. ابزار تحقیق از طریق فیش‌برداری و جمع‌آوری مطالب و اطلاعات و اسناد با استفاده از پایان‌نامه‌ها، فصل‌نامه‌ها، ماهنامه‌های تحلیلی، رجوع به سایت‌های اینترنتی، مقالات منتشر شده و پرسشنامه با کمک صاحب‌نظران است.

قلمرو موضوعی شامل بررسی جنگ عربستان و یمن و بازه زمانی آن، از شروع تحولات و هم‌زمان با بیداری اسلامی در منطقه یعنی از سال ۲۰۱۱ و به‌ویژه از ۲۵ مارس ۲۰۱۵، زمان حمله عربستان و متحدانش به یمن تاکنون است، قلمرو مکانی تحقیق کشور یمن است.

باتوجه به موضوع این پژوهش، جامعه آماری این پژوهش حدوداً ۲۰۰ نفر است که با روش نمونه‌گیری هدف‌مند در حد کفایت انتخاب شد. ویژگی‌های جامعه آماری این پژوهش شامل افرادی

دارای تحصیلات عالی دانشگاهی با مدرک کارشناسی به بالا و دارای کار مطالعاتی و عضویت در میزهای هم‌اندیشی در حوزه یمن و تحولات این کشور و یا دارای کار اطلاعاتی و یا عملیاتی در حوزه جنگ عربستان علیه یمن و به‌طور کلی اساتید و پژوهشگران خبره در حوزه جنوب غرب آسیا و عربستان و یمن است. به این منظور تعداد ۴۰ نفر از نخبگان و اندیشمندان که شامل اعضای میز تحقیقاتی یمن در پژوهشکده دفاعی امنیتی، اعضای میز تحقیقاتی یمن در مرکز اندیشه‌سازان نور، سازمان اطلاعات سپاه، پژوهشگران دانشکده فرهنگی، پژوهشگران دانشکده پیامبر اعظم (ص)، پژوهشگران پژوهشکده مطالعات بین‌الملل انتخاب و پرسشنامه به آنان تحویل داده شد که در نهایت تعداد ۳۹ پرسشنامه تکمیل و عودت یافت.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

تعریف جنگ

در خصوص جنگ، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان مرتبط با موضوع ارائه شده است که برخی از مهم‌ترین آنها شامل موارد زیر است:

در نظرگاه‌های اندیشمندان جامعه‌شناس، جنگ به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی مطرح می‌شود. به‌صورت روشن‌تر، جنگ، نوعی کوشش و فعالیت اجتماعی قلمداد می‌شود که دارای شور، احساسات و تأثیرات دسته‌جمعی است. به عبارتی، جنگ، غنی‌ترین منبع الهام احساسات و تأثیرات دسته‌جمعی قلمداد می‌شود. در کل، جنگ، شکلی از رفتار اجتماعی است که دارای شور و احساسات زیاد است و به‌صورت وسیع در تاریخ و طبیعت، توزیع شده است (بوتول، ۱۳۶۴: ۷۰).

آلن بیرو: واژه جنگ از ریشه آلمانی ویرا گرفته شده است که به‌معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها (جنگ خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی) صورت می‌گیرد.

موریس دوورژه: جنگ، عبارت از استعمال خشونت جسمی برای حل و فصل تعارضات است و سیاست یعنی استعمال وسایل غیرخشن یا بهتر بگوییم با خشونت کم‌تر.

گاستون بوتول: جنگ، مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان‌یافته است (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۲).

اهداف جنگ

برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی هدف از جنگ را پیروزی بر رقیب برای ملزم ساختن و انقیاد تام او، کسب اراضی و مایملک دشمن، تحمیل ادعاهای خود بر دشمن و اجبار او به قبول آنها می‌دانند (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۶).

ویژگی‌های جنگ

از مهم‌ترین ویژگی‌های جنگ آن است که می‌باید دو یا چند گروه مستقل که هر یک در منطقه جغرافیایی خاصی سکونت دارند، موجود باشند؛ گروه‌های مستقل از یکدیگر باید با همدیگر در ارتباط باشند؛ بین گروه‌های مختلف اجتماعی باید ارتباطات ستیزه‌آمیزی برقرار باشد؛ این ارتباطات گروه‌های مختلف اجتماعی باید از نظم و ترتیب خاصی برخوردار باشد (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۷).

جنگ و سیاست

سیاست‌هایی که ماهیت توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه داشته باشند، می‌توانند موجب شروع و بسط جنگ‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی شوند (ادیبی سده، ۱۳۷۹: ۱۶).

اهمیت جغرافیای عربستان سعودی

قرار گرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان (خلیج فارس و دریای سرخ) به این کشور موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی بخشیده است، ولی استفاده از هر دو آبراه فوق‌الذکر مساوی است با عبور از تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب که اولی تحت نفوذ ایران و دومی تحت نظر جمهوری یمن است (گودوین، ۱۳۸۳: ۹۱).

ساختار سیاسی عربستان

حکومت عربستان، پادشاهی است و ماهیت و ساختار قدرت در این کشور منحصربه‌فرد است. همه‌چیز در خاندان سعود خلاصه می‌شود تا آنجا که عربستان تنها کشوری در جهان است که نام خاندان حاکم را یدک می‌کشد. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این کشور، فقدان قانون اساسی مدون تا سال ۱۹۹۲ میلادی بوده است که نمایانگر بی‌تفاوتی خاندان سعود به این مهم است و از تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ دارای قانون اساسی شد. براساس قانون اساسی جدید نظام حکومتی عربستان نظام سلطنتی است و حکومت بین فرزندان پسر عبدالعزیز بن عبدالرحمن موروثی است (گودوین، ۱۳۸۳: ۹۲).

راهبرد و دکترین دفاعی عربستان

دکترین نیروهای مسلح عربستان در زمان ملک عبدالله و قبل از او بر مبنای پدافند از کشور و حفظ رژیم سلطنتی آل سعود استوار بوده است و پس از مرگ ملک عبدالله و به قدرت رسیدن سلمان و فرزندش محمد (وزیر دفاع) رویکردهای آفندی و تهاجمی نیز در دستور کار راهبردی و دکترین نظامی عربستان قرار گرفته است (<http://basirat.ir/fa/news/286346/>).

کشور یمن

کشور یمن، یکی از کشورهای عرب مسلمان منطقه است که دارای حدود ۵۲۷۹۷۰ کیلومتر مربع مساحت و ۲۸۹۱۵۲۸۴ میلیون نفر جمعیت است که ۶۰ تا ۶۵ درصد آنها سنی (عمدتاً شافعی) و ۳۵ تا ۴۰ درصد آنها شیعه (عمدتاً زیدی) است. این کشور دارای ۳۷۴۶ کیلومتر مرز است که ۱۴۵۸ کیلومتر با عربستان، ۲۸۸ کیلومتر با عمان و ۲۰۰۰ کیلومتر آن، مرز دریایی است. یمن از شمال به کشور عربستان سعودی، از شرق به کشور عمان، از جنوب به خلیج عدن و از غرب به دریای سرخ محدود است. (رستمی، ۱۳۹۶: ۶).

موقعیت راهبردی یمن

یمن در جنوب شبه جزیره عرب قرار گرفته و مرزهای دریایی گسترده‌ای در دریای سرخ و نیز خلیج عدن دارد. موقعیت راهبردی این کشور به لحاظ اشراف بر شاخ آفریقا از طریق مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سوکاترا، اهمیت ویژه‌ای به این کشور داده است؛ به علاوه، اشراف این کشور بر تنگه باب‌المنندب، اهمیت مضاعفی به آن از نظر تأمین امنیت انرژی و حمل‌ونقل کالا بخشیده است. در واقع، درصد زیادی از رفت و آمدی که در کانال سوئز صورت می‌گیرد، از باب‌المنندب هم می‌گذرد. پس به همان میزان که کانال سوئز حائز اهمیت است، باب‌المنندب هم مهم است (التیام‌نیا، باقری دولت آبادی و نیک‌فر، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

در واقع، باب‌المنندب یکی از آبراه‌های حیاتی شرق و غرب است که اقیانوس هند و دریای عرب را به دریای سرخ و مدیترانه متصل می‌کند. بندر عدن نزدیک‌ترین نقطه راهبردی یمن به باب‌المنندب و در حکم جبل الطارق آسیاست. هر نیروی نظامی که بر این منطقه مسلط شود، می‌تواند بر شاخ آفریقا و دریای سرخ استیلا داشته باشد و حتی با بستن تنگه باب‌المنندب کانال سوئز را بدون استفاده سازد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۲: ۴۹).

درباره اهمیت تنگه یادشده در حوزه ترانزیت، می‌توان گفت براساس آمار موجود حدود پنج تا

شش درصد تولید نفت جهان هر روز از این تنگه به سمت کانال سوئز و از آنجا به دیگر نقاط جهان منتقل می‌شود. سالانه حدود ۲۱ هزار کشتی حامل انواع کالاها نیز از باب‌المنذب عبور می‌کند. براساس ارزیابی‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا در سال ۲۰۱۳، مقدار نفتی که روزانه از این تنگه عبور می‌کند، حدود سه میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه است که این رقم معادل شش درصد تجارت نفت جهانی به‌شمار می‌آید (<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/07/18/883606>).

دارابودن سواحل طولانی در دریای سرخ و دریای عرب و نیز وجود بندرهای مهمی مانند «عدن»، «حدید» و «فحاء» که به اهمیت راهبردی یمن می‌افزاید. با توجه به موقعیت راهبردی یمن، می‌توان گفت که عامل جغرافیا نقش تعیین‌کننده‌ای در این کشور داشته است. موقعیت راهبردی یمن سبب توجه قدرت‌های توسعه‌طلب مانند امپراتوری عثمانی، بریتانیا، ایتالیا، عربستان سعودی، آمریکا و شوروی سابق به این کشور شده و رقابت آنها و پاره‌پاره شدن سرزمین یمن را به دنبال داشته است (<http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/2375>).

یکی از دلایل توجه امارات و عربستان به یمن جنوبی، پروژه مشهور «مدینه انور» است. این پروژه در سال ۲۰۰۶ با حضور بیش از ۱۵۰ شرکت بزرگ جهانی به تصویب رسید. هدف از این طرح، تبدیل نمودن عدن و منطقه «الحره» در این استان به یک گلوگاه اقتصادی میان افریقا و شبه‌جزیره عربستان است (<http://www.tabyincenter.ir/qadim/index.php/menu-examples/child57>).

وضعیت سیاسی یمن

جمهوری یمن از جمله چهار کشور عربی است که در سال ۲۰۱۱م. شاهد آغاز تغییر حکومت دیکتاتوری در نتیجه موج گسترده اعتراض‌های مردمی و تغییر حکومت دیکتاتوری بود، عبدالله صالح در طول دوران ۳۳ ساله حکومت خود، یمن را در مسیر دیکتاتوری، ایجاد نظام تک‌حزبی، قانون‌شکنی گسترده، بروز جنگ‌های داخلی و وابسته کردن امنیت ملی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هدایت کرد. در این مدت، افزایش دوبرابری جمعیت فقیر، فساد گسترده دولتی، افزایش میزان بیکاری و گسترش تهدیدهای امنیتی از نتایج حکومت او بود. آغاز بیداری اسلامی در تونس و مصر که به برکناری «زین‌العابدین بن علی» و «حسنی مبارک» از قدرت انجامید، موجب شد مردم یمن نیز به تاسی از مردم تونس، مصر، لیبی و بحرین، اعتراض‌های ضدحکومتی گسترده‌ای علیه حکومت دیکتاتوری این کشور راه‌اندازی کنند. با وجود اینکه عبدالله صالح و نیروهای امنیتی یمن تلاش زیادی انجام دادند تا اعتراض‌های ضدحکومتی در این کشور را متوقف کنند، اما نتوانستند بر عزم جدی مردم یمن برای

براندازی رژیم عبدالله صالح، فائق آیند. تحولات یمن به واسطه هم‌مرز بودن با عربستان سعودی و همچنین قراردادش تنگه «باب‌المنذب» در این کشور، برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز حائز اهمیت است. بیش از ۳/۴ میلیون بشکه نفت روزانه از تنگه باب‌المنذب روانه بازار می‌شود. براین اساس، شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی و با کمک‌های مستقیم امریکا نیز در سرکوب و متوقف کردن اعتراض‌های ضدحکومتی در یمن به رژیم صالح کمک کردند، اما این کمک‌ها نیز نتوانست مانع برکناری عبدالله صالح از قدرت شود (فصلنامه فرهنگ و ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۲ بهمن ۱۳۹۴: ۱۹).

در نهایت، اگرچه با طرح شورای همکاری خلیج فارس و امریکا، «منصور هادی» در یک انتخابات تک‌نامزدی و فرمایشی توانست زمام امور را در دست بگیرد و مانع تحقق اهداف واقعی انقلاب مردمی یمن شود، اما علی عبدالله صالح پس از ۳۳ سال به‌ناچار از قدرت کنار رفت (<http://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/goes/ym.html>).

جریان زیدیه و حوثی‌ها

حوثی‌ها به شیعیان زیدیه چهارامامی گفته می‌شود که استان صعده در شمال یمن، محل اصلی تمرکز آنهاست. مؤسس این جریان، حسین بدرالدین الحوثی بود. او در سال ۲۰۰۴ توسط نیروهای ارتش یمن به قتل رسید. این جریان بخشی از ترکیب جمعیتی و سیاسی یمن است و در تمامی تحولات و سازوکارهای سیاسی که از زمان سرنگونی علی عبدالله صالح (رئیس‌جمهور پیشین یمن) در فوریه ۲۰۱۲ در یمن شکل گرفته و تاکنون هم ادامه دارد، حضور فعال دارد (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۸: ۲۶۴). ریشه اصلی اختلاف حوثی‌ها که از اختلاف زیدی‌ها با حکومت مرکزی نشئت می‌گیرد، به تغییر حکومت یمن در سال ۱۹۶۲ میلادی بازمی‌گردد. در این زمان رژیم امامت منحل و رژیم جمهوری تشکیل شد. درعین حال، سیاست‌های علی عبدالله صالح (رئیس‌جمهور پیشین یمن) نیز نارضایتی زیدی‌ها را دامن زده بود و باعث شد مخالفت آنها با حکومت مرکزی افزایش یابد. در واقع، در بررسی ریشه‌های نارضایتی زیدی‌ها باید به سیاست‌های اشتباه دولت در امر خدمات، بهداشت، اشتغال و... نیز اشاره کرد.

در سال ۱۹۹۲ میلادی، گروهی سیاسی که شباب‌المؤمنین نامیده می‌شد و پایه‌ای برای شکل‌گیری گروه حوثی به‌شمار می‌آمد، در وعده (مرکز فعالیت زیدی‌ها) تشکیل شد. هدف آن، تربیت جوانان زیدی بود. این گروه به‌مرور فعالیت‌های خود را افزایش داد و طرفداران بسیاری در میان زیدی‌ها پیدا

کرد. به دنبال گسترش فعالیت‌های گروه یادشده که در چارچوب فعالیت‌های خدماتی و آموزشی صورت می‌گرفت، علی عبدالله صالح مخالفت شدید خود را با این فعالیت‌ها اعلام کرد؛ چراکه چنین فعالیت‌هایی را به منزله تهدیدی سیاسی علیه دولت خود تلقی می‌کرد، از این رو، دولت یمن تصمیم به رویارویی با گروه حوثی گرفت. به عبارت دیگر، زمینه‌های مخالفت با گروه حوثی شکل گرفت و در نهایت مخالفت حکومت با گروه حوثی، منجر به دستگیری رهبر این گروه (حسین بدرالدین الحوثی) شد (جوکار، ۱۳۹۱: ۲۴).

در سال ۲۰۰۳ هنگام دیدار علی عبدالله صالح از مناطق شمال یمن، جوانان مؤمن (شاخه‌ای از حوثی‌ها) استقبال گرمی از وی به عمل آوردند و با وجود اختلاف‌هایی که بین گروه حوثی و حکومت وجود داشت، مبارزه‌ای بین آنها دیده نمی‌شد؛ اما نقطه عطف تیرگی روابط این گروه با دولت مرکزی زمانی بود که نیروهای امنیتی در ژوئن ۲۰۰۴ به بهانه شکایت تعدادی از شهروندان برای دستگیری و بازجویی از رهبر حوثی (حسین الحوثی)، به منزل او هجوم بردند. پس از آن، طرفداران حوثی به مقابله با نیروهای حکومتی پرداختند و تعدادی از نیروهای دو طرف (۲۶۳ نفر) کشته و زخمی شدند. بدین ترتیب، اولین دور «جنگ‌های وعده» آغاز شد (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۸: ۲۶۴).

توافقنامه حوثی‌ها و دولت یمن: مدت کوتاهی پس از اعلام استعفای باسندوه از نخست‌وزیری و کنترل نیروهای مردمی و انصارالله بر مقر نخست‌وزیری، ساختمان تلویزیون، مؤسسات دولتی و چند پایگاه ارتش؛ نمایندگان عبدالملک الحوثی رهبر جنبش انصارالله برای امضای توافقنامه آشتی وارد صنعاء شدند و به ساختمان ریاست جمهوری رفتند (ایران بازگو، ۱ مهر ۱۳۹۳).

وقوع تحولات در یمن و تجاوز عربستان به این کشور

اعتراض‌های سرتاسری در یمن علیه حکومت و رئیس‌جمهور آن (علی عبدالله صالح)، از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، جهت انجام اصلاحات در این کشور آغاز شد، اما در روزهای پایانی ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، مخالفین خواستار کناره‌گیری رئیس‌جمهوری این کشور از قدرت شدند و در ۳ فوریه اعتراض‌های مخالفین به اوج رسید که با برخوردهای خونین و خشونت‌آمیز حاکمیت با مردم معترض روبه‌رو شد (فیروزکلانی، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

در این میان، کشور عربستان به عنوان بازیگر فعال در یمن، جهت کنترل اوضاع و جلوگیری از تشدید مخالفت‌ها، با عنوان کردن طرحی در شورای همکاری خلیج فارس، خواهان روی کار آمدن حکومت دست‌نشانده خود پس از حکومت علی عبدالله صالح بود. طبق این طرح که با عنوان ابتکار خلیجی نیز

شناخته می‌شود و در ده بند خلاصه شده است، از علی عبدالله صالح خواسته شد تا ظرف مدت یک ماه از قدرت کناره‌گیری کند (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۶۸ - ۱۶۹).

پس از برگزاری انتخابات در یمن و روی کار آمدن عبد ربه منصور هادی به‌عنوان تنها کاندیدای ریاست‌جمهوری، نمایندگان حاضر در نشست‌های گفتگوی ملی، سعی در ارائه سیاست‌هایی جهت کاهش اختلاف‌ها در یمن و تحقق خواست‌های اعتراض‌کنندگان داشتند. در این میان، عنوان‌شدن طرح تمرکززدایی عبد ربه منصور هادی در نشست گفتگوی ملی اعتراض‌حوثی‌ها را برانگیخت. این طرح بر تقسیم شمال یمن به چهار منطقه فدرالی و جنوب این کشور به دو منطقه فدرالی تأکید می‌کرد، اما جنبش حوثی‌ها ضمن رد این طرح، هدف از آن را تقسیم کشور به مناطق ثروتمند و فقیر عنوان کردند. در همین حال، ساکنان جنوب یمن نیز با رد طرح عبد ربه منصور هادی، خواهان خودمختاری یا استقلال کامل جنوب شدند (رئسی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

پس از بی‌نتیجه‌ماندن مذاکرات بین دولت و جنبش حوثی، عبدالملک بدرالدین حوثی، نامه‌ای برای منصور هادی، (رئیس‌جمهور یمن) ارسال کرد. او در این نامه، راهکارهایی را برای پایان‌بخشیدن به اعتراض‌های خیابانی مطرح کرد (رئسی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). به‌دنبال عدم‌تغییر رویه در سیاست‌های منصور هادی پس از نامه رهبر حوثی، اعتراض‌های گسترده مردمی در مخالفت با افزایش بهای سوخت و حذف یارانه حامل‌های انرژی، باعث آغاز مرحله نوینی در حیات سیاسی جنبش حوثی شد. این اعتراض‌ها به‌مثابه تحولی جدید در یمن بود که حوثی‌ها رهبری آن را عهده‌دار شدند، به‌این‌ترتیب، تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای مختلف یمن شامل: صنعا، وعده، تعز، اب، حدیده، بیضاء، جوف، مارب و... برگزار شد. در این‌بین، حزب کنگره مردم، حزب ناصری و حزب سوسیالیست نیز به اعتراض‌ها پیوستند (رئسی، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

آتش تظاهرات در یمن پس از سخنرانی سیدعبدالملک حوثی، در تاریخ ۲۷ مردادماه ۱۳۹۳ شعله‌ورتر شد و تظاهرات میلیونی در یمن رخ داد. پس از همراهی مردم با حوثی‌ها، این گروه صنعا را تصرف کردند (رئسی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). به‌دنبال تصرف صنعا از جانب گروه حوثی و همراهی سایر گروه‌های معترض با حوثی‌ها، عبد ربه منصور هادی در نامه‌ای به شورای امنیت، صدور قطعنامه برای حمایت از خود را خواستار شد. او همچنین با درخواست از شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواهان حمایت از اقدام نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس علیه حوثی‌ها شد (BBC, 16/3/2015).

از این رو، کشور عربستان در چارچوب ائتلافی از کشورهای عربی اکثریت سنی، شامل: بحرین، مصر، اردن، کویت، مراکش، قطر، سودان و امارات متحده عربی که دربرگیرنده تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان می‌شد، در روز ۲۶ مارس ۲۰۱۵ عملیات موسوم به طوفان قاطعیت را علیه یمن و حوثی‌ها آغاز کرد (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

دلایل ناآرامی‌ها در یمن

به‌طور کلی، مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی و نظام حزبی یمن پس از ادغام و نیز از دلایل مهم انقلاب مردم یمن و ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ به بعد در یمن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی: حکومت علی عبدالله صالح در زمره رژیم‌های اقتدارگرای مبتنی بر تسلط حزب سیاسی حاکم محسوب می‌شود. در این نظام سیاسی اگرچه میزانی از رقابت انتخاباتی تحمل می‌شود، اما عملاً حزب حاکم با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از ابزارها موقعیت مسلط را به دست می‌آورد. در خصوص پیروزی کنگره خلق عمومی باید توجه داشت که این جریان به‌مثابه حزب حاکم از مجموعه‌ای از ابزارها برای پیروزی در انتخابات به‌وجه احسن استفاده می‌کرد (التیام‌نیا، باقری دولت آبادی و نیک‌فر، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

ب) مشکلات و فساد اقتصادی گسترده: مطبوعات گزارش می‌دهند که حکومت یمن را فساد عظیمی که در تمام سطوح بوروکراسی وجود دارد، احاطه کرده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که فساد گسترده و ویژگی الیگارشیک حکومت و اقتدارگرایی مبتنی بر هژمونی حزبی در یمن، نارضایتی احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف را برانگیخته و بحران مشروعیت عمیقی را در این کشور ایجاد کرده است (التیام‌نیا، باقری دولت آبادی و نیک‌فر، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

ج) بی‌ثباتی و ناامنی داخلی: شورش‌ها و قیام‌های مردمی که رژیم‌های بن علی و مبارک را درنوردید، همچنان ادامه یافت. علاوه بر مناقشات سرزمینی با کشورهای همسایه، وابستگی اقتصادی و فنی به کشورهای دیگر به ناپایداری در یمن دامن زده است (التیام‌نیا، باقری دولت آبادی و نیک‌فر، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

د) بیکاری و ناامنی غذایی: فساد گسترده، فرار سرمایه، در کنار تنزل و فرسایش شدید زیست‌محیطی، بیکاری بالا و جنگ‌های مداوم در یمن به ایجاد بحران انسانی شدید منجر شده است، به‌گونه‌ای که درصد بالایی از مردم یمن از ناامنی غذایی و نبود خدمات بهداشتی رنج می‌برند (التیام‌نیا، باقری دولت آبادی و نیک‌فر، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

جنگ عربستان سعودی علیه یمن و واکنش جامعه بین‌الملل

در بیانیه پنج کشور عربی شامل: عربستان، بحرین، امارات، قطر و کویت موسوم به «بیانیه ریاض» ادعا شده است که به دلیل حمایت از مردم یمن و به درخواست جناب عبد ربه منصور هادی رئیس‌جمهوری آن، تصمیم گرفتیم مردم یمن را از تجاوز شبه‌نظامیان «حوثی» که همچنان ابزار قدرت‌های خارجی هستند و از برهم‌زدن امنیت و ثبات یمن برادر، دست برنمی‌دارند، نجات دهیم (<http://www.jahannews.com/analysis/414388>).

موافق: کشورهای موافق حمله ائتلاف به سرکردگی عربستان شامل رژیم صهیونیستی، دولت خودگردان فلسطین، بنگلادش، کانادا، امریکا، فرانسه، بریتانیا، ترکیه، افغانستان و جیوتی می‌باشند که ضمن صدور اعلامیه از مداخله خارجی در یمن پشتیبانی می‌کنند (<http://pedianews.ir/wiki>).

بی‌طرف: سازمان ملل متحد؛ فرهان حق، سخنگوی وکیل پارلمان سازمان ملل گفته است که سازمان ملل «به دنبال جزئیات بیشتر است» و اضافه کرده است که سازمان ملل اعتقادی به مداخله نظامی بر حل کردن مشکلات یمن ندارد. همچنین کشورهای عمان، اندونزی، چین، تونس و الجزایر هم بی‌طرف بوده‌اند (<https://wikivisually.com/lang-fa/wiki>).

مخالف: اتحادیه اروپا با این مداخله نظامی مخالفت کرده و اظهار داشته است که مداخله نظامی این بحران را حل نخواهد کرد. علاوه بر این کشورهای عراق، ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و جبهه مردمی آزادی فلسطین با یورش نظامی به یمن مخالفت کرده‌اند (<https://wikivisually.com/lang-fa/wiki>).

کثرت قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل: آنچه در مورد بحران یمن قابل توجه است، کثرت قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است. بحران سوریه با وجود تعدد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای که در تغییر توازن و ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، تنها شاهد یک قطعنامه فصل هفتی شورای امنیت بوده است، اما بحران یمن از آغاز تحولات و با وجود اهمیت کم‌تر و اثرگذاری محدودتر نسبت به بحران سوریه، ۶ قطعنامه فصل هفتی شورای امنیت را تجربه کرده است (خبرگزاری فارس چهارشنبه ۰۲ اسفند ۱۳۹۶ - ۱۷:۱۳). مهم‌ترین این قطعنامه‌ها، قطعنامه ۲۲۱۶ است. پیش‌نویس قطعنامه ۲۲۱۶ پیش‌تر از سوی اردن و به نمایندگی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس ارائه شده بود که شورای امنیت ضمن پذیرش بی‌چون و چرای مفاد پیش‌نویس، آن را به قطعنامه تبدیل کرد. در این ماجرا امریکا و عربستان از رهگذر تطمیع و تهدید، دیگران را مجاب

کردند تا قطعنامه ۲۲۱۶ را نیز مانند سایر قطعنامه‌های مربوط به یمن، ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تصویب نمایند. قطعنامه مذکور در ۲۵ فروردین ۹۵ و در اثنای جلسه بررسی اوضاع یمن، با ۱۴ رأی مثبت اعضای دائم و غیردائم و یک رأی ممتنع روسیه تصویب شد (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/06/31/506361>).

عوامل و اهداف مؤثر مداخله عربستان در یمن

تحلیلگران مسائل سیاسی دلایل مختلفی را در بیان علل حمله عربستان به یمن برشمرده و اظهارنظرهای متفاوتی را در مورد نتایج این تهاجم وحشیانه مطرح کرده‌اند. اما بی‌شک این تجاوز، توجیه بی‌تفاوتی و بلکه حمایت و همراهی کشورهای سلطه‌گر و حتی سلطه‌پذیر و نیز نهادهای بین‌المللی با این ائتلاف خودساخته امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه همانند سایر رویدادهای مشابه، به نوعی در جهت تأمین منافع غرب و به‌ویژه امریکا تعریف شده باشد.

الف) عوامل مؤثر و اهداف منطقه‌ای و داخلی عربستان: در این رابطه می‌توان عوامل متعددی را برای حکام سعودی متصور شد، به‌عنوان مثال، از دیرباز تسهیل در دسترسی به آب‌های خلیج عدن و تسلط بر باب‌المنندب یکی از آرزوهای بزرگ خاندان آل سعود به‌شمار می‌رفته است، به‌همین دلیل است که وزیر دفاع عربستان در اظهاراتی گستاخانه به خود اجازه می‌دهد تا در سایه سکوت و همراهی سازمان ملل و کشورهای غربی، علناً از کشورگشایی و الحاق استان حضرموت و احتمالاً استان المهره به خاک عربستان به‌عنوان یکی از اهداف اصلی حمله به یمن نام ببرد.

از سوی دیگر، با بررسی نقشه منطقه مشخص خواهد شد که هم‌اکنون شبه‌جزیره عربستان در احاطه کامل کشورهای انقلابی ایران، عراق، سوریه، یمن، حزب‌الله لبنان و آتش‌زیر خاکستر در مصر و سایر کشورهای همجوار قرار دارد و طبیعی است که حکام دیکتاتور آل سعود و هم‌پیمانان وی، برای زهرچشم‌گرفتن و انتقام از انقلابیون سایر کشورهای مورد اشاره و رهایی از آثار احتمالی و ناخواسته نهضت بیداری اسلامی بر ساختار حکومت‌های فاسد و پوسیده خویش و همچنین جلوگیری از قدرت‌گرفتن حوثی‌های یمن و به تبع آن تقویت روحیه مخالفین اهل سنت و به‌خصوص شیعیان تحت ستم عربستان، تضعیف و تخریب کشورهای نوپای انقلابی را هدف خود قرار دهند.

جلوگیری از نفوذ و دخالت ایران در یمن، هدف دیگری است که به شکل پنهان و آشکار از سوی حکام عرب و غربی‌ها برای این جنگ مطرح شده است و این در حالی است که جمهوری اسلامی بارها هرگونه دخالت در امور داخلی کشورها را نهي نموده و تنها بر سیاست حمایت سیاسی و معنوی از

مظلوم، تأکید داشته است.

در رابطه با سایر اهداف نیز می‌توان به مواردی مانند: ترس از رسیدن دموکراسی به عربستان، تلاش برای جلوگیری از بیداری اسلامی و انحراف مسیر انقلاب یمن، جابه‌جایی قدرت و کنارزدن فرزندان شاه سابق از ساختار سیاسی عربستان، تسهیل برای تغییرات داخلی عربستان و جانشینی محمدبن سلمان، مانور قدرت و اثبات کارآمدی نسل دوم شاهزادگان سعودی، تسهیل در دسترسی عربستان به آب‌های خلیج عدن و تسلط بر باب‌المنذب، واکنش عربستان به تحولات داخلی یمن با توجه به اهمیت جغرافیایی و موقعیت راهبردی یمن برای عربستان، ایجاد روحیه سلحشوری مبتنی بر حس ناسیونالیستی به شهروندان عربستان، رقابت راهبردی عربستان با ایران و جلوگیری از نفوذ و دخالت ایران در یمن، وحشت عربستان از توافق اروپا و آمریکا با ایران و تنه‌اماندن عربستان در منطقه، تقویت پایگاه و هوایت، تضعیف موقعیت شیعیان در یمن و جلوگیری از اتحاد آنها با اهل سنت، بازگرداندن مجدد یک هم‌پیمان دیکتاتور به حکومت و قدرت‌نمایی برای اثبات نقش ادعایی رهبری جهان عرب، جلب توجه غربی‌ها و تأثیرگذاری بر روند مذاکرات و کاهش نگرانی‌های ناشی از توافق احتمالی گروه ۵+۱ با ایران و درنهایت رفع اثرات نامطلوب دیپلماسی ضعیف و همچنین جبران خسارت جنگ‌ها و سیاست‌های شکست‌خورده قبلی آل‌سعود و بازگرداندن روحیه سلحشوری مبتنی بر حس ناسیونالیستی به شهروندان عربستانی اشاره کرد (هدایتی، روزنامه کیهان، ۲۳ شهریور ۱۳۹۴).

ب) نقش جبهه استکبار جهانی و فرامنطقه‌ای: از نگاه فرامنطقه‌ای، مهم‌ترین اهداف جبهه استکبار جهانی از زمینه‌سازی برای بروز جنگ و ایجاد درگیری بین عربستان و یمن را می‌توان در موضوعات ذیل خلاصه نمود:

تحقق سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن»، از طریق دامن‌زدن به اختلافات قومی و قبیله‌ای و دینی و مذهبی در سرزمین‌های اسلامی، نسل‌کشی مذهبی از طریق تداوم و گسترش جنگ‌های نیابتی بین مسلمانان، اثبات و اثربخش‌نمودن سیاست اسلام‌هراسی و ناکارآمد نشان‌دادن نظام اسلامی از طریق ایجاد ناامنی در منطقه، افزایش تسلط بیشتر بر کشورهای منطقه از طریق درگیر ساختن آنها با یکدیگر، فراهم‌نمودن شرایط تجزیه کشورهای اسلامی به کشورهای کوچک با قابلیت کنترل بیشتر، افزایش فروش محصولات نظامی بنگاه‌های تسلیحاتی غرب و مهم‌تر از همه، منحرف‌نمودن افکار عمومی جهان اسلام از مقابله با دشمنان اصلی و درنهایت تخریب امکانات و زیرساخت‌های حیاتی جهان اسلام و چپاول منابع کشورهای اسلامی و حتی‌المقدور حذف و تضعیف دین اسلام و جلوگیری از پیشرفت

مسلمین است (هدایتی، روزنامه کیهان، ۲۳ شهریور ۱۳۹۴).

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

توصیف آزمودنی‌ها

در این بخش به تشریح آمار توصیفی افراد پاسخ‌دهنده به پرسشنامه می‌پردازیم که به‌عنوان نمونه تعدادی از نتایج آماری مربوط به پاسخگویان و تجزیه و تحلیل‌ها، به شرح زیر است:

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تحصیلات: جامعه مورد تحقیق برحسب تحصیلات به ۳ گروه کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری تقسیم شدند که، ۷/۷ درصد جامعه مورد تحقیق دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۵/۶ درصد کارشناسی ارشد و ۶۶/۷ درصد دارای تحصیلات دکتری می‌باشند. براین اساس بیش از ۹۲ درصد جامعه مورد تحقیق دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری هستند که برای یک تحقیق علمی، مطلوب است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سازمان محل خدمت: ترکیب جامعه مورد تحقیق از نظر سازمان محل خدمت شامل ۶ گروه است که ۱۷/۹ درصد جامعه مورد تحقیق در دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۵/۴ درصد سازمان اطلاعات سپاه، ۱۵/۴ درصد مرکز مطالعاتی اندیشه‌سازان نور و ۱۵/۴ درصد دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، ۲۰/۵ درصد میز مطالعاتی پژوهشکده دفاعی و امنیتی و ۱۵/۴ درصد در دانشکده فرهنگی و اجتماعی خدمت می‌نمایند.

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سابقه خدمتی: افراد مورد پژوهش براساس سابقه خدمتی در ۴ گروه با سابقه خدمتی ۱ - ۵ سال، ۵ - ۱۰ سال، ۱۱ - ۱۵ سال و بیشتر از ۱۵ سال خدمت تقسیم شدند که سابقه خدمتی پاسخگویان ۲۳/۱ درصد کم‌تر از ۱ - ۵ سال، ۱۵/۴ درصد ۵ - ۱۰ سال، ۱۵/۴ درصد ۱۱ - ۱۵ سال، ۲۵/۶ درصد بیشتر از ۱۵ سال است. ۲۰/۵ درصد از افراد به این سؤال پاسخی نداده‌اند.

تحلیل داده‌ها

توزیع میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های مربوط به پرسش تحقیق «علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن»، دارای ۱۵ شاخص است که توزیع فراوانی آنها به شرح زیر است:

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال شانزدهم، شماره ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

جدول ۱: توزیع فراوانی شاخص‌های علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		شاخص‌ها
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳,۸۵	۲۳,۰۸	۹	۵۳,۸۵	۲۱	۱۰,۲۶	۴	۱۰,۲۶	۴	۲,۵۶	۱	جابه‌جایی قدرت و کنارزدن فرزندان شاه سابق از ساختار سیاسی عربستان؛ تسهیل برای تغییرات داخلی عربستان و جانشینی محمد بن سلمان
۴,۱۸	۲۸,۲۱	۱۱	۶۱,۵۴	۲۴	۱۰,۲۶	۴	۰	۰	۰	۰	مانور قدرت و اثبات کارآمدی نسل دوم شاهزادگان سعودی
۴,۳۳	۴۳,۶	۱۷	۴۸,۷	۱۹	۵,۱	۲	۲,۶	۱	۰	۰	تسهیل در دسترسی عربستان به آب‌های خلیج عدن و تسلط بر باب‌المندب
۴,۵۶	۵۶,۴	۲۲	۴۳,۶	۱۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	استیصال عربستان در مقابل جبهه مقاومت و رسیدن گفتمان مقاومت به یک منزلت هژمونیک در سطح منطقه
۴,۶۹	۶۹,۲	۲۷	۳۰,۸	۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	واکنش عربستان به تحولات داخلی یمن باتوجه به اهمیت جغرافیایی و موقعیت راهبردی یمن برای عربستان
۴,۱۸	۳۰,۸	۱۲	۵۹,۰	۲۳	۷,۷	۳	۲,۶	۱	۰	۰	جبران خسارت جنگ‌ها (نیابتی) و سیاست‌های شکست‌خورده قبیله آل سعود
۳,۰۳	۰	۰	۲۳,۱	۹	۵۹,۰	۲۳	۱۵,۴	۶	۲,۶	۱	ایجاد روحیه سلحشوری مبتنی بر حس ناسیونالیستی به شهروندان عربستان
۳,۶۹	۱۵,۴	۶	۴۳,۶	۱۷	۳۵,۹	۱۴	۵,۱	۲	۰	۰	ایجاد ائتلاف موسوم به اسلامی و نه عربی (با دعوت از پاکستان و ترکیه) جهت ایجاد چالش برای ایران از طریق یمن
۴,۶۷	۶۶,۷	۲۶	۳۳,۳	۱۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	رقابت راهبردی عربستان با ایران و جلوگیری از نفوذ و دخالت ایران در یمن
۴,۶۹	۷۱,۸	۲۸	۲۵,۶	۱۰	۲,۶	۱	۰	۰	۰	۰	نگرانی از تشکیل دولت شیعه در شمال یمن و تأثیر آن بر جمعیت قابل‌توجه شیعه عربستان
۳,۷۷	۱۵,۴	۶	۵۱,۳	۲۰	۲۸,۲	۱۱	۵,۱	۲	۰	۰	تقویت پایگاه و جایگاه وهابیت در یمن وحشت عربستان از توافق اروپا و آمریکا با ایران و تنه‌اماندن عربستان در منطقه
۳,۴۱	۲,۶	۱	۵۶,۴	۲۲	۲۰,۵	۸	۲۰,۵	۸	۰	۰	تحقق سیاست تفرقه بینداز و حکومت یکن در سرزمین‌های اسلامی توسط محور غربی-عبری
۳,۸۲	۱۵,۴	۶	۶۱,۵	۲۴	۱۲,۸	۵	۱۰,۳	۴	۰	۰	تلاش آمریکا برای ایجاد اجماع جهانی و یک ائتلاف برای ورود مستقیم یا غیرمستقیم به درگیری احتمالی ایران و عربستان
۴,۰۳	۲۸,۲	۱۱	۵۶,۴	۲۲	۵,۱	۲	۱۰,۳	۴	۰	۰	حفظ منافع غرب به‌ویژه آمریکا به‌لحاظ تسلط بر تنگه باب‌المندب و دریای سرخ و کشور یمن باتوجه به موقعیت راهبردی آن

علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن

عوامل مؤثر جنگ عربستان علیه یمن

براساس نظرات پاسخ‌دهندگان، میانگین مربوط به شاخص‌های علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن ۴/۰۵ است که این عدد از میانگین متوسط ۳ بالاتر است، همچنین میانگین تمامی شاخص‌ها از میانگین متوسط ۳ بالاتر است، یعنی از نظر پاسخگویان همه موارد به‌عنوان علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن مورد پذیرش می‌باشند.

بررسی فرض بهنجاری بودن داده‌ها

یکی از مفروضات به‌کارگیری آزمون‌های پارامتریک، بهنجاری بودن توزیع جامعه مورد نظر است، لذا قبل از به‌کارگیری هر نوع آزمونی، ابتدا باید توزیع جامعه مشخص شود تا بتوان آزمون‌های متناسب با شکل توزیع جامعه را به‌کار برد. با توجه به اینکه سؤالات در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، پس از جمع‌آوری، مشخصات یک متغیر فاصله‌ای را پیدا می‌نمایند، اما برای استفاده از آماره‌های پارامتریک، لازم است توزیع مقیاس از توزیع بهنجار تبعیت نماید. برای این منظور، معمولاً یکی از آزمون‌های نیکویی پرازش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای مقایسه توزیع نمرات هریک از مؤلفه‌های پنج‌گانه پژوهش با توزیع بهنجار استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون کولموگروف اسمیرنوف (تست نرمالیته)

تعداد	۳۹
میانگین	۴,۰۵
انحراف معیار	۰,۳۰۷
آمار Z	۰,۵۰۷
معنی‌داری دوسویه	۰,۹۵۹
علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن	

براساس داده‌های جدول فوق، معنی‌داری دوسویه مؤلفه ذکر شده، در همه موارد از معنی‌داری در سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر است ($P \leq 0/05$) و به این معناست که مقیاس‌ها دارای توزیع بهنجار (نرمال) هستند، لذا در این موارد ما مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتریک هستیم. لذا محقق برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، از آزمون t میانگین تک‌نمونه، به‌عنوان یکی از آزمون‌های پارامتریک استفاده نموده است.

آزمون تی تک‌نمونه‌ای: برای مشخص نمودن معنی‌داری پاسخ‌ها، از آزمون تی تک‌متغیره استفاده

شد که نتایج مربوط به پرسش‌های تحقیق آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است.
سؤال: علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن کدامند؟ به منظور بررسی سؤال فوق از آزمون تی تک‌نمونه استفاده شد که در ادامه آمده است:

جدول ۴: آزمون تی یک‌متغیره

مقدار آزمون $t = 3$								سؤال فرعی شماره یک
سطح اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین							
۰/۱۵	۰/۹۵	۱/۰۵	۰/۰۰	۳۸	۲۱/۳۴۱	۴/۰۵	۳۹	

نتایج جدول نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری مؤلفه علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن کم‌تر از میزان خطا ۰/۰۵ است و می‌توان به خروجی‌های آزمون اطمینان کرد.

نتیجه‌گیری

علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن: در میان ۱۵ شاخص علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن و براساس یافته‌های تحقیق که در جدول شماره ۲ فصل چهار منعکس شده است، شاخص‌های شماره ۵ «واکنش عربستان به تحولات داخلی یمن با توجه به اهمیت جغرافیایی و موقعیت راهبردی یمن برای عربستان» و شماره ۱۰ «نگرانی از تشکیل دولت شیعی در شمال یمن و تأثیر آن بر جمعیت قابل توجه شیعیان عربستان» به‌عنوان مهم‌ترین علل و عوامل شناخته شده‌اند و بالاترین امتیاز را دارا هستند و شاخص شماره ۷ «ایجاد روحیه سلحشوری مبتنی بر حس ناسیونالیستی به شهروندان عربستان» به‌عنوان کم‌ترین علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن از نظر پاسخ‌دهندگان بوده است. بنابراین، در پاسخ به سؤال تحقیق می‌توان پاسخ داد: همه شاخص‌های مربوط به علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن بیش‌ازحد متوسط می‌باشند. مقایسه میانگین‌های شاخص‌ها نشان می‌دهد که درخصوص علل و عوامل جنگ عربستان علیه یمن به ترتیب اولویت، مهم‌ترین عامل مربوط به شاخص: «۱. واکنش عربستان به تحولات داخلی یمن با توجه به اهمیت جغرافیایی و موقعیت راهبردی یمن برای عربستان، ۲. نگرانی از تشکیل دولت شیعه در شمال یمن و تأثیر آن بر جمعیت قابل توجه شیعه عربستان، ۳. رقابت راهبردی

عربستان با ایران و جلوگیری از نفوذ و دخالت ایران در یمن، ۴. استیصال عربستان در مقابل جبهه مقاومت و رسیدن گفتمان مقاومت به یک منزلت هژمونیک در سطح منطقه، ۵. تسهیل در دسترسی عربستان به آب‌های خلیج عدن و تسلط بر باب‌المنذب، ۶. مانور قدرت و اثبات کارآمدی نسل دوم شاهزادگان سعودی، ۷. جبران خسارت جنگ‌ها (نیابتی) و سیاست‌های شکست‌خورده قبلی آل‌سعود، ۸. حفظ منافع غرب به‌ویژه امریکا به‌لحاظ تسلط بر تنگه باب‌المنذب و دریای سرخ و کشور یمن باتوجه‌به موقعیت راهبردی آن، ۹. جابه‌جایی قدرت و کنارزدن فرزندان شاه سابق از ساختار سیاسی عربستان و تسهیل برای تغییرات داخلی عربستان و جانشینی محمدبن‌سلمان، ۱۰. تلاش امریکا برای ایجاد اجماع جهانی و یک ائتلاف برای ورود مستقیم یا غیرمستقیم به درگیری احتمالی ایران و عربستان، ۱۱. تحقق سیاست «تفرقه بینداز و حکومت بکن» در سرزمین‌های اسلامی توسط محور غربی - عربی، ۱۲. تقویت پایگاه و جایگاه وهابیت در یمن، ۱۳. ایجاد ائتلاف موسوم به اسلامی و نه عربی (با دعوت از پاکستان و ترکیه) جهت ایجاد چالش برای ایران از طریق یمن، ۱۴. وحشت عربستان از توافق اروپا و امریکا با ایران و تنهاماندن عربستان در منطقه، ۱۵. ایجاد روحیه سلحشوری مبتنی بر حس ناسیونالیستی به شهروندان عربستان» می‌باشند، لذا شواهد و قرائن معتبر طبق یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ریاض از این مسئله که دولتی شیعه و نزدیک به ایران در مجاورت مرزهای این کشور بر سرکار آید، خشنود نیست و آن را درعین‌حال که برهم‌زننده موازنه قدرت در منطقه می‌داند، تهدیدی برای صدور نفت خام این کشور از تنگه باب‌المنذب و دریای سرخ نیز محسوب می‌کند.

منابع

۱. ادیبی سده، مهدی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران: انتشارات سمت.
۲. اشرفی، جمال (۱۳۹۲)، *نگاهی به پیشنه جنبش اسلامی در یمن*، مطالعه موردی: التجمع الیمنی للإصلاح، *فصلنامه تخصصی پژوهش‌های منطقه‌ای*، شماره ۱۰.
۳. بوتول، گاسن (۱۳۵۰)، *تبعی در ستیزه‌جویی*، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش تنهایی، ج، ۱۳۶۳، *جامعه‌شناسی اسپنسر*، شیراز: انتشارات بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
۴. التیام‌نیا، رضا؛ باقری دولت‌آبادی، علی و نیک‌فر، جاسب (۱۳۹۵)، *بررسی زمینه‌ها و اهداف ملاحظات خارجی عربستان و امریکا*، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، شماره ۱۸.
۵. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۲)، *عربستان: نگاه به یمن*، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*،

شماره ۶۹ و ۷۰.

۶. رستمی، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، قدرت‌طلبی و آینده اقتصاد عربستان با تأکید بر جنگ یمن، فصلنامه خلیج فارس و امنیت، سال هجدهم، شماره ۱۶۸.

۷. رئیسی، محمد (۱۳۹۴)، جنبش انصارالله، تاریخ، عقاید، سیر تحول، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.

۸. صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶.

۹. فصلنامه فرهنگ و ادبیات انقلاب اسلامی تاریخ ثبت: ۱۲ بهمن ۱۳۹۴: ۱۹.

۱۰. فیروزکلائی، عبدالکریم (۱۳۹۴)، تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان به یمن، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۱۵.

۱۱. کاردان، عباس (۱۳۹۰)، نگاهی به فرایندها و جریان‌های اسلام‌گرا در یمن، ویژه‌بیداری اسلامی در خاورمیانه، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.

۱۲. گودوین، ویلیام ف. (۱۳۸۳)، عربستان سعودی، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: نشر ققنوس.

۱۳. هدایتی، احمدرضا (۱۳۹۴)، روزنامه کیهان، ۲۳ شهریور ۱۳۹۴.

1. Schmitz, Charles(2014), "YEMENS NATIONAL DIALOGUE", the middle east institute, www.mei.edu/content/yemens-national-dialogue

2. BBC(a) (2015), "YEMEN CONFLICT: IRANIAN BOAT "CARRYING WEAPONS" SEIZED", Available at: www.bbc.com/news/world-middle-east-34401246, Access date:8/3/2016

3. <http://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/goes/ym.html48>

۱. العالم (۱۳۹۵)، «آغاز مذاکرات صلح یمن در کویت»، قابل دسترسی در: <http://fa.alalam.ir/news/1810750>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱/۳.

۲. بی‌بی‌سی (۱۳۹۳)، قابل دسترسی در: www.bbc.com/persian، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱/۲۲

۳. جهان‌بین، سایت بصیرت <http://basirat.ir/fa/news/286346/> تاریخ دسترسی: ۳ بهمن ۱۳۹۴.

۴. حاج‌صمدی، محمدصادق (۱۳۹۴)، «مروری بر گذشته و حال جنوبی‌ترین کشور شبه‌جزیره عرب»، قابل دسترسی در: www.vatanemrooz.ir/newspaper/blockprint/138765.

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۳/۲.

۵. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۴)، «اهمیت راهبردی نظامی و اقتصادی تنگه باب‌المنده»، قابل دسترسی در: <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/07/18/883606>
۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، (۱۳۹۴)، «واکنش متناقض روسیه به رأی ممتنع این کشور به قطعنامه ضد یمنی شورای امنیت»، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/81574214>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱/۲۹.
۷. جوکار، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی نقش امریکا و عربستان در یمن»، قابل دسترسی در: www.iail.ir، اصل ممنوعیت توسل به زور
۸. سایت تبیان ۳۱ شهریور ۱۳۹۳ / <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/06/31/506361>
۹. سایت تحلیلی وهابیت، ۱۳۹۲/۸/۲۸ <http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/2375>
۱۰. <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=3821>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰.
۱۱. نیکو، حمید (۱۳۹۴)، «بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلام‌گرایی در یمن»، قابل دسترسی در: <http://www.iranemoaser.com/content440>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۲/۱۴.
۱۲. پنجشنبه، ۳ اسفند ۱۳۹۶ <http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/237551>
۱۳. چهارشنبه، ۲۸ مهر ۱۳۹۵ - <http://www.tabyincenter.ir/qadim/index.php/menu-examples/child57>
14. <http://www.afghanpaper.com>
15. <http://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/goes/ym.html>

Factors Influencing Saudi War against Yemen

Mahdi Nattaghpour¹

Mahdi Bozorgzadeh²

Ali Akbari³

Sayyed Fardin Rezaee⁴

ABSTRACT

Focusing on the factors influencing Saudi War against Yemen, this research aims at identifying the factors that affect Saudi Arabian war against Yemen. Using a descriptive-analytic method and a questionnaire, as research tool, the researchers collected data through survey method. To achieve the objectives of the research, 40 people including experts, specialists and professors were selected as the statistical sample. The questionnaire consists of 15 items based on the five-point scale containing individual information and measurement figures. The data acquired from the questionnaires were analyzed by SPSS software, descriptive and inferential statistics. Discussing the definition of the objectives and features of the war, the importance, the political structure, and the defense strategy of Saudi Arabia, the strategic situation, the political position of Zaidi movement, the emergence of changes in Yemen, and Saudi invasion of Yemen due to the unrest situation of the country and its effective factors were explained in this research. In response to the main research question about the effective factors influencing Saudi war against Yemen, the researchers found out that the most important factors include Saudi's reaction to the internal developments in Yemen due to the geographic and strategic position of Yemen, Saudi's concern about the establishment of a Shi'a government in the North of Yemen and its influence in the substantial Shiite population in Saudi Arabia, the strategic competition of Saudi Arabia with Iran and its attempt to prevent Iran's influence in Yemen, and Saudi's harassment in dealing with the resistance front and the transformation of resistance discourse into a hegemonic status in the region.

KeyWords: war; Saudi Arabia; Yemen

1 - Faculty Member of Imam Hussein Comprehensive University

2 - Faculty Member of Imam Hussein Comprehensive University

3 - Master of strategic studies

4 - Master of strategic studies of Imam Hussein Comprehensive University

Social Cleavages and Iraq National Security in Post-occupation Era

Fariborz Arghavani Pirsalami¹

Sayyed Javad Salehi²

Marzieh Abedi³

ABSTRACT

This research is intended to investigate the dilemma and the cleavage in the national security of modern Iraq (Post-Saddam era) in the context of its sociological ground. The Iraqi society has become just like a mosaic of social cleavages suppressed in the era of the Sunni-Ba'ath regime in the process of unification. After the occupation of Iraq in 2003, an encouraging situation was created which helped the gaps to expand more. As a result of the accumulation of social forces around these gaps. As the main domestic actors, these groups gained power to express themselves. This reflected in great ethnic and religious violence which resulted in the lack of a strong central government for the country. This research is aimed at exploring how the sociological foundations of Iraq have affected the failure of national security in the new era (after occupation). The research reviews the hypothesis that social cleavages, as the central feature of sociological institutes, have become more in-depth by the shift in the balance of existing identities from power centers. It has resulted in more security challenges due to their Incompatibility. Based on the theoretical approach of community security and following a descriptive-explanatory method, this research concludes that the Sunni groups, among the main Shiite, Sunni, and Kurdish activists, demonstrate a much higher incentive to get involved in violence due to their feelings of insecurity of their identity and power. On the other hand, due to an identity link between the Iraqi local actors and the ethnic-oriented governments of the Middle East, the internal conflicts has changed into inter-state clashes; therefore, it has made it more difficult to manage Iraq's national security.

KeyWords: national security; Iraq; social cleavage; community security; identity.

1 - Assistant professor of international relations and faculty member of Shiraz University
farghavani@shirazu.ac.ir

2 - Assistant professor of political science at Shiraz University

3 - Master's degree in political science at Shiraz University

A Dissection of the Threats with Emphasis on the Concept of National Security

Mahdi Zarvandi¹

Maryam Yari²

ABSTRACT

Countries experience has revealed that consideration of the emergence of threats and the processes of its expansion is a vital necessity for the realization of national, regional, and international arenas for all countries. Moreover, scrutinizing the threats is regarded as the first stage of crisis management and national security planning. Decision makers and political managers can employ some types of social and economic planning to reduce parts of the threats and risks. Yet, they may face new types of security threats. This can be attributed to the principle of transformability and changes in the type of threats. For example, the first and second plans of Iran's economic development led to an increase in production and economic growth, and promoted the consumption of per capita and GDP; yet, the country faced the emergence of new forms of security threats. This research is intended to explain how a phenomenon changes into a security problem. It aims at dissecting the threats faced by societies and to explain the process of how they extend from an ordinary phenomenon to a security challenge. The research follows descriptive method for data collection of library resources, and employs elite method and analysis in dealing with the diagnosing threats. The community involves all documents, evidences and information contained in this section.

KeyWords: national security; national interests; pathology of national security; national objectives; national security threats.

1 - Assistant professor of Imam Hussein Comprehensive University

2 - Researcher in international relations studies

Identifying and Investigating Effective Factors Increasing Students' Shooting Skill in a Military University

Reza Shahgholian Ghahfarokhi1

ABSTRACT

Due to the importance of shooting in Islam, especially for the military forces of all countries as well as the Islamic Republic of Iran, this research is intended to identify and investigate effective factors which increase students' shooting skill in a military university. Regarding the subject and the method of answering the research question emphasizing on the factors that increase the skills of shooting of students of a military university, this research follows a descriptive-empirical method for investigation. This research uses applied-survey and documentary-library method as well as note taking and internet resources and field study by distributing questionnaires for data collection. Quantitative method is used for data analysis. Total population sampling method is used for this research. The questionnaire was distributed among 22, shooting experts and all of them were recollected and were analyzed. The results were analyzed by the SPSS software. The results indicated that eight factors influenced the increase of shooting skills which were ranked according to their average as follows: 1) facilities and equipment, 2) individual characteristics, 3) instructors and trainers, 4) textbooks, 5) types of training and their qualities, 6) psychological factors, 7) environmental factors, and 8) physical strength.

KeyWords: shooting; factors affecting shooting skills; shooting principles; students

1 - Instructor and researcher at Imam Hussein University of Officer

**An Investigation of Factors Affecting the Promotion of Insight of
the Commanders of Sepah in Fighting against Soft War
(Case Study: Khatam-al-Anbia Headquarters)**

Mohammad Javad Sobhanifar¹
Mohammad Reza Abbasi²

ABSTRACT

This research is aimed at investigating factors affecting the promotion of the insight of the commanders of Sepah in fighting against soft war. Using a descriptive-analytic method, this applied research follows library and field studies for collecting data. While conducting theoretical studies and field observations, the researchers attempted to take an effective step to achieve the goal of research and to provide an answer to the question of how the effective the factors are, and to explain their impact on promoting the insight of the IRGC commanders in fighting against soft war. Hence, having conducted theoretical studies and field surveys at the construction headquarters of Khatam-al-Anbia, the components and factors contributing to the promotion of the level of insight of the commanders of the IRGC in fighting soft war were identified, and the conceptual model of the research was designed. Finally, the factors were classified in a questionnaire consisting of 22 closed questions to receive the opinion of the population of the statistical sample. The questionnaire was distributed among 28 experts in the community of total population sampling. Having collected the questionnaires and having analyzed the opinions of the sample group, the researchers analyzed the data using statistical techniques and methods ending in an answer to the research question. Three components of the affirmative and preventive factors of promoting the insight of commanders' were identified in 22 factors. In terms of their average priority, their impact as effective factors in promoting the level of insight of the commanders of the Revolutionary Guards in fighting soft war was explained.

KeyWords: insight; soft warfare; affirmative factors of gaining insight; preventive factors of gaining insight; the characteristics of the IRGC commanders.

1 - Faculty member of Imam Hussein Comprehensive University

2 - Master's student of defense management at Imam Hussein University

A New Reinvestigation of the Role of the “Shohadaye Sepah” Special Brigade in the Operation of Liberating Piranshahr - Sardasht Region in 1982

Kazem Fekri Rad¹

Hussein Bagheri²

Mohammad Reza Hedayati³

ABSTRACT

This Research is intended to explain the role of the Shohadaye Sepah Special Brigade in the operation of liberating Piranshahr-Sardasht Region in 1982. In other words, identifying the role of the commanders, headquarters and the battalions of the brigade, the importance and features of the operational field, and the interaction and association of the special type of Shohadaye Sepah Special Brigade with military and security forces and local people in the region are explained in this paper. This research follows a descriptive-analytical method and employs combined method for data collection (documentary, library and field method). Qualitative data analysis of the research is conducted by interpretation of the experts from the data as well as statistical analysis of the interviews with the specialists. The results of operation of Piranshahr-Sardasht, included the security of 97 kilometers of border roads between the two cities, the liberation of 157 villages as well as the people in the region which had been under the occupation of the forces of the global arrogance for four years. The research results indicated that the special brigade of the Revolutionary Guard, containing 3 fighting battalions and a mechanized battalion, has played a great role in the battle as a major contributor.

KeyWords: Shohadaye Sepah Special Brigade; operations; Piranshahr- Sardasht road; Piranshahr-Sardasht operation.

1 - Master's student of defense management, Faculty of International Studies, Imam Hussein University
fekri.rad39@gmail.com

2 - Assistant professor at Faculty of International Studies, Imam Hussein University
bagherimotahar96@gmail.com

3 - Assistant Professor of the Piambar a'azam Research Center, Imam Hussein University
rhed201250@chmail.ir

ABSTRACTS

Contents

Title	Author	Page
A New Reinvestigation of the Role of the “Shohadaye Sepah” Special Brigade in the Operation of Liberating Piranshahr - Sardasht Region in 1982	Kazem Fekri Rad, Hussein Bagheri, Mohammad Reza Hedayati	1
An Investigation of Factors Affecting the Promotion of Insight of the Commanders of Sepah in Fighting against Soft War (Case Study: Khatam-al-Anbia Headquarters)	Mohammad Javad Sobhanifar, Mohammad Reza Abbasi	2
Identifying and Investigating Effective Factors Increasing Students’ Shooting Skill in a Military University	Reza Shahgholian Ghahfarokhi	3
A Dissection of the Threats with Emphasis on the Concept of National Security	Mahdi Zarvandi, Maryam Yari	4
Social Cleavages and Iraq National Security in Post-occupation Era	Fariborz Arghavani Pirsalami, Sayyed Javad Salehi, Marzieh Abedi	5
Factors Influencing Saudi War against Yemen	Mahdi Nattaghpour, Mahdi Bozorgzadeh, Ali Akbari, Sayyed Fardin Rezaee	6

Management and Defense Research Quarterly
Promotional Science Journal
Volume 16, No. 85, Autumn & Winter 2017 - 2018

Publisher: Imam Hussein Comprehensive University

Director-in-charge: Dr. Bahram Hussein Motlagh

Editor-in-chief: Dr. Mohammad Bagher Babaei Talatappeh

Executive director: Hassan Ahmadi

Editor: Abulfazl Saeedi, PhD

Translator: Ghasem Ghanbari, PhD

Editorial Board

Mohammad Bagher Babaei, PhD. Associate professor at Imam Hussein University

Mohammad Biglari, PhD. Assistant professor at Imam Hussein University

Mohammad Reza Khorashadizadeh, PhD. Assistant professor at National Defense University

Mohammad Javad Sobhanifar, PhD. Associate professor at Imam Hussein University

Abbas Ali Salmani, PhD. Assistant professor at Imam Hussein University

Sayyed Mahmoud Reza Shams Doulatabadi, PhD. Assistant professor at National Defense University

Esmail Kavooosi, PhD. Professor at Islamic Azad University

Ghadir Nezami, PhD. Assistant professor at National Defense University

Examiner & Advisory Board

Mohammad Bagher Babaei, Behzad Ghasemi, Hosein Hoseini, Ahmad Zarean, Sayyed Mahmoud Shams Dolat Abadi, Mohammad Mobini, Ahmad Gholampour, Mohsen Nozarian, Mohammad Javad Sobhanifar, Hasan Bayat, Abasali Salmani, Mohammad Biglari, Mojtaba Eskandari, Siavash Nosrat Panah, Ahmad Baseri, Mohammadreza Besharati, Mahdi Nazemi Ardakani, Hojjatollah Moradi, Hamidreza Ghorayshi, Abolfazl Pasban, Akbar Mohammadali Zadeh, Mahdi Zarvandi, Gholamreza Alamedi, Hosein Bagheri, Hasan Rastegar Panah, Hasan Aboutalebi.

Address: Faculty of Command and Velayat Management, Imam Hussein Comprehensive University. Shahid Babaei Highway, Tehran, Iran.

Tel: +9821-73828270

<http://mdrj.ihu.ac.ir>

E-maile: mdrj@ihu.ac.ir

Lithography, Printing and Binding: Sepah Printing Center